

روایت سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر اسبق اقتصاد از ۱۲ ماه تلاش دولت سیزدهم برای سامان بخشیدن به خرابی‌های اقتصاد ایران
رئییسی کشور را در بدترین اوضاع اقتصادی تحویل گرفت

سیدجواد ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی:
بزودی جشن خودکفایی در گندم و برنج و خوداتکایی در روغن را خواهیم گرفت

علیرضا پیمان پاک، رئیس سازمان توسعه تجارت:
تمام تلاشمان را می‌کنیم تا به هدف ۷۰ میلیارد دلاری رئیس‌جمهور برسیم



دولت سیزدهم طی یکسال گذشته ضمن آواربرداری از اقتصاد ملی ظرفیت‌های تعطیل شده اقتصادی را فعال کرد

احیای اقتصادی



SHAHIN

محصول جدید گروه خودروسازی سایپا



عبور از تاریکی

اقتصاد ایران روزهای سختی را می‌گذراند. کارشناسان می‌گویند این روزهای سخت ناشی از عملکرد ۲ هزار و ۹۲۰ روز عملکرد نامطلوب دولت قبل‌تر از دولت سیزدهم است که به او به ارث رسیده است. نقدینگی ۸ برابری، توقف خانه‌سازی در ۹۶ ماه گذشته، انفعال در فروش نفت، توقف پروژه‌های نفتی، متوقف کردن ارتباط با همسایگان و نگاه برجامی به اقتصاد ایران و دهها مورد دیگر از جمله میراث دولت قبل است که ناخواسته به تیم اقتصادی آیت‌الله رئیسی به ارث رسیده است. رسیدن به شرایط عادی کمی سخت است اما دولت سیزدهم از همان ابتدا تغییرات را آغاز کرده است. فروش نفت از حدود ۳۰۰ هزار بشکه در هفته‌های پایانی دولت دوازدهم به بالای یک میلیون بشکه، منفی شدن رشد نقدینگی بعد از سال‌ها، رسیدن حجم تجارت خارجی به بالای ۱۰۱ میلیارد دلار، حذف ارز رانتی ۴۲۰۰ تومانی و کنترل و مدیریت نقدینگی و پایه پولی و دهها مورد دیگر، تنها قسمت‌های کوچکی از اقداماتی است که در طول ۱۲ ماه اخیر اتفاق افتاده است. اگر چه برخی از اقتصاددانان مخالف دولت سیزدهم ادعان دارند آنچه در ۳۶۵ روز گذشته در اقتصاد ایران رخ داده با قبل قابل مقایسه نیست، اما برخی دیگر نیز که از انصاف خارج شده‌اند، معتقدند اگر تحولی رخ داده پس نتیجه آن کجا است؟! به راستی آیا آنان نمی‌دانند خرابی‌هایی که در ۹۶ ماه کمر اقتصاد ایران را شکسته است، نمی‌تواند تنها در ۱۲ ماه ترمیم شود؟ گروه اقتصادی روزنامه ایران در ویژه‌نامه‌ای که هم‌اکنون در اختیار شما است، به بررسی بخشی از ویرانی‌های اقتصاد ایران در سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ و بخشی از اقدامات دولت سیزدهم از نیمه دوم ۱۴۰۰ تاکنون پرداخته است. امید است با مطالعه این ویژه‌نامه بتوانیم بخشی از واقعیت‌های اقتصادی کشور را در حدود ۱۰۰ ماه اخیر مورد کنکاش قرار دهیم.

فهرست

<p>نگاهی به برخی از آمار و ارقام در این گزارش تأیید می‌کند بودجه با روی کار آمدن دولت سیزدهم به ریل اصلی برگشته است</p> <h3>جهش درآمدها، کاهش هزینه‌ها</h3> <p>۵</p>		<p>اولین کارنامه دولت سیزدهم در رشد اقتصادی؛</p> <h3>اقتصاد ایران بزرگ‌تر شد</h3> <p>۲</p>	
<p>نرخ تورم در دولت سیزدهم ۱۸ درصد کم شد</p> <h3>مهار تورم از اتاق کنترل بازار پول</h3> <p>۲۲</p>		<p>در ۳۶۵ روز اخیر تمام رکوردهای ۲۰ ساله مالیات ستانی شکسته شد</p> <h3>ضد تحریم!</h3> <p>۱۷</p>	
<p>وزیر جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با «ایران»:</p> <h3>بزودی جشن خودکفایی در گندم و برنج و خوداتکایی در روغن را خواهیم گرفت</h3> <p>۳۲</p>		<p>روایت وزیر اسبق اقتصاد از ۱۲ ماه تلاش دولت سیزدهم برای سامان بخشیدن به خرابی‌های اقتصاد ایران</p> <h3>رئییسی کشور را در بدترین اوضاع اقتصادی تحویل گرفت</h3> <p>۲۵</p>	
<p>علیرضا پیمان پاک، رئیس سازمان توسعه تجارت در گفت‌وگو با «ایران»:</p> <h3>تمام تلاشمان را می‌کنیم تا به وعده ۷۰ میلیارد دلاری رئیس‌جمهور برسیم</h3> <p>۵۰</p>		<p>هنوز هیچ تحریمی لغو و یا کاهش نیافته اما صادرات نفت ۴۵ درصد افزایش یافته است</p> <h3>پاس طلایی دولت به خودکفایی در تولید گندم</h3> <p>۴۰</p>	
<p>چرا در تابستان ۱۴۰۱ با اینکه رکورد تقاضای مصرف شکست اما برق مردم نرفت؟</p> <h3>ایست به خاموشی‌های ۲ ساله</h3> <p>۶۳</p>		<p>«ایران» اولویت آبی دولت سیزدهم و اقدامات یک سال اخیر در جهت تحقق این هدف را بررسی می‌کند</p> <h3>خداحافظی شهرها و روستاهای ایران با تنش آبی</h3> <p>۶۸</p>	
<p>با بازگشت ایران به صحنه رقابت‌های منطقه‌ای، رکورد جذب بار عبوری در کشور شکست</p> <h3>عبور ترانزیت از خط توقف</h3> <p>۸۰</p>			

ایران

ویژه‌نامه «اقتصادی» هفته دولت

صاحب‌امتیاز

سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی

سردبیر

کمیل نقی‌پور

معاون سردبیر

محمد ملاعلی اکبری

دبیر ویژه‌نامه

مهدی مهرپور

دبیر اجرایی تحریریه

مهدی کلهرنژاد

همکاران تحریریه

سیاوش رضایی، علی شریفی نیستانی، مجید میرزاحیدری، عطیه لپاف، سهیلا یادگاری، امین محمودی، نفیسه امامی، حدیث حدادی، مرجان اسلامی‌فر، سعید رشیدی، علی قاسمی، علی پیرولی، سوسن صادقی، میترا جلیلی، مرتضی عبدالحسینی، مهدی کاشی‌پزها، علی مرزبان، حمیدرضا جوانبخت و علی‌اصغر رحمان‌نژاد

صفحه‌آرایی

حجت حکیمی (دبیر)، مهدی بخشی

تصحیح

محسن جانی‌پور

عکس

ابوالفضل نسایی (مدیر)، رضا معطرپیان، سجاد صفری، علی محمدی، علیرضا صوت‌اکبر

آرشیو

ابراهیم حیدری، شیدا میروهابی و زینب نجفی

ادیت عکس

محمد آقارزی و سید جواد شریفی

نشانی

تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸

صندوق پستی ۵۵۳۸-۱۵۸۷۵ - تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ -

نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ - لیتوگرافی، چاپ و صحافی



اولین کارنامه دولت سیزدهم در رشد اقتصادی؛

اقتصاد ایران بزرگ‌تر شد

در حالی که متوسط رشد اقتصادی در دهه ۹۰ به نزدیک صفر یعنی ۰/۳ درصد رسیده بود، در ۴ سال اخیر متوسط رشد تشکیل سرمایه منفی بوده، یعنی تشکیل سرمایه حتی نتوانسته جبران‌کننده استهلاک سرمایه باشد. با تمام این مشکلات دولت اتخاذ راهبرد «رشد آفرینی غیر توری» با استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصاد ملی، توسعه تجارت خارجی، رعایت انضباط مالی، حذف رانت و ایجاد شفافیت و جلوگیری از هدر رفت منابع و رعایت عدالت بین احاد جامعه و در پهنه سرزمین در دستور کار قرار گرفت. یکی از اقدامات مؤثر دولت سیزدهم که در افزایش تولید ناخالص داخلی کشور تأثیر زیادی داشت، گسترش واکسیناسیون و مهار بحران کرونا در مدت کوتاهی بود. مهار کرونا باعث شد تا کسب و کارها و حتی واحدهای صنعتی با ظرفیت بیشتری به کار بپردازند و تأثیر خود را بر رشد اقتصادی بگذارند. هرچند نتایج این سیاست‌ها و اقدامات بر افزایش ظرفیت تولید زمان‌بر است، اما آمارهای رسمی نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی به سمت جلو حرکت می‌کند. براساس گزارش مرکز آمار، روند بهبود تولید ناخالص داخلی در شش‌ماهه نخست ۱۴۰۰ به ۵.۹ درصد رسیده است. دولت از یکسو هزینه‌های خود را مدیریت کرده و از سوی دیگر زمینه فعالیت بخش خصوصی را افزایش داده، به طوری که در شش ماه اول سال در حالی که رشد مصرف بخش دولتی ۵.۱ درصد بوده رشد مصرف بخش خصوصی به بیش از ۱۲ رسیده است. موضوعی که نشان‌دهنده بهبود رکود اقتصادی حاکم بر کشور است.

با سال ۱۳۹۹ با رشد ۴/۱ درصد، معادل ۱/۸ درصد بیشتر رشد کرده است. در زیرگروه صنایع و معادن بدون نفت نیز شاهد عملکرد بهتری نسبت به سال قبل از آن هستیم. در سال ۱۳۹۹ رشد این زیرگروه ۳/۳ درصد بوده که در سال ۱۴۰۰ به ۴/۱ درصد افزایش یافته است.

در زیرگروه صنایع و معادن، استخراج نفت و گاز هم رشد قابل توجهی داشته و از ۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۹/۷ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در این سال بخش صنعت کشور نیز رونق بیشتری داشته است. در حالی که در سال ۱۳۹۹ این بخش ۱/۸ درصد رشد داشته است در سال گذشته این رشد به ۳/۱ درصد افزایش یافته است. اما بخش ساختمان در سال گذشته با افت همراه بوده است به طوری که در این سال رشد این بخش ۳/۹ درصد بوده در حالی که در سال ۱۳۹۹ شاهد رشد ۶/۳ درصدی بخش ساختمان بوده‌ایم. در فصل زمستان سال گذشته نیز رشد این بخش منفی شده و به منفی ۳/۴ درصد رسیده است. در گروه خدمات نیز پس از پشت سر گذاشتن نسبی پاندمی کرونا و بازگشایی کسب و کارها این گروه رشد قابل توجهی داشته است. بدین ترتیب در حالی که گروه خدمات در سال ۱۳۹۹ منفی ۱/۳ درصد رشد داشته در سال گذشته این نرخ به ۴/۵ درصد رسیده است.

این روند در زیرگروه‌های خدمات نیز قابل مشاهده است. برای مثال در زیربخش عمده و خرده فروشی و هتل و رستوران در حالی که در سال ۱۳۹۹ این بخش ۴/۱ درصد عقبگرد داشته است در سال گذشته با رشد ۳/۶ درصدی همراه شده است. در زیرگروه حمل و نقل و انبارداری نیز رشد یک درصدی سال ۱۳۹۹ به ۴/۹ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است.

ایران، در سال گذشته نرخ رشد اقتصادی ایران به ۴/۳ درصد رسید که این نرخ برای اقتصاد بدون نفت ۳/۵ درصد محاسبه شده است. بدین ترتیب اقتصاد کشور در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۹ برابر با ۳/۳ درصد رشد کرده است. در خصوص اقتصاد غیرنفتی نیز شاهد رشد قابل توجهی هستیم. نرخ رشد اقتصاد بدون نفت در سال ۱۳۹۹ تنها ۳ دهم درصد بوده که در سال گذشته به ۳/۵ درصد افزایش یافته و براین اساس، در این بخش نیز اقتصاد ۳/۲ درصد بزرگ‌تر شده است.

بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در سال ۱۴۰۰، به رقم ۷۵۶۹ هزار میلیارد ریال با نفت و ۶۵۱۱ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده است، در حالی که رقم مذکور در سال گذشته با نفت ۷۲۵۴ هزار میلیارد ریال و بدون نفت ۶ هزار و ۲۸۹ هزار میلیارد ریال بوده که نشان از رشد ۴/۳ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۳/۵ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۴۰۰ دارد.

تنها گروه کشاورزی عقب ماند

در سال گذشته و براساس آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، از میان گروه‌های اصلی تنها کشاورزی با رشد منفی مواجه بوده و سایر گروه‌ها رشد مثبتی را تجربه کرده‌اند. در این سال رشد گروه کشاورزی منفی ۳/۷ درصد بوده که نسبت به سال ۱۳۹۹ که رشد این گروه ۳/۵ درصد بوده افت قابل توجهی داشته است. اما در گروه صنایع و معادن، نزدیک به ۲ درصد رشد بیشتری نسبت به سال ۱۳۹۹ داشته‌ایم. در این سال رشد این گروه ۶ درصد محاسبه شده است که در مقایسه

بر اساس نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰ به رقم ۳ هزار و ۶۶۰ هزار میلیارد ریال با نفت و ۳ هزار و ۱۳۶ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسید. در حالی که رقم مذکور در مدت مشابه سال قبل با نفت ۳ هزار و ۴۵۶ هزار میلیارد ریال و بدون نفت ۳ هزار و ۱۲ هزار میلیارد ریال بوده که نشان از رشد ۵/۹ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۴/۱ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰ دارد. نتایج محاسبات حاکی از آن است که رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی منفی ۴/۳ درصد، گروه صنایع و معادن ۹/۵ درصد و فعالیت‌های گروه خدمات ۴/۸ درصد نسبت به شش ماهه اول سال ۱۳۹۹ رشد داشت.

اقتصاد ایران ۳/۳ درصد بزرگ‌تر شد

با تداوم روند مثبت اقتصاد، در کل سال ۱۴۰۰ اقتصاد ایران ۳/۳ درصد بزرگ‌تر شد. اقتصاد ایران در سال‌های گذشته نوسان زیادی را تجربه کرده است، در سال ۱۳۹۱ با رشد منفی ۸/۶ درصد مواجه بود و در سال‌های بعد اندکی توانست این رشد منفی را جبران کند، اما در سال ۱۳۹۴ دوباره رشد اقتصاد ایران صفر شد تا اینکه در سال ۱۳۹۵ رشد دو رقمی ۱۴/۲ درصد را ثبت کرد. در حالی که در سال ۱۳۹۶ همچنان رشد اقتصاد کشور با ۴/۸ درصد مثبت باقی ماند، ولی از سال ۱۳۹۷ وارد یک سرشاری شد به طوری که در این سال اقتصاد ایران ۴/۷ درصد کوچک‌تر شد. در سال ۱۳۹۸ نیز رشد منفی ۴/۲ درصد فشار بیشتری به اقتصاد وارد کرد و در نهایت در سال ۱۳۹۹ توانست پس از چند سال رشد اندک یک درصدی را تجربه کند. اما براساس تازه‌ترین گزارش مرکز آمار

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

دست است. بدون شک در صورت تداوم محدودیت‌های موجود در اقتصاد ایران، ادامه روند رشد مثبت اقتصادی با موانع زیادی مواجه خواهد شد.

جزئیات عملکرد اقتصاد در سالی که گذشت

در سال گذشته، پیرو گسترش واکسیناسیون عمومی و ابتکار کسب‌وکارهای خدماتی در انتقال سرویس‌هایشان روی اینترنت و ادامه فعالیت به شکل غیرحضوری، در سه‌ماهه چهارم سال ۱۴۰۰ بخش خدمات رشدی ۷ درصدی از خود بر جای گذاشت. به دنبال این رشد قابل توجه، رشد بخش خدمات در کل سال ۱۴۰۰ به ۶٫۵ درصد رسید. رشد چشمگیر بخش خدمات بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی سال ۱۴۰۰ برجای گذاشته است، به طوری که ۳۶ درصد از رشد ۴٫۴ درصدی سال ۱۴۰۰ مربوط به بخش خدمات است. در سال گذشته، گروه خدمات «فعالیت مربوط به تأمین جا و غذا» با ۲۸٫۲ درصد، «فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی» با ۱۵٫۸ درصد و «بهداشت و مددکاری اجتماعی» با ۱۵٫۴ درصد بیشترین نرخ رشد را به ثبت رساندند.

گروه نفت دومین بخش اقتصادی است که بیشترین تأثیر را در رشد اقتصادی سال ۱۴۰۰ بر جای گذاشته است. براساس گزارش بانک مرکزی، با وجود رشد محدود ۰٫۲ درصدی گروه نفت در سه‌ماهه چهارم سال گذشته، به دلیل رشد بیش از ۳۶ درصدی این بخش در سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰، در مجموع گروه نفت در سال گذشته رشدی ۱۰٫۱ درصدی را تجربه کرده است که نشان از افزایش سطح تولید و صادرات و نفت‌خام، گاز طبیعی و میعانات گازی دارد. این رشد قابل توجه باعث شده ۰٫۸ درصد از رشد ۴٫۴ درصدی سال ۱۴۰۰ به دلیل رشد گروه نفت تحقق پیدا کرده باشد. گروه صنایع و معادن نیز عملکرد اقتصادی قابل توجهی را از خود بر جای گذاشت. در سه‌ماهه چهارم سال ۱۴۰۰ گروه صنایع و معادن رشدی ۵٫۵ درصدی را تجربه کرد. تمام زیرگروه‌های این بخش نیز شاهد افزایش سطح فعالیت‌هایشان بودند. بر این اساس، گروه ساختمان با ۱۱٫۹ درصد، صنعت با ۴٫۱ درصد و آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه بیشترین رشد را در این گروه به ثبت رساندند. با این حال رشد اقتصادی گروه صنایع و معادن در سال ۱۴۰۰ به ۱٫۱ درصد رسیده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که ۰٫۳ درصد از رشد ۴٫۴ درصدی اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۰ مربوط به رشد گروه صنایع و معادن است.

سهم استانی رشد اقتصادی

در بودجه ۱۴۰۱ برای نخستین بار استان‌ها به طور مستقیم درگیر بودجه بوده و نقش مهمی برای آنها تعریف شده است. با مبنای قرار گرفتن آمایش سرزمین در تدریج نخستین لایحه بودجه دولت سیزدهم، تمرکززدایی و توسعه متوازن نیز در دستور کار قرار گرفته است. بدین ترتیب برای سال آینده و در قالب سند مالی دولت، سهم و نقش هر استان برای دستیابی به اهداف کلان، مشخص شده است تا با قراردادن تکه‌های پازل استانی در نهایت رشد اقتصادی ۸ درصدی برای کشور حاصل شود.



است که عمدتاً به دلیل خشکسالی‌ها رقم خورده است. در گروه صنایع و معادن نیز شاهد رشد ۲ درصدی در فصل زمستان سال گذشته هستیم. گروه خدمات نیز در این فصل ۳٫۴ درصد رشد داشته است.

روایت بانک مرکزی از رشد اقتصاد

بانک مرکزی نیز در گزارش خود رشد اقتصادی سال ۱۴۰۰ را ۴٫۴ درصد اعلام کرد. همانگونه که اشاره شد، مرکز آمار این شاخص را ۴٫۳ اعلام کرده بود. این در حالی است که سال ۹۹ نیز اقتصاد ایران شاهد رشد ۴٫۱ درصدی بود و برای دومین سال متوالی رشد اقتصادی مثبت شد. رشد اقتصادی بدون احتساب نفت نیز به ۳٫۹ درصد رسید. براساس این گزارش، حجم اقتصاد ایران براساس سال پایه ۹۵، به بیش از ۱۴۵۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. این عدد بدون احتساب نفت به ۱۳۴۱ هزار میلیارد تومان می‌رسد. گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد بخش خدمات با رشد ۷ درصدی بیشترین تأثیر را در رشد اقتصادی کشور بر جای گذاشته است.

بهبود قابل ملاحظه عملکرد بخش خدمات در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد به دنبال گسترش واکسیناسیون عمومی و استفاده بخش خصوصی از روش‌های غیرحضوری ارائه خدمات، تبعات منفی بحران کرونا بر حوزه خدمات تا حد زیادی مرتفع شده است. رشد ۱۰٫۱ درصدی بخش نفت و گاز نیز عمدتاً به دنبال افزایش قابل توجه تولید و صادرات نفت خام، گاز طبیعی و میعانات گازی نسبت به سال قبل است. به نظر می‌رسد علت اصلی تداوم رشد اقتصادی مثبت در سال گذشته، پایان نسبی بحران کرونا و افزایش تولید و صادرات نفت است. به همین دلیل تداوم رشد اقتصادی مثبت مستلزم تداوم گشایش‌های اقتصادی از این

رشد اقتصادی ایران در سال گذشته ۴٫۷ درصد بود. بانک جهانی عامل رشد ۴٫۷ درصدی اقتصاد ایران در سال گذشته را واکسیناسیون کرونا اعلام کرده و نوشته است: کاهش محدودیت‌ها به علت گسترش سریع واکسیناسیون در سال گذشته (۱۴۰۰) منجر به توسعه شدید بخش خدمات - محرک اصلی رشد غیرنفتی - شد و پس از گذشت بیش از دو سال از همه‌گیری کووید-۱۹، وضعیت در حال بازگشت به حالت عادی است

تصویر فصل زمستان اقتصاد ایران

در آخرین فصل سال گذشته نیز نرخ رشد اقتصادی کشور به ۲٫۳ درصد رسیده است که این نرخ برای اقتصاد بدون نفت ایران ۲٫۶ درصد بوده است که در مجموع عملکرد اقتصاد ایران در سال گذشته حاکی از رشد قابل توجهی است.

در این فصل رشد گروه کشاورزی هرچند نسبت به فصول قبل بهبود یافته است، اما همچنان منفی است به طوری که رشد این بخش منفی ۲٫۳ درصد اعلام شده

براساس قانون برنامه ششم توسعه، سالانه تحقق رشد ۸ درصدی در اقتصاد پیش بینی شد اما در طول سال‌های برنامه، میانگین رشد اقتصادی کشور منفی بود و کیک اقتصاد کوچکتر از سال ۹۰ با احتساب قیمت ثابت قرار گرفت.

در لایحه بودجه ۱۴۰۱ رشد اقتصادی هشت درصدی هدفگذاری شده که برای تحقق آن به غیر از منابع طرح‌های عمرانی ۱۷۵ هزار میلیارد تومان در قالب صندوق پیشرفت و عدالت دیده شده است. در هر استان طرح‌هایی برای تحقق رشد اقتصادی بر مبنای سند آمایش سرزمین دیده شده و سهم هر استان در تحقق رشد اقتصادی هشت درصدی مشخص شده است.

بر این اساس استان بوشهر با رشد ۱۰/۲ درصد، در صدر و بعد از آن استان‌های خوزستان با رشد ۱۰ درصدی و ایلام با رشد ۹/۶ درصدی قرار گرفته است. رشد اقتصادی استان تهران ۷/۱ درصد هدفگذاری شده است.

رتبه چهارم از نظر میزان رشد اقتصادی به استان اردبیل اختصاص دارد که برای آن رشد ۸/۹ درصدی در نظر گرفته شده است. پس از آن استان یزد با ۸/۸ درصد و استان کهگیلویه و بویراحمد با رشد ۸/۶ درصدی دیده می‌شود. همچنین استان‌های زنجان و سمنان هر یک با رشد ۸/۵ درصدی، نقش خود را در رشد اقتصادی سال آینده بازی می‌کنند.

در سال آینده رشد استان قزوین هم ۸/۲ درصد برآورد شده است. در لایحه بودجه سال آینده، سه استان شامل کردستان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان دارای نرخ رشد ۸ درصدی خواهند بود.

در طیف نرخ رشد ۷ درصدی، ۱۷ استان دیده می‌شود. استان گیلان با رشد ۷/۹ درصدی در صدر این استان‌ها نشسته است و پس از آن کرمان با ۷/۷ درصد، آذربایجان شرقی با ۷/۶ درصد و استان‌های مازندران و فارس هر یک با رشد ۷/۵ درصدی قرار گرفته‌اند. در این سال استان چهارمحال و بختیاری، البرز و قم هر یک باید رشد ۷/۴ درصدی را تجربه کنند. برای آذربایجان غربی و گلستان نیز رشد ۷/۳ درصدی و همدان، مرکزی و خراسان رضوی هر یک رشد ۷/۲ درصدی در نظر گرفته شده است. همانگونه که اشاره شد، استان تهران رشد ۷/۱ درصدی خواهد داشت. پس از آن سه استان کرمانشاه، خراسان شمالی و اصفهان ۷ درصد رشد خواهند داشت. در انتهای این جدول نیز دو استان لرستان و هرمزگان مشاهده می‌شود. به طوری که برای لرستان رشد ۶/۹ درصدی و برای هرمزگان رشد ۶/۵ درصدی پیش‌بینی شده است.

تأییدیه بانک جهانی بر رشد اقتصاد ایران

در حالی که مراجع داخلی مانند مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از رشد اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ گزارش داده‌اند، بانک جهانی هم به‌عنوان یک مرجع رسمی بین‌المللی چشم‌انداز روشنی از اقتصاد ایران حتی در صورت تداوم تحریم‌ها پیش‌بینی کرد. بانک جهانی در گزارش جدیدی که منتشر کرده به بررسی وضعیت شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۲ میلادی (۱۴۰۱) پرداخته است و با بررسی چشم‌انداز

۲/۴ درصدی پیدا کند و رشد مصرف بخش دولتی نیز به ۳/۶ درصد برسد. نرخ تشکیل سرمایه که از شاخص‌های مهم اقتصادی به حساب می‌آید نیز با رشد ۳/۷ درصدی در سال جاری میلادی مواجه می‌شود و به معادل ۳۳/۳ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید. ارزش پس‌اندازهای ملی نیز به معادل ۳۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد. این گزارش همچنین انتظار دارد صادرات کالا و خدمات ایران در سال ۲۰۲۰ رشد ۴/۹ درصدی داشته باشد و واردات نیز رشد کمتری یعنی ۴/۴ درصد را تجربه کند.

بهبود وضعیت مالی دولت ایران در سال ۲۰۲۲

بانک جهانی در ادامه گزارش خود از بهبود وضعیت مالی دولت ایران در سال ۲۰۲۲ خبر داده و پیش‌بینی کرده است که کل درآمدهای دولت ایران طی این سال به معادل ۱۱/۶ درصد تولید ناخالص داخلی برسد. در سال پیش از آن درآمدهای دولت معادل ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی اعلام شده بود.

درآمدهای مالیاتی دولت طی سال ۲۰۲۲ به معادل ۶/۴ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد که نشان از رشد محسوس نسبت به سال قبل دارد. در سال ۲۰۲۱ درآمد مالیاتی دولت معادل ۶/۱ درصد تولید ناخالص داخلی اعلام شده بود.

رشد درآمدهای دولت ایران در حالی است که هزینه‌های دولت طی این سال نسبت به تولید ناخالص داخلی افزایش نخواهد یافت و همانند سال قبل معادل ۱۶/۳ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود.

بر این اساس تراز مالی دولت ایران نیز بهبود خواهد یافت و در حالی که طی سال ۲۰۲۱ معادل منفی ۵/۳ درصد تولید ناخالص داخلی بود این رقم در سال جاری به معادل منفی ۴/۷ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید.

تراز حساب‌های جاری ایران نیز طی امسال به معادل ۴/۱ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد که حکایت از افزایش ۱ واحد درصدی نسبت به سال قبل دارد. در سال قبل تراز حساب‌های جاری ایران معادل ۳/۱ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده بود.

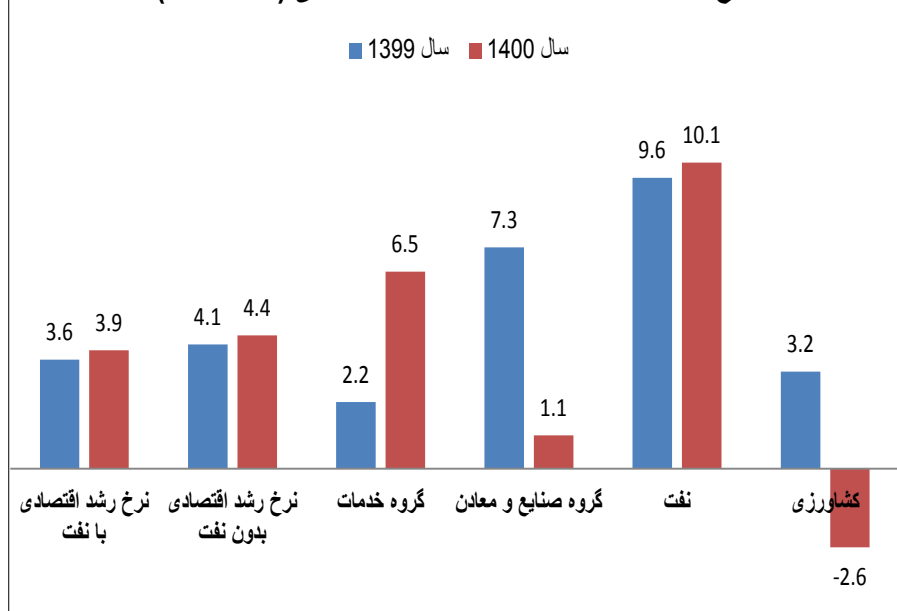
شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در این سال پیش‌بینی کرد با وجود حفظ تحریم‌ها، رشد اقتصادی ایران در این سال به ۳.۳ درصد برسد و تراز حساب‌های جاری ایران مثبت ۴.۱ درصد تولید ناخالص داخلی شود. این نهاد بین‌المللی بدون فرض احیای توافق هسته‌ای و با تداوم تحریم‌ها پیش‌بینی کرده است همه شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۲ با رشد مثبت همراه باشند.

بر اساس این گزارش، اقتصاد ایران در سال جاری میلادی رشد ۳/۳ درصدی را تجربه خواهد کرد. رشد اقتصادی ایران در سال گذشته ۴/۷ درصد بود. بانک جهانی عامل رشد ۴/۷ درصدی اقتصاد ایران در سال گذشته را واکسیناسیون کرونا اعلام کرده و نوشته است: کاهش محدودیت‌ها به علت گسترش سریع واکسیناسیون در سال گذشته (۱۴۰۰) منجر به توسعه شدید بخش خدمات - محرک اصلی رشد غیرنفتی - شد و پس از گذشت بیش از دو سال از همه‌گیری کووید-۱۹، وضعیت در حال بازگشت به حالت عادی است. این در حالی بود که ایران یکی از اولین کشورهای است که شیوع گسترده بیماری را داشت و به شدت تحت تأثیر شش موج کرونا قرار گرفت. با واکسیناسیون عمومی، توسعه کسب‌وکارها و بخش خدمات بهبود یافت و مصرف بخش خصوصی افزایش پیدا کرد.

در حالی که مصرف بخش خصوصی و دولتی به دو علت تورم و کرونا طی سه سال قبل از آن بیش از ۱۰ درصد منفی شده بود رشد بخش غیرنفتی اقتصاد ایران در این سال ۲/۱ درصد پیش‌بینی شده است. بخش نفتی اقتصاد ایران نیز طی این سال با رشد ۲/۹ درصدی مواجه خواهد شد. بانک جهانی پیش‌بینی کرده است تولید نفت ایران طی سال ۲۰۲۲ با رشد ۵/۵ درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شود.

بر اساس گزارش بانک جهانی، بخش صنعت رشد ۱/۶ درصدی در سال ۲۰۲۲ خواهد داشت و رشد بخش خدمات به ۳/۱ درصد می‌رسد. اما در این گزارش، آمار از رشد بخش کشاورزی ایران درج نشده است. همچنین پیش‌بینی شده است مصرف بخش خصوصی در ایران طی امسال رشد

نرخ رشد اقتصادی به تفکیک گروه‌های اصلی (واحد درصد)





نگاهی به برخی از آمار و ارقام در این گزارش تأیید می‌کند بودجه با روی کار آمدن دولت سیزدهم به ریل اصلی برگشته است

جهش درآمدها، کاهش هزینه‌ها

در چهارماه نخست سال منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی ۴۸۱ درصد افزایش یافت

و تأمین هزینه‌های جاری خود از محل بورس نداشت. اعتبارات عمرانی و اشتغال در پایان سال ۱۴۰۰ رکورد تاریخی زد و به بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسید، تنها در شش ماه دوم اعتبار تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۶۳ درصد افزایش یافت.

مهم‌ترین ریشه تورم، رشد نقدینگی در اثر استقراض از بانک مرکزی بود؛ دولت سیزدهم زمانی روی کار آمد که در پنج ماه اول سال ۵۴ هزار میلیارد تومان تنخواه بانک مرکزی توسط دولت قبل هزینه شده بود؛ این تنخواه البته در پایان سال ۱۴۰۰ توسط دولت سیزدهم تسویه شد. دولت قبل در فروردین ۱۴۰۰ بیش از ۲۳ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی استقراض کرد که در اردیبهشت ۱۴۰۰ این رقم به ۳۹ هزار میلیارد تومان رسید. این درحالی است که در دو ماه ابتدایی سال ۱۴۰۱ دولت سیزدهم برای تأمین هزینه‌های خود حتی یک ریال از منابع بانک مرکزی استفاده نکرده است.

از سوی دیگر همزمان با بازپرداخت اصل و سود اوراق منتشر شده دولت قبل، میزان فروش و واگذاری اوراق مالی اسلامی در سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۲ درصد کاهش پیدا کرد که بیانگر افزایش سهم درآمدهای پایدار در تأمین هزینه‌های دولت است.

به غیر از بهبود شاخص‌های کلان بودجه یعنی کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی؛ کاهش انتشار اوراق؛ رکورد تاریخی تخصیص

دولت سیزدهم در شرایطی کار خود را آغاز کرد که بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی در وضعیت نامطلوبی قرار داشت، شاخص‌هایی که اغلب آنها در اثر ناترازی بودجه بخصوص سال آخر دولت دوازدهم ایجاد شده بود. این درحالی است که دولت سیزدهم می‌بایست در نیمه دوم سال گذشته همین بودجه را اجرا می‌کرد، بودجه‌ای که برای تأمین آن در چهارماهه نخست سال، ۵۴ هزار میلیارد تومان تنخواه از بانک مرکزی هزینه شده بود و در کنار آن انتشار میلیاردها تومان اوراق بدهی کلانی برای دولت جدید برجای گذاشته بود. در طول سال‌های گذشته با وجود صرف منابع کلان خروجی قابل قبولی به دست نیامده است، به طوری که در ۷ سال گذشته، ۲ هزار و ۷۰۰ هزار میلیارد تومان مصارف کشور بوده، اما خروجی مؤثری برای مردم نداشته است. در مجموع وقتی شاخص‌های کلان اقتصادی در چند سال گذشته را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که حتی عقب‌رفت داشته‌ایم، اقتصاد کوچک‌تر شده، نرخ رشد سرمایه‌گذاری به منفی چهار و شش دهم درصد تنزل پیدا کرده و رشد اقتصادی چهار دهم درصد بوده است.

بود و دولت سیزدهم باید ۵۳۵ هزار میلیارد تومان اوراق قبلی را باز پرداخت کند.

بر اساس اعلام سازمان برنامه و بودجه کشور، با اقدامات جهادی و برنامه‌ریزی‌های کارشناسی دولت سیزدهم، در شش ماه دوم سال ۱۴۰۰ نسبت به مدت مشابه سال قبل میزان منابع درآمدی دولت ۱۰۲ درصد افزایش یافت و با تمرکز بر احیای فروش نفت، میزان درآمدهای نفت و فرآورده‌های نفتی در این مدت یک هزار ۴۴۳ درصد رشد کرد.

دولت برای کمک به شرایط بازار سرمایه کمتر به سراغ فروش اوراق مالی رفت و درآمدها از این محل ۵ درصد کاهش پیدا کرد؛ به عبارت دیگر دولت نگاه درآمدی

خزانه‌ای خالی

مهم‌ترین معضلی که دولت در ابتدای آغاز به کار خود با آن مواجه بود، خزانه با موجودی منفی بود که حتی پرداخت حقوق را با اما و اگر مواجه کرده بود. در برابر مشکلات برای تأمین هزینه‌های جاری، اغلب طرح‌های عمرانی خوابیده بود. در مجموع بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان تخصیص بدون منابع در خزانه باقی مانده بود و دولت برای اداره کشور باید علاوه بر صرفجویی به فکر افزایش درآمد هم می‌بود.

در این میان انتشار سنگین اوراق مالی در دولت قبل عملاً موجب تعهد بازپرداخت بین ۱۰ تا ۱۲ هزار میلیارد تومان در ماه شده

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

بودجه عمرانی و عدم استقراض از بانک مرکزی، شاخص‌های کلان اقتصادی هم وضعیت مناسب‌تری دارند. میانگین رشد اقتصادی در دو دولت گذشته ۴ درصد یعنی در حدود صفر بوده و این رقم در دولت سیزدهم به مرز ۴ درصد رسیده است. در ۴ سال دولت قبل یعنی تشکیل سرمایه منفی بوده یعنی تشکیل سرمایه حتی نتوانسته جبران کننده استهلاک سرمایه باشد. از سوی دیگر در پایان دولت قبل مرگ روزانه ۷۰۰ نفر بر اثر کرونا موجب تعطیلی بسیاری از مشاغل شده بود به طوری که در سال ۱۳۹۹ نه تنها شغل جدیدی ایجاد نشد بلکه بیش از یک میلیون و ۲۱ هزار شغل هم از دست رفت. اما با تمرکز دولت سیزدهم بر ایجاد اشتغال از یک سو و کنترل کرونا با اجرای واکسیناسیون از سوی دیگر در سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۷۸ هزار شغل ایجاد شد که در اثر آن نرخ بیکاری از ۹.۶ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۹.۲ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش پیدا کرد.

مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی ۸۰ هزار میلیارد تومان کم شد

علاوه بر تسویه تنخواه بانک مرکزی در سال گذشته، خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی هم ۸۰۰ هزار میلیارد ریال کاهش پیدا کرد. در اثر انضباط بودجه‌ای و عدم استفاده از منابع بانک مرکزی، پایه پولی در شش ماهه دوم سال ۱۴۰۰ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳.۹ درصد کاهش پیدا کرد و نقدینگی هم در این مدت ۲ درصد کمتر شد تا در مجموع سطح عمومی قیمت‌ها ۷.۶ درصد کمتر شود.

این درحالی است که میزان نقدینگی در دوره هشت ساله قبل بیش از هشت برابر و تورم حدود ۵۰ درصدی به مردم تحمیل شده بود؛ البته همچنان سهم بی‌نظمی بانک‌ها از رشد نقدینگی بالا است که دولت و بانک مرکزی برای کاهش اضافه برداشت بانک‌ها هم در سال جاری برنامه مدونی دارند به طوری که اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در دو ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل تقریباً نصف شده است.

اگرچه اقدامات اساسی دولت در زمینه اصلاح روند تخصیص یارانه کالاهای اساسی از یک سو و افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی و نهاده‌های وارداتی در سطح جهان در ابتدای سال ۱۴۰۱ موجب رشد قیمت‌ها شده اما با انضباط دقیق بودجه‌ای و نظارت بهتر بر رفتار بانک‌ها به ریشه‌های اصلی ایجاد تورم کنترل خواهد شد.

فشار ناشی از یک دوره رکود طولانی و رشد اقتصادی نزدیک به صفر و تورم ۵۰ درصدی، کاهش سرمایه‌گذاری، تأمین هزینه‌های جاری از طریق منابع بانک مرکزی و چاپ پول؛ کاهش اشتغال و متغیرهای دیگر قطعاً زندگی مردم را تحت تأثیر منفی قرار داده اما روند شاخص‌های کلان اقتصادی و شاخص‌های بودجه نشان می‌دهد دولت در مسیر حل این مشکلات حرکت می‌کند. اگرچه هیچ اقتصاددان و یا کارشناسی انتظار حل معضلات تلنبار

دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ بالاترین رشد سالانه پرداخت‌های عمرانی در دو دهه اخیر را ثبت کرد. بر همین اساس، پرداخت‌های عمرانی در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۱۳۶ هزار میلیارد تومان رسید که ۷۶ درصد بیشتر از رقم سال ۱۳۹۹ بود. افزایش ۷۶ درصدی پرداخت‌های عمرانی در یک سال، در ۲۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است

جدی به این آسیب‌ها است. همچنین، دو موضوع تحریم‌ها و کرونا و اثرات مخرب آنها بر اقتصاد کشور به عنوان منبع بخش زیادی از آسیب‌ها، چالش‌ها و مشکلات اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

کاهش رشد اقتصادی، کسری بودجه سنواتی و جبران آن از محل افزایش پایه پولی، کاهش ارزش پول ملی، افزایش مستمر نرخ ارز، نظام بودجه‌ریزی ناکارآمد، افزایش ضریب جینی و بیشتر شدن شکاف طبقاتی و سایر مسائل و مشکلات ریز و درشت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های اقتصاد کشور معرفی شده و برای رفع و جبران این آسیب‌ها رویکردهای بودجه ۱۴۰۱ در چهار محور «رشد اقتصادی با تمرکز بر ارتقای بهره‌وری»، «ثبات اقتصادی»، «عدالت محوری» و «تغییر ساختار بودجه و تأمین مالی اقتصاد» ارائه شده است.

رشد اقتصادی و افزایش آن پیوسته مورد تأکید دولت آیت‌الله رئیسی قرار داشته و در این بخشنامه نیز بر محوریت آن در بودجه ۱۴۰۱ تأکید شده است به طوری که براساس اعلام سازمان برنامه و بودجه با برنامه‌ریزی می‌توان به رشد اقتصادی ۸ درصدی دست یافت.

این درحالی است که رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۹ به قیمت پایه (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به سال قبل به ترتیب (با نفت) ۳.۶ درصد و (بدون نفت) ۲.۵ درصد بوده است. پیش‌بینی بانک جهانی نیز روند رشد اقتصادی تا سال ۲۰۲۴ را مثبت نشان می‌دهد. میزان رشد اقتصادی ایران برای سال‌های ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به ترتیب ۲.۱، ۲.۲ و ۲.۳ درصد است. بدین ترتیب با محور قرار گرفتن رشد اقتصادی در بودجه سال آینده انتظار می‌رود روند رو به افزایش رشد اقتصادی تداوم پیدا کند و به عدد مطلوب نزدیک شود. یکی از برنامه‌های دولت برای افزایش رشد اقتصادی کاهش ۱۵ درصدی مالیات بخش تولید تا سال ۱۴۰۴ است. مالیات بخشی از هزینه‌های تولید را شکل می‌دهد و کاهش ۱۵ درصدی آن کمک قابل توجهی به تولیدکنندگان است. با این حال به تنهایی برای رونق گرفتن تولید کافی نیست و ضروری است تدابیر مالیاتی با تلاش‌هایی برای بهبود فضای کسب و کار، افزایش بهره‌وری و مهم‌تر از همه کاهش هزینه‌های تولید از طریق کاهش و ثبات در بازار ارز همراه شود. همچنین، تکیه بر صادرات و درآمدهای ناشی از آن نیز در راستای جهت افزایش رشد اقتصادی از چشم دولت مردان دور نمانده است.

از سوی دیگر، رشد اقتصادی و رونق تولید در عرصه‌های مختلف اقتصاد کشور نیازمند پیش‌بینی‌پذیری بازارها و ثبات قیمت‌هاست. یکی از شاخص‌های اقتصاد کلان که می‌تواند این ثبات و پیش‌بینی‌پذیری را با تهدید مواجه کند کمیت و کیفیت نقدینگی است. دولت هم باید رشد نقدینگی را کنترل کند و هم تورم را کاهش دهد. هر دو این موارد به سیاست‌های ارزی وابسته است. با وجود اینکه در صورت رفع تحریم‌ها کنترل تورم و رشد نقدینگی بسیار آسان‌تر خواهد بود، اما اصلاح نظام بانکی، انضباط مالی و نظارت همه‌جانبه بانک مرکزی بر بانک‌ها

شده هشت ساله را کمتر از یکسال ندارد اما دولت در همین مدت اقدامات اساسی را برای حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی انجام داده است.

رکورد بودجه عمرانی در ۲ دهه اخیر شکسته شد

دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ بالاترین رشد سالانه پرداخت‌های عمرانی در دو دهه اخیر را ثبت کرد. بر همین اساس، پرداخت‌های عمرانی در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۱۳۶ هزار میلیارد تومان رسید که ۷۶ درصد بیشتر از رقم سال ۱۳۹۹ بود. افزایش ۷۶ درصدی پرداخت‌های عمرانی در یک سال، در ۲۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. این در حالی است که در هشت سال دولت قبل، طی ۲ سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۴ رشد سالانه پرداخت‌های عمرانی منفی شده بود. از سوی دیگر، متوسط سالانه پرداخت‌های عمرانی دولت گذشته ۴۱.۴ هزار میلیارد تومان و مجموع ۸ سال آن دولت، ۳۳۱ هزار میلیارد تومان بود. این درحالی است که عمده تخصیص بودجه عمرانی سال ۱۴۰۰ پس از روی کار آمدن دولت رئیسی انجام گرفت. در نهایت، در سال ۱۴۰۰ بیش از مجموع دو سال آخر دولت قبل، بودجه عمرانی پرداخت شد.

ویژگی‌های نخستین بودجه دولت سیزدهم

در مجموع نخستین بودجه دولت سیزدهم برای سال جاری دارای چهار ویژگی اصلی است که در بخشنامه بودجه ۱۴۰۱ نیز بر آنها تأکید شده است. بر همین اساس، در تدوین بودجه سال آینده چهار محور «رشد اقتصادی با تمرکز بر ارتقای بهره‌وری»، «ثبات اقتصادی»، «عدالت محوری» و «تغییر ساختار بودجه و تأمین مالی اقتصاد» مورد تأکید قرار گرفته است.

در بودجه امسال دولت پیش از پرداختن به این رویکردها تصویری آسیب‌شناسانه از وضعیت اقتصاد کلان کشور نشان داده شده که بیانگر تدوین بودجه سال آینده با توجه

نیز ضرورت‌هایی انکارناپذیر هستند. یکی از موضوع‌های مهم و مورد تأکید دولت جهت تدوین بودجه‌ای عدالت محور یارانه‌های پنهان و چگونگی توزیع آنها است. بر همین اساس اصلاح نظام یارانه‌ها بخصوص یارانه کالاهای اساسی، نهادهای کشاورزی، انرژی، بهداشت و درمان با جهت‌گیری شفافیت و حذف رانت، حمایت از تولید و عدالت در دستورکار قرار گرفت. دارایی‌های دولت و مولدسازی آنها نیز بخشی از برنامه اصلاح ساختار بودجه است. بر اساس گزارش‌های عملیات شناسایی دارایی‌های دولت در جریان است. برآورد می‌شود که تعداد کل املاک دولت به بیش از یک میلیون فقره به ارزش تقریبی ۱۸ هزار تریلیون تومان برسد.

بخشی قابل توجه از هزینه‌های جاری دولت مربوط به پرداخت حقوق و دستمزد کارمندان و کارکنانش است. هر ساله با توجه به تورم، درصدی مشخص به حقوق کارمندان اضافه می‌شود. با این حال تمامی کارمندان دولت از حقوق و دستمزد یکسانی برخوردار نیستند. در برخی موارد ممکن است بی‌عدالتی‌هایی در پرداختی‌ها صورت گیرد.

بر اساس بودجه امسال، رشد حقوق و دستمزد مبتنی بر عدالت، کاهش فاصله‌ها و عملکرد اشخاص تدوین می‌شود، به نحوی که منجر به کسری بودجه مزمین و فشار تورمی بر اقشار محروم نشود. همچنین، حداقل دریافتی برای اشخاص نیازمند و مستمری بگیران باید تأمین شود.

بهبود ۸۰ درصدی تراز کل بودجه ۱۴۰۱

با پشت سر گذاشتن تمام مشکلات و نارسایی‌هایی که در بودجه سال گذشته وجود داشت و دولت سیزدهم توانست، در پایان سال بودجه را تراز ببندد، نخستین بودجه تدوینی دولت سیزدهم برای سال جاری نیز با اصلاحات بسیاری راهی مجلس شد. این در شرایطی است که گزارش سازمان برنامه و بودجه از عملکرد چهارماهه نخست امسال بودجه نشان از بهبود بسیاری از شاخص‌های عملکردی بودجه ۱۴۰۱ است. به گونه‌ای که با تمرکز دولت بر انضباط مالی شاخص‌های کلان بودجه در ۴ ماهه نخست امسال روند رو به رشدی را تجربه کرد.

بررسی عملکرد چهار ماه بودجه از بهبود شاخص‌های کلان حکایت دارد؛ دولت با اتکا به درآمدهای پایدار توانسته انسجام بیشتری به نحوه دخل و خرج کشور ببخشد که این مهم می‌تواند منجر به بهبود سایر شاخص‌های کلان اقتصادی شود.

در سال ۱۴۰۰ و زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم بودجه با کسری ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی روبه‌رو بود؛ ۵۴ هزار میلیارد تومان تنخواه بانک مرکزی در هزینه‌های جاری صرف شده بود؛ ۶۰ هزار میلیارد تومان در خزانه بدون اعتبار مانده بود؛ به عبارت دیگر دولت قبل بر مبنای درآمدهای ناپایدار هزینه‌ها را افزایش داده بود و همین موضوع سبب تلنبار شدن مطالبات اقشار مختلف از جمله معلمان و بازنشستگان شده بود.

باروی کار آمدن دولت سیزدهم تمرکز بر افزایش درآمدها پایدار؛ حذف هزینه‌های غیرضرور و ممنوعیت استقراض از بانک مرکزی در دستور کار قرار گرفت و در اثر این

رویکرد پایان سال ۱۴۰۰ علاوه بر بازپرداخت مطالبات و تسویه تنخواه بانک مرکزی اعتبارات طرح‌های عمرانی و اشتغال هم به رقم تاریخی ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسید. همین رویکرد در سال ۱۴۰۱ با تمرکز بیشتری دنبال شد و بررسی گزارش عملکرد بودجه در چهار ماه نخست امسال نشان می‌دهد منابع درآمدی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶۳ درصد رشد پیدا کرد. با تلاش مسئولان بخش نفت در چهار ماه نخست سال منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی ۴۸۱ درصد افزایش پیدا کرده است.

در جهت چابک‌سازی دولت و فروش اموال مازاد واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۴۷۰ درصد و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول ۱۰۴ درصد در چهار ماهه نخست

هزار میلیارد تومان اصل و سود این اوراق را بازپرداخت می‌کند.

با این وجود و با اتکا به درآمدهای پایدار منابع حاصل از انتشار اوراق خزانه اسلامی در این مدت ۸۳ درصد کاهش پیدا کرده است. به عبارت دیگر دولت در چهار ماه نخست سال حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان اصل و سود اوراق قبل را تسویه کرده و کمتر از نصف این رقم اوراق جدید منتشر شده است.

منابع حاصل از انتشار اوراق جدید هم به احداث و تکمیل فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی، بازسازی و مقاوم‌سازی فضای فیزیکی فرسوده دانشگاه‌های وزارت علوم و جهاد دانشگاهی، احداث و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، مهار و تأمین آب کشور و تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی اختصاص یافته است.



امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشته است.

استفاده از تنخواه‌گردان خزانه و ظرفیت ماده ۱۲۵ بیش از ۳۶ درصد در این مدت کاهش پیدا کرده است، از سوی دیگر منابع درآمدی حاصل از استفاده از صندوق توسعه ملی در چهار ماه نخست سال گذشته شش هزار و ۳۳۷ میلیارد تومان بوده که این رقم در ۴ ماهه نخست سال جاری به صفر رسیده است.

بررسی گزارش عملکرد چهار ماهه بودجه کل کشور نشان می‌دهد تراز کل بودجه ۸۰ درصد بهبود پیدا کرده، به عبارت دیگر اگر رویکرد کنترل خلق پول توسط بانک‌ها ادامه پیدا کند با توجه به انضباط مالی دولت کاهش نقدینگی و نرخ تورم در ماه‌های پیش رو را شاهد خواهیم بود.

در چهار ماه نخست امسال با تمرکز بر بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی سود این شرکت‌ها ۱۲۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است. ۵۳۵ هزار میلیارد تومان رقم تعهدی است که دولت قبل با فروش اوراق ایجاد کرده و دولت سیزدهم هر ماه به‌طور میانگین ۱۱

بررسی گزارش عملکرد چهار ماهه بودجه کل کشور نشان می‌دهد تراز کل بودجه ۸۰ درصد بهبود پیدا کرده، به عبارت دیگر اگر رویکرد کنترل خلق پول توسط بانک‌ها ادامه پیدا کند با توجه به انضباط مالی دولت کاهش نقدینگی و نرخ تورم در ماه‌های پیش رو را شاهد خواهیم بود

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

بررسی کاهش سرعت رشد نقدینگی و پایه پولی در دولت سیزدهم نشانه انضباط پولی است

رشد پایه پولی، ۴ برابر کمتر از قبل

- رشد نقدینگی در بهار ۱۳۹۹ در حدود ۵/۸ درصد و در سال ۱۴۰۰ در یک رکورد تاریخی به ۶/۱ درصد رسیده که بالاترین رشد نقدینگی در فصل بهار در ۲ دهه اخیر بوده است. سرعت رشد نقدینگی اما در بهار ۱۴۰۱ به رقمی کمتر از سال ۱۳۹۹ رسیده و در حدود ۵/۵ درصد ثبت شده است
- بالاترین رشد نقدینگی در پاییز ۱۴۰۰ رقم خورده که دولت سیزدهم به تازگی کنترل امور را در دست خود گرفته بود

است و بی‌سابقه‌ترین رکوردها را به نام خود ثبت کرده است. این در حالی است که رشد اقتصادی تجمیعی طی دولت روحانی نه تنها صفر نبوده، بلکه پایین‌تر از آن است. مقایسه ارقام رشد نقدینگی و پایه پولی قبل و بعد از تحریم‌های امریکا (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که حتی قبل از آن هم میانگین رشد نقدینگی در اقتصاد در حدود ۲۲ درصد و میانگین رشد پایه پولی نیز ۱۷ درصد بوده که در سال‌های بعد از تحریم تشدید شده است. بنابراین بدون تحریم‌ها هم وضعیت پولی و مالی کشور بدون حساب و کتاب بوده و اقتصاد کشور از بی‌انضباطی مالی و بودجه‌ای برخوردار بوده است. در واقع دولت روحانی به دلیل عدم دستیابی به درآمدهای پیش‌بینی‌شده در فروش دارایی‌های سرمایه‌ای، دارایی‌های مالی، مولدسازی دارایی‌ها و همچنین درآمدهای مالیاتی طی چند سال اخیر موفق به پوشش هزینه‌های خود نشد. در مقابل برای اهداف انتخاباتی و جذب رضایت اقلشار مختلف مجبور به بودجه‌ریزی انبساطی، افزایش بدون پشتوانه حقوق‌های کارمندان و کارکنان خود کرد که بار اضافی بر دوش کسری بودجه در آن زمان بوده است. برای حل این موضوعات نیز به جای اصلاح امور اقتصادی داخلی به دنبال توافق با امریکا و تجارت با غرب بوده که این مهم قطعاً در اولویت بعد قرار داشته است. نتیجه این تصمیمات، احتیاج بیش از حد دولت روحانی به «چاپ پول» برای تأمین وعده‌ها و سوءمدیریت‌ها بوده که در این مسیر بانک مرکزی غیرمستقل کشور را نیز همراه خود کرده است. این روزها از نقدینگی ۵۱۰۰ هزار میلیارد تومانی و نرخ رشد بالای آن در دولت سیزدهم کم نشنیده‌اید. نقدینگی از متغیرهای بسیار مهم اقتصادی است که اگر نخواهیم یا نتوانیم نرخ بالای تورم را به کلی به آن نسبت دهیم، دست‌کم می‌توانیم بخشی از تورم را با اعداد و ارقام آن توضیح دهیم. بررسی آمارها نشان می‌دهد، به رغم اینکه دولت سیزدهم وارث بی‌قواره‌ترین آمارهای پولی در کشور بوده اما تلاش‌های مثبت و مؤثری در زمینه کنترل رشد آن صورت گرفته است که در ادامه میزان موفقیت و توفیق حاصل شده در این موارد را بررسی کرده‌ایم.

کنترل رشد نقدینگی زیر ۳۸ درصد بعد از دو سال

همان‌طور که گفته شد بر اساس آخرین آمارها، میزان رشد نقدینگی در پایان

آخرین گزارش بانک مرکزی از تحولات پولی کشور از کنترل سرعت پایه پولی و نقدینگی حکایت دارد و به آن دلیل که تورم معلول این دو متغیر بوده، کنترل رشد تورم نیز اتفاق افتاده و در آینده نیز می‌تواند ادامه پیدا کند. با وجود اجرای سیاست‌های اصلاحی در امور بارانه‌ها و شوک تورمی آن، آخرین آمار ارائه شده از سوی بانک مرکزی در خرداد ماه ۱۴۰۱ از امیدواری به آینده کل‌های پولی کشور حکایت دارد. با گذشت حدوداً یک سال از آغاز به کار دولت سیزدهم، سرعت رشد سالانه نقدینگی بعد از حدود دو سال پایین‌تر از ۳۸ درصد تثبیت شده و در ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ به ترتیب ۳۸/۲، ۳۷/۳ و ۳۷/۸ درصد بوده است. همچنین با وجود اینکه میزان پایه پولی در خرداد ماه متجاوز از ۶۴۰ هزار میلیارد تومان بوده اما این آمارها نشان می‌دهند که برای اولین بار است بعد از ۳۰ ماه رشد سالانه پایه پولی کمتر از ۳۰ درصد بوده است. در ۳۰ ماه اخیر میانگین رشد ماهانه پایه پولی ۲/۵ درصد بوده که رشد ماهانه خردادماه با منفی ۴ درصد چهار برابر کمتر از این مقدار بوده و نشان از کاهش سرعت رشد پایه پولی دارد. اگر متغیر نقدینگی را متأثر از دو متغیر؛ پایه پولی، ترازنامه بانک‌ها بدانیم، کنترل رشد پایه پولی و همبستگی آن با نقدینگی می‌تواند در آینده نه چندان دور اقتصاد ما را با کنترل یا حتی کاهش سرعت رشد نقدینگی همراه کند. همچنین اعمال سیاست‌های نظارتی و عملیات‌های انقباضی بانک مرکزی موجب جلوگیری از بسط بی‌رویه و بدون هدف ترازنامه بانک‌ها خواهد شد که ادامه آنها نیز تأیید می‌کند که خلق نقدینگی از درون سیستم بانکی نیز به اعداد قابل توجیحی خواهد رسید. در این گزارش پرونده پولی دولت سیزدهم در یک سال اخیر به صورت کامل بررسی شده و امید است روزی در چنین گزارشی از موفقیت در مهار متغیرهای پولی صحبت شود.

وارث بی‌قواره‌ترین آمارهای پولی

در میانی علم اقتصاد گفته می‌شود که دولت‌ها برای تحقق اهداف کوتاه‌مدت خود (این اهداف می‌تواند انتخاباتی و... باشد) و کسب درآمد، متکی به «مالیات تورمی» هستند که برای اجرای آن باید به «سیاست‌های پولی صلاح‌دید» اقدام کنند. در واقع دولت‌ها برای تأمین کسری بودجه خود باید از بانک مرکزی پول قرض بگیرند و بالاترین مقام پولی را برای اهداف کوتاه‌مدت خود مجبور به اجرای سیاست‌های صلاح‌یدی کنند. بخشی از کسری بودجه فعلی در کشور ما به دلیل تحریم‌ها بروز پیدا کرده، اما نمود اصلی آن را قطعاً در عملکرد مالی و پولی مسئولان باید جست. دولت حسن روحانی در زمان روی کار آمدن خود، در انتقاد از دولت قبل از خود، به درستی روی متغیر «نقدینگی» دست گذاشته بود و دولت نهم و دهم را بابت عدم کنترل نرخ رشد آن مؤاخذه می‌کرد. این دولت همچنین از بالا بودن «پایه پولی» که معنایی جز استقراض بدون پشتوانه دولت از بانک مرکزی را نداشت، صحبت می‌کرد و عامل اصلی بالا رفتن نقدینگی و تبدیل آن به تورم در دولت نهم و دهم را چرخه «پایه پولی - نقدینگی» معرفی می‌کرد. با وجود تحلیل‌های به ظاهر درست در عمل اما نتیجه متفاوتی رخ داد. دولت روحانی از ابتدای حضور خود در سال ۹۲ تا پایان مرداد ۱۴۰۰ نقدینگی را ۸ برابر و پایه پولی را هم ۵ برابر رشد داده

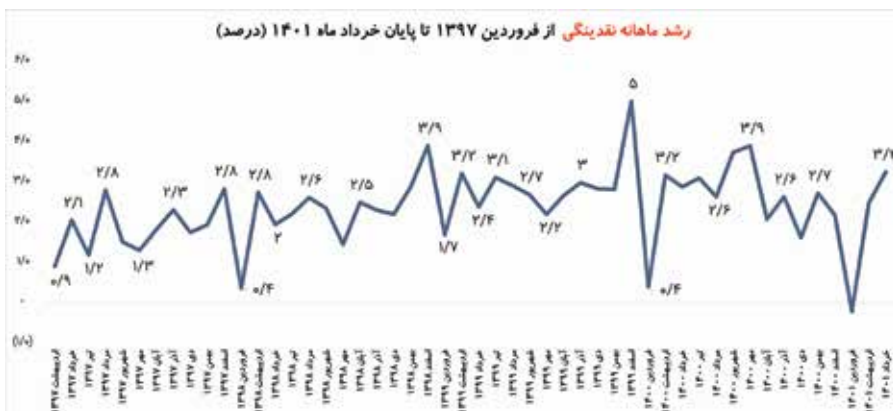
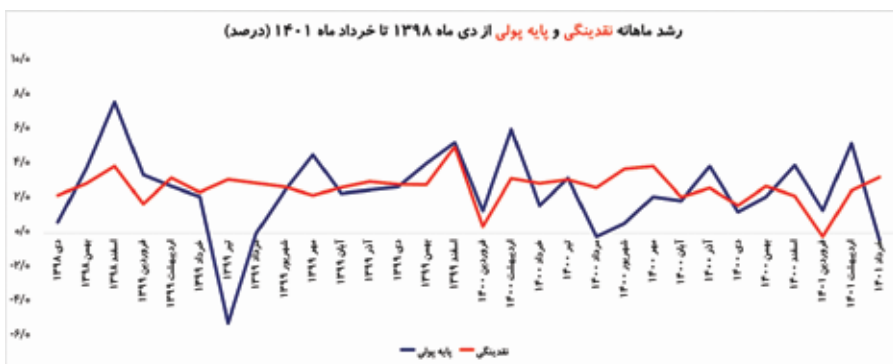
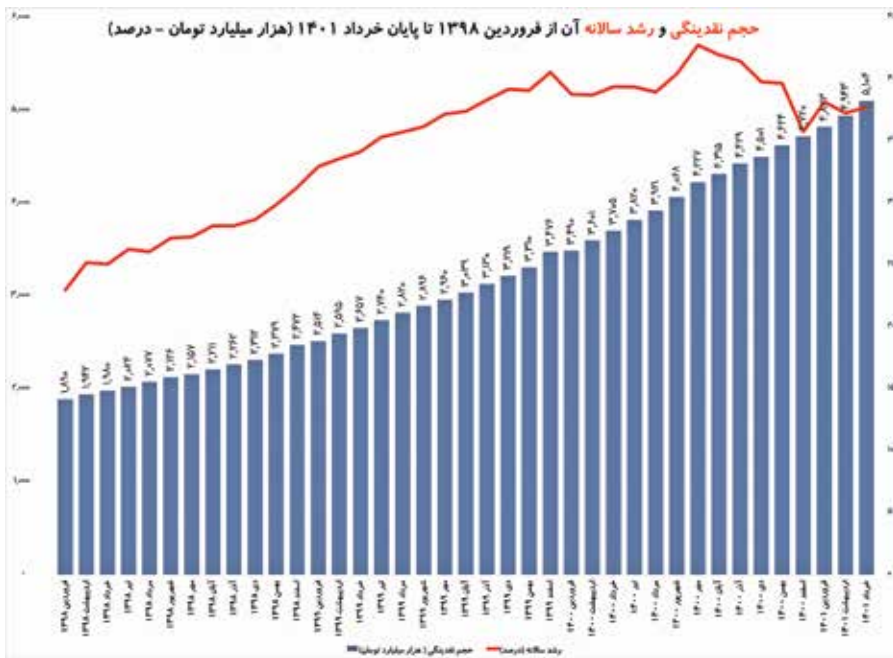
دولت روحانی از ابتدای حضور خود در سال ۹۲ تا پایان مرداد ۱۴۰۰ نقدینگی را ۸ برابر و پایه پولی را هم ۵ برابر رشد داده است و بی‌سابقه‌ترین رکوردها را به نام خود ثبت کرده است. این در حالی است که رشد اقتصادی تجمیعی طی دولت روحانی نه تنها صفر نبوده، بلکه پایین‌تر از آن است. مقایسه ارقام رشد نقدینگی و پایه پولی قبل و بعد از تحریم‌های امریکا (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که حتی قبل از آن هم میانگین رشد نقدینگی در اقتصاد در حدود ۲۲ درصد و میانگین رشد پایه پولی نیز ۱۷ درصد بوده که در سال‌های بعد از تحریم تشدید شده است

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



خردادماه ۱۴۰۱ در حدود ۵۱۰۰ هزار میلیارد تومان بوده که در مقایسه با نقدینگی خرداد ماه ۱۴۰۰ رشد ۳۷/۸ درصدی (رشد سالانه) و در مقایسه با اردیبهشت ۱۴۰۱ رشد ۳/۳ درصدی (رشد ماهانه) را نشان می‌دهد. بررسی‌ها از زاویه رشد سالانه نشان می‌دهد که از سال ۹۷ به بعد شاهد انفجار در خلق نقدینگی بوده‌ایم به طوری که رشد سالانه نقدینگی از ۲۳ درصد در سال ۹۷ به ۲۷ درصد در سال ۹۸، ۳۷ درصد در سال ۹۹ و در نهایت ۳۵/۸ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است که آمارهای جدید نشان می‌دهد به رغم امتداد رشد نقدینگی، سرعت رشد آن کاسته شده است. مقایسه آمار رشد نقدینگی در بهار هر سال نیز حاکی از افت رشد این متغیر در سال جاری است. براساس آمارهای اعلامی از سوی بانک مرکزی، رشد نقدینگی در بهار ۱۳۹۹ در حدود ۵/۸ درصد و در سال ۱۴۰۰ در یک رکورد تاریخی به ۶/۱ درصد رسیده که بالاترین رشد نقدینگی در فصل بهار در ۲ دهه اخیر بوده است. سرعت رشد نقدینگی اما در بهار ۱۴۰۱ به رقمی کمتر از سال ۱۳۹۹ رسیده و در حدود ۵/۵ درصد ثبت شده است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که بالاترین رشد نقدینگی در پاییز ۱۴۰۰ رقم خورده که دولت سیزدهم به تازگی کنترل امور را در دست خود گرفته بود. در سه ماهه پاییز ۱۴۰۰ رشد نقدینگی در حدود ۴/۷ درصد بوده و به صورت سالانه در مهر ۱۴۰۰ در حدود ۴۲/۸ درصد و در آبان و آذر ۱۴۰۰ به ترتیب ۴۲ و ۴۱/۵ درصد بوده است. حالا اما با گذشت حدوداً یک سال از آغاز به کار دولت سیزدهم، سرعت رشد سالانه نقدینگی با وجود اعمال سیاست‌های اصلاحی بعد از حدود دو سال پایین‌تر از ۳۸ درصد تثبیت شده و در ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ به ترتیب ۳۸/۲، ۳۷/۳ و ۳۷/۸ درصد بوده است. در همین مورد بانک مرکزی در آخرین توضیحات خود در مورد نقدینگی نیز اعلام کرده است: «حجم نقدینگی در پایان خردادماه سال ۱۴۰۱ (معادل ۵۱۰۴۹۶ هزار میلیارد ریال) نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ معادل ۵/۶ درصد افزایش یافته که در مقایسه با رشد متغیر یاد شده در دوره مشابه سال قبل (۶/۶ درصد) به میزان ۱/۰ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد. همچنین، نرخ رشد دوازده‌ماهه نقدینگی در خردادماه ۱۴۰۱ معادل ۳۷/۸ درصد بوده است. لازم به توضیح است که در حدود ۲/۵ واحد درصد از رشد نقدینگی در دوازده‌ماهه منتهی به پایان خردادماه سال ۱۴۰۱ مربوط به اضافه شدن اطلاعات خلاصه دفترکل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مهر اقتصاد به اطلاعات خلاصه دفترکل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک سپه (به واسطه ادغام بانک‌های متعلق به نیروهای مسلح در بانک سپه) می‌باشد و فاقد آثار پولی است. به عبارت دیگر در صورت تعدیل اثرات پوشش آماری مذکور، رشد نقدینگی در پایان خردادماه سال ۱۴۰۱ نسبت به پایان خردادماه سال ۱۴۰۰ معادل ۳۵/۳ درصد خواهد بود که در مقایسه با رقم مشابه سال قبل (۳۹/۴ درصد) به میزان ۴/۱ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد.» باید قبول کنیم که کاهش سرعت رشد نقدینگی که یکی از عوامل مهم تورم‌زا در اقتصاد کشور بوده، از مسیر کنترل آن می‌گذرد. چرا که نقدینگی در اصطلاح اقتصادی‌ها یک

است که نشان می‌دهد می‌توان به کنترل نقدینگی در افق بلندمدت نیز امیدوار بود. براساس اعداد و ارقام ثبت شده در ترازنامه بانک مرکزی رشد ماهانه نقدینگی در آخرین اطلاعات ارائه شده مربوط به خرداد ۱۴۰۱ تقریباً ۳/۳ درصد و در اردیبهشت و فروردین به ترتیب ۲/۵ و ۳/۳ درصد بوده است. این در حالی است که در فصل بهار ۱۴۰۰ سرعت رشد ماهانه نقدینگی در سه ماهه فروردین تا پایان خرداد به ترتیب ۰/۴، ۳/۲ و ۲/۹ درصد بوده است و باید در آمارهای بهار سال جاری اضافه شدن اطلاعات خلاصه دفترکل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مهر اقتصاد به اطلاعات خلاصه دفترکل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک سپه (به واسطه ادغام بانک‌های متعلق به نیروهای مسلح در بانک سپه) را نیز لحاظ کرد که فاقد آثار پولی بوده اما اعداد آن منعکس شده است. اگر عملکرد پولی دولت سیزدهم را از ابتدای شهریور ۱۴۰۰ در نظر بگیریم، میانگین رشد ماهانه نقدینگی در ۱۰ ماهی که پایان آن خرداد ۱۴۰۱ است ۲/۴ درصد بوده، این در حالی است که در ۱۰ ماه پایان دولت دوازدهم،

متغیر انباره بوده که آنچه در حال حاضر می‌بینیم نتیجه چندین دهه فعالیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی کشور است. نقدینگی در پاسخ به ۲ اتفاق خلق می‌شود و بعدتر در یک اثر چرخ دنده‌ای باعث خلق روزافزون خود می‌شود. اتفاق اول؛ افزایش استقراض دولت از بانک مرکزی یا همان ایجاد پایه پولی است که از کسری بودجه دولت نشأت می‌گیرد و در نهایت باعث افزایش نقدینگی می‌شود. دوم که اتفاقاً در سال‌های اخیر نقش پررنگ‌تری پیدا کرده، فعالیت‌های سیستم بانکی است که به صورت درونزا و بدون ضابطه اقدام به خلق پول می‌کنند. حالا وقتی از کاهش سرعت رشد نقدینگی صحبت می‌کنیم ابتدا باید از مسیر کنترل این متغیر راه را آغاز کنیم که اتفاقاً از همان ۲ مسیر که خلق می‌شود باید مهار شود. در ادامه به بررسی مهار شدن این متغیر مهم در دولت فعلی و ملزومات توفیق در مسیر آغاز شده می‌پردازیم.

کاهش ۱۲ برابری رشد ماهانه نقدینگی

بررسی رفتار و رشد متغیر نقدینگی به صورت ماهانه نیز حاوی نکات مهمی

میانگین رشد ماهانه نقدینگی در حدود ۳ درصد بوده است. در واقع در ۱۰ ماه ابتدایی دولت سیزدهم نقدینگی در هر ماه به طور متوسط ۲/۴ درصد افزایش پیدا کرده و در ۱۰ ماه پایانی دولت قبل این رقم ۳ درصد بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که سرعت رشد ماهانه نقدینگی در حدود یک سال اخیر، ۱/۲ برابر کاهش پیدا کرده که همین مسأله امیدوارکننده‌ای برای آمارهای جمعیتی و سالانه در آینده خواهد بود.

منفی شدن رشد پایه پولی بعد از ۱۵ سال

پایه پولی یا به عبارت رایج آن پول پرقدرت، پولی است که توسط بانک مرکزی و با اعتبار قدرت حکمرانی خلق می‌شود. منابع تأمین پایه پولی؛ خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و خالص سایر ارقام است. پول خلق شده از این راه به صورت اسکناس و مسکوک در شبکه بانکی یا در دست اشخاص یا سپرده‌های دیداری و قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی مصرف می‌شود. براساس آخرین ترانزنامه‌ای که بانک مرکزی در پایان خرداد ماه منتشر کرده، رشد پایه پولی در دوازده ماهه منتهی به خرداد ماه ۱۴۰۱ به ۲۷/۷ درصد رسیده و همچنین پایه پولی در پایان این ماه نسبت به پایان سال ۱۴۰۰، رشدی معادل ۶ درصد داشته است. با وجود اینکه میزان پایه پولی در خرداد ماه متجاوز از ۶۴۰ هزار میلیارد تومان بوده اما این آمارها نشان می‌دهند، برای اولین بار است که بعد از ۳۱ ماه رشد سالانه پایه پولی کمتر از ۳۰ درصد بوده است. تقریباً از ابتدای پاییز ۹۸ بود که به هم‌ریختگی کل‌های پولی آغاز شد و از همان موقع رشد سالانه پایه پولی در پایان هر ماه رقمی بین ۳۰ تا ۴۲ درصد بوده که بسیار بیشتر از میانگین تاریخی بوده است. متوسط رشد سالانه پایه پولی در دو ساله منتهی به مرداد ۱۴۰۰ که دولت دوازدهم روی کار بوده رقمی در حدود ۳۰ درصد بوده، در واقع در پایان هر ماه ۳۰ درصد به میزان پایه پولی در مقایسه با ماه مشابه سال قبل آن اضافه شده است. اما رقم پایه پولی در خرداد ماه و کنترل سرعت رشد آن مسأله امیدوارکننده‌ای به نظر می‌رسد. همچنین مقایسه ماهانه پایه پولی نشان می‌دهد که رشد پایه پولی برای پایان خرداد ماه سال جاری که در حدود منفی ۰/۴ درصد ثبت شده در ۳ سال اخیر بی‌سابقه بوده و تنها رشد ماهانه مرداد ۱۴۰۰ بوده که با منفی ۰/۲ درصد نزدیک به این مقدار بوده است. منفی شدن رشد ماهانه پولی اتفاق مبارکی است که آخرین بار بیش از ۱۵ سال پیش اتفاق افتاده بود. بانک مرکزی در آخرین گزارش مفصل خود از تحولات پولی کشور بر این موارد تأکید کرده است: «رشد دوازده ماهه پایه پولی با آغاز به کار دولت سیزدهم و متأثر از رویکرد انضباط‌گرایانه دولت و سیاست‌های پولی و نظارتی فعال بانک مرکزی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و از ۴۲/۶ درصد در پایان تیرماه ۱۴۰۰ به ۲۷/۸ درصد در پایان خرداد ماه سال ۱۴۰۱

رسیده است. همچنین حجم پایه پولی در پایان خردادماه نسبت به رقم پایان اردیبهشت (۲۸/۴ هزار میلیارد ریال) کاهش یافته و رشد ماهانه پایه پولی در خردادماه سال جاری منفی (معادل ۰/۴- درصد) بوده است. درخصوص عملکرد مالی دولت در سال جاری باید اذعان کرد که برخلاف رویه سه ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ که عمده تأمین مالی دولت با اتکای به منابع حساب تنخواه‌گردان خزانه و مبتنی بر ایجاد بدهی به بانک مرکزی صورت گرفته بود، پرداخت‌های دولت در سه ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۱ عمدتاً با اتکای منابع سپرده‌های خود بوده است.»

امیدواری به کاهش سرعت رشد نقدینگی

بی‌شک پایه پولی و متعاقباً خلق و رشد نقدینگی ناشی از آن مهم‌ترین عامل تورم مزمن در کشور بوده و به جرأت می‌توان عنوان کرد که میانگین تورم تاریخی کشور (حدود ۲۵ درصد) تماماً معلولی از دو متغیر مذکور بوده است. بنابراین کاهش آهنگ رشد سالانه و ماهانه پایه پولی می‌تواند مزیدی بر کاهش سرعت تورم نیز باشد. در ۳۰ ماه اخیر میانگین رشد ماهانه پایه پولی ۲/۵ درصد بوده که رشد ماهانه خرداد ماه با منفی ۰/۴ درصد چهار برابر کمتر از این مقدار بوده و نشان از کاهش سرعت رشد پایه پولی دارد. در آمارهای سالانه نیز رشد پایه پولی در یک ساله منتهی به خرداد ماه ۱۴۰۱ در حدود ۲۷/۷ درصد بوده که این رقم نیز پایین‌ترین رشد سالانه ثبت شده در ۳۰ ماه اخیر است. در مجموع کاهش سرعت رشد پایه پولی چه از حیث سالانه و چه ماهانه نکته امیدوارکننده‌ای است که بررسی جزئیات آن بیشتر می‌تواند به سیاست‌ها و پیش‌بینی‌های آتی کمک کند. قطع به یقین یکی از نتایج مثبت کنترل سرعت رشد پایه پولی، کنترل نقدینگی است اما باید به آثار نامتقارن تأثیر پایه پولی روی نقدینگی دقت کنیم، این دقت نشان می‌دهد که در بلندمدت سرعت رشد پایه پولی و نقدینگی همگرایی بالایی با هم دارند، همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌شود از بهمن ۱۳۹۹ به بعد نرخ رشد ماهانه پایه پولی و نقدینگی از الگوی مشابهی پیروی کرده و با هر بار کاهش رشد پایه پولی با کاهش رشد نقدینگی نیز همراه بوده‌ایم. از همین رو با کاهش پایه پولی در خرداد ۱۴۰۱ می‌توان به آینده میان‌مدت و بلندمدت نقدینگی نیز امیدوار بود.

اقدامات مهم بانک مرکزی در ماه‌های اخیر

بدون شک آمارهای امیدوارکننده پولی که آخرین آنها خرداد ماه امسال از سوی بانک مرکزی منتشر شده، منعکس‌کننده اقدامات مؤثر و سازنده این مقام پولی در بازار بانکی و بین بانکی بوده و امتداد آن می‌تواند بعد از ۴ سال رنگ آرامش به ارقام پولی بدهد. به صورت موردی می‌توان اقدامات بانک مرکزی را بر شمرده؛ ۱. بر خلاف رویه سه ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ که عمده تأمین مالی دولت با اتکای به منابع حساب تنخواه‌گردان خزانه و مبتنی بر ایجاد بدهی به بانک مرکزی صورت گرفته بود، پرداخت‌های دولت در سه ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۱ عمدتاً با اتکا به منابع سپرده‌های خود بوده که این مورد از بودجه انقباضی و همچنین تسویه بدهی‌های قبلی که از دولت قبل به جا مانده بود، مشخص است. در سه ماهه ابتدایی سال جاری بدهی دولت به بانک مرکزی به میزان ۱۸۱/۸ هزار میلیارد ریال افزایش یافته و این در حالی است که بدهی دولت در دوره مشابه سال ۱۴۰۰ در حدود ۵۰۰/۵ هزار میلیارد ریال افزایش یافته بود. لذا، یکی از تحولات مثبت شکل گرفته در خصوص رابطه مالی دولت و بانک مرکزی که عمدتاً به رویکرد منضبطانه دولت سیزدهم ارتباط می‌یابد، اتکای بیشتر دولت به منابع خود بوده است، ۲. سیاست بانک مرکزی در کاهش حجم عملیات بازار باز در قالب توافق با خرید (ریپو) و فروش اوراق بدهی دولت به منظور کاهش تزریق نقدینگی و با هدف کاهش اثرات پولی ناشی از اجرای طرح مردمی‌سازی توزیع عادلانه یارانه‌ها بوده است. این سیاست که در راستای عملیات‌های انقباضی بانک مرکزی تعریف می‌شود باعث شده تا تزریق بانک مرکزی به سیستم بانکی یا همان مانده ریپو از حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به ۶۵ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا کند، ۳. اعمال نظارت بانک مرکزی بر بسط ترانزنامه بانکی و جلوگیری از رشد آن که از طریق عملیات بازار باز، وثیقه‌مند شدن استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی و شفافیت تسهیلات کلان بانکی صورت گرفته یکی دیگر از دلایل بسیار مؤثر در کنترل پایه پولی و خلق درونزای نقدینگی در سیستم بانکی بوده است.



بانک مرکزی موفق به کنترل سرعت رشد نقدینگی و پایه پولی شده که این نتیجه اقدامات مؤثر و قاعده‌مند است

۷ نقطه قوت نظام پولی و بانکی در ۱۲ ماه

به اذعان آمارهای رسمی سرعت رشد ماهانه پایه پولی در ۴ ماه نخست امسال کنترل شده است که پیامدهای این اتفاق بزرگ در پایان سال و اوایل ۱۴۰۲ در اقتصاد ایران مشاهده خواهد شد

■ مرتضی عبدالحسینی

بانک مرکزی بالاترین مقام پولی در کشور بوده و رفتار او به صورت مستقیم بر متغیرها و ابزارهای پولی تأثیرگذار خواهد بود و در مقابل به صورت غیرمستقیم نیز سیاست‌های مالی را که دولت مجری آن است تحت تأثیر خواهد گذاشت. در دهه ۹۰ آنچه در بانک مرکزی به چشم می‌آید یک مقام اقتصادی بود که مجری انجام «سیاست‌های صلاح‌حیدی» شده بود و قدرتی از خود در مقابل دولت و خصوصاً سیستم بانکی نداشت. از همین رو اولین و مهم‌ترین اقدام اصلاحی در زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم احیای اقتدار بانک مرکزی و ملزم کردن او به انجام «سیاست‌های قاعده‌مند» بود که بیش از باقی مسائل مورد نیاز بود. در این گزارش ۷ نقطه قوت در نظام پولی و بانکی کشور که در یک سال اخیر توسط بانک مرکزی انجام شده و بدون شک در کاهش شدن آمارهای نقدینگی و پایه پولی مؤثر بوده، به طور مفصل مرور شده است، البته این بدان معنا نبوده که این بانک در حال حاضر به یک مقام کامل تبدیل شده بلکه امید است همچنان این روند پیدا کند. «جلوگیری از استفاده دولت از تنخواه گردان و در واقع دست درازی به پایه پولی»، «اجرای سیاست انقباضی و کاهش مانده ریپو به رقمی در حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان»، «کنترل مستقیم رشد ترانزنامه شبکه بانکی»، «وثیقه محور کردن مطالبات بانکی»، «انتشار لیست تسهیلات و تعهدات کلان بانکی»، «ممنوعیت شبکه بانکی در سرمایه‌گذاری املاک» و «ضابطه‌مند کردن سمت‌های مدیریت و هیأت مدیره بانکی» ۷ اقدام بانک مرکزی است که این بانک براساس بخشنامه‌ها سیستم بانکی را ملزم به اجرا و خود را ملزم به نظارت کرده است.

۵ درصد کل بودجه سال ۱۴۰۰ به عنوان تنخواه از بانک مرکزی بوده است. این عادت دولتی‌ها در استفاده از تنخواه که تبدیل به یک قاعده شده بود در سال جاری ترک شد و دولت سیزدهم براساس آمارهای پولی به تنخواه خزانه دست درازی نکرد. طبق ترانزنامه بانک مرکزی، دولت به جای استفاده از تنخواه، از مانده حساب‌های خود و شرکت‌های دولتی نزد بانکی مرکزی استفاده کرده و این اتفاق باعث شد در کوتاه مدت (فصل بهار) دولت برای هزینه‌های خود نیاز چندانی به استقراض از بانک مرکزی و پایه پولی پیدا نکند. اما باید توجه داشت که دولت طی ماه‌های آینده و وصول شدن بخشی از درآمدها، اقدام به شارژ مجدد حساب‌های خود نزد بانک مرکزی کرده و تا پایه پولی لاقفل از این محل در خطر نباشد. علاوه بر بدهی‌های دولت به بانک مرکزی، پایه پولی از محل‌هایی مانند استقراض دولت از سیستم بانکی، رشد دارایی‌های ناخالص خارجی بانک مرکزی (فروش دلار و درآمدهای ارزی توسط دولت به بانک مرکزی و مابه‌ازای آن دریافت ریال) و اضافه برداشت بانک‌ها نیز تقویت می‌شود که نقش موارد دوم و سوم در دوسال اخیر پررنگ بوده است.

کاهش ۲۵ درصدی استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی

همچنین، پایه پولی در ۱۲ ماهه منتهی به پایان خرداد ماه ۱۴۰۱ معادل ۲۷/۸ درصد رشد یافت که نسبت به رشد دوره مشابه سال قبل (۳۰/۷ درصد)، ۲/۹ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد. روند رشد دوازده ماهه پایه پولی با آغاز به کار دولت سیزدهم و متأثر از رویکرد انضباط‌گرایانه دولت و سیاست‌های پولی و نظارتی فعال بانک مرکزی به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و از ۴۲/۶ درصد در پایان تیرماه ۱۴۰۰ به ۲۷/۸ درصد در پایان خردادماه سال ۱۴۰۱ رسیده است. همچنین حجم پایه پولی در پایان

نکته مثبت از پایه پولی؛ عدم استفاده از تنخواه

براساس آنچه در گزارشات قبلی مرور شد، پایه پولی در پایان خرداد ماه سال ۱۴۰۱ با رشدی ۶ درصدی نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ (۳۶ هزار میلیارد تومان افزایش) به ۶۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، این در حالی که در دوره مشابه سال ۱۴۰۰، رشد پایه پولی به میزان ۹/۲ درصد تحقق یافته بود. کاهش ۳ درصدی رشد پایه پولی در بهار سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته،

عدم استفاده دولت سیزدهم از تنخواه گردان بوده است. در اقتصاد ایران، استفاده دولت‌ها از تنخواه گردان خزانه در ابتدای سال تبدیل به یک عادت شده و در فروردین و اردیبهشت ماه هر سال دولت به دلیل عدم تحقق بخشی از درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه سال مورد نظر، اقدام به استفاده از تنخواه گردان خزانه می‌کند که به معنی استقراض از بانک مرکزی و دست درازی به پایه پولی را می‌دهد. نمود واضح و بارز این اتفاق در اردیبهشت ماه سال گذشته و در زمان دولت دوازدهم بود که رشد ماهانه پایه پولی تنها در یک ماه ۶ درصد اعلام شد که عمده آن به دلیل دریافت حدود

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

خردادماه نسبت به رقم پایان اردیبهشت (۳ هزار میلیارد تومان) کاهش یافته و رشد ماهانه پایه پولی در خردادماه سال جاری منفی (معادل ۰/۴- درصد) بوده است. بررسی تفکیکی پایه پولی نشان می‌دهد که کاهش این متغیر در خرداد ماه ۱۴۰۱ متأثر از ۴ بخش مجزاست که از ۳ ناحیه افزایش پیدا کرده و از یک ناحیه با فشار کاهش‌ی جدی روبه‌رو بوده است. بررسی آمارها به صورت ماهانه در خرداد نشان می‌دهد که پایه پولی از محل خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی ۲ درصد افزایش، از محل بدهی‌های دولت در حدود ۱۸۰ درصد و از محل بدهی‌های بانک‌ها به بانک مرکزی نیز ۵ درصد افزایش پیدا کرده است. با وجود این اما علت اصلی منفی شدن رشد ماهانه و کنترل رشد سه ماهه پایه پولی، سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی در عملیات بازار باز و حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان خروج پول بوده است. در واقع در عملیات بازار باز، مانده ریپو یا مانده توافق بازخرید (میزان پولی که بانک مرکزی از طریق دریافت وثیقه و... در بازار بین بانکی به بانک‌ها می‌دهد) با شدت بالایی از حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان با کاهش ۲۵ درصدی به ۶۰ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است. بنابراین دو دلیل مثبت و مهم منفی شدن رشد ماهانه پایه پولی و کنترل نسبی رشد آن در فصل بهار؛ ۱. عملیات‌های انقباضی بانک مرکزی و کاهش مانده ریپو ۲. استفاده دولت از مانده حساب خود و شرکت‌های دولتی نزد بانک مرکزی به جای استفاده از تنخواه گردان بوده است. با وجود این ملاحظه جدی نیز قابل ذکر است؛ ۱. استفاده بیش از حد از مانده حساب‌های دولت نزد بانک مرکزی در بلندمدت هیچ تفاوتی با استفاده از تنخواه‌گردان نخواهد داشت و به همان میزان پایه پولی را تحت فشار خواهد گذاشت. ۲. ادامه سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی و پایین آمدن نسبت موجودی نقد در سیستم بانکی ممکن است نرخ بهره را از سقف کریدور یعنی ۲۲ درصد نیز بالاتر ببرد که تبعات بسیار بالایی در شرایط رکودی فعلی برای بخش حقیقی و تولیدی اقتصاد داشته باشد. بانک مرکزی می‌بایست در بلندمدت نرخ بهره در کریدور ۱۸ تا ۲۲ درصدی حفظ کرده و به نوعی کاری به کار آن نداشته باشد.

ترازنامه بانک‌ها در کنترل بانک مرکزی

براساس آمارهای اقتصادی خرداد ماه ۱۴۰۱، بررسی رشد نقدینگی در این ماه حاکی از تداوم روند کاهش‌ی این متغیر همچون ماه‌های گذشته بوده است. حجم نقدینگی در پایان خردادماه ۱۴۰۱ به رقم ۵۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسید که نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ معادل ۵/۶ درصد رشد نشان می‌دهد و در مقایسه با رشد نقدینگی دوره مشابه سال قبل (۶/۶ درصد)، ۱ واحد درصد کاهش داشته است. به طور کلی متوسط رشد سالانه نقدینگی در ایران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ بالاتر از ۲۸ درصد است که متناسب با رشد بخش حقیقی نبوده و به نوعی می‌توان رشد بالای نقدینگی را یکی از بیماری‌های مزمن اقتصاد ایران دانست که ریشه‌های ساختاری در نظام حکمرانی اقتصادی و نظام مالی و بانکی کشور دارد و کنترل سرعت و بعد کاهش سرعت رشد آن یکی از مهم‌ترین و در اولویت‌ترین مسائل اقتصاد کشور است. نقدینگی از دو محل متفاوت و به دو صورت

باشد، این فرصت را دارد که طی دو ماه نسبت به اصلاح روند اقدام کند و در غیر این صورت در پایان هر فصل با اقدامات تنبیهی مواجه خواهد شد. براساس بخشنامه بانک مرکزی در صورت تخطی هر بانک و عدم اصلاح آن متناسب با درصد تخطی بانک‌ها نرخ سپرده قانونی بانک افزایش می‌یابد. همچنین معرفی هیأت مدیره بانک خاطی به هیأت انتظامی بانک‌ها نیز در دستورکار قرار دارد و اگر ظرف یک سال بانکی نتواند خود را با قوانین و مقررات منطبق کند، هیأت مدیره آن به هیأت انتظامی بانک‌ها معرفی و موارد تنبیهی براساس قانون بر آنها اعمال خواهد شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با تعیین حد مجاز رشد مقداری ترازنامه، روند رشد ترازنامه بانک‌ها تعدیل شده و ادامه این روند موجب کنترل بیشتر بانک مرکزی بر روند خلق نقدینگی توسط بانک‌ها می‌شود.

وثیقه محور کردن مطالبات بانکی

در بازه‌های زمانی متفاوت و به دلایل متفاوت بانک‌ها اقدام به اضافه برداشت از بانک مرکزی می‌کنند که این موضوع یکی از خطرناک‌ترین متغیرها در بازار پولی است که بانک‌ها آن را بدون هیچ ترس و تنها با پرداخت جریمه ۳۴ درصدی به بانک مرکزی انجام داده و احتمالاً خواهند داد. بررسی تاریخی متغیرهای پولی نشان می‌دهد که روند اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی از ابتدای دهه ۹۰ صعودی بوده و در حد فاصل سال‌های ۹۳ تا ۹۶ سهمی بیش از ۶۰ درصدی از کل پایه پولی را داشته است، این در حالی است که در دهه ۸۰ برعکس این اتفاق، این دولت بود که بیشترین تأثیر را در ایجاد پایه پولی با سهمی در حدود ۵۰ درصد ایفا می‌کرد. در حال حاضر دومین دلیل بزرگ شدن پایه پولی و متعاقب آن تورم، اضافه برداشت بانک‌ها بوده که ۱۴۴ هزار میلیارد تومان از پایه پولی ۵۸۰ هزار میلیارد تومانی را پوشش می‌دهد. طبق این آمارها بعد از حدود ۱۰ سال رشد مستمر بدهی‌های بانک‌ها به بانک مرکزی، در سه ماهه سال جاری شاهد کاهش این مقدار بوده‌ایم. دیگر ابزار بانک‌ها برای دسترسی به پایه پولی استقراض از طریق بازار عملیات بازار باز یا همان مانده ریپو بوده که این مورد نیز همان طور که در قسمت قبل گفته شد کاهش ۲۵ درصدی را تجربه کرده است. راهکار اندیشیده شده توسط بانک مرکزی «ممنوعیت اعطای اعتبار جدید به بانک‌ها بدون دریافت وثیقه» یا همان «ریپو» بوده است. در بخشنامه‌ای که در ۲۴ فروردین سال جاری ابلاغ شد، آمده است: «بانک مرکزی براساس مفاد جزء ۳ بند د تبصره ۱۶ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور اعطای اعتبار جدید به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی بدون دریافت وثیقه در قالب خط اعتباری یا اضافه برداشت از بانک مرکزی ممنوع است.» در واقع براساس این بخشنامه، بانک‌ها برای استقراض از بانک مرکزی، اوراق دولتی، ذخایر ارزی و طلائی را که قبلاً خریداری کرده‌اند در گرو بانک مرکزی قرار می‌دهند که اولاً بدانند ایجاد بدهی از بانک مرکزی تحدید شده و مانند گذشته بدون مرز نخواهد بود، دوماً اگر بانک‌ها به هر دلیلی از بازپرداخت آن سر باز زنند، بانک مرکزی با استفاده از وثایقی که دریافت کرده آن را تسویه کند و

حجم نقدینگی در پایان خردادماه ۱۴۰۱ به رقم ۵۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسید که نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ معادل ۵/۶ درصد رشد نشان می‌دهد و در مقایسه با رشد نقدینگی دوره مشابه سال قبل (۶/۶ درصد)، ۱ واحد درصد کاهش داشته است

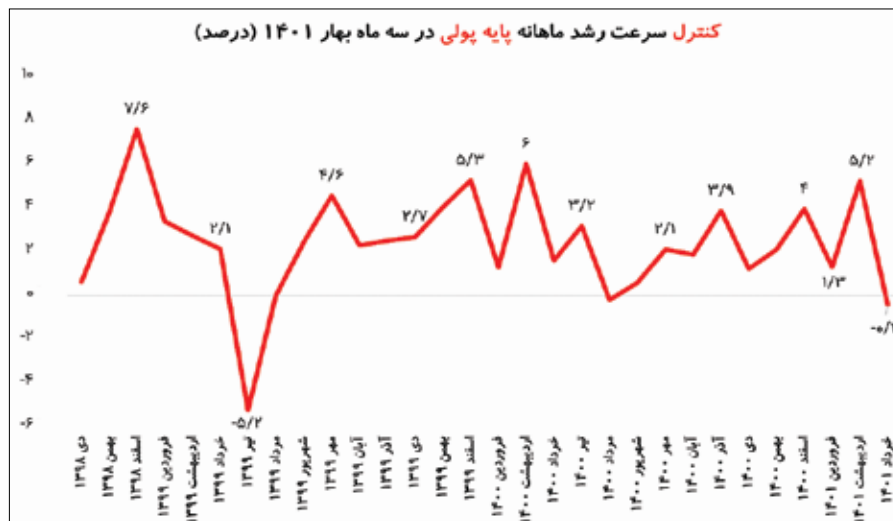
برونزا و درونزا افزایش پیدا می‌کند. برونزا به این صورت که نقدینگی تابعی است از پایه پولی و پایه پولی نیز بیش از همه چیز متأثر از سیاست‌های دولت و استقراض او از بانک مرکزی است. درونزا نیز در فعالیت‌های نظام بانکی و بسط آن معنی پیدا می‌کند که در درجه اول باعث افزایش پایه پولی و در وهله بعد رشد نقدینگی می‌شود. در واقع دو مدل رشد نقدینگی و پایه پولی را باید از هم جدا کرد؛ دومی که رشد درونزا و تابع شرایط بانک‌ها و پرداخت‌های بانکی و وضعیتی است که نظام بانکی دارد هر چند تحت عمل مستقیم دولت و بانک مرکزی نیست اما باید تحت نظارت و کنترل آن باشد. سرمایه‌گذاری‌های نیمه کاره‌ای که بانک‌ها دارند و دارایی‌های منجمد آنها، حجم و نسبت مطالبات غیرجاری، افزایش بدهی‌های بخش دولتی به شبکه بانکی عواملی هستند که ترازنامه بانک‌ها را منبسط می‌کنند و ربطی به کسری بودجه دولت هم ندارند. تجربه ثابت کرده که خصوصاً در دهه ۹۰، کسری بودجه هم نباشد اینها بزرگ می‌شوند و رشد می‌کنند و به صورت درونزا پایه پولی را دنبال خودشان بزرگ می‌کنند. براساس آنچه در قسمت قبل اشاره شد اقدامات مثبتی در کنترل رشد پایه پولی صورت گرفته تا نقدینگی لااقل از محل برونزا با سرعت کمتری خلق شود اما فعالیت بانک‌ها و حرکت ترازنامه سیستم بانکی از حرکت باز نمی‌ایستد و کنترل نقدینگی از این محل است که توفیقات بسیار بیشتری برای سیاستگذار پولی در بلندمدت حاصل خواهد کرد. در همین مورد یکی از اقدامات مثبت و مؤثر بانک مرکزی قانونی بود که حدود ۱۰ ماه پیش تصویب و هدف آن کنترل رشد مقداری ترازنامه‌های بانک‌ها بود. براساس این قانون رشد ترازنامه برای بانک‌های تجاری ۲ درصد و برای بانک‌های تخصصی ۲/۵ درصد در ماه است. بانک مرکزی نیز به صورت ماهانه این امر را رصد می‌کند و بانک‌هایی که این امر را رعایت نکنند، با افزایش سپرده قانونی مواجه می‌شوند. طبق اعلام بانک مرکزی آمار و اطلاعات بانک‌ها به صورت ماهانه دریافت و پردازش می‌شود و اگر بانکی مرتکب رشد مقداری ترازنامه در یک ماه بیش از حد مجاز



مانع ایجاد فشار جدی بر پایه پولی لااقل از این زاویه باشد. افت بدهی بانکها و مانده ریپو در مقابل سیستم بانکی به وضوح نشان می‌دهد که این سیاست تا چه میزان موفقیت آمیز بوده است.

انتشار تسهیلات کلان بانکی واجب است

در اقتصاد ما مخصوصاً در ۴ سال اخیر بخش بزرگی از تسهیلات بانکی با هدف *Gdp transactions* یا همان معاملات در بازار دارایی‌ها داده می‌شود که می‌توان نام آن را سفته‌بازی گذاشت. در نظام بانکی ما بخش بسیار بزرگی از تسهیلات بانکهای خصوصی به همین سمت رفته است. از همین رو الزام بانکها از سوی بانک مرکزی مبنی بر انتشار اطلاعات و جزئیات مربوط به تسهیلات و تعهدات کلان و همچنین تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط اتفاق مبارکی بود که می‌تواند به هدایت اعتبار در اقتصاد ما نیز کمک کند. نگاهی به لیست ابروام گیرندگان بانکی نشان می‌دهد که بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات توسط بانکها عمدتاً به شرکت‌های زیرمجموع خود داده شده که عموم آن نیز نکول شده و اکنون در ردیف تسهیلات معوق یا مشکوک‌الوصول تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد شفاف‌سازی اطلاعات تسهیلات کلان نظام بانکی چند نتیجه در پی خواهد داشت؛ اولاً در اقتصاد ایران که با ویژگی اطلاعات ناقص و ناکامل شناخته می‌شود، هر نوع توزیع تسهیلات بر مبنای حداکثرسازی سود بانکها بوده و لذا تمایل بانکها برای اعطای تسهیلات به بخش‌های مولد کمتر از بخش غیرمولد است. لذا اگر نظام بانکی در تأمین نقدینگی و سرمایه



زیاد است و برخی اعضای هیأت‌مدیره که به سبب مناسبات سیاسی انتخاب شده‌اند در اکثر موارد اطلاعات دقیقی از مباحث روز بانکی ندارند و به نظر نمی‌رسد این مسأله در آینده نیز اصلاح شود. انتخاب اعضای هیأت‌مدیره بانکها در سیستم بانکی ما بعضاً براساس روابط بوده و از همین رو شایسته‌سالاری در طول سال‌های اخیر مغفول مانده است. اقدام اخیر بانک مرکزی مبنی بر لزوم اخذ گواهینامه‌های حرفه‌ای برای داوطلبان سمت مدیریت بانکی در راستای همین مسأله بوده که بدون شک یک اقدام بزرگی در اصلاح نظام بانکی است. طبق این ابلاغیه از اول مهرماه سال ۱۴۰۱ رسیدگی به درخواست‌های بررسی صلاحیت حرفه‌ای داوطلبان پیشنهادی برای تصدی سمت مدیریتی در بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی منوط به ارائه گواهینامه‌هایی حرفه‌ای خواهد بود که آزمون آنها برگزار شده است. در واقع پس از برگزاری تمامی آزمون‌های مربوط به گواهینامه‌های چهارگانه «اصول بانکداری ۱»، «اصول بانکداری ۲»، «مدیریت ریسک مؤسسات اعتباری» و «مدیریت فناوری اطلاعات مؤسسات اعتباری» است که امکان بررسی صلاحیت حرفه‌ای داوطلبان مدیر عاملی، قائم مقامی و عضویت در هیأت مدیره وجود خواهد داشت. در غیر این صورت صلاحیت افراد پیشنهادی بدون ارائه گواهینامه‌های مذکور بررسی نشده و انتصاب آنها از سوی بانک مرکزی مردود و غیرقانونی اعلام خواهد شد. این اقدام در بلند مدت نتایج بسیار مثبتی در راستای اصلاح نظام بانکی و سلامت شبکه بانکی خواهد داشت.

املاک‌داری پیدا کرده‌اند. از آن جهت که املاک و مستغلات دارای نقد شوندگی بسیار کمی هستند همین موضوع ریسک این بخش از دارایی‌های نظام بانکی را بالا می‌برد. از همین رو در اواخر اسفند سال گذشته بانک مرکزی براساس بخشنامه‌ای به همه بانکهای کشور ممنوعیت هر نوع سرمایه‌گذاری بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در زمینه املاک و مستغلات را اعلام کرد. بر اساس این دستورالعمل هر نوع سرمایه‌گذاری بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در زمینه املاک و مستغلات از جمله خرید زمین، خرید و ساخت مجتمع‌های تجاری، اداری، مسکونی و مراکز خرید به طریقی غیر از اعطای تسهیلات اعم از مستقیم توسط بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی یا غیرمستقیم از طریق شرکت‌های زیرمجموعه، ممنوع اعلام می‌شود.

احیای شایسته‌سالاری در شبکه بانکی

در بدنه نظام بانکی کشور، افراد کارآمد و شایسته قرار ندارند و به هیچ‌وجه نخبه‌سالاری در نظام بانکی ما وجود ندارد. این مسأله تنها در سیستم بانکی کشور ما نبوده و در بسیاری از کشورهای دیگر حتی توسعه یافته‌ها نیز همین شرایط برقرار است. تعداد افراد نخبه در نظام بانکی در هر کشور محدود است یعنی تعداد افرادی که می‌توانند برای نظارت و مدیریت عالی سیستم بانکی انتخاب شوند، بسیار کم است و برای همین در کشورهای پیشرفته چندین بانک در یک بانک ادغام می‌شود تا بتوان از محدود نیروهای نخبه در نظام بانکی استفاده درست کرد. این درحالی است که پراکندگی بانکها در کشور ما بسیار

در گردش بنگاه‌های تولیدی و بخش‌های خدماتی روی چند بخش خاص متمرکز شود، سایر بخش‌ها در رقابت با این بخش‌های حمایت شده، قدرت رقابت را از دست خواهند داد، بنابراین لازم است بانکها به‌طور شفاف در مقاطع مختلف جزئیات تسهیلات کلان خود را منتشر کنند و در معرض دید پژوهشگران، رسانه‌ها و افکار عمومی قرار دهند. همچنین این عدم شفاف‌سازی موجب شده بانکها متهم ردیف اول سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد همچون سفته‌بازی در بازار مسکن، زمین، سکه و طلا باشند. با همه اینها ظاهراً تصمیم جدید بانک مرکزی لغو بخشنامه قبلی است و در واقع از ادامه انتشار لیست بدهکاران بانکی صرف نظر شده که امید است نهایی نشده و به صورت بخشنامه ابلاغ نشود.

ممنوعیت شبکه بانکی در سرمایه‌گذاری املاک

سال گذشته بود که آمارهای رسمی دارایی‌های ثابت و تملیکی بانکها (اعم از زمین، ساختمان ...) بعد از دهه‌ها ابهام، در قالب اطلاعیه «افشای فهرست زمین و ساختمان» روی سایت کدال قرار گرفته است، براساس گزارش منتشر شده در یکی از روزنامه‌های کشور با توجه به اطلاعات ارائه شده از ۱۸ بانک بورسی نشان می‌دهد که در پایان سال ۱۳۹۹ تقریباً ۵ درصد از دارایی ۱۸ بانک به ارزش ۱۲۱ هزار میلیارد تومان به بخش املاک و مستغلات اختصاص دارد. این نسبت در پایان سال ۱۳۹۳ تقریباً ۳/۷ درصد بوده که نشان می‌دهد بانکها نه تنها تمایلی به فروش ندارند بلکه دست خوبی در



این گزارش مستند و جامع به ۴ دلیل اصلی ۸ برابر شدن نقدینگی در دولت روحانی پرداخته است

ترسناک‌تر از همیشه!

■ همه چیز برای یک بلبشوی اقتصادی آماده بود

- در این گزارش به این سؤال مهم پاسخ داده شده که اگر دولت رئیسی روی کار نمی‌آمد چه اتفاق ناگواری بر سر برخی متغیرهای پولی می‌افتاد؟
- در دولت قبل میزان بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی از ۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به ۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ رسید

و سپرده‌های دیداری (سپرده‌های کوتاه مدتی که افراد بابت آنها از بانک یا سودی دریافت نمی‌کنند، یا به صورت روزشمار این اتفاق می‌افتد) کوتاه‌مدتی که قابلیت نقدشوندگی فوری داشته و از سرعت گردش بالایی نیز برخوردارند، عنصر پول یا عنصر اول نقدینگی بوده و در مقابل عنصر دوم، یا شبه‌پول را سپرده‌های غیردیداری یا مدت‌دار (سپرده‌هایی که افراد بابت آنها از بانک سود سالیانه دریافت کرده و نمی‌توانند بدون محدودیت از آن برداشت کنند)، پس‌انداز و اسناد خزانه تشکیل می‌دهند که برای نقد کردن آنها به زمان نیاز است و به صورت لحظه‌ای نقد نمی‌شوند، یا نسبت به پول مطلوبیت کافی برای نقد شدن را ندارند. از طرفی نقدینگی همانند اشکال هندسی، طول و عرضی دارد که علم اقتصاد آن را حجم و سرعت گردش می‌نامد. اهمیت هر یک از اینها زمانی درک می‌شود که بدانیم این دو مؤلفه، اثرگذارترین مؤلفه‌های اقتصاد کلان بر تورم و ایجاد آن است، به طوری که حجم نقدینگی در یک اقتصاد، در نسبت کل کالاها و خدمات تولیدشده، قرار دارد و در واقع این نسبت است که قیمت نهایی کالا و خدمات را مشخص می‌کند و با بهم‌خوردن تناسب آن تورم ایجاد خواهد شد. در طرف دیگر سرعت نقدینگی قرار دارد که در شرایط کالا و خدمات ثابت (تولید کالا و خدمات ثابت باشد) می‌تواند باعث افزایش تقاضا و در نهایت تورم شود. بازار سهام ایران را طی

پول مانند سیلابی است که براساس جذابیت بازارها به سمت آنها حرکت می‌کند؛ هر میزان که یک بازار جذابیت بیشتری داشته باشد، با سرعت بالاتر و حجم بیشتری نقدینگی را به سمت خود می‌کشد. همان‌طور که وقتی سیل روان شد، به اینکه با جاری شدن به سمت سطح پایین‌تر چه اتفاقی می‌افتد نمی‌اندیشد، نقدینگی هم با سرنوشت بازارها کاری ندارد و تنها یک منطق را می‌شناسد؛ سود. با این اوصاف نقدینگی به خودی خود منفی یا مثبت نیست و بسته به بستری که در آن قرار دارد می‌تواند باعث آبادانی یا ویرانی شود. همان‌طور که افزایش نقدینگی در یک اقتصاد در حال رشد به رونق و افزایش تولید کمک می‌کند، در یک اقتصاد راکد و بیمار به تورم شدید و ورشکستگی کارخانه‌ها و کاهش تولید منجر می‌شود. «سال ۶۰ حدود پانصد»، «سال ۷۰ حدود ۳ هزار»، «سال ۸۰، حدود ۳۲ هزار»، «سال ۹۰ حدود ۳۵۰ هزار»، «سال ۹۹ حدود ۲۷۰۰ هزار» و سال ۱۴۰۰ حدود ۴۰۰۰ وکنار هریک از اینها «هزار میلیارد تومان» را بنویسید. اینها موجودی پول اقتصاد ایران یا همان نقدینگی در ۴۰ سال اخیر است که در دهه نود جهش‌های آن توأمان با اقتصاد بیمار و راکدی بود که نتیجه آن را لحظه به لحظه زندگی کرده‌ایم. حقیقتاً از مرور آمارها و تحلیل‌های اقتصادی دهه ۹۰ (دوسال پایانی دولت احمدی‌نژاد و هشت‌سال دولت روحانی) چیزی جز ملال و خستگی عایدمان نمی‌شود، اما درست این است حالا که دولت جدید روی کار آمده با مرور سیاست‌ها و اشتباهات این ۱۰ سال، سیاست‌های مطلوب را در شرایط فعلی برگزینیم. سیلاب نقدینگی و تورم ابرچالش این دهه بوده و رکورد ممتدترین تورم بالای ۳۰ درصد در آن شکسته شده است. در این گزارش با رویکردی متفاوت و به قصد عبرت گرفتن از سال‌های رنج و فقر و تورم در ۴ مورد به ریشه‌شناسی رشد نقدینگی در دهه ۹۰ و بخصوص دولت یازدهم و دوازدهم پرداختیم تا راه برای ارائه سیاست‌های مطلوب هموارتر باشد.

تورم بپذیرد؟ در تعریف سخت، نقدینگی به مجموعه پول و شبه‌پولی گفته می‌شود که اجماع آن کل اعتبار قابل معامله در یک اقتصاد را مشخص می‌کند، اما در تعریف سهل‌تر پولی که به شکل سکه و اسکناس در جیب‌ها و خانه‌ها و شبه‌پولی که به صورت سپرده در بانک‌هاست، مجموع نقدینگی را تعیین می‌کنند. اسکناس، مسکوکات

۸ برابر شدن نقدینگی در ۸ سال دولت امید

نقدینگی یک متغیر اسمی در اقتصاد بوده و این متغیر همواره در حال افزایش است. از سوی دیگر وقتی نقدینگی افزایش بیابد پس از آن کار چندانی درباره حجم آن نمی‌توان کرد و این بستگی به ظرفیت‌ها و پتانسیل اقتصاد دارد که چه پاسخی به نقدینگی بدهد، آن را در خود جای دهد یا

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

سال‌های ۹۸ و ۹۹ در نظر بگیرید. در این بازار تعدادی از سهام شرکت‌ها به صورت ثابت در معرض فروش بودند (بدون در نظر گرفتن عرضه اولیه‌ها) و این تعداد در طول ماه‌ها تقریباً ثابت بود، اما در مقابل میزان نقدینگی از ۱۸۹۰ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۳۹۸ به ۲۵۱۴ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۳۹۹ رسید. در همین مدت به طور متوسط قیمت سهام‌ها در بازار بورس ایران بیش از ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد. مشخص است مادامی که تعداد کالاها و خدمات یا سهام‌ها برای فروش ثابت باشد اما در مقابل پول در دست مردم بیشتر شود، عایدی جز تورم نخواهد داشت. حالا زمانی که گفته می‌شود میزان نقدینگی از تابستان ۹۲ تا تابستان ۱۴۰۰ (دولت یازدهم و دوازدهم) بیش از ۷۳۰ درصد (۸ برابر) افزایش پیدا کرده، اینجاست که رصد، کنترل و مرور چند باره نقدینگی به عنوان یک علت تورم با اهمیت می‌شود.

دولت دوازدهم؛ رکورد رشد نقدینگی

اگر رشد نقدینگی در شرایطی که اقتصاد در حال رشد است و تولید کالا و خدمات در جامعه رونق دارد، به‌طور متناسب افزایش یابد، نه‌تنها مشکل‌ساز نیست، بلکه لازم و ضروری است. در یک قرائت ساده گفته می‌شود رشد نقدینگی باید برابر با مجموع رشد اقتصادی و تورم باشد (رشد نقدینگی = رشد اقتصادی + تورم). از این منظر در صورتی که نقدینگی بدون وجود رشد اقتصادی در هر کشور بالا برود، این موضوع لاجرم موجب بالا رفتن نرخ تورم خواهد شد. ایران در خلال سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ با منفی یا صفر بودن رشد اقتصادی، تورم بالایی را ناشی از افزایش نقدینگی تجربه کرده است، البته رابطه بین نقدینگی و تورم پیچیده‌تر از تئوری‌های گفته‌شده است و نمی‌توان تنها دلیل تورم را این متغیر لحاظ کرد و از شکست‌های ساختاری، افزایش نرخ ارز و... صرف‌نظر کرد، اما به هر روی تجربه کشورها خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته نشان داده که کنترل نقدینگی متناسب با رشدهای اقتصادی می‌تواند به کنترل تورم بینجامد. نقدینگی کشور در پایان دولت دوازدهم در حالی حدود ۴۰۰۰ هزار میلیارد تومان بود که بررسی آمارهای پولی حاکی از آن است که میانگین تاریخی رشد (۴۲ سال) آن تا پایان سال ۱۴۰۰ حدود ۲۶ است. همچنین بررسی داده‌های متوسط نرخ رشد نقدینگی در دولت‌های مختلف نشان می‌دهد که در دولت سازندگی نرخ رشد متوسط نقدینگی ۲۹ درصد، در دولت هفتم و هشتم نرخ رشد ۲۵ درصد، در دولت نهم و دهم ۲۷/۷ درصد و در دولت یازدهم و دوازدهم ۳۰ درصد بوده که بالاترین نرخ متوسط رشد نقدینگی در همه دوره‌های دولت‌های جمهوری اسلامی پس از دفاع مقدس بوده است. این در حالی است که متوسط نرخ رشد نقدینگی در ۶ سال اول دولت حسن روحانی حدود ۲۴ درصد بوده و از سال ۹۸ به بعد به طور بی‌سابقه‌ای از ۳۰ درصد هم عبور کرده است. بر اساس آنچه که در ابتدای همین قسمت گفته شد، رکوردشکنی‌های دولت قبلی در رشد نقدینگی، با وقفه‌های کوتاه در تورم نیز نمود پیدا کرد و رکورد ممتد شدن تورم بالای ۳۰

معضل اصلی در کشور ما نه خود تورم، بلکه مژمن بودن آن است که سال‌هاست برنامه‌های ما را در برابر این چالش عاجز کرده است. نگرش‌های متفاوتی به تورم و تعریف آن وجود دارد، با این حال همه متخصصان این حوزه اولین گام برای حل و درمان آن را شناسایی ریشه‌های آن می‌دانند. شواهد نشان می‌دهد طی سه دهه اخیر سه مرتبه در اقتصاد ایران هربار، دو تورم سنگین و متوالی را طی کرده که شامل سال‌های «۷۳ و ۷۴»، «۹۱ و ۹۲» و «۹۸ و ۹۹ و ۱۴۰۰» است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی چون افزایش نرخ ارز، کاهش رشد اقتصادی، فعالیت‌های سودگراانه و... در همگی این سال‌ها مشترک بوده است و نمی‌توان تنها نقدینگی را عامل بوجود آمدن آن دانست. با همه اینها اما دهه ۹۰ و بخصوص حد فاصل سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ (دولت یازدهم و دوازدهم) یک بازه تاریخی و یکی از مصادیق حکمرانی غلط اقتصادی در کشور است که بررسی آن هرچند دل و دماغی برای تحلیل باقی نمی‌گذارد، تجربه‌های جدی در زمینه سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و مواجهه با بحران‌ها را دارد که تنها در صورت درس گرفتن از آنهاست که می‌توان دهه پیش رو را با تقویت و احیای اقتصادی گذرانند. تورم و نقدینگی بزرگ‌ترین چالش این دهه بوده که خود معلول مواردی است و در عوض عاملی برای فقر بیشتر، رفاه کمتر و... است. از همین رو بررسی و ریشه‌شناسی نقدینگی برای ریل‌گذاری و احیاناً تغییر ریل‌های موجود در اقتصاد کشور به‌قصد احیای وضعیت فعلی از اوجب واجبات است.

چرا نقدینگی در دولت روحانی ترسناک شد؟

آمارها نشان می‌دهد دولت سیزدهم، اقتصاد را در حالی تحویل گرفت که میانگین رشد نقدینگی در شش ماه منتهی به شهریور ۱۴۰۰ به صورت روزانه چیزی حدود ۲ هزار میلیارد تومان بوده است. به صورت کلی نقدینگی به دو شکل افزایش می‌یابد؛ یکی افزایش پایه پولی که از طریق چاپ پول و توسط بانک مرکزی اتفاق می‌افتد و در ادامه ضریب فزاینده آغاز به کار می‌کند. در واقع ضریب فزاینده، میزان افزایش حجم پول براساس فعالیت بانک‌ها را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند به‌ازای هر واحد پایه پولی چه میزان حجم پول بیشتر شده است. دومین علت رشد نقدینگی، فعالیت بانک‌ها و خلق پول توسط سیستم بانکی است که در کشور ما در سال‌های اخیر این موضوع به قدری پر رنگ شده که می‌توان تا حدود بالایی نقدینگی و تبعات آن را به آن نسبت داد. از همین رو حول بررسی دهه نود و دولت قبلی این سؤال پیش می‌آید که معلول افزایش روز افزون و مضاعف نقدینگی چه بوده است؟ پایه پولی یا عملکرد مالی دولت، یا بانک‌ها؟ چند عاملی که ریشه‌های افزایش نقدینگی در دولت یازدهم و دوازدهم و سرعت گرفتن آن بود، عبارت است از:

فشاردن فنر نقدینگی در سال‌های ۹۲ تا ۹۶

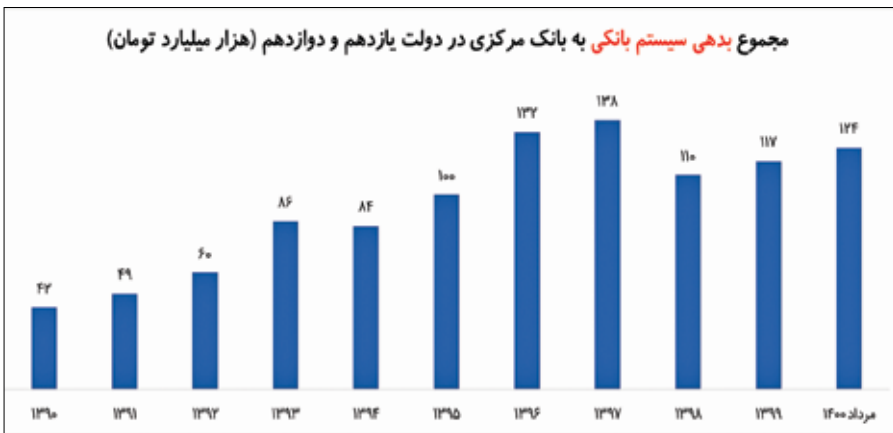
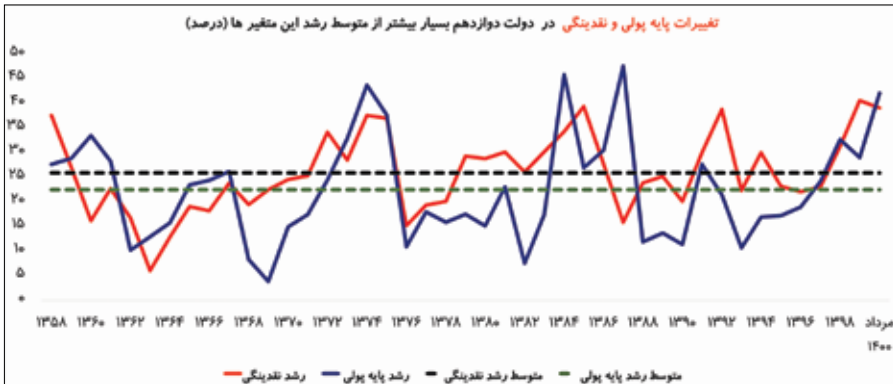
۱- تیم اقتصادی روحانی در چهار سال ابتدایی دولت خود با افزایش نرخ سود بانکی و کاهش حجم پول جامعه و از طرفی تزریق و توزیع آن از طریق سیستم بانکی به بنگاه‌های تولیدی در صدد ایجاد

یکی از دلایل رشد نقدینگی، افزایش پایه پولی بوده که رشد این متغیر در سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ و در حد فاصل دولت یازدهم و دوازدهم چیزی حدود ۴۰۰ درصد (۵ برابر) بوده است. به طور کلی افزایش پایه پولی و در ادامه رشد نقدینگی از دو کانال؛ از کسری بودجه دولت و ناترازی بانک‌ها نشأت می‌گیرد. دولت هر زمانی که درآمد نفتی نداشته باشد از بانک مرکزی قرض می‌گیرد و بانک مرکزی مجبور به چاپ پول است

درصد در اقتصاد ایران شکسته شد. در واقع در طول ۱۰۰ سال اخیر هر بار اقتصاد ایران با تورم‌های بالای ۳۰ درصد روبه‌رو بود، همیشه امتداد آن حدود دو سال بوده و در واقع برای اولین بار است که با امتداد ۴ ساله تورم بالای ۳۰ درصد روبه‌رو شده‌ایم.

دهه ۹۰ کلاس درس اقتصادی

دهه ۹۰ متفاوت‌ترین دهه اقتصادی ایران است که در آن دو جهش قیمتی با فاصله چهارساله رخ داده و از سوی دیگر چهارمین پرواز نرخ ارز در این دهه ثبت شده است. در این دهه متفاوت، طولانی‌ترین تورم ایران طی سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ و ۱۴۰۰ با میانگین ۳۷/۵ درصد رقم خورده است و به‌موازات آن اقتصاد کوچک‌تر و مردم نیز فقیرتر شده‌اند. با همه اینها انتظار می‌رفت سال ۱۴۰۰ با تغییر دولت و تیم اقتصادی و تعدیل انتظارات تورمی، تقلیل شوک‌های خارجی ناشی از تحریم، کنترل کرونا، ترکیب حساب برخی دارایی‌های سرمایه‌ای، ثبات نرخ ارز و... تورم هم کنترل شود و لاقول تورمی ۱۵ تا ۲۰ درصدی را تجربه کنیم، اما در نهایت این امر محقق نشد تا این امید به سال جاری موقوف شود. این مسأله به‌طور قطع نیازمند دخالت سیاستگذار و دولت برای هدایت اقتصاد کشور و جلوگیری از تخطی آن از تورم‌های پایین است که امید است تلاش‌های صورت گرفته در سال جاری به بار نشیند. تورم پدیده اقتصادی مرسوم در بسیاری از اقتصادهای جهان است و به‌موازات آن اقتصادها به برنامه‌های کنترل و مهار آن دست پیدا کرده‌اند، مثلاً میانگین نرخ تورم جهان در سال ۲۰۲۱ حدود ۵ درصد بوده، اما



بازپرداخت تسهیلات دچار مشکل شدند از همین رو مجبور به استقراض از بانک مرکزی بودند. بدهی بانکها در حالی در حد فاصل سالهای ۹۲ تا ۹۷ از ۶۰ هزار میلیارد با رشد دو و نیم برابری به ۱۴۰ هزار میلیارد رسید که در اتفاقی جالب سهم بدهی بانکها از پایه پولی در همین فاصله به طور میانگین چیزی حدود ۵۵ درصد بوده است. در واقع بیش از ۵۵ درصد از کل پایه پولی را بدهی بانکها به بانک مرکزی تشکیل داده که نشان می‌دهد اضافه برداشت بانکها تا چه حد در رشد پایه پولی و تورم مؤثر بوده است.

خلق درونزای نقدینگی در سیستم بانکی

۴- سیستم بانکی کشور نه موقتی، که به‌طور دائم و نه به‌صورت موردی، بلکه کاملاً بنیادی و ساختاری دچار ایراد و ناترازی‌هایی است که اینها جز با اضافه برداشت از بانک مرکزی و همچنین خلق پول به صورت درونزا حل نمی‌شود. بررسی ترانزنامه بانک مرکزی نشان می‌دهد که طی دولت قبل میزان بدهی بانکهای خصوصی به بانک مرکزی از ۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به ۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ رسید که در واقع تأیید می‌کند بیش از یک سوم بدهی بانکها به بانک مرکزی از ناحیه بانکهای خصوصی بوده است. این نوع عملکرد خودسرانه و بدون هیچ بازدهی اقتصادی و تأثیری بر تولید اگر نشان دهنده خلق پول به قصد سوداگری و دلالتی نیست، پس چیست؟

بی‌سابقه‌ای در سه دهه اخیر است. نحوه دیگر دست‌داری دولت به بانک مرکزی از طریق افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی صورت می‌پذیرد. بررسی ترکیب پایه پولی و سهم منابع چهارگانه از رشد آن طی سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ بیانگر آن است که در اکثر سالها رشد پایه پولی از مسیر اثر فزاینده خالص دارایی‌های خارجی اتفاق افتاده است که این موضوع در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به حداکثر خود رسیده است.

بدهی ۱۲۴ هزار میلیارد تومانی سیستم بانکی

۳- علاوه بر دولت، سیستم بانکی کشور نیز که به‌طور ساختاری معیوب و دچار ناترازی‌های عظیم است، نیازهای خود را از طریق دریافت اعتبار از بانک مرکزی و دست‌داری به پایه پولی بر طرف می‌کند. عملکرد دولت‌های قبلی در حوزه نظام بانکی نقاط ضعف جدی داشته است، اما دولت یازدهم و دوازدهم بویژه در بازه زمانی ۹۷-۹۲ سیاست‌های اشتباهی را در این زمینه درپیش گرفت که نه‌تنها به نتیجه مطلوب خود نرسید بلکه پیامدهای زیانباری برای نظام بانکی و اقتصاد کشور به همراه داشت. رشد نقدینگی فزاینده، تورم بالا، بحران ارزی و تشدید ناترازی سیستم بانکی از آثار اجرای این سیاست‌هاست. سال‌های ۹۲ تا ۹۶، افزایش نرخ بهره سپرده‌های بانکی برای جذب سپرده مهم‌ترین عامل افزایش رشد نقدینگی بوده است، اما به‌دلیل رشد اقتصادی پایین، بانکهای تجاری در

رونق اقتصادی از مسیر کاهش حجم پول و نقدینگی قرارداداشت که در نهایت به اهداف خود نرسید. در طول این چهار سال مثبت شدن بیش از اندازه نرخ بهره حقیقی (نرخ سود بانکی منهای تورم) خود عاملی برای خلق نقدینگی و تضعیف بخش عرضه (تولید کالا و خدمات) بود که فنر تورم مستتر را روز به روز فشرده‌تر می‌کرد. در واقع سال‌های ۹۲ تا سال ۹۶ به رغم کنترل تورم و کاهش میانگین تورم در این ۴ سال تا رقم ۱۱ درصد، همچنان میانگین رشد سالانه نقدینگی بالا (حدود ۲۴ درصد) بود و این موضوع حکایت از سرکوب قدرت نقدینگی در بانکها داشت. در واقع طی این سال‌ها به‌واسطه سیاست پولی انقباضی، تورم به زیر ۱۰ درصد رسید و در ظاهر، دولت به وعده خود به مردم عمل کرده بود، اما غافل از اینکه بلابودن نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری باعث انباشت نقدینگی در بانکها و کاهش موقتی تورم شد، اما رشد نقدینگی کاهش نیافت، بلکه به‌صورت درون‌زا رشد کرد. گویی سیل عظیم نقدینگی با فنر فشرده شده و کافی بود با یک شوک این فنر جهش کند که متأسفانه این اتفاق سال ۹۶ رخ داد. نقدینگی انباشت‌شده با شوک‌های سیاسی نیمه دوم ۹۶ به بازار ارز سرازیر شد و در ادامه با بروز بحران ارزی و رسیدن تورم نقطه به نقطه به بالای ۵۰ درصد، همه دستاوردهای تورمی موقت و شکننده دولت تدبیر و امید نابود شد. این سیاست منجر به افزایش بدهی بانکها به بانک مرکزی و پرداخت سود بالا به حجم بالایی از نقدینگی (شبه پول) شد، از این رو تخلیه فشار تورمی به سال‌های بعد از این دوره یعنی سال ۹۷ به بعد موکول شد. نسبت پول (اسکنان + مسکوک + سپرده‌های دیداری) به نقدینگی که نشان‌دهنده سیالیت نقدینگی در دست مردم است، هرچند سال قدرت تورم زایی آن بیشتر از ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۳ به حدود ۱۵ درصد در پایان سال ۹۷ و ۲۲ درصد در سال ۹۸ رسید.

چشم ۴۰ برابری کسری بودجه

۲- همان‌طور که گفته شد یکی از دلایل رشد نقدینگی، افزایش پایه پولی بوده که رشد این متغیر در سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ و در حد فاصل دولت یازدهم و دوازدهم چیزی حدود ۴۰۰ درصد (۵ برابر) بوده است. به‌طور کلی افزایش پایه پولی و در ادامه رشد نقدینگی از دو کانال؛ از کسری بودجه دولت و ناترازی بانکها نشأت می‌گیرد. دولت هر زمانی که درآمد نفتی نداشته باشد از بانک مرکزی قرض می‌گیرد و بانک مرکزی مجبور به چاپ پول است. بر اساس آمارهای منتشرشده در سازمان برنامه و بودجه، کسری بودجه دولت در سال ۱۳۹۳ حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان بوده که این مقدار در سال ۱۴۰۰ به حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. رقم کسری بودجه در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نیز به ترتیب ۱۵۰ و ۳۰ هزار میلیارد تومان بوده که نشان می‌دهد دولت طی این سال‌ها به‌طور قطع مجبور به استقراض از بانک مرکزی و بسط پایه پولی شده است، به‌عنوان مثال سال ۱۳۹۸ بیش از ۱۱ درصد از کل پایه پولی را بدهی دولت به بانک مرکزی تشکیل می‌داده که به نوبه خود رقم



در ۳۶۵ روز اخیر تمام رکوردهای ۲۰ ساله مالیات ستانی شکسته شد

ضد تحریم!

به اذعان کارشناسان اقتصادی، اقدامات و اصلاحاتی که در ماه‌های اخیر در حوزه مالیاتی انجام شده بی‌سابقه بوده و پیامدهای مثبتش در سال آتی و سال‌های آینده پدیدار می‌شود

از محل منابع مالیات‌های مستقیم و کالاها و خدمات وصول شد که این رقم رشد ۵۹ درصدی و تحقق ۱۱۳ درصدی نسبت به سال گذشته را نشان می‌دهد. این میزان تحقق درآمدهای مالیاتی در ۲۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.

دولت سیزدهم در نخستین لایحه بودجه پیشنهادی خود (بودجه ۱۴۰۱) برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های مالیات و جلوگیری از کسری بودجه و البته با تکیه بر برنامه‌های متعددی که در این بخش داشت، درآمدهای مالیاتی را نسبت به سال قبل ۶۲ درصد افزایش داد. بدین ترتیب مجموع پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی سال آینده در قانون بودجه امسال به ۵۳۲ هزار میلیارد تومان رسید و در بین پایه‌های مالیاتی، مالیات بر واردات با ۳۸۷ درصد رشد نسبت به عملکرد سال ۱۴۰۰ بیشترین رشد را داشته است. با این اقدام، سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه افزایش پیدا کرد و کسری تراز عملیاتی نیز از ۴۵۰ به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان کاهش یافت.

در قانون بودجه امسال، مالیات اشخاص حقوقی از ۱۰۴ هزار میلیارد تومان برآورد عملکرد در سال ۱۴۰۰ به ۱۳۴۶۷ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ افزایش یافت که رشد حدود ۲۹ درصدی نشان می‌دهد. همچنین مالیات بر درآمد نیز از ۵۶۲۱ هزار میلیارد تومان برآورد عملکرد در سال ۱۴۰۰ به ۸۵ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ افزایش یافته که رشد حدود ۵۰ درصدی داشته است.

مالیات بر ثروت نیز از ۱۴۶۶ هزار میلیارد تومان برآورد عملکرد در سال ۱۴۰۰ به ۲۷۷۷ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ رسیده است که در نتیجه این افزایش پیش‌بینی درآمدهای حاصل از مالیات بر

اعمال تحریم‌های سخت علیه اقتصاد ایران طی سالیان گذشته و افت شدید درآمدهای نفتی باعث شد تا اهمیت مالیات به‌عنوان درآمدی پایدار بیش از پیش برای دولتمردان و قانونگذاران خودنمایی کند. با وجود این، طی سال‌های گذشته بسیاری از قوانین مهم و تأثیرگذار این بخش به‌عنوان یکی از پایه‌های اقتصاد مقاومتی روی زمین مانده بود و بر همین اساس ضمن بالا بودن فرار مالیاتی، درآمد اندکی نیز از محل مالیات نصیب اقتصاد ملی می‌شد ولی از یک سال پیش و با شروع فعالیت دولت سیزدهم شاهد تحولات بزرگی در نظام مالیاتی هستیم، تحولاتی که تمام شاخص‌های کلیدی این بخش را ارتقا داده و نتیجه آن رشد قابل توجه درآمدهای مالیاتی، شناسایی مؤدیان جدید و مسدود کردن مسیرهای فرار از مالیات بوده است. در این مسیر، دولت سیزدهم علاوه بر جدیت در اجرای قوانین موجود از جمله پایه‌های مالیاتی جدیدی که در سال‌های قبل اجرایی نشده بود، دست به اجرای قانون تحول‌گرای مالیاتی مانند پایانه‌های فروشگاه‌ها و راه‌اندازی سامانه مؤدیان زد که در پی آن درآمدهای مالیاتی کشور جهش کرد و بسیاری از فعالان اقتصادی که تا پیش از این مالیات پرداخت نمی‌کردند، شناسایی و در تور مالیاتی قرار گرفتند. در مجموع سازمان امور مالیاتی در دوره فعالیت دولت سیزدهم در سال گذشته، مدیریت و برنامه‌ریزی وصول معوقات مالیاتی، اجرای قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و سامانه مؤدیان، اصلاح سیاست‌های مالیاتی، نرخ‌ها و معافیت‌های مالیاتی، توسعه و تسهیل ارائه خدمات به مؤدیان مالیاتی، بهبود مدیریت نظام دادرسی مالیاتی و کاهش اطاله دادرسی و استقرار نظام دادرسی عادلانه و مستقل، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی، اصلاح ساختار سازمان امور مالیاتی در راستای افزایش شفافیت و استقلال سازمانی را در دستور کار خود داشت و اجرا کرد. در سال جاری نیز پیاده‌سازی کامل پایانه فروشگاه‌ها و سامانه مؤدیان، اجرای هدفمند تصره ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم، افزایش و ارتقای کیفیت رسیدگی بر اساس اطلاعات و داده‌های واسطه و اطلاعات تراکنش‌های بانکی، اجرای مؤثر قوانین و مقررات مربوط به خانه‌های خالی، خانه‌های گران‌قیمت و خودروهای لوکس، توسعه و ارتقای خدمات مؤدیان از طریق پنجره واحد خدمات الکترونیکی و برون‌سپاری خدمات مالیاتی، مبارزه هوشمند با فرار مالیاتی، توسعه و تکمیل سامانه ابلاغ الکترونیکی اوراق مالیاتی و پیاده‌سازی آن در سراسر کشور و شناسایی سیستماتیک مؤدیان جدید مالیاتی با استفاده از ظرفیت قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و سامانه مؤدیان مهم‌ترین برنامه‌های نظام مالیاتی است.

بودجه عمومی، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ به ترتیب ۳۶.۲، ۳۹.۴، ۳۷.۵ و ۴۰ درصد بوده است که در واقع دولت در شرایط فعلی تحریمی و با استفاده از این فرصت تلاش کرده تا از بودجه نفتی فاصله بگیرد. بر همین اساس در سال گذشته نزدیک به ۳۰۶ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی

رکورد ۲۰ ساله مالیات ستانی شکسته شد

به دنبال اجرای این برنامه‌ها و عزم دولت برای ارتقای نظام مالیاتی، سهم مالیات از منابع بودجه عمومی در سال گذشته به ۴۰ درصد افزایش یافت که در سال جاری نیز این رقم حفظ خواهد شد. این در حالی است که شاخص سهم مالیات از منابع

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

ثروت نزدیک به ۹۰ درصد رشد داشته است.

مجموع درآمدهای حاصل از مالیات اشخاص حقوقی، مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت را تشکیل می‌دهد، بر همین اساس مجموع پیش‌بینی درآمدهای حاصل از مالیات‌های مستقیم در قانون بودجه سال جاری، ۲۴۷/۴ هزار میلیارد تومان تعیین شده است که در مقایسه با عملکرد سال قبل رشد ۴۰ درصدی را شاهد هستیم.

درآمدهای حاصل از مالیات بر کالا و خدمات نیز در قانون بودجه امسال، ۲۰۵/۱ هزار میلیارد تومان تعیین شده که از این نظر رشد حدود ۶۳ درصدی را نسبت به عملکرد بودجه سال ۱۴۰۰ شاهد هستیم. مالیات بر واردات نیز از ۱۷ هزار میلیارد تومان برآورد عملکرد در سال ۱۴۰۰ به ۷۹/۶ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ افزایش یافته که رشد بالای ۳۸۵ درصدی را نشان می‌دهد.

با توجه به افزایش بالای درآمدهای پیش‌بینی شده در مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر واردات، مجموع درآمد مالیات‌های غیرمستقیم با ۹۹ درصد رشد نسبت به سال ۱۴۰۰ به ۲۸۴ هزار میلیارد تومان رسیده است.

با تداوم این روند از ابتدای سال جاری تاکنون نیز شاهد رشد درآمدهای مالیاتی هستیم به طوری که بررسی عملکرد درآمدهای مالیاتی کشور تا پایان تیرماه امسال نشان می‌دهد که ۲۳۱.۴ هزار میلیارد تومان مالیات دریافت شده است که نسبت به دوره مشابه سال گذشته رشد ۶۹ درصدی داشته است. جزئیات این میزان درآمد مالیاتی نشان می‌دهد که از محل مالیات اشخاص حقوقی حدود ۵۷.۶ هزار میلیارد تومان درآمد حاصل شده است. همچنین سازمان امور مالیاتی از محل مالیات بر درآمدها و ثروت به ترتیب تقریباً ۲۴.۵ هزار میلیارد تومان و ۵۳۴۶ میلیارد تومان درآمد داشته است. علاوه بر این، حدود ۸۷.۶ هزار میلیارد تومان و ۵۶.۲ هزار میلیارد تومان درآمد از محل مالیات‌های مستقیم و کالا و خدمات حاصل شده است.

حمایت و جدیت در کنار هم

گرچه نظام مالیاتی در دولت سیزدهم، عزم خود را برای رساندن عملکرد به ظرفیت‌های این بخش جزم کرده است، ولی با توجه به شرایط اقتصادی، برنامه‌های ویژه‌ای نیز برای حمایت از مردم و کسب و کارها تدوین و اجرا کرده است. بدین ترتیب در کنار جدیت در مالیات ستانی، حمایت از مؤدیان مالیاتی نیز در دستور کار قرار گرفته است.

در این راستا، سازمان امور مالیاتی در سال جاری با هدف رعایت حال مؤدیان در شرایط سخت اقتصادی و آسیب‌های ناشی از بیماری کرونا چهار اقدام اساسی در جهت حمایت از مؤدیان انجام داده است.

در گام نخست با هدف حمایت از بخش تولید به منظور بازگشت رونق به اقتصاد، قرار شد واحدهای تولیدی شاهد کاهش مالیات از ۲۵ درصد با شیب ملایم به ۱۰ درصد باشند. بر همین اساس در سال جاری ۵ درصد از مالیات این واحدها کاهش یافت. در گام بعدی که موجب معافیت بخشی از اصناف از پرداخت مالیات بر عملکرد و

کاهش قابل توجه مالیات پرداختی مابقی فعالان اقتصادی شد حد نصاب مقرر در تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم از ۱۰ برابر به ۱۰۰ برابر افزایش یافته تا طیف وسیع‌تری از مؤدیان مالیات بر درآمد مشاغل را در چتر حمایتی خود با تعیین مالیات مقطوع نسبت به رقم مالیات سنوات گذشته و محدود کردن سقف افزایش مالیات بر درآمد مشاغل برای عملکرد سال ۱۴۰۰ با وجود در اختیار داشتن اطلاعات حساب فروش مؤدیان قرار دهد. از سوی دیگر، ضریب سود فعالیت را برای عملکرد سال ۱۴۰۰ به میزان ۵۰ درصد کاهش داده است، این بدین معنی است که نه تنها سازمان امور مالیاتی مالیات جدیدی وضع نکرده که از حداکثر ظرفیت و اختیارات قانونی خود برای حمایت از صاحبان مشاغل و حرف و محیط کسب و کار استفاده کرده است.

همچنین در مصوبه ۳۱ فروردین ماه امسال، شورای عالی هماهنگی اقتصادی، مدت زمان تقسیط مندرج در ماده ۱۶۷ قانون مالیات‌های مستقیم از ۳۶ ماه به ۶۰ ماه برای واحدهای تعطیل، همراه با یک سال تنفس از زمان تعیین تکلیف پرونده متقاضی، افزایش یافته است که آن هم در شرایط تورمی و با گذشت زمان و کاهش ارزش پول به منزله عدم دریافت مالیات از آنهاست.

علاوه بر این، طبق بخشنامه ابلاغ شده این سازمان در روزهای گذشته، به مناسبت گرامیداشت هفته دولت و تکریم مؤدیان مالیاتی، بخشودگی جرایم مالیات و عوارض هر سال یا دوره برای مؤدیانی که تا تاریخ ۱۰ شهریور امسال نسبت به پرداخت بدهی مالیاتی دوره مربوطه اقدام کنند، در خصوص اشخاص حقیقی تا سقف دومیلیارد ریال و برای اشخاص حقوقی تا سقف سه میلیارد ریال بدون پیش شرط به مدیران کل امور مالیاتی تفویض کرد.

تکمیل حلقه‌های شفافیت

در کنار تمام اقداماتی که نظام مالیاتی کشور در یکسال اخیر انجام داده است، عملیاتی کردن قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان از اهمیت بیشتری برخوردار است. در واقع اجرای هر بند از این قانون آثار دامنه‌دار و بسیاری در سطح اقتصاد ملی ایران دارد. در حالی که این قانون با هدف ایجاد شفافیت، جلوگیری از فرار مالیاتی و در نهایت برقراری عدالت مالیاتی در سال ۱۳۹۸ در مجلس شورای اسلامی مصوب شد و دولت قبل می‌بایست ظرف ۱۵ ماه آن را راه‌اندازی می‌کرد، اما به دلیل نواقص و مشکلات دولت وقت، کار به تعویق افتاد. اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم، راه‌اندازی سامانه مؤدیان و به طور کلی اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی در اولویت برنامه‌های سازمان امور مالیاتی قرار گرفت و در کمتر از ۱۰ ماه، موفق شد تا سامانه مؤدیان را راه‌اندازی کند، به طوری که از اواخر تیرماه سال جاری نیز اطلاعاتی مربوط به ثبت‌نام و عضویت در این سامانه از سوی سازمان امور مالیاتی صادر شد.

با این حال، براساس مصوبه ۱۱ مرداد ستاد هماهنگی اقتصادی دولت و در چهارچوب

براساس اعلام سازمان امور مالیاتی کشور، تاکنون برای ۱۲ هزار و ۴۰۰ مالک خانه واحد مسکونی گرانقیمت و باغ ویلا پیامک اطلاع‌رسانی ارسال و مطالبه مالیات ارسال شده است که تا اواخر مرداد ماه از این تعداد حدود ۲ هزار و ۸۰۰ مؤدی به درگاه ملی خدمات الکترونیک سازمان مراجعه و ثبت‌نام کرده‌اند

فراهم آمدن زیرساخت‌ها و سامانه‌های لازم برای اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه‌های مؤدیان، این قانون به شکل

تدریجی و مرحله‌ای اجرا می‌شود. همانگونه که اشاره شد، اجرای این قانون نتایج بسیاری در ارتقای شفافیت اقتصادی به دنبال خواهد داشت. به گونه‌ای که هوشمندسازی نظام مالیاتی، جلوگیری از فرار مالیاتی، حذف و کاهش تشخیص‌های مالیاتی علی‌الرأس، دریافت مالیات‌های منطبق با درآمد و به دنبال آن برقراری عدالت مالیاتی و در نهایت رضایت فعالان اقتصادی و مؤدیان از جمله نتایج اجرای کامل این قانون خواهد بود.

هدف اصلی قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، ایجاد دو نهاد در منظومه نظام اقتصادی کشور حول محور فعالیت‌های مبادلاتی و بازرگانی است. در نهاد اول تمام فعالان اقتصادی از پایانه‌های فروشگاهی در کسب و کار خود استفاده می‌کنند.

بخش دوم و مهم این قانون تدوین سامانه نرم‌افزاری ملی و فراگیر تحت وب است که تمام فعالان اقتصادی مکلفند تمام صورتحساب‌های مربوط به خرید و فروش خود و اطلاعات مربوط به کالاهایی که مبادله شده است را با جزئیات، قیمت کالاها و حجم مبادلات و نقدی یا غیرنقدی بودن مبادلات و... در این سامانه ثبت کنند. با این سامانه انتظام‌بخشی امور مربوط به اقتصاد ملی از جمله نظام قیمت‌گذاری رقابتی و قانونی، نظام رصد و پایش از تولید یا واردات تا مصرف‌کننده نهایی کالاها و خدمات و به تبع آن پایش اصالت کالاها و خدماتی که در بازار مبادله می‌شوند، ممکن می‌شود. همچنین رصد کالاهای قاچاق و تقلبی از دیگر نتایج این قانون است که در نهایت به محدود شدن اقتصاد زیرزمینی منجر می‌شود.

در نخستین گام‌های برداشته شده برای اجرای این قانون، اتفاقات بزرگی همانند



اتصال تمام ابزارهای پرداخت (دستگاههای کارتخوان و درگاههای پرداخت اینترنتی) به پرونده مالیاتی ذی‌نفعان، شناسایی بیش از ۲ میلیون مؤدی جدید و آغاز تفکیک حسابهای تجاری و شخصی بانکی رخ داد.

شناسایی ۲/۲ میلیون مؤدی مالیاتی جدید

با اجرای فقط یک بخش از قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار مؤدی جدید شناسایی شده است. علاوه بر این، چند باند و شبکه بزرگ فساد و فرار مالیاتی نیز کشف شده است.

درواقع با اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، فعالیت اقتصادی اشخاص بیش از پیش شفاف خواهد شد و امکان فرار مالیاتی به کمترین میزان کاهش خواهد یافت.

بر همین اساس، مؤدیان مالیاتی در سال جاری ۵۲ درصد افزایش یافته است. امسال نزدیک به ۴ میلیون و ۴۵۰ هزار اظهارنامه و فرم تبصره ۱۰۰ دریافت شده است که نسبت به سال گذشته حدود ۵۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

در حوزه اشخاص حقوقی نیز شاهد افزایش اظهارنامه و میزان مالیات ابرازی هستیم. در مجموع امسال بیش از ۳۳۰ هزار اظهارنامه توسط اشخاص حقوقی به سازمان مالیاتی ارسال شد و همچنین میزان مالیات ابرازی شرکتها هم نسبت به سال گذشته ۷۲ درصد افزایش پیدا کرد و از ۵۷ هزار میلیارد تومان در سال گذشته به حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان در سال جاری افزایش یافت.

با افزایش اشراف مالیاتی دولت، شرکت‌های بزرگی که فرار مالیاتی داشتند یا مالیات واقعی خود را پرداخت نمی‌کردند نیز شناسایی شدند. در این خصوص ۳ شرکت فولادی با فرار مالیاتی گسترده طی ماه‌های گذشته شناسایی شدند. این شرکت‌ها در مجموع در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷، تعداد ۵۹۸ رکورد از مجموع معاملات اقتصادی خود را به مبلغ ۵۷ هزار و ۷۲۱ میلیارد ریال به طرفیت ۲۳۶ شرکت کاغذی در سامانه معاملات فصلی سازمان امور مالیاتی کشور درج کرده بودند.

۹ میلیون و ۴۰۰ هزار کارتخوان غیرفعال شد

در راستای اجرای ماده ۱۱ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان از سال گذشته، بانک مرکزی با همکاری سازمان مالیاتی نسبت به ساماندهی دستگاههای کارتخوان بانکی یا درگاههای پرداخت الکترونیکی اقدام کرد که نتیجه آن غیرفعال شدن ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار دستگاه کارتخوان و متصل شدن حدود ۸ میلیون و ۳۰۰ هزار دستگاه کارتخوان به پرونده مالیاتی دارندگان آنها شد.

در این زمینه، تمام اشخاص دارای ابزار پرداخت‌های بانکی باید با ورود به درگاه ملی خدمات الکترونیکی مالیاتی فهرست تمام دستگاههای کارتخوان بانکی یا درگاههای پرداخت الکترونیکی خود را مشاهده و نسبت به اتصال آنها به پرونده‌های مالیاتی قبلی یا تشکیل پرونده مالیاتی جدید اقدام می‌کردند که در سال قبل، بالغ بر ۷،۲ میلیون کارتخوان به پرونده مالیاتی

(POS) یا درگاههای پرداخت الکترونیکی مورد استفاده برای فعالیت شغلی خود را

به سازمان امور مالیاتی اعلام کنند.

همچنین، تمام تراکنش‌های انجام شده صاحبان مشاغل (صنفاً و غیرصنفاً) از طریق حسابهای بانکی متصل به دستگاههای کارتخوان بانکی و نیز درگاههای پرداخت الکترونیکی به‌عنوان تراکنش‌های بانکی مرتبط با فعالیت شغلی صاحب حساب بانکی محسوب شده و بانک مرکزی باید اطلاعات این تراکنش‌های بانکی شامل مانده اول دوره، وجوه واریزی، وجوه برداشت شده و مانده آخر دوره هر حساب بانکی را به منظور تکمیل پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان موضوع ماده (۱۶۹) مکرر) قانون مالیات‌های مستقیم به‌صورت برخط در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهد.

بررسی آخرین وضعیت تفکیک حسابهای تجاری و شخصی از سازمان امور مالیاتی حاکی از آن است که حدود ۸ میلیون حساب تجاری از سوی مؤدیان در جریان ارائه اظهارنامه مالیاتی به سازمان امور مالیاتی اعلام شده و این میزان حساب در سازمان به‌عنوان حساب تجاری شناسایی و ثبت شده است.

در واقع همین تصمیم باعث شده است کسانی که از حسابهای شخصی به‌صورت حسابهای اجاره‌ای برای فرار مالیاتی سوءاستفاده می‌کردند، عملاً راه برای آنها بسته می‌شود و دیگر کسی نمی‌تواند از حسابهای تجاری برای تراکنش‌های بانکی استفاده کند.

برای هر حساب شخصی و غیرتجاری که در نظام بانکی به‌عنوان تجاری شناخته نشده است، یک آستانه تعداد دفعات گردش پیش‌بینی شده است و اگر از آن سقف عبور کند، نظام مالیاتی از طریق نظام بانکی مطلع می‌شود که این حساب شخصی، کارکرد تجاری دارد اما خود را تجاری معرفی نکرده است.

متصل و حدود ۳ میلیون کارتخوان نیز غیرفعال شد.

در مجموع ۱۸ میلیون و ۷۷۹ هزار دستگاه ابزار پرداخت اعم از کارتخوان و درگاه پرداخت ساماندهی شد که از این تعداد، حدود ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار ابزار پرداخت به پرونده مالیاتی متصل شدند.

به دنبال آن بانک مرکزی نیز به‌عنوان دستگاه همکار سازمان مالیاتی، از اتصال تمام کارتخوان‌ها و درگاههای پرداخت اینترنتی فعال در شبکه پرداخت کشور به پرونده مالیاتی خبر داد.

طبق توضیحات بانک مرکزی، اتصال ابزارهای پرداخت به پرونده‌های مالیاتی از دو طریق انجام شد؛ تعدادی از ابزارهای پرداخت با هدایت صاحبان این ابزارها در سایت سازمان امور مالیاتی به پرونده مالیاتی متصل شدند و تعدادی هم که این اتصال از سوی صاحبان آنها انجام نشد عملیات قطع و غیرفعال شدن این ابزارها از شبکه پرداخت انجام شد. اتصال کارتخوان‌ها و درگاههای پرداخت اینترنتی پس از ۲ سال همکاری بسیار خوب شبکه پرداخت، مردم، سازمان امور مالیاتی و همکاران بانک مرکزی میسر شده است.

تفکیک حسابهای تجاری از شخصی

بر اساس قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان پس از ساماندهی دستگاههای کارتخوان و سایر ابزارهای پرداخت، از اوایل خرداد ماه امسال تفکیک حسابهای تجاری و شخصی آغاز شد که به گفته مسئولان این سازمان تا پایان شهریورماه به پایان می‌رسد. در این زمینه، فعالان اقتصادی باید حساب تجاری مرتبط به کسبوکار خود را به سازمان امور مالیاتی اعلام کنند.

بر اساس قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، مشمولان این قانون باید شماره حساب یا حسابهای بانکی و شناسه یکتای دستگاههای کارتخوان بانکی

اجرای پایه‌های مالیاتی سه گانه

یکی دیگر از اقداماتی که از سوی نظام مالیاتی انجام شد، عملیاتی کردن پایه‌های مالیاتی جدیدی است که از چند سال قبل از سوی مجلس به دولت تکلیف شده بود. در این راستا، طبق قانون بودجه، خانه‌ها و باغ و ویلاهای گرانقیمت، خودروهای لوکس و همچنین خانه‌های خالی از سکنه به‌عنوان سه پایه مالیاتی جدید شناخته و با جدیت بیشتری نسبت به قبل مورد رسیدگی قرار گرفت.

هرچند همچنان عملکرد این پایه‌های مالیاتی با اهداف تعیین شده فاصله دارد، اما به طور قطع در آینده و با برطرف شدن موانع قانونی و همکاری بیشتر دستگاه‌های همکار، این پایه‌ها نیز به اهداف خود خواهند رسید. البته هدف اصلی قانونگذار از گنجاندن این موارد به‌عنوان پایه‌های جدید مالیاتی نه کسب درآمد که تنظیم‌گری اقتصادی است.

مالکان خانه‌های لاکچری بتدریج می‌آیند

دریافت مالیات از واحدهای مسکونی گرانقیمت و باغ و ویلاها به استناد ضوابط اجرایی قانون بودجه سال ۱۴۰۰ و در دولت سیزدهم کلید خورد که از جمله مهم‌ترین آثار اجرای این قانون، افزایش عدالت مالیاتی، نظم بخشی به اقتصاد و غلبه بر سوداگری در بازار مسکن است.

براساس آیین‌نامه اجرایی بند ۶ تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور که مهرماه سال گذشته از سوی دولت به تصویب رسید، واحدهای مسکونی شامل کلیه ساختمان‌ها اعم از مستغلات، آپارتمان و ویلا و باغ و ویلاهای گرانقیمت (با احتساب عرصه و اعیان) متعلق به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و افراد تحت تکفل آنها، با ارزش روز بیشتر از یکصد میلیارد ریال و همچنین باغ ویلا (اماکنی که مطابق جواز صادره به‌عنوان باغ شناخته شده و توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها حسب مورد پروانه ساخت ویلا برای آن صادر شده است) دارای‌های مشمول این آیین‌نامه هستند.

نرخ مالیات سالانه دارای‌های مشمول آیین‌نامه فوق (با احتساب عرصه و اعیان) برای دارای‌های با ارزش روز از یکصد میلیارد و یک ریال تا ۱۵۰ میلیارد ریال نسبت به مازاد یکصد میلیارد ریال معادل یک درصد به‌صورت سالانه، از ۱۵۰ میلیارد و یک ریال تا ۲۵۰ میلیارد ریال نسبت به مازاد ۱۵۰ میلیارد ریال معادل ۲ درصد، از ۲۵۰ میلیارد و یک ریال تا ۴۰۰ میلیارد ریال نسبت به مازاد ۲۵۰ میلیارد ریال معادل ۳ درصد، از ۴۰۰ میلیارد و یک ریال تا ۶۰۰ میلیارد ریال نسبت به مازاد ۴۰۰ میلیارد ریال معادل ۴ درصد و نسبت به مازاد ۶۰۰ میلیارد ریال معادل ۵ درصد تعیین شد.

براساس اعلام سازمان امور مالیاتی کشور، تاکنون برای ۱۲ هزار و ۴۰۰ مالک خانه واحد مسکونی گرانقیمت و باغ ویلا پیامک اطلاع‌رسانی ارسال و مطالبه مالیات ارسال شده است که تا اواخر مرداد ماه از این تعداد حدود ۲ هزار و ۸۰۰ مؤدی به درگاه ملی خدمات الکترونیک سازمان مراجعه و



ثبت‌نام کرده‌اند.

همچنین ۳۰۰ مؤدی مشمول مالیات نسبت به پرداخت مالیات اقدام کرده‌اند. از مجموع ۲ هزار و ۸۰۰ مؤدی که در سامانه مالیاتی ثبت‌نام کرده‌اند، تعداد ۹۲۱ نفر نسبت به مالیات تعیین شده یا مشمولیت این مالیات اعتراض کرده‌اند که اعتراضات آنها در دست پیگیری است.

خودروهای لاکچری در تور مالیاتی

براساس مقررات تعیین شده در بند ۶ تبصره ۶ قانون بودجه سال گذشته، مالکان انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین به ارزش بیش از یک میلیارد تومان، مشمول مالیات هستند. هرچند قانون مالیات از خودروی لوکس طی دو سال اخیر نیز در بودجه‌های سنواری مصوب شده بود اما مسئولان مربوطه ترک فعل داشتند و دریافت حقوق بیت‌المال بی‌نتیجه ماند. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و عزم مسئولان برای بازتوزیع عادلانه ثروت و اخذ مالیات‌های قانونی، این پایه مالیاتی با جدیت دنبال شد.

بدین ترتیب برای نخستین بار بالغ بر ۵۵۰ هزار خودروی لوکس طبق قانون به منظور دریافت مالیات شناسایی شده است. این آمار با همکاری راهور ناجا محقق شده و صاحبان این خودروها باید حدود ۵۶۰۰ میلیارد تومان مالیات بپردازند.

براساس آیین‌نامه اجرایی ابلاغ شده، خودروهای با ارزش یک میلیارد تا یک نیم میلیارد تومان نسبت به مازاد یک میلیارد تومان مشمول مالیات یک درصدی هستند.

همچنین درصد تعیین شده برای

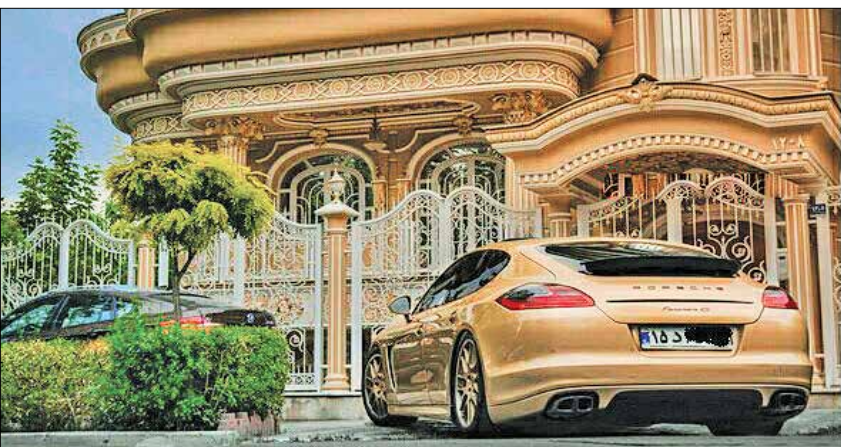
خودروهای یک و نیم تا ۳ میلیارد تومانی، ۲ درصد و برای خودروهای با ارزش ۳ تا چهار میلیارد و نیم میلیارد تومان ۳ درصد تعیین شده است. خودروهای بالاتر از چهار و نیم میلیارد تومان نیز مشمول مالیات ۴ درصدی هستند. پس از تدوین آیین‌نامه مربوط به این ماده قانونی، اقدامات لازم جهت مطالبه و وصول مالیات از دارندگان خودروهای لوکس انجام گرفت و برای ۱۷۸ هزار مالک خودرو لوکس، در مجموع رقمی معادل ۲۰ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال مالیات تعیین شده است.

سازمان امور مالیاتی کشور تا اواخر مرداد ماه بیش از ۶۸ هزار مالک خودروی لوکس جهت تعیین وضعیت مالیات متعلقه به درگاه ملی خدمات الکترونیک سازمان امور مالیاتی کشور مراجعه و ثبت‌نام کرده‌اند که بخشی از مؤدیان نیز نسبت به پرداخت مبلغ حدود هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال مالیات اقدام کرده‌اند. در این رابطه همچنین حدود ۱۴ هزار و ۸۰۰ مؤدی نسبت به مالیات تعیین شده اعتراض کرده‌اند.

درکنار مالیات از خودروهای لوکس، پس از راه‌اندازی سامانه هوشمند مالیات نقل و انتقال خودرو، وصولی مالیات از این بخش نیز با جهش قابل توجهی همراه شد به طوری که وصولی مالیات نقل و انتقال خودرو در چهار ماهه امسال نسبت به چهارماهه سال گذشته، ۶۹ درصد رشد داشته است.

وصولی مالیات نقل و انتقال خودرو در سال گذشته حدود ۱۶ هزار میلیارد ریال بوده که پس از راه‌اندازی سامانه مالیات نقل و انتقال خودرو، طی چهارماهه امسال، حدود ۱۸ هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال مالیات از نقل و انتقال خودرو در کشور وصول شده

درکنار مالیات از خودروهای لوکس، پس از راه‌اندازی سامانه هوشمند مالیات نقل و انتقال خودرو، وصولی مالیات از این بخش نیز با جهش قابل توجهی همراه شد به طوری که وصولی مالیات نقل و انتقال خودرو در چهار ماهه امسال نسبت به چهارماهه سال گذشته، ۶۹ درصد رشد داشته است



در ۱۸ ضرب می‌شود؛ حال اگر مالک این واحد مسکونی خالی اگر بیش از ۵ واحد مسکونی خالی داشته باشد، عدد به دست آمده در ۲ ضرب می‌شود.

طبق مقررات هر واحد مسکونی در صورتی که بیش از ۱۲۰ روز خالی از سکنه باشد، مشمول این مالیات خواهد بود.

این درحالی است که به دلیل قراردادن وظیفه شناسایی واحدهای مسکونی خالی برعهده وزارت راه و شهرسازی و تفاوت دیدگاه و تأخیرات زمانی این پایه مالیاتی فاصله زیادی با اهداف خود دارد.

بنابراین، در شرایطی که صاحبان خانه‌های خالی تا پایان مردادماه برای پرداخت مالیات فرصت داشتند، بررسی عملکرد درآمدهای مالیاتی کشور تا پایان تیرماه امسال حاکی از آن است که از این واحدهای مسکونی فقط ۲۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان مالیات دریافت شده است. در سه ماهه ابتدایی امسال نیز ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان مالیات از واحدهای مسکونی خالی از سکنه دریافت شده است.

سازمان امور مالیاتی اوایل ماه جاری در اطلاعیه‌ای از محاسبه مالیات واحدهای مسکونی خالی از سکنه برای سال ۱۴۰۰ و اعلام آن به صاحبان این خانه‌ها خبر داد.

این سازمان همچنین اعلام کرد که صاحبان خانه‌های خالی حداکثر تا پایان مرداد ماه برای پرداخت مالیات فرصت دارند.

پیش از این نیز، سازمان امور مالیاتی در دی ماه سال گذشته فهرستی از اطلاعات خانه‌های خالی و مالیات آنها منتشر کرده بود که براساس آن معادل ۵۶۸ هزار خانه خالی شناسایی شد. البته این تعداد واحد مسکونی خالی از سکنه شناسایی شده فقط

که این امر نشان می‌دهد، اجرای این طرح با توجه به اینکه تغییر چندانی در وضعیت بازار نقل و انتقال خودرو صورت نگرفته، به میزان قابل توجهی در کاهش فرارهای مالیاتی در این بخش مؤثر بوده است.

هم اکنون پرداخت مالیات نقل و انتقال خودرو پیش از انجام فرایند تعویض پلاک و به صورت آنلایین دریافت می‌شود. بر همین اساس یک درصد از ارزش خودروهای داخلی و دو درصد خودروهای وارداتی تحت عنوان مالیات دریافت می‌شود.

مالیات خانه‌های خالی در کش و قوس شناسایی

برمبنای ماده ۵۴ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم واحدهای مسکونی واقع در شهرهای با جمعیت بیش از ۱۰۰ هزار نفر که به استناد سامانه ملی املاک و اسکان به‌عنوان «واحد خالی» شناسایی شوند، از سال دوم به بعد مشمول مالیات معادل مالیات بر اجاره خواهند شد. براین اساس سال دوم، معادل یک دوم مالیات متعلقه، سال سوم، معادل مالیات متعلقه و سال چهارم و به بعد معادل یک و نیم برابر مالیات متعلقه.

به عبارت دیگر، براساس ارزش اجاره ماهانه واحد مسکونی خالی و سپس کسر ۲۵ درصد استهلاک سالانه ساختمان از رقم به دست آمده، برای محاسبه مالیات اشخاص حقیقی در ۱۵ و حقوقی در ۲۵ درصد ضرب می‌شود. سپس این رقم در تعداد ماه‌های خالی مانده ضرب می‌شود. بدین ترتیب در سال اول خالی بودن، رقم به دست آمده در ۶ در سال دوم در ۱۲ و در سال سوم به بعد

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

نرخ تورم در دولت سیزدهم ۱۸ درصد کم شد

مه‌ار تورم از اتاق کنترل بازار پول



مصرفی که در ابتدای استقرار دولت یازدهم و در پایان مردادماه سال ۱۳۹۲ معادل ۳۹,۰ درصد بود، در پایان دولت دوازدهم (مرداد ۱۴۰۰) به ۵۸,۳ درصد رسید که در ۷۰ سال گذشته بی‌سابقه است.

با روی کار آمدن دولت سیزدهم و به دنبال اقدامات انجام شده در زمینه ثبات نسبی ایجاد شده در بازار ارز، نظارت بر قیمت کالاها و خدمات و تأمین مناسب کالاهای اساسی، نرخ تورم روند نزولی به خود گرفت و با کاهش ۱۲,۱ واحد درصدی به رقم ۴۶,۲ درصد در پایان سال ۱۴۰۰ رسید. این روند کاهش طی دو ماهه نخست سال ۱۴۰۱ نیز تداوم یافت و تورم متوسط ۱۲ ماهه در اردیبهشت ماه سال جاری به ۴۱,۹ درصد رسید.

تداوم این سیاست برای یک دوره میان‌مدت با آثار جانبی نامطلوبی از جمله کاهش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی، آثار مخرب پولی ناشی از عدم تکافوی منابع ارزی با نرخ ترجیحی نسبت به نیاز ارزی و افزایش تقاضا برای واردات کالاهای اساسی مواجه بوده است. به بیان دیگر در سال‌های اخیر متأثر از کسری منابع ارزی دولت (قابل تخصیص با نرخ ارز ترجیحی) چالش‌های جدی ایجاد شد که یکی از

زمانی که دولت سیزدهم کار خود را آغاز کرد، تورم در قله تاریخی خود قرار داشت. در این دوره به دلیل سیاست‌های دولت دوازدهم و ناترازی‌های بودجه که فشار زیادی بر متغیرهای پولی از جمله پایه پولی و نقدینگی وارد کرده بود؛ نرخ تورم رشد شدیدی را تجربه کرده بود. اما تغییر و اصلاح سیاست‌های اقتصادی توسط دولت سیزدهم مسیر این شاخص اقتصادی مهم را تغییر داد. براساس آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی بانک مرکزی، نرخ تورم در ابتدای دولت سیزدهم متأثر از سیاست‌های دولت قبل ۵۹ درصد بود که در خردادماه امسال به رغم اجرای طرح حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و اثرات تورمی کوتاه‌مدت آن، به ۴۱ درصد کاهش یافته است. با آغاز به کار دولت سیزدهم مسأله کنترل رشد نقدینگی و تورم به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های اقتصادی دولت و بانک مرکزی مورد توجه قرار گرفته است.

با اجرای سیاست مردمی‌سازی یارانه‌ها و حذف تخصیص ارز ترجیحی و انتظارات تورمی ناشی از این اقدام، روند حرکتی نرخ تورم نقطه به نقطه در دو ماه بعد از اجرای این سیاست با افزایش نسبی مواجه بوده است، قاعداً با اجرای طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها به عنوان یک سازوکار اصلاحی در قیمت کالاهای اساسی، بیشترین میزان تأثیر بر افزایش نرخ تورم در ماه‌های اولیه اجرای طرح رخ می‌دهد که این تحولات نیز در نرخ تورم نقطه به نقطه اردیبهشت ماه منعکس شده است. بر اساس اطلاعات موجود تورم متوسط ۱۲ ماهه شاخص کالاهای و خدمات

اطلاعات بانک مرکزی نشان می‌دهد متوسط نرخ تورم دولت روحانی در ۷۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. در ماه‌های پایانی دولت روحانی برخی منابع مطلع از افزایش نرخ تورم به بیش از ۵۰ درصد گزارش داده بودند اما آنطور که در روایت رسمی بانک مرکزی آمده، نرخ تورم در پایان دولت روحانی به ۵۸,۳ درصد رسیده بود که این آمار طی ۷۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه در بهمن ماه ۱۳۹۹ به رقم بی‌سابقه ۶۵,۳ درصد رسید که در پایان سال ۱۴۰۰ با ۳۵,۸ واحد درصد کاهش به ۲۹,۵ درصد رسید.

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

به رشد دوره مشابه سال قبل (۳۸,۸ درصد)، معادل ۴,۱ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد.

رشد پایه پولی نیز متأثر از رویکرد انضباط‌گرایانه دولت و سیاست‌های پولی و نظارتی فعال بانک مرکزی از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. بررسی آمار پولی نشان می‌دهد که رشد ۱۲ ماهه پایه پولی از ۴۲,۶ درصد در پایان تیرماه ۱۴۰۰ به ۳۰,۵ درصد در پایان اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. روند کاهش رشد صعودی گذشته در دولت جدید تا حدودی مهار شده و انتظار می‌رود با تداوم سیاست‌های اقتصادی این دولت، رشد نقدینگی و پایه پولی سالانه کماکان به روند نزولی خود ادامه دهد.

این بانک با همکاری دولت، سیاست‌ها و اقدامات مناسبی را در راستای مهار رشد بی‌ضابطه کل‌های پولی و تورم تدارک دیده است. بر همین اساس همان‌طور که اشاره شد در تداوم روند نزولی رشد کل‌های پولی از اواسط سال گذشته، طی دو ماهه ابتدایی سال جاری نیز رشد پایه پولی و نقدینگی به‌رغم اجرای طرح مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها از روند مناسبی مطابق با برنامه‌های سیاست‌گذار پولی برخوردار بوده است. عامل اصلی رشد پایه پولی در پایان اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۱ نسبت به پایان سال قبل، افزایش خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی متأثر از کاهش سپرده‌های دولت نزد بانک مرکزی بوده است.

دلیل کاهش سپرده‌های دولت نزد بانک مرکزی در پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱، اجرای طرح مردمی‌سازی توزیع عادلانه یارانه‌ها و واریز یارانه نقدی (مربوط به دو ماه اردیبهشت و خرداد) جمعاً به میزان ۴۶۸ هزار میلیارد ریال به حساب افراد مشمول یارانه با هدف حمایت از خانوارها در ۱۹ اردیبهشت‌ماه سال جاری است. بانک مرکزی در راستای جذب نقدینگی ایجاد شده و کاهش اثرات پولی ناشی از اجرای طرح مردمی‌سازی توزیع عادلانه یارانه‌ها، کاهش حجم ریپو (عملیات بازار باز) و فروش اوراق بدهی دولت را در سال ۱۴۰۱ در دستور کار قرار داده است.

در خصوص عملکرد مالی دولت در سال ۱۴۰۱ باید اذعان کرد که برخلاف رویه دو ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ که عمده تأمین مالی دولت با اتکال به منابع حساب تنخواه‌گردان خزانه و مبتنی بر ایجاد بدهی به بانک مرکزی صورت گرفته بود، پرداخت‌های دولت در دو ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۱ با اتکال به منابع سپرده‌های خود بوده است. لذا، یکی از تحولات مثبت شکل گرفته در خصوص رابطه مالی دولت و بانک مرکزی که عمدتاً به رویکرد منضبطانه دولت سیزدهم ارتباط می‌یابد، اتکال بیشتر دولت به منابع خود بوده است. همچنین به دنبال حذف ارز ترجیحی در تأمین ارز واردات کالاهای اساسی، سهم خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در رشد پایه پولی برخلاف رویه سال‌های گذشته در پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است.

سیاست حذف ارز ترجیحی در قالب اجرای طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها در ماه‌های نخست اجرای طرح موجب اصلاح و افزایش قیمت کالاهای اساسی مرتبط با تخصیص ارز ترجیحی می‌شود، لیکن با توجه به تقلیل و حتی حذف آثار پولی مربوط به تأمین ارز ترجیحی توسط بانک مرکزی، بسترهای افزایش‌دهنده نرخ تورم از این محل را در آینده کاهش خواهد داد

از این اقدام به دهک‌های مشمول، زمینه جبران و بهبود قدرت خرید بخش اعظمی از خانوارهای کشور را فراهم آورد.

اتاق کنترل تورم

بررسی اقدامات اصلاحی دولت سیزدهم نشان می‌دهد که دولت از اتاق کنترل سیاست‌های پولی موفق به مهار نرخ تورم افسارگسیخته از ابتدای فعالیت خود شده است. در این راستا، بررسی نرخ رشد ۱۲ ماهه نقدینگی نشان می‌دهد که نرخ رشد نقدینگی از ۴۰,۵ درصد در پایان شهریورماه ۱۴۰۰ طی یک روند نزولی به ۳۷,۳ درصد در پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ کاهش یافته است. البته لازم به تأکید است که ۲,۶ واحد درصد از رشد نقدینگی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ به افزایش پوشش آماري (افزافه شدن اطلاعات بانک مهرباقتصاد در آمار پولی، بواسطه ادغام بانک‌های متعلق به نیروهای مسلح در بانک سپه) مربوط بوده و در صورت عدم لحاظ افزایش پوشش آماري مذکور، رشد ۱۲ ماهه نقدینگی در پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ به ۳۴,۷ درصد کاهش می‌یابد. از این رو رشد ۱۲ ماهه نقدینگی منتهی به پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ (با پایه همگن) نسبت

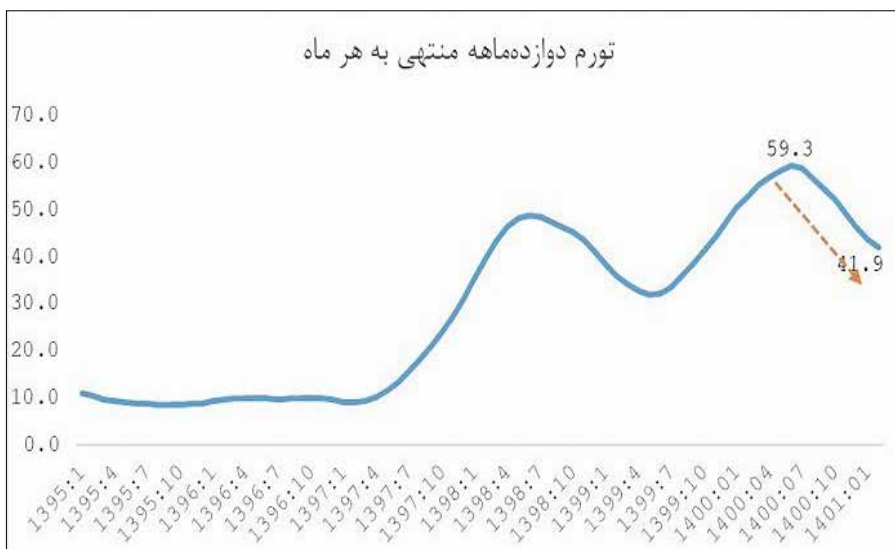
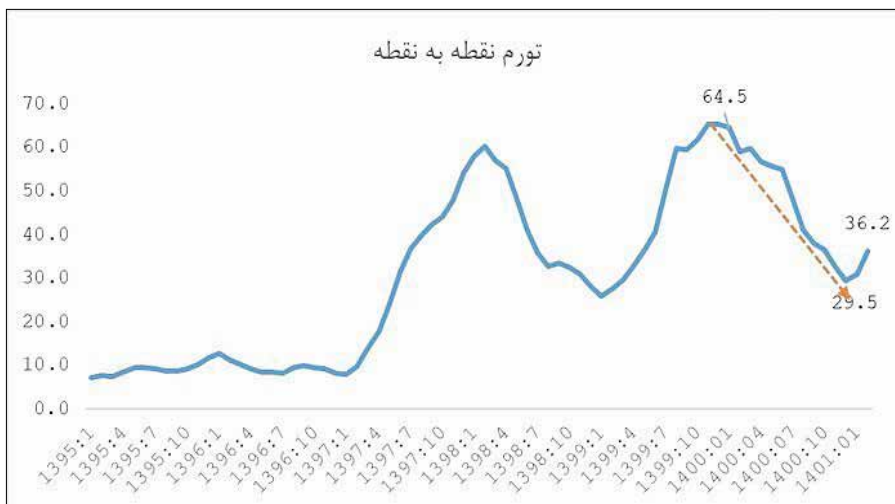


مهم‌ترین آنها افزایش پایه پولی از محل تفاوت نرخ‌نامه‌ای خرید و فروش ارز توسط بانک مرکزی بوده است.

بنابراین هرچند سیاست حذف ارز ترجیحی در قالب اجرای طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها در ماه‌های نخست اجرای طرح موجب اصلاح و افزایش قیمت کالاهای اساسی مرتبط با تخصیص ارز ترجیحی می‌شود، لیکن با توجه به تقلیل و حتی حذف آثار پولی مربوط به تأمین ارز ترجیحی توسط بانک مرکزی، بسترهای افزایش‌دهنده نرخ تورم از این محل را در آینده کاهش خواهد داد.

ضمن آنکه اجرای این طرح قانونی به عنوان یک ضرورت، زمینه جلوگیری از بروز فساد و قاچاق کالاهای اساسی بواسطه اختلاف زیاد میان قیمت‌های مصوب داخلی و جهانی را فراهم کرده است.

علاوه بر این باید خاطر نشان شود بخشی از رشد قیمت کالاهای در ماه‌های اخیر ناشی از افزایش بی‌سابقه قیمت‌های جهانی، تغییر شرایط جوی و تنش‌های آبی، تنش‌های سیاسی و بین‌المللی بوده است. صرف نظر از این دولت و مجموعه اقتصادی تلاش کرده با افزایش یارانه توزیعی و همچنین بازتوزیع منابع حاصل



با وجود شوک تورمی اصلاح سیاست ارزی ترجیحی که در خردادماه امسال رخ داد، از تیرماه شاهد تخلیه بخش عمده‌ای از این تورم بودیم چرا که بخشی از تورم خرداد ناشی از تورم انتظاری بود که خود را در آمار نشان داد

تخلیه تورم اصلاح ارز ترجیحی

علاوه بر بانک مرکزی، آمار و اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران نیز حاکی از موفقیت دولت سیزدهم در مهار نرخ تورم است. بررسی روند نرخ رشد تورم نشان می‌دهد، تورم ۱۲ ماهه منتهی شهریورماه ۱۴۰۰ حدود ۴۶ درصد بوده که قبل از اجرای سیاست ارز ترجیحی در اردیبهشت‌ماه امسال به حدود ۳۸٫۷ درصد کاهش یافت که بعد از اجرای این سیاست به ۴۰٫۵ درصد رسید.

اما با وجود شوک تورمی اصلاح سیاست ارزی ترجیحی که در خردادماه امسال رخ داد، از تیرماه شاهد تخلیه بخش عمده‌ای از این تورم بودیم چرا که بخشی از تورم خرداد ناشی از تورم انتظاری بود که خود را در آمار نشان داد.

هرچند در خردادماه و براساس اعلام مرکز آمار ایران، نرخ تورم ماهانه به ۱۲٫۲ درصد افزایش یافت، اما آمار تیرماه حاکی از تخلیه بخش عمده‌ای از این تورم است.

آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد هرچند شاخص تورم نقطه به نقطه و سالانه افزایش یافته است، اما کاهش قابل توجه نرخ تورم ماهانه در تیرماه از تخلیه اثر تورمی سیاست اصلاح ارز ترجیحی خبر می‌دهد. تجربه اثر تورمی افزایش قیمت بنزین در آبان ماه سال ۱۳۹۸ نیز نشان می‌دهد که پس از رشد ماهانه تورم از ۱٫۶ درصد آبان به ۳٫۲ درصد در ماه بعد (آذر ۹۸) بسرعت تخلیه شد تا جایی که در دی ماه این سال رشد ماهانه تورم به ۸ دهم درصد رسید. اطلاعات مرکز آمار ایران گویای افت ۷٫۶ درصدی نرخ تورم ماهانه در تیرماه است.

هرچند تورم نقطه به نقطه (میزان تغییر نسبت به ماه مشابه سال گذشته) رشد داشته است، اما مقایسه میزان افزایش خرداد با تیرماه نشان از افت شدیدی دارد. در خردادماه تورم نقطه‌ای کل کشور با ۱۳٫۲ درصد رشد به ۵۲٫۵ درصد رسیده بود، ولی در تیرماه این شاخص تنها رشد ۳ درصدی را تجربه کرده و به ۵۴ درصد رسید. همچنین تورم نقطه‌ای گروه کالاهای خوراکی و آشامیدنی با رشد ۴٫۴ درصدی از ۸۱٫۶ درصد به ۸۶ درصد رسید. با این حال در گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات تنها شاهد رشد یک دهم درصدی هستیم به طوری که تورم ۳۶٫۸ درصدی خرداد به ۳۶٫۹ درصد در تیرماه رسید. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری ۵۲٫۸ درصد است که نسبت به ماه قبل ۱٫۴ واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۶۰٫۷ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۲٫۵ واحد درصد افزایش داشته است.

تورم سالانه ۴۰٫۵ درصد شد

در شاخص تورم سالانه در حالی که تورم خردادماه به ۳۹٫۴ درصد رسیده بود این نرخ در تیرماه با رشد ۱٫۱ درصدی به ۴۰٫۵ درصد رسیده است. تورم سالانه مواد خوراکی نیز در تیرماه با رشد ۳ درصدی به ۵۴٫۶ درصد افزایش یافته است. در خردادماه این نرخ ۵۱٫۶ درصد بود. اما تورم سالانه کالاهای غیرخوراکی در تیرماه هیچ تغییری نکرده است و همان نرخ ۳۳٫۲ درصدی خرداد در تیرماه نیز حفظ شده است.

در حالی که در خرداد ماه تورم ماهانه کل کشور به ۱۲٫۲ درصد رسیده بود. این نرخ در تیرماه به ۴٫۶ درصد رسید که نشان از افت ۷٫۶ درصدی این شاخص دارد. این شاخص برای خانوارهای شهری نیز از ۱۱٫۵ درصد خرداد ماه با ۷ درصد کاهش به ۴٫۵ درصد و برای خانوارهای روستایی از ۱۵٫۸ درصد خرداد ماه با ۱۱ درصد افت به ۴٫۸ درصد رسید. تورم ماهانه گروه کالاهای خوراکی و آشامیدنی نیز در تیرماه با افت قابل توجهی ۱۹٫۷ درصد کاهش یافت. در خرداد تورم ماهانه این گروه کالاها ۲۵٫۴ درصد بود که در تیرماه به ۵٫۷ درصد رسید. این روند برای خانوارهای شهری و روستایی هم تکرار شده است به طوری که نرخ تورم ماهانه خوراکی‌ها برای خانوارهای شهری از ۲۵٫۱ درصد به ۵٫۶ درصد (۱۹٫۵ درصد کاهش) و برای خانوارهای روستایی از ۲۶٫۷ درصد به ۵٫۷ درصد (با ۲۱ درصد کاهش) رسید. تأثیر تخلیه تورمی کل و کالاهای خوراکی بر گروه خدمات و کالاهای غیرخوراکی نیز مشهود است؛ به گونه‌ای که تورم ماهانه این گروه از کالا و خدمت که در خردادماه ۴٫۴ درصد بود با ۶ دهم درصد افت به ۳٫۸ درصد کاهش یافت. در خانوارهای شهری نیز تورم ماهانه کالاهای غیرخوراکی ۴ دهم درصد و برای خانوارهای روستایی ۱٫۳ درصد کمتر شده است. گفتنی است تورم این گروه از کالاها برای خانوارهای شهری در خرداد ماه ۴٫۲ درصد بود که در تیرماه به ۳٫۸ درصد رسید. خانوارهای روستایی نیز در خردادماه با تورم ۵٫۲ درصدی مواجه بودند که در تیرماه تورم ۳٫۹ درصدی را شاهد بودند.



روایت وزیر اسبق اقتصاد از ۱۲ ماه تلاش دولت سیزدهم برای سامان بخشیدن به خرابی‌های اقتصاد ایران

رئییسی کشور را در بدترین اوضاع اقتصادی تحویل گرفت

آقای روحانی کشور را از طریق «بازی پانزی» اداره می‌کرد

متوجه خواهیم شد تقریباً از سال ۹۳ به بعد، رشد سرمایه‌گذاری منفی بود، لذا آقای رئیسی با یک رشد اقتصادی بسیار کم رمق و سرمایه‌گذاری با رشد منفی مسئولیت دولت جدید را تحویل گرفت.

البته سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ تا حدودی شرایط رشد سرمایه‌گذاری بهتر شد که این موضوع را هم نمی‌توان به حساب بهبود سرمایه‌گذاری بگذاریم. یکی از علل این موضوع، ایجاد وضعیت مناسب‌تر به دلیل کاهش فشار بحران بیماری کرونا و رشد خدمات بود.

در واقع می‌توان گفت که کشور در بدترین شرایط اقتصادی از نظر تورمی، نقدینگی، سیاست‌های ارزی، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... قرار داشت و با همه این مشکلات دولت سیزدهم شروع به کار کرد. از سوی دیگر یکی دیگر از متغیرهای اقتصادی نرخ اشتغال و بیکاری است. اگر نگاهی به سال ۱۳۹۸ و نرخ مشارکت این سال را مد نظر قرار دهیم خواهیم دید که نرخ بیکاری بر اساس آمار بانک مرکزی حدود ۱۶ درصد بوده است.

رشد نقدینگی ۴۰ درصدی، سیاست ارزی نامناسب که موجب رانت و افزایش پایه پولی شد، تورم ۶۰ درصدی، رشد اقتصادی بی‌رمق، منفی بودن رشد سرمایه‌گذاری و همچنین وضعیت مالی دولت در بدترین شرایط در سال‌های اخیر، از جمله چالش‌های برجسته و قابل تأمل بود. دولت آقای روحانی از طریق فروش اوراق و «بازی پانزی» تأمین مالی می‌کرد. بر این اساس دولت گذشته، هر ماه اوراق بیشتری به فروش می‌رساند تا اصل و فرع اوراق ماه‌های قبل را که سررسید می‌شدند، پرداخت کند. همچنین هر سال اوراق بیشتری

شروع به کار دولت آیت الله رئیسی در شرایطی بود که چالش‌های برجسته اقتصادی از دولت روحانی به جای مانده بود و وقتی دولت سیزدهم خواست کارش را شروع کند، با انبوهی از ویرانی‌هایی مواجه شد که برای اصلاح خرابی‌های گذشته، هم نیاز به زمان بود و هم منابع. تورم ۶۰ درصدی، رشد نقدینگی ۴۰ درصدی، متوقف شدن سرمایه‌گذاری و اقدامات نسنجیده مثل تولد دلار ۴۲۰۰ تومانی کار را برای هر دولتی سخت و سخت‌تر می‌کرد. روزنامه ایران به مناسبت یکسالگی دولت سیزدهم به سراغ دکتر سید شمس‌الدین حسینی، وزیر اسبق اقتصاد و رئیس کمیسیون ویژه جهش تولید مجلس رفته و از او درباره وضعیت کنونی اقتصادی کشور و شرایطی که کشور تحویل دولت سیزدهم شده پرسیده است. او با بیانی شیوا نکاتی را در این گفت و گو بیان می‌کند که خواندنش خالی از لطف نیست.

۴۲۰۰ تومان در اختیار واردکننده قرار می‌گرفت؛ اما در واقع ارز با قیمت ۲۴ هزار تومان تأمین شده است که عاملی مؤثر برای افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی بود. در کل ۹۵ هزار میلیارد تومان به این دلیل به پایه پولی اضافه شد. در شرایطی که ضریب فراینده حدود ۷/۶ بود و نتیجه این شد که در نهایت حدود ۷۲۳ همت به نقدینگی اضافه شد. میزان نقدینگی سال ۹۹، حدود ۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بود لذا از ۴۰ درصد رشد نقدینگی حدود ۲۰ واحد درصد آن مربوط به ارز ترجیحی و سیاست‌های اتخاذ شده در خصوص تخصیص این نوع ارز بود. باید در نظر داشت علاوه بر ایجاد مباحث رانت ارزی، یکی از علل برجسته حجم بالا وجهش نقدینگی، تداوم چند ساله اجرای سیاست‌های ناکارآمد طرح ارز ترجیحی بود.

همزمان با شروع به کار دولت سیزدهم، تورم حدود ۶۰ درصد بود. ساختار نامناسب تأمین مالی و سیاست‌های نامناسب ارزی علاوه بر رشد نقدینگی، چشم‌انداز تورمی نامناسبی را ایجاد کرده بود. اگر روند سرمایه‌گذاری را هم بررسی کنیم

یکی از موضوعاتی که در ۱۲ ماه اخیر خیلی به آن توجه نشده، این است که اقتصاد ایران در چه وضعیتی تحویل دولت آقای رئیسی شد؟ به عنوان کسی که سال‌ها در حوزه اقتصاد ایران مطالعه و حدود ۵ سال وزیر اقتصاد هم بودید، در این خصوص چه نظری دارید؟

برای اینکه بخواهیم تصویری واقعی از اقتصاد ایران در زمانی که آقای رئیسی سکانداری دولت سیزدهم را به دست گرفت داشته باشیم، باید شاخص‌های کلان اقتصادی سال ۱۴۰۰ را بررسی کنیم. در شرایطی دولت جدید شروع به کار کرد که رشد نقدینگی ۴۰ درصد بود. برای آگاهی از عواملی که منجر به این امر شده، باید بیشتر واکاوی کنیم. یکی از مهم‌ترین علل رشد بالای نقدینگی، سیاست‌های ارزی اتخاذ شده در سال‌های مدیریت دولت آقای روحانی بود. در واقع ایجاد ارز ۴۲۰۰ تومانی رشد نقدینگی را افزایش داد، به طوری که در سال گذشته حدود ۹۵ هزار میلیارد تومان خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به علت سیاست ارز ترجیحی ایجاد شد. نتیجه سیاست مذکور این شد که از سوی بانک مرکزی به نیابت از دولت، ارز با قیمت

را منتشر می‌کرد تا بدهی انباشته شده ناشی از اصل و فرع اوراق سال قبلی را تأمین کند. در چنین شرایطی علاوه بر خالی شدن خزانه، از نظر اقتصادی دارایی خزانه به علت مقروض بودن منفی نیز بود، این امر هر ماه شرایط اقتصادی را سخت‌تر از قبل می‌کرد.

موضوعی دیگر که باید به آن اشاره شود مربوط به توزیع درآمد است. بر اساس آمار رسمی، ضریب جینی از حدود ۳۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به بالای ۴۰ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرده است. همین عوامل نشان می‌دهد در دولت دوازدهم رشد اقتصادی، درآمد سالانه و توزیع درآمد کاهش یافته و لاجرم رفاه اجتماعی نیز روند نزولی به خود گرفته است. علاوه بر موضوعات اقتصادی، دولت در خصوص سیاست خارجی نیز در یک بن‌بست قرار داشت و به نوعی سرمایه اجتماعی خود را نیز از دست داده بود. نکته قابل تأمل دیگر اینکه، دولت دوازدهم با وعده وعیدهای حبابی در خصوص پیامدها و دستاوردهای توافق برجام، بزرگنمایی می‌کرد. روحانی به همراه وزیر امور خارجه‌اش، بیش از حد در خصوص پیامدهای فردای برجام بزرگنمایی داشتند. باید پذیرفت عملاً اتفاقی خاصی به عنوان دستاورد برجام رخ نداد. اغراق گونه از ساختار تفاهم برجام، روحانی و همکاران‌شان دفاع کردند ولی ترامپ یک خروج سهل از برجام را انجام داد. از سوی دیگر ساختارهای برجام به اندازه‌ای نامناسب بود که به جای اینکه از آیین دادرسی برجام برای شکایت از خروج ترامپ استفاده کنند، ظریف به دادگاه لاهه شکایت برد که به نتیجه هم نرسید. همه این عوامل باعث شد که سرمایه اجتماعی دولت قبل خیلی کاهش پیدا کند و رو به افول رود. به جرأت می‌توان گفت اتفاقی که در آبان ۹۸ در پی افزایش قیمت بنزین رخ داد در واقع شیوه غلط اجرای یک سیاست، بدون در نظر گرفتن ظرفیت اجتماعی بود؛ همه این عوامل سبب شد که دولت دوازدهم در سال ۱۴۰۰ هم با شرایط اقتصادی نامناسب و سرمایه اجتماعی ناچیز به اتمام برسد.

با توجه به مجموع مسائلی که گفته شد، اصلاحات اقتصادی بسیار سخت صورت خواهد گرفت زیرا حتماً و به طور یقین باید همزمان یا حتی قبل از اصلاحات اقتصادی مد نظر، اطمینان و اعتماد از دست رفته سرمایه اجتماعی را دولت سیزدهم ترمیم و تأمین کند.

■ چه عواملی باعث شده بود که خزانه خالی و دولت دوازدهم مقروض شود؟

اگر به شرایط مردادماه سال ۱۳۹۲ زمانی که دولت در حال تغییر بود مراجعه کنید، موجودی خزانه حدود هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شد که در آن زمان عدد قابل توجهی بود. همچنین در آن دوره خزانه‌دار کل کشور نامه‌ای به بانک مرکزی نوشته بود که بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز حدود ۷ هزار میلیارد تومان بانک مرکزی باید به خزانه واریز می‌کرد. یعنی با احتساب این مبلغ موجودی خزانه در آن دوره ۸ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان می‌شد.

سال ۱۳۹۱ کل پرداختی‌های خزانه حدود ۱۰۴ هزار میلیارد تومان بود که اگر ۹۰ هزار میلیارد تومان آن را جاری فرض کرده و آن را تقسیم بر ۱۲ ماه کنیم حدود ۷ هزار و نیم میلیارد تومان بر آورد می‌شود. بنابراین در آن زمان دولت به اندازه خرج بیشتر از یک ماه منبع داشت و هیچ اوراق سر رسید شده‌ای هم وجود نداشت.

در مرداد ۱۴۰۰ نه تنها عدد مانده خزانه مثبت نبود بلکه تنخواه منفی بود و برای اداره امور

کشور قرض گرفته شده بود. نکته مهم دیگر این است که خزانه هر زمان باید مبلغ قابل توجهی از اوراق سال‌های قبل را بازخرد می‌کرد. سال ۱۴۰۰ بر اساس گزارشی که رئیس سازمان برنامه و بودجه به کمیسیون برنامه و بودجه ارائه داد، باید دولت جدید حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان در ماه اصل و فرع اوراق دولت قبل را پرداخت می‌کرد. پس در این شرایط نه تنها موجودی خزانه صفر بود و دولت بدهی هم به بانک مرکزی داشت بلکه باید ماهیانه به خزانه نیز حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان باز پرداخت می‌کرد. مرداد ۱۳۹۲ خزانه دولت علاوه بر اینکه هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان مثبت بود، حدود ۷ تا ۸ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی طلب داشت؛ بنابراین با در نظر گرفتن مخارج آن زمان این مبلغ، بالغ بر یک ماه خرج دولت بود. اما در آغاز به کار دولت سیزدهم علاوه بر خزانه منفی و خالی، الزام به پرداخت بدهکاری‌های سر رسید شده اوراق دولت قبل (دوازدهم) هم وجود داشت.

اگرچه از نظر عملی، امکان حذف نکردن دلار ۴۲۰۰ تومانی بود، اما از نظر سیاستی باید آنالیزهای لازم را انجام دهیم تا بدانیم چه تأثیراتی دارد. در اثر اجرای سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی رشد سال ۱۳۹۹ خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرد، ولی در سال ۱۴۰۰ به‌خاطر اجرای این سیاست ارزی، خالص دارایی‌های خارجی یا پایه پولی ۹۵ همت (هزار میلیارد تومان)، نقدینگی ۷۲۳ همت و رشد نقدینگی ۲۰ واحد درصد افزایش پیدا کرد

■ چه عواملی باعث شده بود که از سال ۹۲ تا ۱۴۰۰، کشورمان در این شرایط بحرانی قرار گیرد؟

باید از چند منظر مختلف این امر را بررسی کرد که شامل میانی، سیاستگذاری و مدیریت است. دولت یازدهم و دوازدهم در هر سه موضوع مطرح شده، مشکلات قابل توجهی داشت. منظور از میانی این است که در خصوص شیوه تعامل با کل و جهان چگونه باید باشیم، اگر دقت کنید در آن زمان برجام نه به بار بود و نه به دار؛ اما رئیس‌جمهور در یک مصاحبه تلویزیونی خیلی شتاب زده عمل کرد و به جای اینکه در جایگاه دیپلمات یک تحلیل مناسب ارائه کند، اعلام کرد: «ما اشتغال ایجاد کرده‌ایم اما برای چینی‌ها» در چنین شرایطی شما توقع دارید که کشور چین برای ما دلسوزی کند در حالی که آنها به صورت منطقی به دنبال افزایش و گسترش منافع خود هستند. اما زمانی که شما چنین برخوردی را انجام می‌دهید نشان می‌دهد که نگاه دولت معطوف به جای دیگری است.

در دولت گذشته آتقدر درگیر توسعه مناسبات با غرب شده بودند که حتی همسایگان را فراموش کردند. زمانی که تمامی این اقدامات را بررسی

می‌کنیم شاهد هستیم که نه تنها مسأله تحریم‌ها حل نشد، بلکه ارتباط و مناسبات ما با کشورهای همسایه بدتر شد. روند فعالیت‌ها تا جایی پیش رفت که بی‌اعتمادی برای ایران ایجاد کرد به گونه‌ای که برای توسعه بازار با چین نه دولت انگیزه‌ای داشت و نه آنها به دولت انگیزه‌ای می‌دادند. در این خصوص و به منظور توسعه بازار ایران و چین رئیس مجلس، نماینده حاکمیت شد. ضعف «میانی»، یعنی درک درستی از مباحث بین‌المللی نداشته باشید.

برای تحلیل بهتر شرایط، بررسی چند سیاست اقتصادی را به عنوان نمونه مد نظر قرار می‌دهیم تا بتوانیم قضاوتی صحیح‌تر داشته باشیم. اگر خاطرتان باشد دولت روحانی با تاختن به هدفمند کردن یارانه و پرداخت‌های نقدی شروع به کار کرد. یکی از شعارهای روحانی این بود که به جای یارانه نقدی، کالا در اختیار افراد جامعه قرار می‌دهم، سال ۹۲ زمانی که کالا پرداخت کردند اتفاقات بدی رخ داد. به قول یکی از دوستان دو هزار میلیارد تومان خرج کردند تا دو هزار میلیارد تومان کالا توزیع کنند، دست آخر هم دو هزار میلیارد تومان کالای بی کیفیت توزیع شد. بر این اساس در سبد کالایی که به روستایی‌ها تعلق می‌گرفت تن ماهی و ماکارونی قرار داده شده بود که همین کار باعث سرافکنندگی دولت شد.

سیاست اصلاح قیمت بنزین که در کشور تجربه شده بود در سال ۱۳۹۸ به بدترین شکل ممکن انجام شد. در این روند، هم جان و مال مردم و هم جان و مال دولت آسیب دید و از بین رفت. اجرای سیاست‌های ارزی از جمله ایجاد ارز ترجیحی را هیچ کدام از صاحب‌نظران اقتصادی تأیید نمی‌کردند. به عنوان نمونه اگر با آقای سیف به عنوان رئیس بانک مرکزی آن دوره صحبت کنید ببینید آیا واقعاً از سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی دفاع می‌کند؟ این موضوع را نباید دست‌کم گرفت زیرا حداقل یکصد میلیارد دلار سرمایه کشور با همین سیاست نادرست نابود و تبدیل به رانت شد که آن هم به علت اتخاذ سیاست ارزی اشتباه بود. بنابراین اگر میانی غلط باشد به لحاظ سیاستگذاری با مشکلات متعددی در اقتصاد مواجه می‌شویم. به وجود آمدن این بحران ارتباطی به امریکا و برجام نداشت. این موضوع می‌توانست کاملاً مستقل از تحریم مدیریت شود.

در خصوص «مؤلفه مدیریت» نیز، اگر بپذیریم که آقای روحانی صادقانه گفت: من هم عین شما صبح جمعه متوجه شدم بنزین گران شده است. چه برداشتی می‌توان از این موضوع کرد؟ زمانی که یک اتفاقی رخ می‌دهد و سیاست نادرست اجرا می‌شود جامعه را می‌تواند به آشوب بکشاند و مدیرکلان کشور که رئیس‌جمهور است می‌گوید کاملاً از آن بی اطلاع بوده است. بنابراین اگر این حرف درست باشد، چنین بی‌اطلاعی نشان دهنده اوج ضعف مدیریتی است. حالا اگر ایشان در جریان بوده اما نتوانسته موضوع را اداره کند، باز نشان می‌دهد که در آن سال‌ها با ضعف در امور مدیریتی دولت دوازدهم مواجه بوده‌ایم. اگر همه این موارد را در کنار هم قرار دهیم نتیجه‌ای بهتر از این نمی‌توانست اتفاق بیفتد.

در بحث «میانی» می‌توان بسیار صحبت کرد، یکی از مسائلی که از دغدغه‌های مهم ما بوده و بی توجهی کامل به آن می‌شود؛ موضوع توزیع درآمد است. در این راستا روند سهام عدالت را اگر بررسی کنیم متوجه می‌شویم فلسفه این است همان طور که توزیع درآمد در برابری

اجتماعی مؤثر است توزیع ثروت نیز در این امر مؤثر است. بنابراین در هنگام واگذاری‌ها دولت، باید به بازتوزیع ثروت نیز توجه کنیم. در یک دولت اعلام می‌شود که برای ۶ دهک این بازتوزیع صورت گیرد اما در دوره روحانی به دلایل مختلف این سهام از مردم پس گرفته شد. یکی از اقدامات روحانی افزایش قیمت سوخت بود که وی در دوره ریاست جمهوری خود دوبار قیمت حامل‌های انرژی را افزایش داد؛ یکبار به علت سرمایه اجتماعی و زیرساخت‌هایی که از قبل فراهم بود اتفاقی رخ نداد اما دولت روحانی کم کم سرمایه اجتماعی خود را نابود کرد. سال ۱۳۹۸ وقتی اصلاح قیمت بنزین رخ داد ملاحظه کردید مردم چه اقدامی انجام دادند. در هیچ کدام از دو برهه افزایش قیمت حامل‌های انرژی در دولت آقای روحانی، دولت به دنبال این نبود که ریالی برای مردم جبران کند. در این خصوص پولی به مردم پرداخت نشد و مردم در سال ۱۳۹۸ پول خود را به زور از دولت دریافت کردند.

■ آیا می‌شود دلار ۴۲۰۰ تومانی را در سال ۱۴۰۱ حذف نکرد، در خصوص حذف نکردن دلار ۴۲۰۰ تومانی چه تحلیلی ارائه می‌کنید؟

اگرچه از نظر عملی، امکان حذف نکردن دلار ۴۲۰۰ تومانی بود، اما از نظر سیاستی باید آنالیزهای لازم را انجام دهیم تا بدانیم چه تأثیراتی دارد. در اثر اجرای سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی رشد سال ۱۳۹۹ خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرد، ولی در سال ۱۴۰۰ به‌خاطر اجرای این سیاست ارزی، خالص دارایی‌های خارجی یا پایه پولی ۹۵ همت (هزار میلیارد تومان)، نقدینگی ۷۲۳ همت و رشد نقدینگی ۲۰ واحد درصد افزایش پیدا کرد. حالا اگر در سال ۱۴۰۱ قصد داشتیم این سیاست را ادامه دهیم به روایتی آن ۵ میلیارد دلاری که کم داشتیم، احتمالاً حداقل به ۱۰ میلیارد دلار می‌رسید که منجر به افزایش ۲۰۰ همت پایه پولی و حدود ۱۶۰۰ همت افزایش نقدینگی می‌شد. بنابراین نتیجه و شرایط بسیار سخت‌تری را پیش رو داشتیم.

نکته مهم دیگر این است که سال ۱۳۹۹ کسری ارزی را از کجا جبران کردند؟ سال ۱۴۰۰ چطور؟ و سال ۱۴۰۱ نیز از کجا می‌خواستیم جبران کنیم؟ سال ۱۳۹۹ بخش قابل توجهی از کسری توسط ذخایر بانک مرکزی تأمین شد، بنابراین سرمایه آینده کشور را مصرف کردیم و سال ۱۴۰۰ این کسری از صندوق توسعه ملی، اما سال ۱۴۰۱ از کجا می‌توانستیم این کسری را جبران کنیم؟ احتمالاً باید از صندوق توسعه ملی یا از ذخایر بانک مرکزی تأمین می‌کردیم، همه این کارها موجب می‌شود پس‌اندازهای ملی را که برای حفظ شرایط باثبات‌تر برای امروز و آینده است، مصرف کنیم. حتی اگر بخواهیم کمی از تحلیل اقتصادی خارج شویم، از نظر امنیت ملی نیز به هیچ وجه ادامه دادن سیاست‌های ارز ترجیحی به صلاح کشور نبود. فراموش نکنید در سال‌های تحریم یکی از نکات مثبت اقتصاد ایران این بود که ذخایر ارزی مناسبی در اختیار داشتیم و منظور از ذخایر ارزی ذخایر کل کشور است.

اگر سیاستی اتخاذ کنیم که مدام ذخایر مؤثر ما را تخلیه کند، نتیجه‌ای جز اینکه کشور را در آینده بسیار شکننده‌تر و آسیب‌پذیرتر اداره کنیم، نخواهیم داشت. مستقل از مباحث مربوط به فساد و رانت، سؤال اساسی این است که آیا به میزان کافی ارز در دست داشته‌ایم؟ پاسخ صراحتاً خیر است؛ در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نیز نداشته‌ایم و در سال ۱۴۰۱ هم نخواهیم داشت.

نکته جالب این است که آمار ارز ۴۲۰۰ تومانی عمدتاً آمار رسمی است و کمتر فردی توضیح داده است که آیا ما زمانی که برای تهاثر ارز ترجیحی از منابع شرکت‌های زیر مجموعه وزارت صمت هم استفاده کرده‌ایم در محاسبات وارد کرده‌ایم یا خیر؟ به نظر می‌توانستیم در کوتاه‌مدت اما پیامدهایی همچون بدهی بیشتر دولت به بانک مرکزی، افزایش پایه پولی، افزایش نقدینگی، افزایش تورم، افزایش رانت و فساد و از همه مهم‌تر تخلیه ذخایر ارزی کشور را به همراه داشت و موجب قرار گرفتن نظام ارزی و پولی در تنگنا می‌شد. با حذف ارز ترجیحی بحران مسائل مذکور تا حدودی برطرف و مدیریت شد. برای رسیدن به نتایج مطلوب باید اقدامات دیگری نیز انجام دهیم. نکته دیگر اینکه خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، پایه پولی و نقدینگی افزایش پیدا نمی‌کند. همچنین ذخایر ارزی کشور به حراج گذاشته نمی‌شود و از رانت و فساد نیز جلوگیری می‌شود.

■ افرادی که از تداوم اجرای سیاست‌های ارز ترجیحی دفاع می‌کنند، چه اهدافی دارند؟

مدافعان ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌توانند طیف‌های مختلفی باشند؛ طیف اول شامل افرادی است که این سیاست ارزی را ابداع کرده‌اند، آنها همه تلاش خود را می‌کنند تا عقلانیت خود را اثبات کنند. این افراد در آن دوره برای دریافت مجوزهای مختلف نامه‌های متعدد یک‌طرفه‌ای نوشتند که در آنها هیچ توصیفی از پیامدها نشده بود. در صورتی که یکی از پیامدهای آن افزایش ۷۲۳ هزار میلیارد تومانی نقدینگی در سال ۱۴۰۰ بود. این موضوع در واقع حکایت از آن دارد که ۵۰ درصد از رشد ۴۰ درصدی نقدینگی سال گذشته به علت سیاست‌های ارز ترجیحی بوده است، اما در این خصوص هیچ توضیحی از سوی دولت قبل ارائه نشد. زمانی که اعلام می‌کنند تریق ارز ترجیحی جلوی افزایش قیمت کالاها را می‌گیرد، توضیح نمی‌دهند که منبع تأمین آن به گونه‌ای است که سبب افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. دسته دیگر مدافعان ارز ترجیحی افرادی هستند که از این شرایط استفاده کرده و بر سر این سفره نشسته بودند. اگر به گزارش‌هایی که سازمان غذا و دارو، وزیر بهداشت، کمیسیون اصل ۹۰ و کمیسیون کشاورزی به مجلس ارائه کردند، نگاهی کنیم، متوجه خواهیم شد که تنها در یکی از گزارش‌های سازمان غذا و دارو یک شرکت در یک فقره ۲۰۰ میلیون دلار فساد داشته است. اعداد فساد موجود در این گزارش‌ها همه بالای هزار میلیارد تومان بر آورد می‌شود. حالا به نظر شما کسانی که این رانت عظیم را از دست می‌دهند بی‌تحرک می‌نشینند؟ لذا این افراد سکوت نکرده و در مقابل این سیاست اصلاحات ارزی قد علم می‌کنند.

در حال حاضر ممکن است برخی بگویند که دولت سیزدهم باید جلوی فساد را بگیرد، در پاسخ به آنها می‌گوییم افراد و دولت دیگری باید جلوی فساد را در دوره‌های مختلف می‌گرفتند که نتوانستند، اعداد فساد بسیار بزرگ بود. علاوه بر آن نباید فراموش کنیم که این سیستم ارز ترجیحی درون خود فساد تولید می‌کرد.

گروه سوم مدافعان ارز ۴۲۰۰ تومانی عده‌ای کارشناس هستند، برخی از آنها به مرحله‌ای رسیده‌اند که یک چهارچوب نظری برای خود دارند. مثلاً اگر به آنها بگویند آمار بیکاری افزایش یافته آنها می‌گویند شما بنگاه‌های دولتی را افزایش دهید تا بتوانید از بیکاری جلوگیری کنید. در حالی که این سیاست منجر

به زیان شرکت‌ها و کسری بودجه و همچنین موجب تورم می‌شود. این افراد به این دست تحلیل‌ها عادت کرده‌اند و در نگاه آنها مدیریت اقتصادی مدیریت دستوری است و نظام برخی از کارشناس‌ها اطلاعات دقیق و درست را در دست ندارند. یکی از هنرهای دستگاه‌های اداری و سیاستگذاری این است که به بهانه محرمانه بودن، واقعیت‌ها و اطلاعات آماری را از ذره‌بین تحلیل خارج می‌کنند. بنابراین حتماً افرادی که در جریان آمار باشند حداقل می‌توانند این را بگویند که نمی‌دانستند چگونه این سیاست منجر به افزایش پایه پولی، نقدینگی و تورم می‌شود؟ علاوه بر آن در برخی تحلیل‌ها مشاهده شده که کارشناسان حذف ارز ترجیحی را تحلیل تورمی کرده و بعد اعلام کرده‌اند که حذف آن منجر به شکل‌گیری رانت تورمی می‌شود. این گروه بنا را بر این می‌گذارند که حذف سیاست ارز ترجیحی تورم‌زا است. آنها به یک موضوع توجه نمی‌کنند که آیا سیاست رقیب که همان تداوم ارز ۴۲۰۰ تومانی است تورم‌زا است یا خیر و آیا آن تورم رانت دارد یا سیاست حذف ارز ترجیحی؟ بنده اشاره کردم که فقط در سال گذشته، عامل ۵۰ درصد رشد نقدینگی و افزایش خالص دارایی‌های بانک مرکزی، سیاست ارزی دولت گذشته بود.

■ برخی معتقدند با حذف ارز ترجیحی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌یابد؛ شما چه نظری دارید؟

واقعیت این است که اصلاح نرخ ارز در واقع یک افزایش تورم ناشی از فشار هزینه را در پی خواهد داشت. پیش‌بینی می‌کنیم حداکثر دو تا سه ماه تورم هر ماه نسبت به ماه بعد افزایش پیدا کند. پس از آن روند نزولی خواهد گرفت، به طوری که همین الان هم می‌توانیم شاهد رخ دادن این موضوع در اقتصاد باشیم که تورم ماهانه هر ماه نسبت به ماه قبل دستخوش کاهش شده است. یک نکته مهم که کمتر به آن توجه شده اینک، دولت سیزدهم همزمان با مقدم به سیاست حذف ارز ترجیحی، سیاست دیگری را هم اتخاذ کرد که به آثار آن در جامعه به‌خوبی پرداخته نشد و آن افزایش حدود ۶۰ درصدی حقوق و دستمزدها بود. با درست یا غلط بودن این افزایش حقوق و دستمزد، کاری ندارم؛ اما امکان ندارد در کشوری حقوق و دستمزد ۶۰ درصد افزایش پیدا کند ولی هزینه‌های تولید افزایش نیابد. همچنین تورم ناشی از فشار هزینه نیز رخ ندهد. بنابراین باید این دو موضوع را از هم تفکیک کنیم زیرا همه تورم ماهانه یا هر ماه، که نسبت به ماه قبل رخ می‌دهد صرفاً به علت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیست، بلکه اتفاقاً سیاست حقوق و دستمزد اثری فراگیرتر داشته است. همان‌طور که می‌دانید در دولت قبل، از اغلب حوزه‌ها ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شده بود، اما همزمان با قبل از حذف این ارز سیاست افزایش حقوق و دستمزد هم اتخاذ نشده بود. در دولت سیزدهم چنین تصمیمی گرفته شد؛ بنابراین اگرچه این کار به علت تعدیل فشار هزینه خانوار صورت گرفت و از این منظر چه بسا قابل دفاع است. بنده نیز در خصوص درست یا غلط بودن این سیاست صحبت نمی‌کنم. اما زمانی که حقوق و دستمزد افزایش پیدا می‌کند، در واقع هزینه فشار افزایش پیدا کرده و در نتیجه تورم ناشی از باید در تحلیل سیاستی و پیامدهای سیاستی این موارد را تشخیص دهید.

شاخص‌های توزیع درآمد
در دولت سیزدهم بهبود یافت

تغییر شرایط به نفع کم‌درآمدها

به‌طور قطع یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها از اجرای طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی بهبود توزیع درآمد و در واقع کاهش فاصله طبقاتی در کشور است که دهه‌های اخیر به عنوان یکی از معضلات اقتصاد ایران خودنمایی کرده است. بررسی شاخص‌های اصلی توزیع درآمد در ایران طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که با وجود نوسان‌های بسیاری که در این شاخص‌ها وجود داشته، در مجموع سیر حرکتی این شاخص‌ها به نفع مردم نبوده است. اما خوشبختانه اصلاح سیاست‌های اقتصادی در یک‌ساله نخست دولت سیزدهم حاکی از تغییر این شرایط است به طوری که ضریب جینی به عنوان مهم‌ترین شاخص توزیع درآمد و شکاف طبقاتی در این دوره بهبود معناداری پیدا کرده است. حال با توجه به اجرای سیاست اصلاح ارز ترجیحی و پرداخت یارانه نقدی ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومانی به ازای هر نفر برای ۹ دهک؛ برآوردها از تداوم روند بهبود شاخص‌های توزیع درآمد در سال جاری حکایت می‌کند.



بهبود شاخص‌ها در دولت سیزدهم

این در حالی است که بررسی شاخص‌های توزیع درآمد نشان‌دهنده بهبود قابل توجه شکاف طبقاتی در دولت سیزدهم است. در حالی که از سال ۱۳۹۳ ضریب جینی، مدام رو به وخامت گذاشته، در نخستین سال فعالیت دولت سیزدهم یعنی سال ۱۴۰۰، ضریب جینی بهبود محسوسی داشته به طوری که این ضریب از ۰/۴۰۰۶ در سال ۱۳۹۹ به ۰/۳۹۳۸ در سال گذشته بهبود یافته است.

بر اساس برآورد مرکز آمار ایران، در سال جاری نیز به دلیل اجرای سیاست اصلاح ارز ترجیحی و مردمی‌سازی یارانه‌ها، شاهد تداوم روند بهبود این شاخص هستیم. براین اساس برآوردهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در سال جاری ضریب جینی از ۰/۳۹۳۸ سال گذشته به ۰/۳۸۳۱ در سال جاری ارتقا خواهد یافت.

در شرایطی که در ابتدای دهه ۱۳۹۰ ضریب جینی به ۰/۳۷۰۰ ارتقا یافته بود که طی

هفتم ۱۰ درصد، دهک هشتم ۱۲ درصد و برای دهک نهم ۱۶ درصد بوده، اما سهم هزینه دهک دهم ۳۰ درصد بوده که حاکی از یک شکاف شدید میان فقیر و غنی است.

همچنین نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین نیز نتیجه مشابهی به دست می‌دهد. چنانکه در سال ۱۳۹۰ این نسبت ۱۱/۰۹ بوده است به عبارت دیگر ۱۰ درصد ثروتمندترین ۱۱ برابر ۱۰ درصد فقیرترین هزینه کرده‌اند. هرچند در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ این نسبت به ترتیب به ۱۰/۷۹ و ۱۰/۶۸ کاهش یافته که دلیل اصلی آن نیز پرداخت یارانه‌های نقدی بوده، اما از سال ۱۳۹۳ دوباره این نسبت به بیش از ۱۲ برابر افزایش یافته است. تا اینکه در سال ۱۳۹۷ به بیش از ۱۴ برابر افزایش یافته است و در نهایت طی سال ۱۳۹۹ اطلاعات نشان می‌دهد که ثروتمندترین‌ها نزدیک ۱۴ برابر فقیرترین‌ها مصرف کرده‌اند.

توزیع درآمد در دهه ۱۳۹۰

بررسی سهم هزینه و برخی از شاخص‌های توزیع درآمد طی دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که این شاخص‌ها در وضعیت بغرنجی قرار داشته است که نیاز به یک اصلاح اساسی دارد. در واقع با وجود هزینه‌های سنگینی که اقتصاد ملی برای بهبود وضعیت معیشتی مردم گذاشته است، اما همچنان فاصله معناداری میان فقیر و غنی وجود دارد.

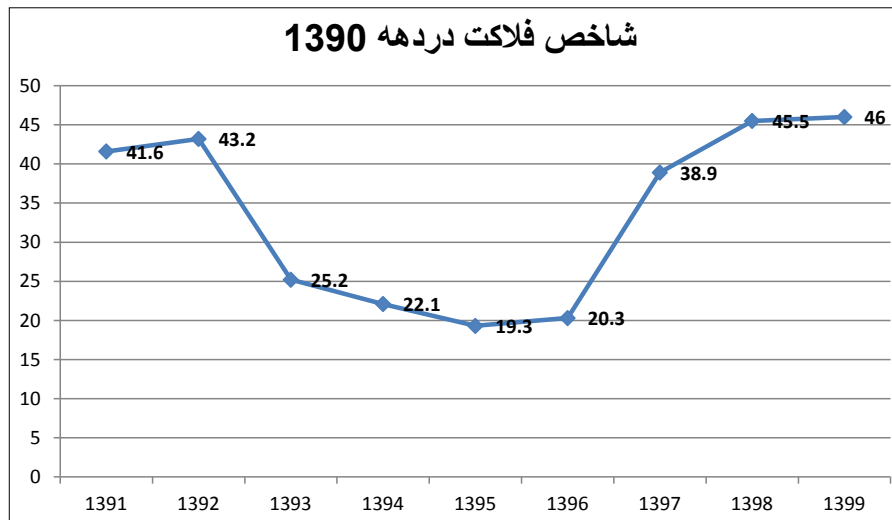
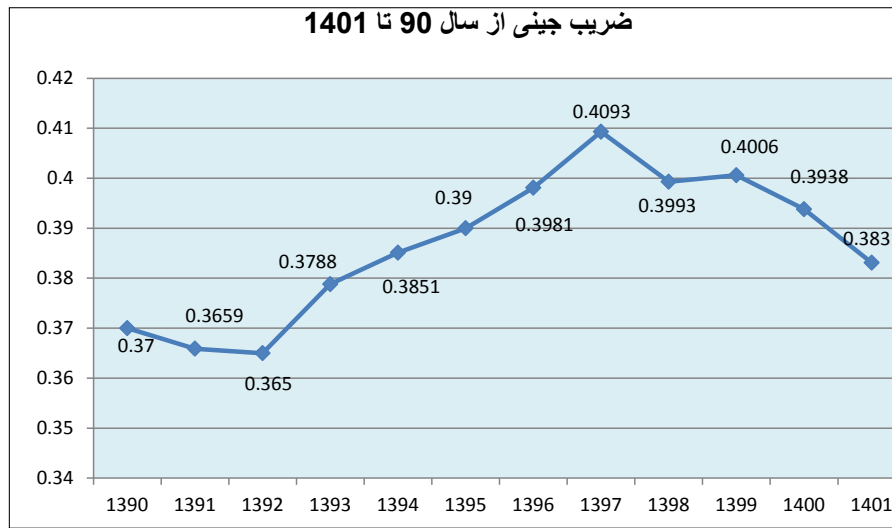
اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۹۰ همواره دهک دهم یا ثروتمندترین جامعه ده‌ها برابر فقرا مصرف کرده‌اند. برای مثال در سال ۱۳۹۹ بررسی سهم هزینه ناخالص سرانه دهک‌های هزینه‌ای شهری گویای این واقعیت است. در این سال این سهم برای دهک اول یا فقیرترین تنها ۲ درصد بوده که برای دهک دوم تا پنجم به ترتیب ۴، ۵، ۶ و ۷ درصد محاسبه شده است. این سهم برای دهک ششم ۸ درصد، دهک

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



بازگشت سهم کم درآمدها به وضعیت سال ۹۵

همچنین گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، سهم درآمدی ۲۰ درصد کم هزینه‌ترین از کل هزینه در کل کشور و مناطق شهری و روستایی در محدوده مشابهی قرار دارد. در کل کشور این سهم از ۶۱ درصد در سال ۹۵ به ۵۹ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است. تأثیر حذف ارز ترجیحی که موجب افزایش قیمت‌ها شده، این سهم را در سال ۱۴۰۱ به ۶۲ درصد افزایش داده که این سهم در بین سال‌های ۹۵ الی ۱۴۰۱ بیشترین است.

علاوه بر این، در مناطق شهری سهم هزینه ۲۰ درصد کم هزینه‌ترین در کل هزینه از ۶۷ درصد در سال ۹۵ به ۶۵ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است. بر اثر افزایش قیمت‌های ناشی از حذف ارز ترجیحی این سهم در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته و به ۶۷ درصد در سال ۹۵ رسیده است. نکته قابل توجه آن است که مقادیرها بر اساس سال ۱۴۰۰ ثابت در نظر گرفته شده بودند و بنابراین، این افزایش سهم هزینه در سال ۱۴۰۱ فقط بر اثر افزایش قیمت‌ها رخ داده است.

همچنین در مناطق روستایی روند تغییرات این شاخص مشابه کل کشور است. از سهم ۷/۳ درصد سال ۹۵ به ۶/۷ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته و با پرداخت یارانه نقدی به ۶/۳ درصد افزایش یافته است. علیرغم افزایش قیمت‌ها، هنوز این سهم به سهم سال ۹۵ نرسیده است (در سال ۱۴۰۱ به ۷ افزایش یافته است).

در کل کشور سهم هزینه ۲۰ درصد پرهزینه‌ترین در کل هزینه در سال ۹۵ نزدیک

شده است. با پرداخت یارانه نقدی سهم خانوارهای دهک اول بیشتر شده و حتی بیشتر از این سهم در سال ۹۵ است که وضعیت مشابه تغییرات سهم درآمد در دهک اول در مابقی دهک‌ها نیز قابل مشاهده است. با افزایش قیمت‌ها و تورم موجود در دهک اول سهم هزینه خانوارهای دهک اول بیشتر شده و به ۲۳۹ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده که بیشتر از این سهم در سال ۹۵ است.

در دهک دهم در سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۰، سهم دهک تا سال ۹۹ تقریباً روندی صعودی نشان می‌دهد (ثروتمندتر شدن پردرآمدها). در سال ۱۴۰۰ این سهم دوباره کاهش یافته و به کمتر از سال ۹۵ سقوط کرده است. با عدم پرداخت یارانه به خانوارهای دهک دهم، کاهش بیشتر از قبل نیز شده است. با افزایش قیمت‌ها در سال ۱۴۰۱ و تورم موجود در این دهک این سهم مجدداً کاهش یافته و به کمتر از سال ۹۵ سقوط کرده است. در مناطق شهری سهم دهک اول در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایش یافته ولی هنوز به این سهم در سال ۹۵ نرسیده است. بنابراین، سهم دهک دهم در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰ کاهش نشان می‌دهد. سهم این دهک در سال ۱۴۰۱ به دلیل افزایش قیمت‌ها و متفاوت بودن تورم بین دهک‌ها از سال ۹۵ هم کمتر شده است. از اطلاعات بدست آمده برای دهک اول و دهم می‌توان نتیجه گرفت که کاهش ضریب جینی در سال ۱۴۰۱ به دلیل بهبود وضعیت کم درآمدها و بدتر شدن وضعیت پردرآمدها رخ داده است.

سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نیز این روند ادامه یافت به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ این شاخص به ۳۶۵۰/۰ رسید، اما از سال ۱۳۹۳ هر ساله ضریب جینی به سمت نابرابری بیشتر حرکت کرد. در این سال ضریب جینی به ۳۷۸۸/۰ تنزل کرد. در سال ۱۳۹۴ هم این شاخص به ۳۸۵۱/۰ و در سال ۱۳۹۵ به ۳۹۰۰/۰ رسید. با تداوم این وضعیت در سال ۱۳۹۶ ضریب جینی کل کشور به ۳۹۸۱/۰ و در سال ۱۳۹۷ با رسیدن به ۴۰۹۳/۰ به بالاترین رقم در دهه ۱۳۹۰ رسید. هرچند در سال ۱۳۹۸ این شاخص اندکی بهبود یافت و به ۳۹۹۲/۰ رسید، اما دوباره در سال ۱۳۹۹ به ۴۰۰۶/۰ بازگشت.

اما تحولات اقتصادی و اصلاح سیاست‌های اقتصادی همزمان با آغاز به کار دولت سیزدهم موجب شد تا دوباره ضریب جینی به عنوان مهم‌ترین شاخص نشان‌دهنده برابری توزیع درآمد، بهبود یابد. همانگونه که اشاره شد در سال گذشته این شاخص به ۳۹۳۸/۰ رسید که در مقایسه با شاخص سال ۱۳۹۹ بهبود قابل توجهی را نشان می‌دهد. در همین زمینه مرکز آمار ایران براساس برآوردی که از تأثیر سیاست اصلاح ارز ترجیحی بر هزینه خانوار داشت، ضریب جینی سال جاری را نیز ۳۸۳۱/۰ اعلام کرد که این عدد هم نسبت به سال‌های گذشته بهبود قابل مسمی را نمایان می‌کند.

با توجه به یارانه معیشتی پرداختی به خانوارها که برای دهک‌های اول تا سوم ماهانه ۴۰۰ هزار تومان و دهک‌های چهارم تا نهم ماهانه ۳۰۰ هزار تومان است ضمن اینکه درآمد دهک‌های درآمدی پایین جامعه افزایش یافته است، برخلاف سال‌های گذشته سهم ثروتمندان نیز از توزیع درآمد کمتر شده و به همین دلیل فاصله طبقاتی کاهش و نابرابری‌ها بهبود یافته است.

نشانه‌های بهبود در شهر و روستا

در کنار ضریب جینی کل کشور، بررسی ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی نیز روند بهبود این شاخص‌ها در سال ۱۴۰۰ و سال جاری را تأیید می‌کند. در مناطق شهری ضریب جینی از ۳۶۵۲/۰ سال ۹۵ به ۳۸۲۲/۰ در سال ۹۷ افزایش داشته و روندی کاهشی از سال ۹۸ (۳۷۴۷/۰) آغاز شده و به ۳۶۹۱/۰ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. تأثیر افزایش قیمت و تورم ایجاد شده روی دهک‌های مختلف موجب کاهش ضریب جینی به عدد ۳۶۶۹/۰ در سال ۱۴۰۱ شده است. همچنین در مناطق روستایی، روند افزایشی ضریب جینی که از سال ۹۵ (۳۵۳۸/۰) شروع شده بود تا سال ۱۴۰۰ (۳۸۱۴/۰) ادامه یافته و با پرداخت یارانه نقدی به ۹ دهک درآمدی روستایی ضریب جینی به عدد ۳۶۶۰/۰ خواهد رسید. تأثیر افزایش قیمت و تورم ایجاد شده روی دهک‌های مختلف موجب کاهش ضریب جینی به عدد ۳۵۱۲/۰ است.

تغییر شرایط به نفع کم درآمدها

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، در کل کشور سهم دهک اول درآمدی از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰ روندی نزولی داشته و وضعیت اقتصادی کم درآمدترین خانوارها بدتر

به ۴۶/۷ درصد است و بعد از نوسانات مکرر در سال‌های ۹۶ الی ۹۹ مجدداً در سال ۱۴۰۰ به ۴۶/۷ درصد رسیده است. با افزایش قیمت‌ها در سال ۱۴۰۱ این شاخص به ۴۵/۹ درصد کاهش یافته است. می‌توان گفت در دوره ۹۵ الی ۱۴۰۱ این شاخص در سال ۱۴۰۱ در کمترین میزان خود قرار دارد.

در مناطق شهری روند کامل مشابه کل کشور بوده است. در سال ۹۵ این سهم ۴۵/۵ درصد است. افزایش قیمت‌ها بر اثر حذف ارز ترجیحی موجب شده که سهم ۴۵/۳ درصد سال ۱۴۰۰ به ۴۴/۶ درصد در سال ۱۴۰۱ کاهش یابد که این رقم از سال ۹۵ هم کمتر است. در مناطق روستایی روند تغییرات در دوره مورد بررسی نوسانات زیادی دارد. غالب روند تغییرات از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰ به سمت افزایش این شاخص است که با افزایش قیمت‌ها، سهم درآمد ۲۰ درصد پردرآمدترین در کل درآمد ۴۳/۴ درصد خواهد بود که از سال ۱۴۰۰ کمتر و از سال ۹۵ بیشتر است. همچنان که کمک‌های چند برابری برای دهک‌های پایین درآمدی (تا سه برابر یارانه نقدی در بعضی مناطق) موجب بهبود نسبی توزیع درآمد در سال ۹۸ شده بود، با پرداخت یارانه نقدی به ۹ دهک درآمدی، دوباره شاهد این بهبود در سال ۱۴۰۱ خواهیم بود.

بهبود نسبی درآمد خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۰

بر اساس نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران، متوسط درآمد اظهار شده سالانه خانوارهای شهری ۵۱ درصد و خانوارهای روستایی ۵۱/۵ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته که نشان‌دهنده بهبود نسبی درآمد خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال قبل از آن است.

نگاهی به مهم‌ترین نتایج طرح در سال گذشته در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که متوسط درآمد اظهار شده سالانه یک خانوار شهری بیش از ۱۱۲ میلیون تومان بوده که نسبت به سال قبل، ۵۱ درصد افزایش داشته است. رشد متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری بیشتر از رشد متوسط هزینه کل سالانه بوده و منابع

متوسط هزینه کل خالص سالانه یک خانوار روستایی ۵۱/۹ میلیون تومان بوده است که نسبت به سال قبل ۵۲/۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. از هزینه کل سالانه خانوار روستایی ۲۰/۷ میلیون تومان با سهم ۴۰ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی ۳۱/۲ میلیون تومان با سهم ۶۰ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه‌های خوراکی و دخانی، بیشترین سهم مربوط به هزینه آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن با ۲۲ درصد و در بین هزینه‌های غیرخوراکی، بیشترین سهم با ۳۱ درصد مربوط به مسکن، سوخت و روشنایی بوده است.

ازسوی دیگر، متوسط درآمد اظهار شده سالانه یک خانوار روستایی ۶۳/۷ میلیون تومان بوده که نسبت به سال قبل ۵۱/۵ درصد افزایش داشته است. منابع تأمین درآمد خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که ۳۳/۹ درصد از مشاغل مزد و حقوق‌بگیری، ۳۱/۲ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی و ۳۵ درصد از محل درآمدهای متفرقه خانوار تأمین شده است. همچنین بررسی متوسط هزینه کل سالانه یک خانوار شهری نشان می‌دهد که استان تهران با بیش از ۱۳۷ میلیون تومان بیشترین و استان کرمان با ۵۱/۶ میلیون تومان کمترین هزینه را در سال ۱۴۰۰ داشته‌اند.

علاوه بر این، استان تهران با ۱۵۹ میلیون تومان بیشترین و استان کرمان با ۷۱ میلیون تومان کمترین متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری را در سال ۱۴۰۰ به خود اختصاص داده است.

بررسی متوسط هزینه کل سالانه یک خانوار روستایی نشان می‌دهد که استان البرز با ۸۴/۳ میلیون تومان بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با ۲۵/۳ میلیون تومان، کمترین هزینه را در این سال داشته‌اند.

همچنین استان البرز با ۱۱۵ میلیون تومان بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با ۲۵/۷ میلیون تومان، کمترین متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی را در سال ۱۴۰۰ به خود اختصاص داده است.

متوسط هزینه کل خالص سالانه یک خانوار شهری بیش از ۹۲/۵ میلیون تومان بوده که نسبت به رقم مشابه در سال قبل ۴۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. از هزینه کل سالانه خانوار شهری ۲۴/۶ میلیون تومان با سهم ۲۷ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی و ۶۷/۸ میلیون تومان با سهم ۷۳ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است.

تأمین درآمد خانوارهای شهری ۳۲/۶ درصد از مشاغل مزد و حقوق‌بگیری، ۱۶/۵ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی و ۵۰/۹ درصد از محل درآمدهای متفرقه خانوار تأمین شده است.

همچنین متوسط هزینه کل خالص سالانه یک خانوار شهری بیش از ۹۲/۵ میلیون تومان بوده که نسبت به رقم مشابه در سال قبل ۴۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. از هزینه کل سالانه خانوار شهری ۲۴/۶ میلیون تومان با سهم ۲۷ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی و ۶۷/۸ میلیون تومان با سهم ۷۳ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه‌های خوراکی و دخانی، بیشترین سهم مربوط به هزینه گوشت با سهم ۲۱ درصد و در بین هزینه‌های غیرخوراکی بیشترین سهم با ۴۹ درصد مربوط به هزینه مسکن، سوخت و روشنایی بوده است.

ضریب جینی و سهم هزینه سرانه هر دهک در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ کل کشور (دهک وزنی)							
شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ضریب جینی	۰/۳۹۰۰	۰/۳۹۸۱	۰/۴۰۹۳	۰/۳۹۹۲	۰/۴۰۰۶	۰/۳۹۳۸	۰/۳۸۳۱
سهم دهک اول	۲/۳۷	۲/۲۹	۲/۲۵	۲/۳۱	۲/۲۵	۲/۲۶	۲/۳۹
سهم دهک دوم	۳/۷۶	۳/۶۲	۳/۵۶	۳/۶۴	۳/۵۹	۳/۶۲	۳/۷۸
سهم دهک سوم	۴/۷۷	۴/۶۴	۴/۵۴	۴/۶۴	۴/۶۰	۴/۶۷	۴/۸۱
سهم دهک چهارم	۵/۷۷	۵/۶۳	۵/۵۱	۵/۶۴	۵/۶۰	۵/۶۸	۵/۸۳
سهم دهک پنجم	۶/۸۴	۶/۷۶	۶/۵۳	۶/۷۴	۶/۷۳	۶/۸۱	۶/۹۴
سهم دهک ششم	۸/۰۹	۸/۰۳	۷/۷۸	۷/۸۸	۸/۰۰	۸/۱۶	۸/۲۵
سهم دهک هفتم	۹/۷۲	۹/۶۷	۹/۴۵	۹/۶۰	۹/۶۹	۹/۸۴	۹/۹۰
سهم دهک هشتم	۱۲/۰۱	۱۲/۰۵	۱۱/۹۰	۱۱/۹۵	۱۲/۱۰	۱۲/۲۶	۱۲/۲۶
سهم دهک نهم	۱۵/۸۲	۱۶/۰۳	۱۶/۰۱	۱۵/۸۰	۱۶/۰۴	۱۶/۲۹	۱۶/۱۲
سهم دهک دهم	۳۰/۸۶	۳۱/۲۷	۳۲/۲۹	۳۱/۶۹	۳۱/۴۰	۳۰/۴۱	۲۹/۷۲



ایران

کشاورزی

◆ بزودی جشن خودکفایی در گندم و برنج و خوداتکایی در روغن را خواهیم گرفت

◆ ساماندهی به ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه

◆ پاس طلایی دولت به خودکفایی در تولید گندم

◆ خودکفایی شکست خورده به افق امیدوارانه در عرصه کشاورزی رسید

وزیر جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با «ایران»:

بزودی جشن خودکفایی در گندم و برنج و خوداتکایی در روغن را خواهیم گرفت

- بعد از ۱۶ سال صادرات سیب به عراق آزاد شد
- بعد از ۶ سال مرغ و فرآورده‌های طیور به عراق صادر می‌کنیم
- صادرات کیوی به هندوستان آغاز شده است
- بنا داریم در سال جاری عسل، مرکبات، پای مرغ و لبنیات به چین صادر کنیم
- هیچ ممنوعیتی برای صادرات فلفل دلمه و صیفی‌جات به روسیه نداریم
- آقای مخبر هر هفته جلسات ستاد تنظیم بازار را راهبری می‌کنند
- ایشان به شدت در این جلسات حامی مصرف‌کننده و تولیدکننده هستند

■ امین محمودی

تولید محصولات کشاورزی در کشورمان و رسیدن به امنیت غذایی جزو اولویتهای اساسی وزارت جهاد کشاورزی در دولت سیزدهم است؛ به طوری که این وزارتخانه در یک سال اخیر با حمایت از کشاورزان در زمینه‌های مختلف از جمله افزایش نرخ خرید تضمینی محصولات کشاورزی، کشت قراردادی و کاهش قیمت ۴۵ درصدی نهاده‌های کشاورزی از جمله کود و سم، به دنبال رسیدن به این هدف است. به طوری که وزیر جهاد کشاورزی دولت سیزدهم در گفت‌وگو با روزنامه ایران بیان می‌کند: وزارت جهاد کشاورزی با وجود اصلاح ارز ترجیحی در کشور، وقوع خشکسالی در کشور، جنگ اوکراین و افزایش سرسام آور قیمت کالاهای اساسی در سراسر جهان عملکرد نسبتاً موفق داشته است به طوری که بسیاری از محصولات کشاورزی با افزایش تولید قابل توجهی روبه رو شده اند. سیدجواد ساداتی نژاد در این گفت‌وگو از اتفاقات ویژه‌ای که در سال زراعی جاری افتاد و همینطور برنامه سال‌های آتی این وزارتخانه می‌گوید. در همین حال خبر می‌دهد که در سال زراعی آینده که از مهرماه سال جاری آغاز می‌شود نیز حمایت‌ها از کشاورزان افزایش خواهد یافت تا خودکفایی در بسیاری از محصولات کشاورزی و کالاهای اساسی محقق شود.

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

۳۲

■ گفت و گورا با سؤالی در مورد مهم ترین اتفاق یک سال اخیر در بخش اقتصادی کشور آغاز کنیم. از اردیبهشت ماه سال جاری اصلاح ارز ترجیحی و برداشته شدن یارانه از روی واردات برخی کالاهای اساسی صورت گرفت. این امر چه تأثیری در بازار محصولات اساسی و بخش کشاورزی گذاشت؟

ارز ۴۲۰۰ تومانی مهم‌ترین ضربه و خسارت را به بخش تولید وارد کرد به طوری که به جای اینکه سرمایه به بخش تولید وارد شود، به دلیل آنکه سود و منفعت در واردات بود سرمایه وارد این بخش شد.

کشاورزی در سراسر دنیا به‌عنوان یک بخش یارانه‌بگیر شناخته می‌شود که در کشورهای مختلف این یارانه یا به بخش اول زنجیره (تولیدکننده) داده می‌شود یا به انتهای زنجیره (مصرف‌کننده) یا به طول زنجیره (مثل شرکت‌های فرآوری) داده می‌شود.

از طرف دیگر تخصیص یارانه به شیوه ارز ۴۲۰۰ تومانی، باعث تورم در حوزه کشاورزی شد و سرمایه‌گذار از بخش کشاورزی فرار کرد؛ همچنین سبب شد تا بودجه خودکفایی از این بخش حذف شده و به‌جای اینکه زیرساخت‌های کشاورزی تقویت شود، زیرساخت‌های تجارت تقویت و باعث افزایش تغییر کاربری اراضی کشاورزی شد.

با این حال در دولت دوازدهم ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردکنندگان تخصیص داده شد از این رو سرمایه از زنجیره بیرون و به بخش واردات رفت بنابراین با اصلاح ارز ترجیحی در کشور در کلان کشاورزان سود زیادی خواهند برد هر چند که در کوتاه‌مدت به آنها مقداری فشار مقطعی ایجاد خواهد شد لکن در درازمدت بسیار سودآور است.

■ به سود کشاورزان اشاره کردید که در سال‌های گذشته عمدتاً آنها با زیان گسترده‌ای به دلیل عدم حمایت دولت‌ها از این قشر روبه‌رو شده بودند؛ وزارت جهاد کشاورزی دولت سیزدهم دقیقاً برای حل این مشکل چه اقداماتی را در دستور کار خود قرار داد؟

یکی از اصلی‌ترین محورهای کاری دولت سیزدهم حمایت از تولید کالاها و محصولات ایرانی بوده است، برای صیانت از این کار، کشت قراردادی به‌عنوان یک برنامه محوری در وزارت جهاد کشاورزی طرح‌ریزی شد به طوری که برای این کار ابتدا با کشاورز قرارداد بسته می‌شود به طوری که کشاورزان در ابتدای کار کلیه امکانات و ملزومات در اختیار خود کشاورز قرار خواهد گرفت و با دریافت بذر، سم و کود و بیمه شدن کشاورزی، کار کشت را انجام خواهند داد و در زمان برداشت محصول با او تسویه را انجام خواهیم داد.

در ابتدای امر و از مهرماه سال گذشته کشت قراردادی گندم در ۲۵۰ هزار هکتار از اراضی کشور به وسیله شرکت بازرگانی دولتی در دستور کار قرار گرفت، به طوری که شرکت بازرگانی دولتی به جای اینکه به مثابه هر سال صرفاً به واردات محصولات و کالاهای اساسی و خرید آنها در انتهای فصل برداشت بپردازد، در ابتدای فصل کشت با کشاورزان قرارداد بسته و از آنان حمایت کند.

تخصیص یارانه به شیوه ارز ۴۲۰۰ تومانی، باعث تورم در حوزه کشاورزی شد و سرمایه‌گذار از بخش کشاورزی فرار کرد؛ همچنین سبب شد تا بودجه خودکفایی از این بخش حذف شده و به‌جای اینکه زیرساخت‌های کشاورزی تقویت شود، زیرساخت‌های تجارت تقویت و باعث افزایش تغییر کاربری اراضی کشاورزی شد

کشت قراردادی بدون شک اثرات بسیار مثبتی برای افزایش تولید در واحد سطح خواهد داشت، به معیشت کشاورزان کمک شده، بذر اصلاح شده در اختیار آنان قرار داده می‌شود و علناً کشت محصولات کشاورزی بیمه می‌شود به همین دلیل کشاورزان می‌توانند محصولات باکیفیتی تولید کنند زیرا کشاورز بر کشت خود تمرکز دارد.

به عبارت دیگر می‌توان گفت هم مصرف‌کننده، هم دولت و هم کشاورزان با اجرای کشت قراردادی در سراسر کشور نفع خواهند برد.

هم اکنون ۴۰ درصد از تولید محصولات کشاورزی در سراسر جهان به وسیله کشت قراردادی انجام می‌شود، برخی کشورها نیز ۹۰ درصد محصولات کشاورزی خود را با اجرای مدل کشت قراردادی تولید کرده‌اند، ولی در ایران تنها یک درصد از این تولیدات از این طریق حاصل می‌شود که انتظار داریم تا افق ۱۴۰۴ بتوانیم ۲۰ درصد از محصولات کشاورزی خود را از طریق کشت قراردادی تولید کنیم.

به همین دلیل در سال زراعی آینده، کشت قراردادی گندم افزایش خواهد یافت و به سراغ دیگر محصولات کشاورزی دیگر نیز خواهیم رفت، از طرف دیگر از بخش خصوصی نیز دعوت می‌کنیم که در این طرح به وزارت جهاد کشاورزی کمک کند که اگر این امر صورت گیرد بدون شک تا افق ۱۴۰۴ که تا پایان دولت سیزدهم است می‌توانیم از ۲۰ درصد تولیدات کشاورزی با کشت قراردادی نیز فراتر برویم.

■ وزارت جهاد کشاورزی چه برنامه‌های دیگری برای خودکفایی در کالاهای اساسی و محصولات پایه کشاورزی دارد؟

وزارت جهاد کشاورزی در ابتدای شروع فعالیت کاری خود افزایش نرخ خرید تضمینی محصولات اساسی را به میزان تورم و هزینه‌های تولید در دستور کار قرار داد به طوری که با افزایش ۱۳۰ درصدی قیمت خرید تضمینی گندم شاهد آن بودیم که تولید این محصول به طرز قابل توجهی

افزایش یافت و میزان خرید تضمینی دولت نسبت به سال گذشته رشدی ۵۵ درصدی را به خود دید.

با کاهش ۴۵ درصدی قیمت کود در کشور نیز شاهد افزایش تولید محصولات کشاورزی بوده‌ایم چنانکه علاوه‌بر گندم شاهد آن بودیم که تولید برنج در سال جاری با رشد بیش از ۲۰ درصدی مواجه بوده است، از طرف دیگر میزان تولید جو یک‌میلیون تن افزایش یافته و میزان تولید ذرت علوفه‌ای به ۱۴ میلیون تن رسیده است.

به دنبال استمرار سیاست‌های حمایتی خود از کشاورزان به دنبال آن هستیم که در سال زراعی آینده نیز برای افزایش خودکفایی محصولات کشاورزی در شورای قیمت‌گذاری، برنامه‌های زیادی را اتخاذ کنیم لکن همه این سیاست‌ها به افزایش نرخ خرید تضمینی ختم نخواهد شد به همین دلیل یارانه کشت نیز یکی از سیاست‌های حمایتی از کشاورزان است آنچنان که به جای افزایش قیمت خرید تضمینی سویا به آن یارانه کشت اختصاص دادیم و به هر هکتار کشت سویا در کشور ۶ میلیون تومان (در دو نوبت ۳ میلیون تومانی) یارانه اختصاص دادیم به همین دلیل تولید این محصول افزایش خواهد یافت.

در کلان به دنبال پیاده کردن کشاورزی اقتصادی و تجاری هستیم به این شکل که قرار بر این است کشاورزان حداکثر سود را از کشت محصولات مختلف داشته باشند، طبیعتاً کشت قراردادی در سراسر کشور این مسیر را هموار می‌کند، به همین دلیل اگر به مناطق شمالی کشورمان سفر کنیم به ندرت زمین کشاورزی خالی می‌بینیم.

با کشت قراردادی شاهد آن خواهیم بود که تغییر کاربری اراضی کشاورزی به طرز قابل توجهی کاهش پیدا خواهد کرد چون کشاورزی فعالیتی کاملاً اقتصادی و سودآور شده است.

■ تاکنون به چه میزان برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی در زمینه خودکفایی محصولات کشاورزی محقق شده است؟ خودکفایی در تولید گندم طی سال‌های گذشته سینوسی بوده است، به همین دلیل نگاه دولت ایجاد پایداری خودکفایی در تولید گندم نان است و به تولید ۹ میلیون تن گندم خبازی نیاز داریم تا به خودکفایی ۱۰۰ درصدی در این خصوص برسیم.

با افزایش قیمت خرید تضمینی و کاهش قیمت کود در سال زراعی آینده همین مسیر را پیش خواهیم رفت و نگاه ما پایداری خودکفایی در تولید گندم نان است. در مورد دانه‌های روغنی می‌توانیم تا ۵۰ درصد به سطح خودکفایی برسیم، چون برخی از این دانه‌ها آب‌بهر هستند بنابراین نمی‌توانیم به طور ۱۰۰ درصد در این زمینه خودکفا شویم.

اینکه چرا طی سال‌های گذشته طرح دانه‌های روغنی در کشور شکست خورد تنها به علت وجود ارز ۴۲۰۰ تومانی بود، یعنی این ارز هم فساد داشت و هم رانت؛ به همین دلیل تولید داخلی این محصول را به شدت کاهش داد.

با زهکشی اراضی کشاورزی در سه استان شمالی کشور و افزایش یک میلیون تنی تولید می‌توانیم به خودکفایی در زمینه

برای سرعت گرفتن این طرح، صدور سند برای اراضی کشاورزی را به عنوان یکی از معیارهای اصلی وزارت جهاد کشاورزی برای ارزیابی رؤسای سازمان‌ها قرار داده ایم، چون سند، هویت و مالکیت کشاورز است و با این کار می‌توانیم از کاربری اراضی ملی حفاظت کنیم و در واقع دادن سند به کشاورز ایرانی به معنی صیانت از اراضی دولتی است.

■ **در کشورمان ۴ میلیون رأس دام مازاد وجود دارد، از طرف دیگر با اصلاح ارز ترجیحی میزان تقاضای مرغ و تخم مرغ در بازار کاهش یافته و تولید بر آن پیشی گرفته است، وزارت جهاد کشاورزی چه برنامه‌هایی برای حمایت از دامداران اتخاذ کرده است؟**

صادرات دام زنده، گوشت، مرغ و تخم مرغ برای همه تولیدکنندگان و صادرکنندگان آزاد است و برای پایداری تولید هیچ گونه عوارضی نیز از صادرکنندگان این محصولات گرفته نخواهد شد.

از طرف دیگر شرکت پشتیبانی امور دام نیز مازاد دام، مرغ و تخم مرغ تولیدکنندگان را جهت حمایت از آنها استمرار خواهد داد، لکن بخش خصوصی و زنجیره‌های مختلف به خرید این محصولات از تولیدکنندگان می‌پردازند از طرف دیگر ۲۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات ارزان‌قیمت برای حمایت از دامداران توسط هیات دولت تصویب شد. تلاش دولت این است که بتواند حوزه تولید را در صنعت غذا بخصوص دام و طیور مورد حمایت قرار دهد و این کار را به کمک تشکلهای استمرار خواهیم داد.

■ **بسیاری از صادرکنندگان و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی از جمله زعفران معتقدند آب بسیار کمی برای تولید استفاده می‌کنند، این در حالی است که مجلس شورای اسلامی تعرفه و عوارض نیم درصدی برای صادرات این محصولات در نظر گرفته است، آیا بین صادرکنندگان با مجلس شورای اسلامی رایزنی برای برداشته شدن این عوارض انجام شده است؟**

در جلسه دیپلماسی غذایی بحث عوارض نیم درصدی آب مجازی توسط مجلس مورد بحث قرار گرفت، به همین دلیل قرار است با مجلس شورای اسلامی در خصوص این قانون و اصلاح آن تا دو هفته دیگر مذاکراتی صورت گیرد.

دلیل اصلی وضع این قانون این است که صادرات محصولات آب بر مورد حمایت قرار نگیرند، به طوری که ایران کشوری کم آب است و نباید اجازه صادرات محصولات آب‌بر و توسعه آنها داده شود. اگر این عوارض نیم درصدی صادرات همه محصولات کشاورزی باقی بماند طبیعتاً به توسعه کشت دیم و محصولات کم آب‌بر که هدف جهاد کشاورزی است، تبدیل خواهد شد.

بنابراین براساس لیست کالاهای پر آب‌بر همچون هندوانه و برخی دیگر از محصولات جالیزی که به مجلس شورای اسلامی داده خواهد شد باید عوارض نیم درصدی صادرات از آنها گرفته شود.

■ **با توجه به وقوع خشکسالی و فرسایش شدید خاک در برخی از مناطق کشور چه برنامه‌های برای توسعه کشت گلخانه‌ای دارید؟**

چون ایران به لحاظ اقلیمی کشوری



خواهد شد که بنا داریم تا قبل از شروع این فصل قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی را اعلام کنیم تا کشاورزان تکلیف خود را بدانند و با آسودگی خاطر به کشت محصولات خود بپردازند.

متأسفانه طی سالیان گذشته همواره دولت قبل قیمت محصولات اساسی را دیر به کشاورزان اعلام می‌کرد، اما در سال گذشته و با شروع دولت سیزدهم در شهریور ماه قیمت این محصولات را به کشاورزان اعلام کرده و بنا داریم این امر را در سال جاری نیز در همین بازه زمانی اعلام کنیم.

شورای قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی قیمت این محصولات را تعیین می‌کند، به طوری که سه نفر به نمایندگی از کشاورزان، سه تشکل، سه نفر از دولت بررسی‌های لازم در این زمینه را انجام می‌دهند.

قطعیاً نگاه دولت و وزارت جهاد کشاورزی حمایت از کشاورزان خواهند بود، به طوری که در اولین جلسه هیأت دولت در ۳ فروردین سال جاری قیمت گندم یک هزار تومان افزایش یافت که سبب افزایش خرید تضمینی کشاورزان نیز شد.

■ **طی سالیان گذشته سنددار شدن اراضی کشاورزی به فراموشی سپرده شده است، چه برنامه‌ای برای سنددار شدن این اراضی دارید؟**

طبق قانون سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۳۹۹ باید تمامی اراضی کشاورزی سنددار می‌شد ولی این امر صورت نگرفت و تنها ۴ درصد اراضی کشاورزی سنددار هستند.

برنامه وزارت جهاد کشاورزی این است که تا پایان دولت سیزدهم تمامی اراضی کشاورزی سنددار شوند، هر چند که رسیدن به این میزان، کار بسیار سختی است اما در ۱۰ ماه گذشته ۶۵۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی کشور سنددار شده‌اند که این میزان نشان‌دهنده رشد ۱۸۰ درصدی نسبت به ۶ سال گذشته است.

برنج نیز برسیم، ما در کشور سالانه به سه میلیون تن برنج نیازمندیم که این استانها می‌توانند این نیاز را مرتفع کنند.

۱.۵ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی ما باید زهکشی شود که با جدیت آن را پیگیری می‌کنیم زیرا زهکشی اراضی باعث افزایش بهره‌وری محصولات کشاورزی و در نهایت رسیدن به خودکفایی می‌شود.

پیش بینی می‌کنیم که از محل تهاتر نفت سه میلیارد دلار برای این منظور طی ۵ سال هزینه شود، از طرف دیگر با توجه به ظرفیتی که کشور در تولید برنج دارد نباید واردات برنج داشته باشیم به طوری که با افزایش دوره کشت به راحتی می‌توان مقدار مورد نیاز کشور را تولید کرد.

خودکفایی در زمینه پنبه هم تا دو سال دیگر حاصل خواهد شد، به طوری که وزارت جهاد کشاورزی با توسعه کشت قراردادی این محصول به دنبال رسیدن به این هدف است.

برای خودکفایی در تولید شکر نیز می‌توانیم با اولویت قرار دادن کشت چغندر قند به جای نیشکر و توسعه کشت پاییزه این محصول به جای کشت تابستانی به دلیل آب‌بر بودن، می‌توانیم این مهم را محقق کنیم کما اینکه این طرح قرار است در استان گلستان با توسعه بیشتری صورت گیرد، که اگر بخش خصوصی دو کارخانه در این منطقه ایجاد کند بدون شک خودکفایی شکر در کشور امکانپذیر خواهد بود.

■ **دولت یازدهم و دوازدهم همواره نرخ خرید تضمینی محصولات کشاورزی را بعد از شروع فصل زراعی و با تأخیر چند ماهه اعلام می‌کرد، همین امر بعضاً سبب بی‌انگیزگی کشاورزان می‌شد، وزارت جهاد کشاورزی چه زمانی قرار است نرخ خرید تضمینی محصولات کشاورزی برای سال آینده را اعلام کند؟**

فصل زراعی آینده از مهرماه امسال آغاز

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

خشک و نیمه خشک است توسعه گلخانه‌ای یکی از اهداف و برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی است.

به طوری که باید کشت سبزی و صیفی جات را به سمت گلخانه‌ها منتقل کنیم، به این دلیل به احداث ۱۰۰ هزار گلخانه در کشور نیاز داریم، این در حالی است که هم اکنون تنها ۲۳ هزار گلخانه در کشور وجود دارد و برای رسیدن به این هدف باید شاهد رشد و توسعه ۵ برابری احداث گلخانه در کشور باشیم.

در حال حاضر از محل بند الف تبصره ۱۸ قانون اساسی تسهیلات کم بهره ۱۱ درصد به متقاضیان احداث گلخانه‌ها داده می‌شود تا از تولیدکنندگان حمایت کنیم.

از طرف دیگر بخش خصوصی برای تأمین امنیت غذایی باید به این حوزه سودآور ورود کند، به همین دلیل می‌توان گفت با این روش تولید محصولات آب‌بر به گلخانه‌ها برده می‌شود تا تولید این محصولات بهره رتر باشد و از طرف دیگر اراضی کشاورزی آزاد شود تا به کشت محصولات پایه و اساسی و غلات بپردازیم. کما اینکه رئیس جمهور هم توصیه کردند که شهرک‌های گلخانه‌ای توسعه یابد.

در مورد علوفه‌هایی که آب‌بر هستند باید آنها به سمت ۵۰ هزار هکتار مرتع در کشور برده شود تا زمین‌هایی که به کشت آبی علوفه اختصاص می‌یابند از این پس صرف کشت محصولات پایه و اساسی شوند تا تولید و خودکفایی بسیاری از محصولات رونق پیدا کند.

۷۰ درصد آب‌های ناشی از بارندگی به انحای مختلف از جمله بوسیله تبخیر و رواناب‌های فصلی از کشور خارج می‌شوند؛ این در حالی است که با توسعه آبخیزداری در کشور می‌توانیم جلوی تبخیر و خسارات سیلاب‌ها به مزارع کشاورزی را بگیریم، چه برنامه‌ای برای توسعه عملیات آبخیزداری در کشور دارید؟

هر ساله کشورمان دچار سیلاب‌های فصلی می‌شود، به طوری که علاوه بر خسارات جانی به راه‌ها و جاده‌های روستایی و اراضی کشاورزی خسارات مالی زیادی وارد می‌شود، بنابراین باید توسعه آبخیزداری و آبخوانداری در حوزه‌های آبخیز مورد توجه قرار گیرد.

به دلیل ضعف اعتبارات تخصیصی به این حوزه، هر ساله تنها در یک میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی کشور می‌توان عملیات آبخیزداری انجام داد، در گذشته به دستور رهبر معظم انقلاب از محل صندوق توسعه ملی سالانه ۲۰۰ میلیون یورو به این امر اختصاص داده می‌شد که در دو سال گذشته دیگر اعتباری از این محل اختصاص داده نشده است.

چون ۹۰ میلیون هکتار از اراضی کشور، نیازمند عملیات آبخیزداری است و بودجه این امر بسیار پایین است به نظر می‌رسد باید تغییر مقیاسی صورت گیرد، به طوری که هر ساله خسارت زیادی به این امر اختصاص می‌یابد. بنابراین باید پیشگیری در کشور صورت گیرد.

به دلیل کمبود اعتبارات عملیات آبخیزداری و آبخوانداری باید سالانه در ۹ تا ۱۰ میلیون هکتار انجام شود که این امر نیازمند ۲۰ تا ۲۵ هزار میلیارد اعتبار است، ولی دولت برای

■ از سال ۱۳۹۶ آیین نامه کشت فراسرزمینی به تصویب هیأت وزیران رسیده است، با این حال وزارت جهاد کشاورزی دولت سیزدهم توجه زیادی به توسعه این امر دارد، درباره جزئیات این طرح بفرمایید؟

در قانون ۱۴۰۱ آمده است به ایرانیانی که کشت فراسرزمینی انجام بدهند ۲۰ درصد اولویت وارداتی تخصیص داده می‌شود تا محصول آنها در کشور خریداری شود. به طوری که باید زراعت چوب، تولید غلات، محصولات کشاورزی آب بر از محل کشت فراسرزمینی تأمین شود اما در مورد تعرفه وارداتی هنوز برنامه‌ای نداریم ولی شیوه‌نامه کشت فراسرزمینی تصویب شده و کسانی که علاقه‌مند به کشت محصولات کشاورزی در دیگر کشورها هستند، می‌توانند از ظرفیت قانونی این امر استفاده کنند.

از طرف دیگر چون می‌توانیم کشت‌های آب‌بر را در دیگر کشورها انجام دهیم، کشت فراسرزمینی برای وزارت جهاد کشاورزی اهمیت خاصی دارد به همین دلیل از بخش خصوصی تقاضا داریم به این حوزه ورود کرده و در آن سرمایه‌گذاری کنند تا بتوانیم برخی از محصولات مورد نیاز کشور را از واردات از این محل تأمین کنیم.

■ با توجه به کاهش بارندگی در کشور و خشکسالی چه برنامه‌هایی برای افزایش ظرفیت تولید در مزارع دیم اتخاذ کرده‌اید؟

کشت دیم بخش مغفول کشاورزی ایران است به طوری که می‌توان گفت عملاً می‌توانیم با آب سبز که با کشت دیم صورت می‌گیرد به خودکفایی در بسیاری از محصولات کشاورزی برسیم.

در دنیا کشت دیم اهمیت خاصی دارد، اما در کشور ما این نوع کشت تا حدودی فراموش شده است در حالی که فشار به آب‌های زیرزمینی و محیط زیست در شرایط دیم‌کاری بسیار کم است؛ در حال حاضر تنها ۸ درصد تولیدات کشاورزی ما از دیم‌زارها است در حالی که این رقم در دنیا ۶۰ تا ۷۰ درصد است. با این حال توسعه دیم‌زارها از راهکارهای مهم برای تأمین امنیت غذایی در کشور است و از سه نظر حائز اهمیت است؛ نخست آنکه مورد تأکید رهبر انقلاب بوده و بشدت پیگیری می‌شود و این نشانگر آن است که نگاه ژرفی در عالی‌ترین مقام کشور وجود دارد. نکته دوم اینکه ظرفیت‌های عظیم تولید در این بخش موجود است و سوم اینکه اجرای این طرح حمایت از کشاورزان نجیب دیم‌کار خواهد بود.

وزارت جهاد کشاورزی از سال ۱۳۹۹ با همکاری ستاد اجرایی فرمان امام (ره) توسعه کشت دیم داشته و از کشاورزان به وسیله بذر، کود و بیمه حمایت کرده است و با شروع به کار دولت سیزدهم میزان اراضی کشت دیم تحت پوشش را به ۲/۶ میلیون هکتار افزایش دادیم که یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن تولید محصولات کشاورزی را افزایش خواهد داد. برای سال زراعی آینده تحت پوشش قرار دادن ۵/۲ میلیون هکتار از اراضی دیم را مدنظر قرار دادیم که پیش بینی می‌کنیم جهش بزرگی در تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی کشور ایجاد کند، برای اجرای این طرح ۴۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است و این میزان مبلغ در سال اول اجرا برگشت

در مورد دانه‌های روغنی می‌توانیم تا ۵۰ درصد به سطح خودکفایی برسیم، چون برخی از این دانه‌ها آب‌بر هستند بنابراین نمی‌توانیم به طور ۱۰۰ درصد در این زمینه خودکفا شویم. اینکه چرا طی سال‌های گذشته طرح دانه‌های روغنی در کشور شکست خورد تنها به علت وجود ارز ۴۲۰۰ تومانی بود، یعنی این ارز هم فساد داشت و هم رانت؛ به همین دلیل تولید داخلی این محصول را به شدت کاهش داد

تأمین این میزان اعتبار مشکل دارد. بنابراین باید به مشارکت مردمی و همراهی بخش خصوصی در توسعه آبخیزداری چشم دوخت که برای این امر باید عرصه‌های آبخیز را برای ورود مردم و بخش خصوصی تسهیل کرد، یعنی بهره‌وری عرصه را به مردم سپرد و آنها کار آبخیزداری انجام بدهند و از منافع آنها هم بهره‌برداری کنند.

در این صورت هم اشتغالزایی جدیدی صورت گرفته، هم تولید افزایش یافته و آب را هم حفظ و به دل سفره‌های زیر زمینی می‌برد و از سیلاب‌ها جلوگیری خواهد کرد.

■ با وجود اصلاح ارز ترجیحی به منظور کاهش قیمت نهاده‌های دامی باید افراد مختلف بتوانند به واردات این محصول بپردازند، چون همچنان حاشیه سود واردات این محصولات بالاست، اما همچنان و پس از سپری شدن سه ماه از اصلاح ارز ترجیحی شاهد آن هستیم که در این زمینه انحصار وجود دارد، چه برنامه‌هایی برای رفع انحصار واردات نهاده‌های دامی دارید؟

در هیچ وارداتی انحصارگرایی مورد تأیید نیست، به طوری که نباید در این زمینه انحصاری وجود داشته باشد، لذا نگاه وزارت جهاد کشاورزی این بوده است که افراد مختلفی به واردات نهاده‌های دامی در کشور بپردازند که این امر سبب ایجاد رقابت خواهد شد و بدون شک به کاهش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان منجر خواهد شد و اطمینان تأمین بیشتری به تولیدکنندگان خواهد داد. یکی از اهداف وزارت جهاد کشاورزی مبارزه با انحصار در واردات نهاده‌های دامی است، هر چند به دلیل سیستمی بودن و حضور چندین ساله افراد صاحب نفوذ در این عرصه برای این امر کار سختی در پیش داریم و آسیب‌های زیادی نیز دارد، به طوری که این افراد انواع روش‌ها را به کار می‌گیرند تا کسی به این عرصه ورود نکند و حتی اتهامات زیادی به آن وارد کند.



در حال حاضر میزان پیش‌بینی‌پذیری تولید محصولات کشاورزی در کشور بسیار ضعیف است به طوری که نمی‌دانیم چقدر محصول در کشور تولید می‌شود تا میزان کم بودن یا زیاد بودن آن را نسبت به مصرف سرانه کشور بسنجیم که اگر میزان یک محصول خاص در برهه‌ای از زمان زیاد بود برنامه‌ریزی از قبل برای صادرات آن و اگر کم بود برای واردات آن برنامه‌ریزی صورت گیرد. طبیعتاً این امر نیازمند رصد ماهواره‌ای است که در حال حاضر در دست اقدام است ولی با این حال فاز اول آن تا پایان سال به بهره‌برداری خواهد رسید و حتی کشاورزان نیز می‌توانند اطلاعات تولیدی محصولات کشاورزی را رصد کنند، ولی مابقی فازهای آن به دلیل زمان‌بر بودن انتظار می‌رود تا پایان دولت سیزدهم طول بکشد.

■ به عنوان سؤال آخر چه برنامه‌ای برای تنظیم بهتر بازار محصولات کشاورزی و کالاهای اساسی دارید؟

با همراهی معاون اول رئیس‌جمهور و حمایت ایشان هر هفته جلسات ستاد تنظیم بازار کالاهای اساسی برگزار می‌شود به طوری که در این ستاد، هم حمایت از مصرف‌کننده و هم حمایت از تولیدکننده با کارهای کارشناسی شده توسط دکتر مخابر صورت می‌گیرد و سازمان حمایت با کمک سندیکاها قیمت کالاها را مشخص می‌کند. از طرف دیگر با کمک ایشان خوشبختانه هیچ مشکلی در زمینه ذخایر کالاهای اساسی وجود ندارد و محدودیتی متوجه فراوانی کالاهای اساسی نیست. ولی به طور کلی با تلاش‌های جدی دولت هیچ دغدغه‌ای برای تأمین نیازهای مردم وجود ندارد و با وجود این که امروز شاهد کمبود کالاهای اساسی و گرانی در برخی کشورها هستیم، ولی مردم کشورمان دغدغه‌ای در خصوص فراوانی کالاها ندارند. به هیچ عنوان موافق قیمت‌گذاری دستوری نیستیم ولی با مردمی‌سازی یارانه‌ها نمی‌شود در ابتدای امر بازار را به حال خود رها کرد و باید در زمان اصلاح اقتصادی نظارتی در بازار صورت گیرد.

در حال حاضر میزان پیش‌بینی‌پذیری تولید محصولات کشاورزی در کشور بسیار ضعیف است به طوری که نمی‌دانیم چقدر محصول در کشور تولید می‌شود تا میزان کم بودن یا زیاد بودن آن را نسبت به مصرف سرانه کشور بسنجیم که اگر میزان یک محصول خاص در برهه‌ای از زمان زیاد بود برنامه‌ریزی از قبل برای صادرات آن و اگر کم بود برای واردات آن صورت گیرد

هزینه‌ها دربر خواهد داشت بنابراین اجرای آن کار سختی است. به همین دلیل وزارت جهاد کشاورزی به دنبال آن است با کمک ذینفعان، این طرح اجرا شود چون ارزش زمین‌های کشاورزی با این طرح افزایش خواهد یافت بنابراین به نظر می‌رسد این امر اقتصادی‌تر باشد، به همین دلیل از محل تهاتر، فاینانس و مشارکت مردمی به دنبال اجرای این طرح بزرگ هستیم.

■ یکی از مهم‌ترین ضعف‌های وزارت جهاد کشاورزی این است که همواره از میزان تولید محصولات کشاورزی موجود در کشور اطلاعی ندارد به همین دلیل نمی‌تواند پیش‌بینی دقیقی برای تأمین کالاهای اساسی در کشور داشته باشد، چه راهکاری برای رفع این مشکل دارید؟

به دنبال احداث رصدخانه کشاورزی ایران هستیم به طوری که انتظار می‌رود با به‌روزرسانی اطلاعات در حوزه تولید محصولات کشاورزی در کشور، بازار این محصولات به راحتی کنترل و امنیت غذایی کشور تأمین خواهد شد.

می‌شود. اجرای این طرح حداقل غذای ۲۰۰ هزار نفر را پوشش می‌دهد، از طرف دیگر میانگین تولید در سطح دیم‌زارهای کشور ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلوگرم در هکتار است که بنا داریم با استفاده از بذره‌های مناسب تولید در سطح را افزایش دهیم.

■ در حوزه دیپلماسی غذایی و صادرات محصولات کشاورزی چه گام‌هایی برداشته شده است؟

یک قرارگاه دیپلماسی غذایی در وزارت جهاد کشاورزی وجود دارد که به امر رفع موانع صادراتی می‌پردازد و هر هفته جلساتی در این خصوص برگزار می‌شود که ظرفیت بازارهای کشورهای همسایه جزو اولویت‌های صادرات محصولات کشاورزی محسوب می‌شوند به طوری که در این زمینه موفقیت‌های نیز حاصل شده است. بعد از ۱۶ سال صادرات سیب به عراق و پس از ۶ سال صادرات مرغ و فرآورده‌های طیور به عراق آزاد شد. از سرگیری صادرات کیوی به هندوستان صورت گرفته و بنا داریم در سال جاری صادرات عسل، مرکبات، پای مرغ و لبنیات را به چین داشته باشیم. ممنوعیت صادرات لبنیات و بخشی از صیفی‌جات همانند فلفل‌دلمه به روسیه مرتفع شده است و برنامه‌ریزی داریم در سال‌های آینده این امور را افزایش دهیم. لکن به دلیل شرایط اقلیمی و خشکسالی که در کشور صورت گرفته، از میزان صادرات محصولات کشاورزی کاسته شده و در حال حاضر تراز تجاری محصولات کشاورزی منفی است که این امر البته ریشه در جنگ اوکراین و افزایش سرسام‌آور قیمت نهاده‌های دامی و دیگر محصولات دارد با این حال با برنامه‌ریزی و رفع موانع به دنبال آن هستیم که تراز تجاری کشور مثبت شود.

■ فاز دوم اجرای طرح ۵۵۰ هزار هکتاری خوزستان و ایلام به کجا ختم شد؟

۴۰ درصد مطالعات فاز دوم طرح ۵۵۰ هزار هکتاری در ۲۵۰ هزار هکتار از اراضی خوزستان و ایلام صورت گرفته ولی مهم‌ترین مشکل این طرح تخصیص اعتبارات است به طوری که چیزی حدود ۲/۵ میلیارد دلار



در مسأله آرد و نان دولت سیزدهم به دنبال حذف دلالی و قاچاق و هدایت هدفمند یارانه در این بخش بود

ساماندهی به ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه

در سال ۱۴۰۰ شرکت بازرگانی دولتی بیش از ۶۷ میلیون تن گندم را با قیمت تضمینی به ازای هر کیلوگرم ۷۵۰۰ تومان از کشاورزان داخل کشور خریداری کرده و در مجموع ۵۷ هزار میلیارد تومان از بودجه دولت را به این امر اختصاص داده است. همچنین شرکت بازرگانی دولتی به دلیل کمبود گندم‌های داخلی در سال ۱۴۰۰ اقدام به واردات ۵/۶ میلیون تن گندم به ارزش ۲ میلیارد دلار کرده که اگر رقم میانگین قیمت دلار در بازار آزاد را در این سال ۲۸ هزار تومان فرض کنیم در واقع برای پاسخگویی به نیاز سالانه کشور، این شرکت در سال ۱۴۰۰ چیزی در حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان گندم وارد کرده است. بنابراین در مجموع زمانی که راجع به بازار گندم در سال ۱۴۰۰ صحبت می‌کنیم یعنی یک بازار ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی مدنظرمان است. حالا چه چیزی ساماندهی به این بازار را الزام می‌کند که دولت سیزدهم آن را انتخاب کرد؟ مشخص است یارانه دولتی موجود در این بازار!!!!

ساماندهی به ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه

یارانه موجود در بازار گندم مابه‌التفاوت قیمتی است که دولت گندم را از کشاورزان داخلی خرید یا از منابع خارجی وارد کرده با قیمتی که دولت آن را به نانوایی‌ها و کارخانجات می‌فروشد. این مابه‌التفاوت را یارانه دولتی می‌گویند که ابعاد آن در هر سال بسته به قیمت خرید تضمینی گندم و قیمت وارداتی گندم متغیر است. به‌عنوان مثال در سال ۱۴۰۰ و قبل از اجرای «طرح آزادسازی قیمت آرد و گندم» گفته شد که دولت در مجموع ۱۱/۳ میلیون تن گندم (۶۷ میلیون تن خرید از داخل و ۵/۶ میلیون تن واردات) به ارزش ۱۲۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ خریداری کرده است. بر اساس آمارهای شرکت بازرگانی دولتی این شرکت به نمایندگی از دولت در سال ۱۴۰۰ در حدود ۵/۸ میلیون تن از گندم‌های خریداری شده خود را برای دو گونه مصرف در کشور یعنی «مصارف نانوایی» و «مصارف صنف و صنعت» به فروش رسانده است. این شرکت در سال گذشته هر کیلوگرم گندم را از کشاورز

دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۱ تصمیم به آزادسازی قیمت آرد و گندمی کرد که آن را در حدود کیلویی ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان می‌خرد و در حدود ۲۵۰۰ تومان به کارخانجات ماکارونی، بیسکویت، کیک و... می‌فروخت. در واقع در طرح قبلی دولت گندم و آرد را با قیمتی چند برابر پایین‌تر به کارخانجات می‌فروخت و هر چند با این اقدام به دنبال رفاه خانوارها بود، اما عایدی آن به جیب دلان می‌رفت. فضای به وجود آمده انگیزه فردی را که آرد دولتی دریافت می‌کرد برای قاچاق یا فروش آن در بازار آزاد بالا می‌برد. در این بین نانوایان نیز که آرد دولتی را با قیمتی به ازای هر کیلو ۶۰۰ تومان می‌خریدند با همان فضای دلالی و سوءاستفاده روبه‌رو بودند و در واقع عقل ايجاب می‌کرد که پخت را کاهش دهند و آردی را که کیسه‌های ۳۰ هزار تومان از دولت خریده‌اند حداقل در بازار آزاد ۴۵۰ هزار تومان بفروشند. همین بود که بسیاری از نانوایی‌ها ساعت کاری کمی داشتند و روزانه تعداد زیادی نان پخت نمی‌کردند. همین بود که صف نانوایی‌ها طولانی بود و کیفیت آن روز به روز رو به افول. در راستای ساماندهی به این اتفاقات، دولت اقدام به آزادسازی قیمت گندم و آرد اعطایی به کارخانجات کرد و در وهله بعد طرح هوشمندسازی نان را در دستور کار خود قرار داد. بر اساس آمارهای منتشر شده که در این گزارش به‌صورت جزئی بررسی شده، در سال ۱۴۰۰ بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه در بازار آرد و گندم اعطا شده که قطعاً بخش بزرگی از آن به جای سفره خانوارها، جیب دلان و قاچاقچی‌ها را پر کرده است. این رقم برای سال ۱۴۰۱ تا به حال بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان بوده است. در این گزارش از سیستم یارانه‌ای قبل گفته شده که دولت جدید خود را مأمور اصلاح و بهینه‌سازی آن کرده است.

بازار ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی گندم در سال ۱۴۰۰

بر اساس التزامات موجود، دولت‌ها در ایران خرید تضمینی برخی از کالاهای اساسی مورد نظر را از منابع بازارهای داخلی و خارجی با هدف حمایت از تولیدات داخلی کشور و همزمان تأمین نیازهای کامل خانوارها همواره در زمره برنامه‌های مهم اقتصادی خود قرار می‌دهند. گندم، برنج و دانه‌های روغنی (کلزا، سویا، گلرنگ و آفتابگردان) از محصولات بوده که دولت موظف است خریده‌های تضمینی آن را به‌صورت سالانه از کشاورزان در تصمیمات بودجه و برنامه‌های خود لحاظ کند. سوژه اصلی در این نوشتار گندم، که به‌عنوان ماده اولیه آرد و نان که به‌صورت فرهنگی و اقتصادی قوت غالب بسیاری از خانوارهای کشور محسوب می‌شود، خواهد بود. بر اساس آنچه گفته شد در کشور ما بازار گندم به هیچ وجه به معنای بازاری آن وجود ندارد و خریدار دولت است که این کار را به‌صورت تضمینی انجام داده و کشاورزان فروشندگانی هستند که با دریافت پول تضمینی به ازای هر کیلو

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



۷۵۰۰ تومان خریداری کرده و در نهایت به ناوایی‌های دولتی کیلویی ۶۰۰ تومان و به کارخانجات و مصارف صنعتی در حدود ۲۵۰۰ تومان فروخته است. در حدود ۵ میلیون تن از این مقدار به ناوایی‌های دولتی و ۵۵۱ هزار تن نیز به گروه دوم فروخته شده است. با این اوصاف دولت ۶۹۰۰ تومان یارانه روی هر کیلوگرم گندم داخلی پرداخت کرده و روی هر کیلوگرم گندم وارداتی علاوه‌بر همین یارانه یک یارانه دیگر مربوط به ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز پرداخت کرده است. بنابراین در مجموع دولت طی سال گذشته بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه به دو شکل مذکور در بازار گندم به مصرف‌کنندگان یعنی ناوایی‌ها و کارخانجات داده است. مشخص است که این حجم عظیم از یارانه که بیش از یک سوم کل بودجه عمرانی در همان سال ۱۴۰۰ بوده طی یک زنجیره از دولت آغاز شده و متأسفانه به‌صورت غیرمستقیم به مصرف‌کننده نمی‌رسیده است و تولیدکنندگان نان، ناوایی‌ها، ناوایی‌های صنعتی، کارخانجات مرتبط (ماکارونی، کیک و...) به‌صورت واسط در این بین فعال بودند.

دلالی به جای ناوایی

سیستم یارانه که قبل از طرح آزادسازی قیمت آرد و گندم توسط دولت سیزدهم در این بازار حاکم بود، ایرادات اساسی داشت که ۵ مورد از آن را بر می‌شماریم؛

- ۱- به طور متوسط در سال ۱۴۰۰ قیمت هر کیلوگرم گندم برای دولت ۷۵۰۰ تومان و هر کیلوگرم آرد در حدود ۸۵۰۰ تومان برآورد می‌شود که دولت در نهایت آن را به ناوهای سنتی به قیمت کیلویی ۶۰۰ تومان و به ناوهای صنعتی و کارخانجات به قیمت ۲۵۰۰ تومان می‌فروخت و آنها نیز مجبور بودند که قیمت نان و محصول خود را افزایش ندهند تا به نحوی یارانه دولت به مصرف‌کنندگان که خانوارها باشند، اصابت کند. این شیوه یارانه باعث سرازیر شدن کیسه‌های آرد از ناوهای سنتی به سمت ناوایان فانتزی یا به طور کلی باعث سرازیر شدن کیسه‌های آرد به بازار آزاد است که ناوا یا صاحب کارخانه آن را به‌صورت یارانه‌ای و ۹۰ درصد ارزان‌تر از قیمت بازار خریده است. مثالی می‌زنیم که در واقع طی سال گذشته و قبل از اجرای طرح این اتفاق بسیار رایج بوده است؛ فرض را بر این بگیریم که در یک محله چند ناوایی اعم از سنتی و فانتزی فعال‌اند؛ ناوایی فانتزی یک کیسه آرد را ۱۱۰ هزار تومان خریداری می‌کرد و این در حالی بود که ناوایی سنتی همان کیسه آرد را ۳۸ هزار تومان می‌خرید. اینجا این پرسش مطرح است که آیا این امکان وجود دارد که یک کیسه آرد ۳۸ هزار تومانی ۹۰ هزار تومان به ناوایی فانتزی به فروش برسد؟ بدون تردید پاسخ مثبت است و این تفاوت قیمت واحد صنفی را مجاب می‌کند که اقدام به چنین کاری کند. این کار در ابعاد بسیار وسیع انجام می‌شده به طوری که همان‌طور که از آمارها مشخص است در سال ۱۴۰۰ به اندازه کافی و بر اساس نیاز تاریخی که حدود ۱۰ میلیون تن است گندم تأمین شده و اتفاقاً به‌صورت دقیق ۱/۱ میلیون تن بیشتر از این مقدار نیز تأمین شده است، اما در بسیاری از مقاطع

که دولت صرف گندم و آرد کرده و این دو محصول را بسیار ارزان‌تر از بازار به کارخانجات مرتبط می‌دهد در نهایت از طریق صادرات محصولات تولیدی مانند؛ شیرینی، ماکارونی، بیسکویت، رشته و ... با قیمت تمام شده پایین به کشورهای همسایه، نصیب شهروندان این کشورها شده و شهروندان ایرانی از آن بی‌بهره می‌مانند.

۴- همچنین بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد، بخش اعظمی از آرد و گندم یارانه‌ای صرف تولید نمی‌شود و به‌صورت قاچاق از کشور خارج می‌شود. میانگین قیمت جهانی گندم در سال ۱۴۰۰ به ازای هر کیلوگرم در حدود ۹ هزار تومان بوده که در واقع دولت آن را چندین برابر ارزان‌تر به داخل فروخته که از این طریق زمینه و انگیزه کافی را برای قاچاق آرد و گندم فراهم کرده است. فکرش را کنید که یک کیسه آرد حدوداً ۳۸ هزار تومانی را لب مرز با کلی تخفیف براحتمی می‌توانید ۳۵۰ هزار تومان به فروش برسانید که این انگیزه را رانت و فعل صرف شده را قاچاق می‌نامند.

۵- یکی از اتفاقات اخیر، افت محسوس کیفیت نان بوده است. به طوری که ناوایی‌ها با هدف کاهش هزینه‌های سربار، از مواد اولیه مناسب استفاده نمی‌کنند. همین امر باعث می‌شود تا محصول نهایی کیفیت مطلوب نداشته باشد و به‌دنبال آن دورریز نان نیز زیاد شود. در صورتی که اگر در تهیه نان از مواد اولیه مناسب استفاده شود نه تنها دیرتر بیات می‌شود، بلکه نان سالم‌تری نیز تولید خواهد شد. در ادوار گذشته این مهم یقیناً به حضور گسترده دلالان و سودگیری روی قیمت آرد و گندم بی‌ارتباط نبوده است.

قاچاق آرد توجیه ندارد

دولت به‌صورت همزمان دو طرح را در دستور کار خود قرار داد که اولی اجرا و دومی در حال حاضر به‌صورت آزمایشی در چند استان در حال پیاده شدن است. در طرح اول که آزادسازی قیمت گندم و آرد بود، بنا شد از این به بعد دولت گندم و آرد یارانه‌ای را به جای اینکه به کارخانجات و ناوایی‌های فانتزی به ازای هر کیلو ۲۵۰۰ تومان بفروشد و روی هر کیلوگرم آن بیش از ۱۱ هزار تومان یارانه به آنها بدهد، این یارانه را از آن مسیر قطع کرده و با فروش آرد به قیمت آزاد آن به اصناف مذکور، منابع ذخیره شده آن را به‌صورت نقدی و ماهانه در قالب یارانه

بخش اعظمی از آرد و گندم یارانه‌ای صرف تولید نمی‌شود و به‌صورت قاچاق از کشور خارج می‌شود. میانگین قیمت جهانی گندم در سال ۱۴۰۰ به ازای هر کیلوگرم در حدود ۹ هزار تومان بوده که در واقع دولت آن را چندین برابر ارزان‌تر به داخل فروخته که از این طریق زمینه و انگیزه کافی را برای قاچاق آرد و گندم فراهم کرده است

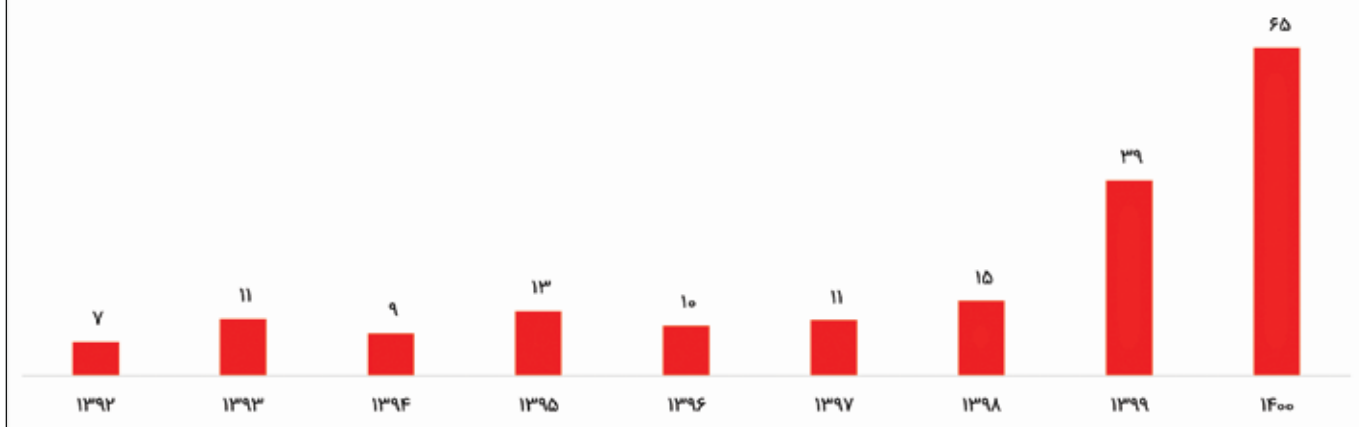
سال با ناوایی‌هایی روبه‌رو بودیم که کیسه آردی درون مغازه نداشتند و خیلی زود پخت آنها تمام می‌شد. قطعاً این موضوع به خرید و فروش همان آرد یارانه‌ای در بازار آزاد برمی‌گردد که سودی بالاتر از پخت نان به افراد می‌داده است.

۲- طی چند سال اخیر و در نتیجه اجرای سیستم یارانه‌ای قبل، تعداد زیادی ناوایی در سطح کشور تأسیس شده‌اند که بخش قابل توجهی از سهمیه آرد خود را در بازار آزاد به شیرینی‌فروشی‌ها یا اصناف دیگر می‌فروختند و از این راه امرار معاش می‌کردند. آردفروشی ناوایی‌ها از چند جهت قابل توجه است، یک اینکه ناوایی‌ها شیفت کاری کارگران خود را کم می‌کنند و به‌دنبال آن پرداخت حقوق کمتری نیز دارند و به‌دنبال آن هزینه‌های دیگر نیز کاهش می‌یابد. بنابراین به طور ناخواسته دلالی وارد این حرفه شده و حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصد ناوایی‌های سطح کشور به‌دلیل استفاده از این فرصت وارد این حرفه شدند.

یارانه ما در سفره کشورهای همسایه

۳- با توجه به تفاوت فاحش قیمت بین گندم و آرد یارانه‌ای با بازار آزاد، بخش اعظمی از این یارانه به نحوی از کشور خارج شده و عایدی آن به ما نمی‌رسد. در واقع یارانه‌ای

مجموع یارانه دولتی که در قالب فروش ارزان آرد به نانوهای سنتی، فانتزی و کارخانجات در سیستم قبلی توزیع یارانه ها توسط دولت پرداخت شده (هزار میلیارد تومان)



که از نامش مشخص است به دنبال اصلاح ساختار معیوب سنتی و هوشمند کردن یارانه‌هایی است که برای تأمین نان مردم توزیع می‌شود، اما لزوماً با کیفیت و کمیت مورد نظر سیاستگذار به سبب مصرفی مردم نمی‌رسد. در واقع در این طرح قرار است به جای آنکه آرد مستقیماً به نانو با قیمت پایین فروخته شود، سیستم پرداخت و کارتخوانی در نانوائی‌ها مستقر خواهد شد که عملکرد یک نانو را در میزان پخت روزانه و ماهانه و فروش آنها نشان می‌دهد. در ادامه دولت به آن نانو بر اساس میزان فروش نان و آردی که مصرف کرده، آرد اختصاص داده است تا از دلایلی آن نیز توسط نانوهای جلوگیری به عمل آید. در این طرح به هیچ وجه قیمت نان تغییری نخواهد کرد و قیمت آرد یارانه‌ای نیز همین‌طور، اما نوع فروش آرد به نانو کنترل، محدود و به سیستم یکپارچه متصل خواهد شد.

نان هوشمند، یارانه هوشمند

در وهله بعد که طرح «هوشمندسازی یارانه نان» نام دارد، دولت سیزدهم اقدام به ساماندهی یارانه‌های نانوائی‌های سنتی کرد. در قسمت‌های قبلی گفته شد که در ادوار گذشته نانوهای هر کیلوگرم آرد را به قیمت ۶۰۰ تومان از دولت خریداری می‌کردند و در نهایت بخشی از آن را نیز در بازار آزاد می‌فروختند. در طرح جدید اما ۸۵ تا ۹۰ درصد نانوائی‌های کشور به کارتخوان‌های مخصوص این طرح تجهیز شده‌اند و بیش از ۹۵ درصد تراکنش‌های فروش نان در کشور تحت پوشش این طرح ملی درآمده است. در واقع در این طرح بدون اینکه محدودیتی در میزان خرید نان توسط شهروندان اعمال شود، بر نفوذ سیستم‌های جدید پرداخت در موضوع فروش نان و همچنان توزیع آرد یارانه‌ای متکی به مجوز نانوائیان اتکا شده است. طرح هوشمندسازی یارانه نان، همانگونه

به حساب خانوارها واریز کرده تا لاقلاً این یارانه را به صورت مستقیم و نقدی به خانوارها اصابت دهد. این سیستم جدید معضلات طرح قبلی را که در مورد ۲ و ۳ گفته شد بر طرف خواهد کرد. اولاً، دیگر یارانه‌ای که از بودجه داخلی کشور هزینه می‌شود مستقیم خواهد بود و عایدی آن به سفره کشورهای همسایه منتقل نخواهد شد. در واقع به جای آنکه کارخانجات شیرینی، ماکارونی و بیسکویت محصولات خود را با آرد ۲۵۰۰ تومانی صادر کنند و یارانه داخلی ما به جیب کشورهای همسایه برود، از این بعد قیمت صادراتی این محصولات افزایش پیدا خواهد کرد. دوماً، مسیر قاچاق تا حدود زیادی بسته خواهد شد چرا که با اجرای این طرح در سال ۱۴۰۱، اختلاف قیمت آرد داخلی با آرد جهانی به کمتر از ۱۰۰۰ تومان رسیده و در این صورت برای نانوهای یا کارخانجات به هیچ وجه دلایلی برای قاچاق گندم و آرد توجیه اقتصادی نخواهد داشت.

مقدار و ارزش خرید گندم تولید شده در داخل کشور توسط دولت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا چهارماهه ۱۴۰۱		
سال	مقدار خرید گندم داخلی توسط دولت (میلیون تن)	ارزش خرید گندم داخلی توسط دولت (هزار میلیارد تومان)
۱۳۹۲	۴/۸	۳/۹
۱۳۹۳	۶/۷	۷/۱
۱۳۹۴	۸	۹/۴
۱۳۹۵	۱۱/۵	۱۴/۷
۱۳۹۶	۸/۸	۱۱/۵
۱۳۹۷	۹/۴	۱۲/۶
۱۳۹۸	۷/۷	۱۳/۴
۱۳۹۹	۸/۲	۲۰/۸
۱۴۰۰	۵/۵	۲۷
چهارماهه ۱۴۰۱	۷/۶	۵۷

مقدار و ارزش خرید گندم وارد شده از خارج از کشور توسط دولت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا چهارماهه ۱۴۰۱		
سال	مقدار خرید گندم وارداتی توسط دولت (میلیون تن)	ارزش خرید گندم وارداتی توسط دولت بر اساس قیمت دلار در بازار آزاد (هزار میلیارد تومان)
۱۳۹۲	۳/۴	۴
۱۳۹۳	۵/۳	۶
۱۳۹۴	۰/۳	۰
۱۳۹۵	۰	۰
۱۳۹۶	۰	۰
۱۳۹۷	۰	۰
۱۳۹۸	۰/۸	۴
۱۳۹۹	۳/۴	۲۴
۱۴۰۰	۵/۶	۴۷
چهارماهه ۱۴۰۱	۱	۱۳

پاس طلایی دولت به خودکفایی در تولید گندم

■ سال گذشته به دلیل سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی مجبور شدیم ۹ میلیون تن گندم وارد کنیم و فقط توانستیم ۴/۵ میلیون تن گندم تولید کنیم
■ امسال با اقدامات صورت گرفته پیش‌بینی می‌شود ۹ میلیون تن گندم در کشور تولید شود

■ نفیسه امامی

بدون شک در شرایط کنونی جهان، امنیت غذایی و پیوستگی در خودکفایی محصولات اساسی یکی از مؤلفه‌های مهم برای همه کشورهای دنیا محسوب می‌شود تا به این واسطه واردات محصولات استراتژیک با توجه به افزایش قیمت‌های جهانی به کمترین میزان برسد. گندم از مهم‌ترین محصولات استراتژیک برای همه کشورها محسوب می‌شود که سرانه مصرف آن در دنیا ۶۵ تا ۷۰ کیلوگرم است، اما سرانه در ایران بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ کیلوگرم است و نشان دهنده اهمیت مصرف نان در سبد غذایی مردم است. در همین راستا نیز دولت سیزدهم در اقدامی هوشمندانه با تعیین زودهنگام نرخ خرید تضمینی گندم و افزایش ۱۳۰ درصدی آن نسبت به سال گذشته، سرآغازی برای تحول در اقتصاد کشاورزی کشور را رقم زد.

دولت پس از تصویب نهایی مبلغ ۹ هزار و ۵۰۰ تومان در کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۱ برای حمایت از کشاورزان، مبلغ خرید هر کیلوگرم گندم را ۱۰ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام کرد، اما به منظور ترغیب کشاورزان برای تولید بیشتر و تأمین غلات مورد نیاز و کاهش وابستگی به واردات، مبلغ هزار تومان را هم به عنوان هدیه تحویل در نظر گرفت و مبلغ نهایی خرید تضمینی هر کیلوگرم گندم را به ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش داد. این در حالی است که در سال زراعی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ قیمت هر کیلو گندم برای خرید تضمینی گندم ۵ هزار تومان تعیین شده بود.

واقعی شدن قیمت گندم توسط دولت در سال جاری، کشت و فروش آن را برای کشاورز با صرفه اقتصادی همراه کرد و انگیزه گندمکاران را برای فروش سهم عمده محصول‌شان به دولت افزایش داد درحالی‌که در سال گذشته تنها ۴ میلیون و ۴۵۰ هزار تن گندم توسط دولت خریداری شد اما در سال جاری تا به امروز میزان خرید تضمینی گندم در مرز ۷ میلیون تن قرار دارد. ضمن اینکه در استان‌های سردسیر هنوز برداشت گندم ادامه دارد.

در سال زراعی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ سطح کشت گندم در ۵ میلیون و ۸۷۰ هزار هکتار در مزارع آبی و دیم انجام گرفت که سهم مزارع آبی یک میلیون و ۹۰۰ هزار هکتار و سهم مزارع دیم ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار هکتار در ۳۲ استان کشور انجام گرفته است.

محصولی مانند گندم به همان اندازه که مسأله‌ای کشاورزی است، موضوعی سیاسی هم تلقی می‌شود.

یکی از بزرگ‌ترین مزیت‌های کشور در توسعه بخش کشاورزی، رسیدن به تولید بیش از ۱۴ میلیون تن گندم در برخی سال‌ها بوده است و کشور توانست به خودکفایی برسد، اما به‌رغم بهره‌مندی از استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه کشور بتدریج میزان واردات گندم رو به افزایش گذاشت.

کشورمان برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۸۳ و در دولت محمد خاتمی به خودکفایی در تولید گندم رسید به طوری که در بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ با تولید میانگین بیش از ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تن گندم، نخستین خودکفایی در تولید این محصول را تجربه کرد.

ایران در دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۵ مجدداً جشن خودکفایی گندم را برگزار کرد، اما این جشن چندان دوامی نداشت. طبق آمار در هر سال بعد از رسیدن به خودکفایی در تولید گندم در سال ۱۳۸۵، یک میلیون تن از تولید محصول استراتژیک گندم کاسته شد و به واردات آن اضافه گردید به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ میزان واردات گندم به حدود هفت میلیون تن رسید.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، میزان واردات گندم در چهار ماهه اول سال ۸۸ بالغ بر دو میلیون و ۶۳۷ هزار تن و به ارزش بیش از ۶۶۰ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار بود که

آینده تا مردادماه، اجرای کشت قراردادی گندم در مزارع دیم و آبی و پرداخت بموقع مطالبات گندمکاران را در پیش گرفته است.

چرا خودکفایی در تولید گندم به واردات منجر شد؟

موضوع رسیدن به خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی از سال‌های ابتدایی پس از انقلاب مطرح شد چراکه تأمین امنیت غذایی و خودکفایی در تولید

رسیدن به خودکفایی در تولید گندم در دستور کار دولت

وزارت جهاد کشاورزی به تازگی اعلام کرده است برنامه‌ریزی برای دستیابی به خودکفایی پایدار در تولید گندم را تا سه سال آینده در دستور کار خود قرار داده است. به همین منظور هم گزاره‌هایی از جمله کاهش ۴۶ درصدی قیمت کود برای افزایش میزان مصرف کود پایه توسط کشاورزان، اعلام قیمت تضمینی خرید گندم سال

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

افزایش ۵۲ درصدی خرید تضمینی گندم



سهراب سهرابی
سرپرست مجری طرح
گندم وزارت جهاد
کشاورزی

خرید تضمینی گندم با توجه به اقدامات وزارت جهاد کشاورزی در سال جاری و تاکنون معادل ۵۲ درصد افزایش نسبت به سال گذشته داشته است و تعیین نرخ تضمینی مناسب، مهم‌ترین عامل رسیدن به این میزان بوده است. وزارت جهاد کشاورزی با تحویل کودهای شیمیایی، بیمه، عملیات نظارتی و انتقال دانش را در سال جاری انجام داد و قرار است در سال آینده بذره‌های اصلاح شده و کودهای فسفاته و بیمه مزارع را در اختیار کشاورزان قرار داده شود. این خدمات در قبال اخذ ضمانتنامه در ازای تحویل محصول کسر می‌شود و مابقی به حساب کشاورز واریز می‌شود. یکی از دغدغه‌های کشاورزان تهیه نقدینگی برای نهاده‌های کشاورزی است که از طریق کشت قراردادی این مشکل رفع می‌شود. ضمن اینکه صنایع وابسته به آرد و نان هم می‌توانند با انعقاد قرارداد با کشاورزان نیازهای خود را تأمین می‌کنند. دولت با اجرای پروژه جهش تولید ۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات را برای خرید ماشین‌آلات و ادوات دنباله بند با نرخ ۴ درصد به کشاورزان می‌دهد. همچنین کارشناسانی برای ارائه مشاوره فنی و مهندسی در اختیار آنها قرار داده می‌شود. کشور در دو سال گذشته با خشکسالی نیز روبه‌رو بود که تأثیر زیادی در کاهش میزان تولید گندم داشته است به طوری که میزان بارش در دو سال گذشته به ۱۴۰ میلی‌متر رسید که در ۷۰ سال گذشته بی سابقه بوده است. چنانچه حمایت‌های دولتی و مشوق‌ها و تسهیلات از گندمکاران ادامه پیدا کند، کشور تا سه سال آینده می‌تواند به خودکفایی برسد. ما در وهله اول تأمین گندم برای نیاز داخلی را در دستور کار خود قرار داده‌ایم و صادرات گندم را هدفگذاری نکرده‌ایم.

دولت سیزدهم گام اول در رسیدن به خودکفایی را با تعیین نرخ خرید تضمینی برداشت و حالا در یکسالگی حضور دولت چشم انداز رسیدن به خودکفایی بیش از پیش خود را آشکار کرده است. مهم‌ترین گام برای رسیدن به این جایگاه، توجیه اقتصادی کشاورزی برای گندمکار است که مصادیق گوناگونی از جمله خرید تضمینی دولت با قیمت مناسب تا گسترش چتر بیمه محصولات کشاورزی و حذف دلالت بازی‌های مرسوم و کاهش واردات را در بر می‌گیرد

متعددی نشأت گرفته بود که یکی از مهم‌ترین آنها واقعی نبودن قیمت گندم و عدم تعیین نرخ مناسب برای خرید تضمینی گندم بود. علاوه بر این عدم اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب از کشاورزان، خشکسالی و کاهش بارندگی، عدم پرداخت باموقع مطالبات از سوی دولت موجب شد تا کشاورزان از فروش محصول به دولت استقبال نکنند و به جای دولت گندم خود را به دلالت بفروشند. در نتیجه میزان خرید گندم کاهش محسوس پیدا کرد و افزایش واردات گندم از سوی ایران با رکورد بالای قیمت‌ها در بازار جهانی مصادف شد.

اقدامات وزارت جهاد برای رسیدن به خودکفایی در تولید گندم

دولت سیزدهم گام اول در رسیدن به خودکفایی را با تعیین نرخ خرید تضمینی برداشت و حالا در یکسالگی حضور دولت چشم انداز رسیدن به خودکفایی بیش از پیش خود را آشکار کرده است. مهم‌ترین گام برای رسیدن به این جایگاه، توجیه اقتصادی کشاورزی برای گندمکار است که مصادیق گوناگونی از جمله خرید تضمینی دولت با قیمت مناسب تا گسترش چتر بیمه محصولات کشاورزی و حذف دلالت بازی‌های مرسوم و کاهش واردات را در برمی گیرد. علاوه بر این اقدامات، عملیاتی شدن طرح‌های مختلف در بخش کشاورزی نیز می‌تواند نقش و سهم مؤثری در ایجاد انگیزه و تقویت بنیان بخش کشاورزی در

نسبت به چهار ماهه مشابه سال ۸۷، ۱۰۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. بعد از وابستگی ۷ میلیون تنی کشور به واردات گندم، دولت یازدهم در آذرماه ۱۳۹۵ بار دیگر جشن خودکفایی گندم را برگزار کرد. در این سال ۱۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تن گندم در کشور برداشت شد که بیش از ۱۱ میلیون تن آن توسط شرکت‌های غله و خدمات بازرگانی و تعاون روستایی به مبلغ ۱۴ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان خریداری شد. دولت وقت به ترتیب طی سال‌های ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۵ ۶.۷ میلیون تن، ۸.۲ میلیون تن و ۱۱.۵ میلیون تن گندم تولید شده مازاد کشاورزان را به صورت تضمینی خریداری کرد.

متأسفانه خودکفایی در تولید گندم که بدون توجه به رعایت مسائل راهبردی برای رسیدن به کشاورزی پایدار جشن گرفته شد، مجدداً در مسیر واردات قرار گرفت تا جایی که تنها بعد از گذشت ۵ سال از برگزاری سومین جشن خودکفایی، ۹ میلیون تن گندم در سال ۱۴۰۰ به کشور وارد شد. بررسی آمار گمرک ایران نشان می‌دهد بیشترین میزان واردات گندم طی سال ۱۴۰۰ به ترتیب از کشورهای روسیه ۳۰ درصد، عراق ۱۵/۶ درصد، امارات ۱۴ درصد، انگلیس ۸/۶ درصد، هلند ۷/۵ درصد، سنگاپور ۵/۸ درصد، هنگ‌کنگ ۳/۶ درصد بوده و در حدود ۱۵ درصد نیز از سایر کشورها صورت گرفته است.

واردات بی سابقه گندم به کشور از دلایل

رشد ۵۰ درصدی افزایش تولید گندم در سال جاری



علیقلی ایمانی
مدیرعامل بنیاد ملی
گندمکاران

خودکفایی در تولید گندم بر اساس تأکید مقام معظم رهبری در این خصوص در سال ۸۳ و در دولت وقت انجام گرفت اما به علت نبود حمایت‌های مستمر تداوم نداشت تا جایی که در سال ۱۳۹۲ منجر به واردات ۷ میلیون تنی گندم به کشور شد. با تذکر مجدد رهبر انقلاب در رسیدن به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی، کشور در سال ۹۶-۹۵ به تولید ۱۴ و نیم میلیون تن گندم رسید که ۱۱ و نیم میلیون تن آن توسط دولت خریداری شد. بنابراین امکان رسیدن به این سطح از تولید باز هم در کشور وجود دارد. چنانچه همه زیرساخت‌ها فراهم شود می‌توان در کمتر از ۳ سال به خودکفایی دست یافت. این جایگاه ضریب امنیت غذایی را در کشور افزایش می‌دهد و باعث حفظ استقلال کشور هم می‌شود. ضمن اینکه دولت سیزدهم برای جلوگیری از به هدر رفتن گندم و آرد، هوشمندسازی یارانه آرد و نان را عملیاتی کرده است که می‌توان جلوی هدررفت گندم را بگیرد. امسال با توجه به اینکه شرایط اقلیمی نامناسب تری نسبت به سال قبل داشته‌ایم، اما ۵۰ درصد در تولید گندم رشد داشته‌ایم و با تأمین باموقع نهاده‌ها و قیمت مناسب برای آنها، در حدود ۷ میلیون تن گندم مازاد کشاورزان را از آنها خریداری کرده است.

افزایش انگیزه گندمکاران با پرداخت باموقع مطالبات



عنایت‌الله بیابانی
قائم مقام خانه کشاورز
کشور

متأسفانه با وجود همه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها در کشور نتوانستیم خودکفایی در تولید گندم را حفظ کنیم. خوداتکایی در این محصول نیازمند الزاماتی همچون تعیین نرخ مناسب خرید تضمینی، تأمین باموقع بذر، کود، آب و استفاده از روش‌های مکانیزه مانند کمباین‌های مناسب در برداشت است درحالی که عدم استفاده از موارد مذکور به همراه عدم پرداخت مطالبات گندمکاران در زمان تعیین شده باعث شد بتدریج کشور در مسیر وابستگی به واردات گام بردارد. با پرداخت دیر مطالبات، گندم در چرخه‌ای خارج از خرید دولت قرار گرفت و بنیاد ملی گندمکاران هم بارها اعتراض خود را به وزارت جهاد در دولت قبل اعلام کرده بود. دولت با تأمین باموقع بذر و پرداخت بدهی‌هایش می‌تواند انگیزه گندمکاران را برای تولید افزایش دهد و جلوی خروج گندم به صورت غیرقانونی از کشور را بگیرد.

پی داشته باشد.

طرح جهش تولید؛ راهکار دولت در افزایش تولید گندم

با کمک ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و وزارت جهاد کشاورزی طرح جهش تولید در کشور عملیاتی شده و قرار است در سال آینده در سطح گسترده‌تری انجام بگیرد. در این طرح با سه هدف تأمین امنیت غذایی، جلوگیری از خروج ارز و اشتغال و تأمین مواد اولیه تولید و آموزش برای تولید در دیمزارها به مرحله اجرا گذاشته می‌شود تا ۶ میلیون هکتار از اراضی دیم زیرکشت قرار گیرد. علاوه بر موارد مذکور مکانیزه کردن کشت دیم از کاشت، داشت و برداشت محصول با اجرای این طرح نیز در دستور کار قرار گرفته است.

دولت برای سال زراعی آینده حمایت از تولید کشت گندم برای ۵ میلیون هکتار را از طریق طرح جهش تولید انجام خواهد داد و در این راستا تسهیلات ارزان قیمت به کشاورزان اختصاص پیدا می‌کند و یارانه کاشت به صورت خدمات از جمله بیمه فراگیر گندم، حمل و نقل و کود و سم عرضه می‌شود تا بر افزایش میزان تولید گندم اثرگذار باشد.

در کشور تنها ۱۰ درصد محصولات کشاورزی از طریق دیم به دست می‌آید در حالی که این رقم در کشورهای دیگر به ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد. طبق اعلام وزیر جهاد کشاورزی با اجرای طرح جهش تولید در دیمزارها میزان تولید گندم فقط از اراضی دیم به ۸ میلیون تن افزایش می‌یابد که افزایش دوبرابری را در پی خواهد داشت. علاوه بر این از دیگر مزایای دیم‌کاری می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که فشار به منابع زیرزمینی و آب سبز نمی‌آید و در کنار آن تولید ملی افزایش می‌یابد. تاکنون بیش از ۱۵ استان کشور و ۵۹ هزار و ۷۸۱ کشاورز در طرح جهش تولید شرکت کرده‌اند. همچنین بیش از ۶۳۷ هزار و ۱۱۱ هکتار زمین سطح زیر کشت و ۵۸۲ هزار و ۱۸۱ هکتار سطح بیمه شده مورد استفاده قرار گرفته است.

اجرای الگوی کشت قراردادی؛ اولویت وزارت جهاد کشاورزی

یکی از مهم‌ترین موضوعات در بخش کشاورزی، کشت قراردادی است و وزارت جهاد از طریق این الگو حمایت از کشاورز را در اولویت‌های خود قرار داده است. ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی، از همان ابتدای آغاز به کار خود همواره کشاورزی قراردادی را محوری‌ترین اقدام این وزارتخانه در دولت سیزدهم معرفی کرد، زیرا عزت و اقتدار کشاورزان را در گرو اجرای کشاورزی قراردادی قلمداد می‌کند.

بر اساس این طرح، دولت یا بخش خصوصی طبق نیازهای داخلی با کشاورزان برای کشت محصولات کشاورزی قرارداد می‌بندد و طی آن، کشاورز از ابتدای فصل کاشت می‌داند چه محصولی می‌کارد، محصول مزرعه خود را چه زمانی برداشت و چه زمانی مطالبات خود را دریافت می‌کند و در عین حال دولت هم می‌تواند ضمن برنامه‌ریزی برای تأمین نیازهای داخلی به منظور صادرات محصولات کشاورزی هم



برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشد.

در کشاورزی قراردادی بذر اصلاح شده، کود و سم به کشاورز داده می‌شود و کشاورز و زمین بیمه می‌شوند. ضمن اینکه آموزش‌های لازم به کشاورز ارائه می‌شود و هنگام برداشت محصول با وی تسویه خواهد شد.

دولت در سال گذشته در ۲۵۰ هزار هکتار گندمزار کشاورزی قراردادی را اجرایی کرد و امسال در نظر دارد در ۲ میلیون هکتار برای کاشت گندم پیاده کند. طبق برنامه‌ریزی وزارت جهاد کشاورزی هم تا سال ۱۴۰۴، ۲۰ درصد از اراضی کشور به صورت کشاورزی قراردادی زیر کشت خواهد رفت.

اجرای طرح ۵ ساله پایداری گندم

طرح ۵ ساله برای پایداری تولید گندم با هدف ارتقای بهره‌وری آب، افزایش عملکرد تولید در واحد سطح و پایداری تولید در اراضی آبی و دیم از سال زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ اجرا می‌شود. در قالب این طرح بیش از ۵۰ درصد اراضی آبی و ۵۰ درصد اراضی دیم گندم زیر پوشش کشاورزی حفاظتی با شیوه کشت مستقیم یا بی‌خاک‌ورزی و شیوه کم‌خاک‌ورزی قرار می‌گیرد.

ویژنامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

ضرورت رسیدن به خودکفایی پایدار در تولید گندم



محمدرضا رضایپناه
کارشناس کشاورزی

خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک و مهم مانند گندم و دانه‌های روغنی مسأله‌ای ضروری و امنیتی برای هر کشوری محسوب می‌شود. در همین راستا یا وابستگی به واردات این محصولات باید کاهش پیدا کند یا کشور به خوداتکایی در این زمینه برسد. ایران دارای اقلیم‌های متعددی است و این پتانسیل را دارد که در تولید محصولات اساسی خود به خودکفایی برسد یا به این جایگاه نزدیک شود. کشور تجربه خودکفایی را در سال‌های قبل داشت اما آن را از دست داد بنابراین رسیدن به خودکفایی پایدار مسأله مهم‌تری از رسیدن صرف به خوداتکایی است. دولت سیزدهم با تعیین بیش از دو برابری نرخ خرید تضمینی و اعلام زودهنگام آن، تمایل کشاورزان را برای فروش گندم به دولت افزایش داد. این در حالی است که در دوره قبل عدم تعیین قیمت مناسب برای خرید تضمینی گندم، کشور را زیر فشار واردات گندم برد و به جای دولت، گندم در اختیار دلان و واسطه گران قرار گرفت و از کشور قاچاق شد. برآیند چنین روندی واردات ۷ میلیون تنی گندم و وابستگی به آن شد.

تعیین منفعت طلبانه نرخ خرید تضمینی گندم در دولت قبل



مصطفی قنبری
عضو شورای مرکزی
خانه کشاورز

خودکفایی در تولید گندم از اهمیت بالایی برخوردار است و استفاده از راهکارهایی مانند علمی و فنی کار کردن در روش‌های تولید، استفاده از ماشین آلات مکانیزه توسط کشاورزان و افزایش سطح آگاهی و علم کشاورزان در رسیدن به خوداتکایی اهمیت بسیار زیادی دارد. در چنین شرایطی تولید برای کشاورز توجیه اقتصادی پیدا می‌کند. متأسفانه در دولت قبل تعیین نرخ خرید تضمینی گندم منفعت طلبانه بود به همین علت کشاورز با وجود افزایش تولید، تمایلی به فروش گندم به دولت نداشت. دولت سیزدهم با تعیین نرخ مناسب در خرید تضمینی گندم، افزایش تولید در دیمزارها با عنوان جهش تولید و اختصاص بذر و کود با قیمت مناسب و رایگان از طریق ستاد اجرایی فرمان امام خمینی به کشاورزان، مکانیزاسیون ماشین‌آلات، افزایش تعاونی‌ها و انجام کشت‌های قراردادی و یکپارچه محصول گندم را در بسیاری از استان‌ها به بیش از ۲ برابر نسبت به سال قبل رسانده است.

در کشور تنها ۱۰ درصد محصولات کشاورزی از طریق دیم به دست می‌آید در حالی که این رقم در کشورهای دیگر به ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد. طبق اعلام وزیر جهاد کشاورزی با اجرای طرح جهش تولید در دیمزارها میزان تولید گندم فقط از اراضی دیم به ۸ میلیون تن افزایش می‌یابد که افزایش دوبرابری را در پی خواهد داشت

کشاورزان در اراضی آبی و دیمزارهای گندم از جمله خرید دستگاه‌های کشت مستقیم با نرخ سود ۴ درصد انجام می‌شود ضمن آنکه ۳۰ درصد قیمت ماشین‌های کارنده نیز توسط دولت و ۷۰ درصد باقیمانده از سوی متقاضیان پرداخت خواهد شد.

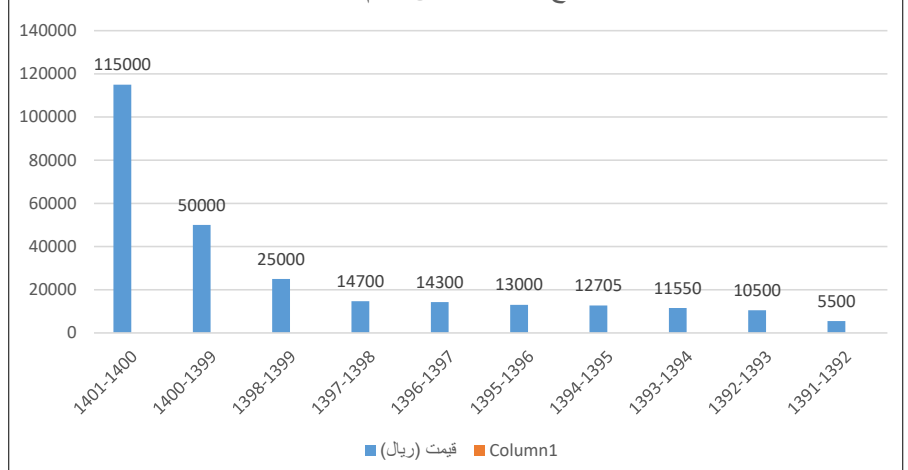
گندم مهم‌ترین محصول استراتژیک در تأمین امنیت غذایی در کشور است و تحولات اخیر جنگ روسیه و اوکراین نشان داد که محصول راهبردی مانند گندم تا چه اندازه برای کشورهای می‌تواند دارای اهمیت باشد زیرا کشورهایی که جزو بزرگترین تولیدکنندگان گندم در جهان هستند، می‌توانند با تحریم صادرات این محصول استراتژیک کشورهای واردکننده را دچار چالش‌های جدی نمایند.

دولت سیزدهم در اولین سال حضور خود برای تأمین امنیت غذایی کشور قدم‌های مهمی برداشته است که متضمن امنیت ملی کشور خواهد بود. طلایی‌ترین اقدام در این مسیر اجرای طرح خودکفایی در تولید گندم است که همسو با اجرای طرح‌های کشاورزی و اتخاذ سیاست‌های صحیح، افق رسیدن به امنیت غذایی در کشور را در دسترس قرار داده است.



کشاورزی حفاظتی با شیوه کشت مستقیم در سطح حدود ۱۸۰ هزار هکتار اراضی آبی و ۸۵ هزار هکتار اراضی دیم اجرا می‌شود. در کشت مستقیم، عملیات کاشت بدون خاک‌ورزی صورت می‌گیرد و ماشین کارنده وارد مزرعه شده و کود و بذر را همزمان در خاک قرار می‌دهد و در این روش دیگر نیاز به شخم زدن زمین نیست. در این طرح راهکارهای حمایتی به

نمودار افزایش نرخ خرید تضمینی گندم در ۱۰ سال گذشته





خودکفایی شکست خورده به افق امیدوارانه در عرصه کشاورزی رسید

متأسفانه به دلیل اجرای برخی سیاست‌های نادرست در حوزه کشاورزی خوداتکایی در ۸ محصول اساسی در ۲۹۲۰ روز دولت روحانی با شکست مواجه شد

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در حال حاضر سطح تولیدات داخلی از عرضه کالاهای اساسی بخش کشاورزی کمتر از ۶۰ درصد است و برخی از کالاها مانند دانه‌های روغنی، ذرت و کنجاله سویا که عمده آنها وارداتی هستند، فاصله بسیار زیادی با سطح ضریب امن غذایی دارند.

گندم

دولت قبل یکی از اهداف مهم خود در اجرای طرح خوداتکایی را متمرکز بر خودکفایی در تولید گندم گذاشت و در سال ۹۵ با تولید ۱۴ میلیون تن گندم جشن خودکفایی را برگزار کرد اما عدم تعیین نرخ مناسب برای خرید تضمینی گندم، عدم اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب برای کشاورزان، خشکسالی و کاهش بارندگی و عدم پرداخت بوموقع مطالبات از سوی دولت موجب شد تا کشاورزان از فروش محصول به دولت استقبال نکنند و به جای دولت گندم خود را به دلان بفروشند.

دولت قبل در سال زراعی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ قیمت خرید تضمینی گندم را ۴ هزار تومان در نظر گرفت و در بهار ۱۴۰۰ به علت اعتراضات زیاد به ۵ هزار تومان افزایش داد. یکی از اصلی‌ترین دلایل تبدیل ایران به کشور واردکننده گندم، تعیین نرخ خرید تضمینی گندم در چند دوره با کمترین افزایش در قیاس با سال قبل بود. به عنوان نمونه نرخ خرید تضمینی در سال ۰۹۳، ۱۰۵۰ تومان و بعد از ۷ سال در سال ۱۴۰۰ به ۵۰۰۰ تومان رسید. این افزایش قیمت در نرخ خرید تضمینی به هیچ عنوان نمی‌توانست هزینه‌های کشاورزان را پاسخ دهد و نارضایتی آنها را در پی داشت و دلان را خریدار اصلی محصول کشاورزان قرار داد.

بر اساس آمار گمرک افزایش واردات گندم در سال ۹۹ از صفر تن در سال ۹۸ به نزدیک ۲ میلیون تن رسید. همچنین آمار واردات ۹ ماهه سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد، ۵ میلیون و ۱۸ هزار تن گندم به ارزش ۱/۷ میلیارد دلار به کشور وارد شد.

دولت سیزدهم اما از ابتدای سال ۱۴۰۱ در بحث خرید تضمینی گندم، با نگاه حمایت از تولید داخل و حفظ امنیت

رسیدن به خودکفایی در تولید محصولات اساسی از مؤلفه‌های بسیار مهم برای کشور است که با توجه به تنش‌های جهانی و به خطر افتادن ضریب امنیت غذایی کشورها از جایگاه و اهمیت بیشتری برخوردار شده است. ضرورت رسیدن به خودکفایی در کالاهای اساسی، بارها نیز مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته است و ایشان رسیدن به خوداتکایی در تولید محصولات اساسی و کاهش وابستگی در واردات را گوشزد کرده‌اند. با شروع به کار دولت سیزدهم، حرکت به سمت کاهش وابستگی و خودکفایی در محصولات اساسی در دستور کار قرار گرفت و تلاش شد تا در حوزه غذا، تأمین کالاهای اساسی رقم بخورد. وزارت جهاد کشاورزی هم مهمترین مأموریت خود را امنیت غذایی پایدار قرار داده است و در سال زراعی جاری و سال زراعی آینده، حمایت از تولید کالاهای اساسی و غلات، محدود کردن کاشت گیاهان آبربر، تغییر الگوی کشت و کاشت محصولات اساسی را در اولویت خود قرار داده است.

طرح خوداتکایی در تولید ۸ محصول اساسی

یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد کشور در طی سال‌های اخیر، وابستگی شدید در محصولات راهبردی کشاورزی است درحالی‌که تغییر جهت از وابستگی به واردات و حمایت از تقویت تولید داخل برای دستیابی به خودکفایی کشور در تولید محصولات اساسی کشاورزی در قانون برنامه توسعه ششم در نظر گرفته شده است. به موجب ماده ۳۱ قانون برنامه ششم توسعه، نیل به خودکفایی ۹۵ درصدی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبی در پایان اجرای قانون برنامه و افزایش تولیدات کشاورزی بویژه محصولات دارای مزیت صادراتی و رسیدن به تراز تجاری مثبت هدفگذاری شده است.

دولت یازدهم در سال ۹۲ با هدف افزایش ضریب امنیت غذایی، طرح خوداتکایی برای ۸ محصول اساسی را در راستای مطالبات رهبر معظم انقلاب و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تهیه کرد اما این طرح بعد از گذشت ۸ سال نه تنها نتوانست به خوداتکایی در تولید ۸ محصول اساسی برسد که متأسفانه خودکفایی در تولید بعضی از محصولات مانند گندم را هم به واردات تبدیل کرد.

این ۸ محصول شامل برنج، جو، گندم، حبوبات، پنبه، چغندر قند، ذرت و دانه‌های روغنی بودند که برنامه خوداتکایی برای آنها تدوین شد، اما سوءمدیریت‌ها، عدم اتخاذ شیوه‌های صحیح و نگاه مقطعی برخی از دولتمردان به موضوع خودکفایی با هدف واردات به صرفه‌تر برای کشور،

سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی و تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی و خشکسالی از دلایل عمده‌ای بودند که کشور را از رسیدن به جایگاه خوداتکایی دور کرد.

ایران در زمره کشورهای با اقلیم‌های متفاوت و دارای ۱۸ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی است که می‌تواند بستر تولید کالاهای اساسی را در داخل فراهم کند. اگرچه کشورمان در سال‌های گذشته با بحران بی‌آبی روبه‌رو شد و از میانگین بارش سالانه ۲۴۰ میلیمتر به ۱۴۰ میلیمتر در سال گذشته رسید، اما با بهره‌گیری از الگوی کشت، بهینه‌سازی در مصرف آب و کاهش تولید محصولات آبربر می‌تواند تنش‌های بی‌آبی را با کمترین نوسان مدیریت کند.

دولت قبل در بازه ۸ ساله حضور خود بدون توجه به استفاده از الگوهای کشت و اصرار بر تداوم سیاست ارز ترجیحی، بخش کشاورزی را با مشکلات زیادی روبه‌رو کرد به طوری که تولید بخشی از محصولات کشاورزی در داخل نسبت به واردات دیگر توجیه اقتصادی نداشت و واردات از تولید داخل پیشی گرفت.

ارز ترجیحی به محصولات اساسی شامل گندم، جو، دانه‌های روغنی، روغن خام، ذرت، کنجاله سویا و دارو تعلق گرفت و با ادامه اجرای این سیاست برخی از طرح‌های خودکفایی مانند گندم به سمت توقف تغییر جهت دادند.

فارغ از تأثیر بحران بی‌آبی در کشور، تأثیر سیاست‌های دولت قبل در بخش کشاورزی صدمات زیادی به آن وارد کرد و نتوانست اهداف طرح خوداتکایی در تولید ۸ محصول اساسی را محقق نماید.



برنامه‌ریزی و اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی در این‌باره از اعطای یارانه کشت ۲۰۰ میلیارد تومانی سویا و افزایش ۸ هزار و ۵۰۰ تومانی خرید تضمینی کلزا و بسته‌های حمایتی کشت دانه‌های روغنی در راستای طرح خودکفایی در سال زراعی جدید خبر داده است.

وزارت جهاد کشاورزی در نظر دارد با ارائه تسهیلات ارزان قیمت در قالب بسته‌های حمایتی از کشاورزان تا ۳ سال آینده، ۵۰ درصد خودکفایی در تولید دانه‌های روغنی تحقق یابد. علاوه بر این وزارت جهاد کشاورزی پرداخت جوایز کشت برای سویا را شروع کرده است و به ازای هر هکتار سه میلیون تومان پرداخت می‌کند و سه میلیون تومان هم پاداش بهره‌وری برای افزایش عملکرد می‌پردازد.

برنج

برنج یکی از محصولات اصلی در سبد غذایی کشور است و بعد از نان پرمصرف‌ترین ماده غذایی در کشور محسوب می‌شود. نیاز سالانه ایران به تأمین برنج چه ایرانی و چه خارجی در حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تن است که به‌صورت میانگین ۲ میلیون تن هر ساله در کشور تولید و یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن آن وارد می‌شود.

بر اساس برنامه‌ریزی‌های مسئولان وزارت جهاد کشاورزی در دولت گذشته، با اجرای طرح افزایش ضریب خوداتکایی تولید برنج با محوریت اقتصاد مقاومتی، ظرف ۱۰ سال عملکرد تولید این محصول از ۴۸۰۰ کیلوگرم در هکتار به ۶۶۰۰ کیلوگرم در هر هکتار باید می‌رسید، اما تولید برنج در سال ۹۹ به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار و سال ۱۴۰۰ به ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن رسید که در مقایسه با سال قبل از آن کاهش کمتری داشته است.

قیمت برنج در سال گذشته با افزایش زیادی همراه شد که یکی از مهمترین دلایل آن موضوع کاهش واردات بود. دولت واردات برنج را در فصل برداشت ممنوع کرد و با این ممنوعیت قیمت‌ها جهش زیادی پیدا کردند. اگرچه دولت سیزدهم بعداً سیاست نادرست ممنوعیت واردات را لغو کرد اما تأثیر این سیاست همچنان تداوم داشته است.

کشور می‌تواند با اجرای برنامه‌هایی از جمله کشت قراردادی برنج و حمایت از کشاورزان به شکل‌های مختلف از جمله تأمین نهاده‌های کشاورزی با قیمت‌های مناسب، به خودکفایی در تولید نائل شود. طرح کشت قراردادی رویکرد تازه وزارت جهاد کشاورزی در سال زراعی جاری و یکی

دولت قبل در سال زراعی

۱۳۹۹-۱۴۰۰ قیمت خرید

تضمینی گندم را ۴ هزار

تومان در نظر گرفت و در بهار

۱۴۰۰ به علت اعتراضات زیاد

به ۵ هزار تومان افزایش

داد. یکی از اصلی‌ترین

دلایل تبدیل ایران به کشور

واردکننده گندم، تعیین نرخ

خرید تضمینی گندم در چند

دوره با کمترین افزایش در

قیاس با سال قبل بود

بخش مشاهده می‌شود. نیاز کشور به روغن خام سالانه حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن است و ۹۰ درصد روغن و دانه‌های روغنی مورد نیاز کشور هم از طریق واردات و با تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی تأمین می‌شوند که حاکی از ارزیابی بالای این محصول در میان کالاهای اساسی است.

بر اساس آمار رسمی اعلام شده از میان کالاهای اساسی که تا پایان ۱۴۰۰ به کشور وارد شده‌اند، ۲/۳ میلیون تن به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار انواع دانه‌های روغنی به کشور وارد شده که نسبت به مدت مشابه در سال قبل از لحاظ وزنی یک‌درصد کاهش اما از نظر ارزش ۳۱ درصد افزایش داشته است.

طبق برنامه ۱۰ساله باید سطح زیرکشت دانه‌های روغنی به ۷۰۰ هزار هکتار برسد، اما سطح زیر کشت این محصولات در حال حاضر ۳۰۰ هزار هکتار است. علاوه بر این برنامه سال ۱۴۰۵ ایران سطح برداشت ۶۷۰ هزار هکتار و تولید ۱۷۵۰ هزار تن از دانه‌های روغنی است که مشخص نیست با شرایط فعلی امکان افزوده شدن ۴۰۰ هزار هکتاری سطح کشت دانه‌های روغنی وجود دارد یا خیر.

دولت سیزدهم درصد اجرای برنامه‌های جدیدی برای تحقق برنامه‌های خودکفایی در دانه‌های روغنی است. قربانی، معاون

غذایی کشور در شرایط فعلی جهانی، نرخ خرید تضمینی گندم را منطقی کرد و برای جلوگیری از افزایش قاچاق گندم از کشور که با بروز جنگ روسیه و اوکراین احتمال تشدید آن وجود داشت، در اولین جلسه دولت در سال ۱۴۰۱ تصمیم گرفت تا گندم نسبت به سال‌های گذشته خرید بالاتری را داشته باشد و این هدفگذاری هم به انجام رسید.

دولت کشت قراردادی را برای شروع فصل زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در ۲ میلیون هکتار از اراضی گندمزار در دستور کار خود قرار داده است. وزارت جهاد کشاورزی مکانیزه کردن کشت دیم از کاشت و داشت تا برداشت محصول را با اجرای طرح جهش تولید نیز در دیمزارها در دست انجام دارد، به طوری که امکان تولید گندم دیم به بیش از یک‌هزار و ۴۵۰ کیلوگرم در هکتار با اجرای این طرح در دیمزارها وجود دارد.

دانه‌های روغنی

سالانه حدود ۴ میلیارد دلار ارز صرف واردات روغن به کشور می‌شود. به همین دلیل خوداتکایی در تولید دانه‌های روغنی برای کشور اهمیت بسزایی دارد. طرح خوداتکایی دانه‌های روغنی سویا، کنجد، کلزا و آفتابگردان یکی از مهم‌ترین طرح‌های وزارت جهاد کشاورزی در دولت گذشته بود که در جهت کاهش وابستگی به خارج از کشور و تأمین نیاز روغن کشور در داخل تدوین و اجرا شد. طرحی که به سرانجام رسیدن آن می‌توانست منجر به افزایش امنیت غذایی، اشتغالزایی و جلوگیری از خروج ارز از کشور شود.

اجرای این طرح ۱۰ ساله که چشم‌انداز آن تا سال ۱۴۰۴ تدوین شده بود از نیمه دوم سال ۹۴ آغاز شد. بر اساس این چشم‌انداز باید در پایان یک دهه، حداقل ۷۰ درصد نیاز کشور به روغن در داخل تأمین می‌شد و به گفته مسئولان وقت وزارت جهاد کشاورزی بیشترین تمرکز هم در این زمینه روی محصول کلزا بود، اما این طرح به توفیق قابل‌اعتنایی دست نیافت.

اگرچه طی سال‌های گذشته دولت وقت بر اجرای طرح ۱۰ ساله تأکید زیادی داشت اما در نهایت به حدود ۱۰ درصد خوداتکایی رسید. در سال ۹۴، حدود ۹۶ درصد از روغن مورد نیاز کشور، وارداتی و فقط ۶ درصد سهم تولید داخل بود، در حالی که در پایان سال ۹۸ حدود ۱۶ درصد روغن مورد نیاز کشور شامل تولیدات داخلی شد.

حالا و با گذشت شش سال از اجرای این طرح عقب ماندگی زیادی در این



کارخانه‌های بذر، توسعه مکانیزاسیون و کشت قراردادی پنبه در اولویت کاری وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته شده است و قصد دارد تولید پنبه را در سال ۱۴۰۳ به ۱۸۰ هزار تن برساند.

ذرت

ذرت یکی از مهمترین غلات استراتژیک در تغذیه ماکیان و دام کشور مطرح است و کشت این محصول در تمام استان‌ها و اقلیم‌های کشور چه به صورت دانه، علوفه یا هر دو انجام می‌شود. طی سال‌های ۹۵ تا ۹۷ به طور متوسط سالانه یک میلیون تن ذرت دانه‌ای و بالای ۱۰ میلیون تن ذرت علوفه‌ای در سطح متوسط ۳۳۵ هزار هکتار در کشور تولید شده است.

پیش‌بینی تولید ذرت در افق برنامه‌های دولت قبل، تحقق خوداتکایی ۴۷ درصدی با تولید ۳.۳ میلیون تن دانه ذرت و ۱۲ میلیون تن علوفه ذرت در سال ۱۴۰۴ بود اما در نهایت درصد خوداتکایی به حدود ۱۷ درصد کاهش یافت.

۲۰ درصد نهاده‌های دامی از جمله ذرت و سویا در کشور تولید می‌شوند و ۸۰ درصد مابقی وارداتی هستند و آمارها بیان‌گر آن است که این محصول مهم در صدر کالاهای وارداتی قرار دارد زیرا همواره راه آسان‌تر که واردات بوده به جای تولید توسط دولت قبل انتخاب شده است.

اولویت کشت ذرت علوفه‌ای، نبود الگوی کشت، به صرفه نبودن، استفاده نکردن از بذرهای مقاوم به کم‌آبی، آب‌بر بودن، کاهش بارش‌های جوی و ادامه خشکسالی‌ها از موانع تولید و عوامل وابستگی کشور به واردات ذرت محسوب می‌شوند.

ایران سال ۱۳۹۲ حدود یک میلیارد و ۸۲۰ میلیون دلار صرف واردات ذرت برای تأمین نهاده دامی کرد که این میزان در سال گذشته به ۳ میلیارد و ۳۳۶ میلیون دلار رسید. از طرف دیگر میزان واردات ذرت در سال گذشته با رشد ۵۳ درصدی به لحاظ وزنی روبه‌رو بوده است. در سال ۱۳۹۲ حدود ۶ میلیون و ۳۵۴ هزار تن ذرت برای تأمین نهاده‌های دامی به کشور وارد شد و این میزان در پایان سال ۱۴۰۰ به ۹ میلیون و ۷۳۹ هزار تن رسیده است. افزایش قیمت‌های جهانی و نوسان قیمت محصولات اساسی بر ضرورت توجه به خودکفایی در تولید ذرت افزوده است. تولید ذرت در کشور بخش کمی از نیاز کشور را پاسخ می‌دهد و تنها یک میلیون تن در کشور زیر کشت ذرت می‌رود. قربانی، معاون برنامه‌ریزی

ایران سال ۱۳۹۲ حدود یک میلیارد و ۸۲۰ میلیون دلار صرف واردات ذرت برای تأمین نهاده دامی کرد که این میزان در سال گذشته به ۳ میلیارد و ۳۳۶ میلیون دلار رسید. از طرف دیگر میزان واردات ذرت در سال گذشته با رشد ۵۳ درصدی به لحاظ وزنی روبه‌رو بوده است. در سال ۱۳۹۲ حدود ۶ میلیون و ۳۵۴ هزار تن ذرت برای تأمین نهاده‌های دامی به کشور وارد شد و این میزان در پایان سال ۱۴۰۰ به ۹ میلیون و ۷۳۹ هزار تن رسیده است

درصد رسیده بود ولی میزان خودکفایی این محصول به ۴۵ درصد رسید که دلیل اصلی این امر به خشکسالی و کم‌آبی شدید در مناطق کشت این محصول برمی‌گردد. خشکسالی باعث شد عملکرد تولید پنبه در هکتار که سال ۱۳۹۹ به ۲ هزار و ۷۰۰ تن رسیده بود به ۲ هزار و ۵۰۰ تن در هکتار در سال گذشته برسد. وزارت جهاد کشاورزی در دولت سیزدهم چشم‌انداز خودکفایی در تولید پنبه را از اولویت‌های خود اعلام کرده و بر این هدف مصمم است. به همین منظور از سال گذشته تولید پنبه به طور گسترده‌تری آغاز شده و نسبت تولید به واردات افزایش یافته است و پشتیبانی‌هایی مانند اعطای بذر، سم، کود و ارائه مساعده و آموزش‌های ترویجی و انتقال تکنولوژی به کشاورز داده شده است.

در شورای قیمت‌گذاری هم مصوبه‌های زیادی برای کمک به خودکفایی پنبه در کشور اتخاذ شده تا کشورمان به این مهم در آینده‌ای نزدیک دست یابد. به همین منظور تجدید و نوسازی کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی، تجدید و نوسازی

از برنامه‌های سازمان جهاد کشاورزی برای احیای کشت قراردادی است که امسال در ۴۵ هزار هکتار از شالیزارهای استان‌های شمالی اجرا می‌شود.

در این روش، بعد از بستن قرارداد، خدماتی چون تأمین بذر، کودهای ازته، فسفات، پتاسه، سموم علف‌کش، قارچ‌کش و حشره‌کش و همچنین پوشش بیمه‌ای با تخفیف ۱۰ درصد و خدمات فنی و مشاوره‌ای در مراحل کاشت، داشت و برداشت ارائه می‌شود. بیمه و ارائه تسهیلات از صندوق حمایت از توسعه محصولات کشاورزی از دیگر مزایای طرح کشت قراردادی برنج است.

دولت خرید برنج با قیمت توافقی برای امسال را در دستور کار دارد و این محصول در مرحله شلتوک از کشاورزان خریداری می‌شود اما برای سال زراعی آینده این محصول نیز به صورت کشت قراردادی با اولویت گیلان انجام می‌شود. طبق اعلام معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی برای سال آینده ۴۰ هزار هکتار از کشت برنج‌های پرمحصول به صورت کشت قراردادی انجام خواهد گرفت.

پنبه

طرح خوداتکایی پنبه یکی از ۸ طرح اقتصاد مقاومتی در حوزه محصولات کشاورزی است که در راستای افزایش تولید آن پیگیری می‌شود. هدف این طرح که از سال ۹۴ اجرای آن آغاز شده است رسیدن به ضریب خوداتکایی ۱۰۰ درصدی، تولید ۳۸۶ هزار تن پنبه تا سال ۱۴۰۴، توقف روند نزولی تولید پنبه و توسعه کشت این محصول بوده است. نیمی از پنبه مورد نیاز در کشور از طریق تولید داخل و نیم دیگر از آن توسط واردات تأمین می‌شود، در حالی که تا سال ۱۳۸۳ کشورمان در این زمینه خودکفا بود و به دیگر کشورها پنبه صادر می‌کرد. با کاهش خودکفایی، واردات این محصول اساسی از سال ۱۳۸۳ شروع شد، به طوری که سال ۹۴ تولید داخل به کمتر از ۵۰ درصد رسید و واردات بشدت افزایش یافت که از مهم‌ترین دلایل این امر می‌توان به سودآور بودن واردات نسبت به تولید داخل، خشکسالی و جایگزینی برنج در مزارع کشت پنبه در استان گلستان اشاره کرد.

قرار بود تا سال ۱۴۰۰ تولید و ش پنبه کشور به ۳۲۷ هزار تن برسد ولی این امر رخ نداد و کشورمان تنها ۲۵۰ هزار تن و ش پنبه تولید کرد. این در حالی است که تولید این محصول در سال ۱۳۹۴ به ۱۵۴ هزار تن رسیده بود. میزان خودکفایی کشور در تولید پنبه تا سال ۱۳۹۹ به ۵۸



چیتی، عدس، دال عدس و باقلا می‌شوند. در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نیاز کشور به حبوبات وارداتی و مابقی در داخل کشور تولید می‌شود.

نرخ حبوبات از سال ۹۹ با جهش قیمتی روبه‌رو شد، زیرا دولت قبل در سال ۱۳۹۸ ارز ۴۲۰۰ تومانی واردات برخی از کالاهای از جمله حبوبات را حذف و ارز نیمایی را جایگزین آن کرد.

چغندر قند

شکر یکی از منابع مهم تأمین انرژی است که ۶۰ درصد آن از طریق چغندر و ۴۰ درصد از طریق نیشکر تأمین می‌شود. با توجه به شرایط اقلیمی کشور، دو عامل خشکسالی و نبود فناوری‌های نوین باعث شده که نتوانیم در عرصه تولید چغندر و نیشکر به شکوفایی لازم دست یابیم و در زمینه تولید و تأمین شکر مورد نیاز کشور خودکفا شویم.

جهادکشاورزی در سال ۱۳۹۶ طرح خودکفایی چغندر و شکر با هدف توسعه کشت چغندر پاییزه در خوزستان را در دستور کار گذاشت و بر آن اساس قرار بود اجرای این طرح تا ۳ سال بعد کشور را در تولید چغندر خودکفا کند. تا قبل از سال ۹۵ چغندر قند پاییزه کشت نمی‌شد و تنها کشت چغندر قند بهاره در مناطق سردسیر صورت می‌گرفت اما کشت پاییزه چغندر در مناطق جنوبی منجر به خودکفایی شکر در سال ۹۶ شد.

شکر یکی از محصولات است که طی سال‌های اخیر با اجرای سیاست خرید تضمینی چغندر قند، به مرز خودکفایی رسید، اما اتخاذ سیاست‌های نامناسب در خصوص قیمت خرید تضمینی و افزایش نرخ ارز و تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات شکر منجر به شکست این طرح شد و هم‌اکنون کار به جایی رسیده که برای تأمین نیاز کشور چاره‌ای جز واردات یک میلیون تن شکر وجود ندارد.

نیاز سالانه کشور به مصرف شکر حدود ۲ تا ۲/۲ میلیون تن و مقدار تولید سالانه در حدود ۱/۶ میلیون تن است و تأمین بقیه نیاز کشور باید از طریق واردات صورت پذیرد.

در سال گذشته میزان تولید شکر خام کشور یک میلیون و ۴۵۰ هزار تن بود که دولت برای جبران کمبود بازار، اجازه واردات یک میلیون و ۲۰۳ هزار تن آن را داد، این در حالی است که میزان تولید شکر در سال ۱۳۹۹ حدود یک میلیون و ۵۷۵ هزار تن و میزان واردات یک میلیون و ۱۸ هزار تن سهم واردات بوده است. سال ۹۸ برخلاف دوسال گذشته، آمار تولید شکر خام در کشور بسیار کمتر از واردات

طرح خودکفایی حبوبات

شامل نخود، عدس، لوبیا

و... از سال ۱۳۹۵ با کمک

گرفتن از پروژه‌هایی مانند

ساماندهی بذر، تغذیه گیاهی

و مصرف بهینه کود، توسعه

مکانیزاسیون، مدیریت فنی و

ارتقای بهبود عملیات زراعی،

کنترل عوامل خسارت‌زا با

هدف افزایش خوداتکایی

حبوبات، آغاز و مقرر شد

وزارت جهاد کشاورزی میزان

تولید حبوبات را با در نظر

گرفتن افزایش ۲ درصدی

جمعیت، در افق ۱۴۰۴ به

حدود ۹۰۰ هزار تن برساند

تولید حبوبات را با در نظر گرفتن افزایش ۲ درصدی جمعیت، در افق ۱۴۰۴ به حدود ۹۰۰ هزار تن برساند.

حبوبات به دو صورت آبی و دیم کاشته می‌شود و تا سال ۱۳۹۵ حدود ۹۰ درصد از حبوبات مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شد که در آن سال با هدف‌گذاری‌های انجام شده مقرر شده بود تا سال ۱۴۰۰ ایران در تولید این محصولات به خودکفایی کامل برسد، اما نگاهی به آمارهای گمرک ایران نشان می‌دهد واردات برخی از انواع حبوبات طی این سال‌ها رشد بسیار چشمگیری داشته‌اند.

برای مثال در سال ۹۹ واردات نخود با رشد بیش از ۶۸ درصدی از حدود ۳۶ هزار تن در ۱۱ ماهه سال ۹۸ به ۶۱ هزار تن در مدت واردات عدس نیز با رشد نزدیک به ۳۰ درصدی از ۷۵ هزار تن به حدود ۹۸ هزار تن رسیده است. واردات حبوبات در سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۳۰ هزار تن بود در حالی که در سال ۹۹ حدود ۱۰۰ هزار تن حبوبات به کشور وارد شده بود.

اقدام وارداتی حبوبات شامل ۸ قلم نخود معمولی و رنگی، لوبیا چشم بلبلی، قرمز و

وزارت جهاد کشاورزی نیاز سالانه کشور به نهاده‌های دامی و ذرت را ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار عنوان کرد که با گران شدن این فرآورده‌ها فشار زیادی به مصرف‌کننده‌ها برای تأمین محصولات مورد نیازشان وارد می‌شود. بنابراین با توجه به اهداف برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی در جهت تأمین امنیت غذایی، رسیدن به خوداتکایی ۵۰ درصدی می‌تواند کشور را از چالش‌های اقتصادی مصون نگه دارد.

جو

محصول جو از جمله کالاهای اساسی است که ۵۰ درصد نیاز دامی کشور را تأمین می‌کند و سالانه به طور متوسط در کشور ۳ میلیون تن جو تولید می‌شود. وزارت جهاد کشاورزی در سال ۱۳۹۴ اقدام به تدوین طرح افزایش ضریب خود اتکایی جو در کشور و همچنین برطرف شدن نیاز کشور به واردات این کالا کرد تا با اجرای طرح مذکور نیاز کشور به واردات جو تا سال ۱۴۰۴ برطرف شود.

بنابر آمارهای گمرک طی دو ماه منتهی به اردیبهشت سال ۱۳۹۴ جو به‌عنوان یکی از اقلام اساسی موجود در لیست ۱۰ قلم عمده وارداتی کشور، به ارزش ۱۰۱ میلیون دلار بوده است. میزان تولید جو در سال ۹۳-۹۲ در کشور معادل ۲/۹ میلیون تن است که پس از ۸ سال به ۳/۸ میلیون تن رسیده است. اگرچه در یک دوره ۸ ساله تولید جو افزایش پیدا کرده است اما واردات این محصول از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تن به بیش از ۳ میلیون تن رسیده است.

طبق آمار گمرک واردات جو تا پایان سال ۱۴۰۰ به ۳/۳ میلیون تن به ارزش بیش از یک میلیارد دلار ثبت شد که با افزایش ۷۹ درصدی در وزن و ۱۱۶ درصد در ارزش همراه بوده است.

آمار رسمی گمرک که حاکی از افزایش واردات جو از لحاظ ارزشی و تنی است نشان می‌دهد که همچنان کشور وابستگی به واردات جو به‌عنوان یکی از کالاهای اساسی دارد.

حبوبات

طرح خودکفایی حبوبات شامل نخود، عدس، لوبیا و... از سال ۱۳۹۵ با کمک گرفتن از پروژه‌هایی مانند ساماندهی بذر، تغذیه گیاهی و مصرف بهینه کود، توسعه مکانیزاسیون، مدیریت فنی و ارتقای بهبود عملیات زراعی، کنترل عوامل خسارت‌زا با هدف افزایش خوداتکایی حبوبات، آغاز و مقرر شد وزارت جهاد کشاورزی میزان

بوده، به طوری که تولید داخل ۸۷۰ هزار تن و واردات یک میلیون و ۸۳۰ هزار تن بود که طی ۱۰ سال اخیر، بیشترین میزان واردات، مربوط به این سال است. دولت سیزدهم حالا در قالب طرحی تلاش دارد طی سه سال آینده به خودکفایی در تولید شکر برسد. در پی افزایش هزینه‌های تولید چغندر قند همزمان با افزایش قیمت تضمینی گندم و برخی از محصولات رقیب، قیمت تضمینی چغندر قند با حدود ۷۰ درصد افزایش نسبت به سال گذشته با احتساب کمک کرایه حمل و محاسبه ارزش جواز تحویل به حدود ۲۲ هزار و ۵۰۰ ریال در هر کیلوگرم افزایش یافت.

چشم‌انداز امیدوارانه به خودتکایی در تولید محصولات اساسی
برنامه خودتکایی در تولید ۸ کالای

کشاورزی است. وزارت جهاد کشاورزی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود برای توسعه کشاورزی در کشور و کاهش واردات را اصلاح الگوی کشت در اراضی کشاورزی با اولویت کالاهای اساسی قرار داده است.

از سوی دیگر دولت با تعیین نرخ قابل قبول خرید تضمینی برخی از محصولات اساسی توانسته ضریب اعتماد کشاورزان را افزایش دهد و انگیزه و رغبت آنان را در تولید بالا ببرد.

دولت با اجرای بعضی از سیاست‌های تشویقی و حمایتی مانند تخصیص تسهیلات و کاهش نرخ کود و پرداخت بموقع مطالبات کشاورزان، افق امیدوارانه‌ای را در جهت نیل به خودتکایی کامل یا نسبی در محصولات اساسی ترسیم کرده است.

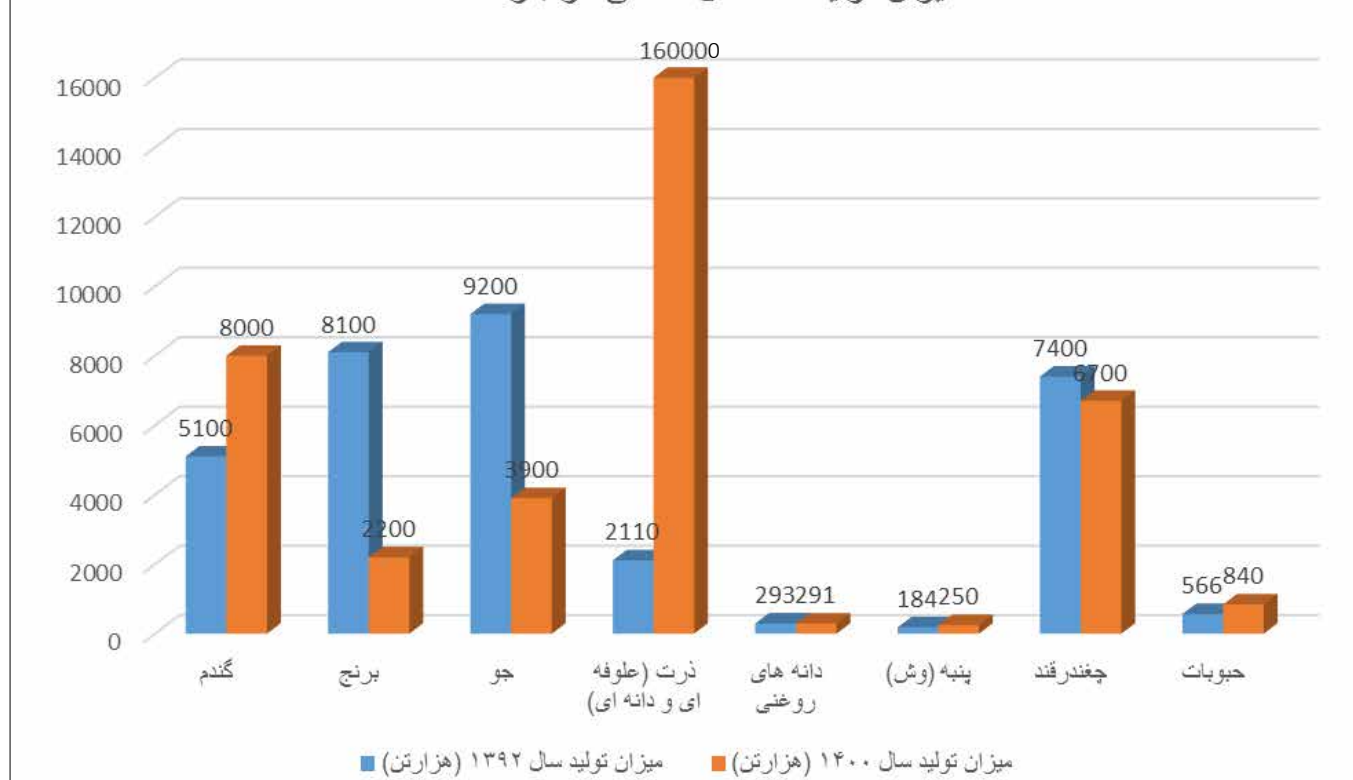
اساسی اگرچه در سال‌های ابتدایی توانست به بعضی از اهداف خود دست پیدا کند، اما بتدریج به دنبال اتخاذ سیاست‌های نادرست، طرح‌ها یا دچار عقب ماندگی شدند یا اینکه به طور کل شکست خوردند به طوری که در حال حاضر ما تقریباً در همه زمینه‌ها وارد کننده هستیم و حتی در برخی کالاها این میزان وابستگی بسیار بالا است. در این میان کارشناسان معتقدند که وزارت جهاد کشاورزی در دوره‌های مختلف، برنامه دقیق و کارشناسی شده برای خودکفایی در کالاهای اساسی نداشت ضمن اینکه بروز خشکسالی هم در بازماندن از این اهداف مؤثر بوده است.

با توجه به محدودیت‌های منابع آبی در کل کشور تغییر الگوی کشت یکی از مهم‌ترین راهکارهای ادامه حیات

روند میزان تولید ۸ کالای اساسی در بازه ۸ ساله

نام محصول	میزان تولید سال ۹۲-۹۳ (تن)	میزان تولید ۱۴۰۰	وزن واردات (تن) ۱۴۰۰	ارزش واردات (تن) ۱۴۰۰
گندم	۱۰/۵ میلیون	۸ میلیون تن	۷ میلیون تن	۲/۴ میلیارد دلار
برنج	۱/۸ میلیون	۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن	۸۵۰ هزار تن	۹۳۳ میلیون دلار
جو	۲/۹ میلیون	۳ میلیون و ۹۰۰ هزار تن	۳/۳ میلیون تن	۱/۶ میلیارد دلار
ذرت (علوفه‌ای و دانه‌ای)	۱۱/۲ میلیون	۱۵ میلیون	۹/۸ میلیون تن	۳/۴ میلیارد دلار
دانه‌های روغنی	۲۹۳ هزار	۲۹۱ هزار تن	۱/۹ میلیون تن	۲/۷ میلیارد دلار
پنبه (وش)	۱۸۴ هزار تن	۲۵۰ هزار تن	۵۰ هزار و ۸۰۰ تن	۱۱۹ میلیون دلار
چغندر قند	۴/۷ میلیون	۶/۷ میلیون تن	۸۲۰ هزار تن شکر خام	۳۷۹ میلیون
حبوبات	۵۶۶ هزار تن	۸۴۰ هزار تن	۸۹ هزار تن	۹۶ میلیون دلار

میزان تولید ۸ کالای اساسی در بازه ۸ ساله



ایران

تجارت

◆ تمام تلاشمان را می‌کنیم تا به وعده
۷۰ میلیارد دلاری رئیس‌جمهور برسیم

◆ ۱۰۰ میلیون تن کالایی که روحانی صادر نکرد

◆ جهش ۲ برابری صادرات
به ۱۵ کشور همسایه

علیرضا پیمان پاک، رئیس سازمان توسعه تجارت در گفت‌وگو با «ایران»:

تمام تلاشمان را می‌کنیم تا به هدف ۷۰ میلیارد دلاری رئیس‌جمهور برسیم

در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ در حوزه صادرات افزایش ۳۹ درصدی ارزش صادرات را داشته‌ایم
۸ میلیارد دلار تا پایان ۱۴۰۴ می‌توان به منطقه اوراسیا کالا صادر کرد

یکی از اتفاقات خوشایندی که در ماه‌های اخیر در اقتصاد ایران رخ داده، رسیدن حجم تجارت خارجی ایران به بالای ۱۰۰ میلیارد دلار است. طبق آمارها سال‌ها بود که دلیل سیاست‌های انفعالی دولت دوازدهم روند تجارت خارجی شکل مطلوبی نداشت اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم حجم تجارت خارجی روند افزایشی به خود گرفت. حالا این روزها برخلاف گذشته و با وجود تحریم‌ها، حال تجارت خارجی ایران خوب است و تجارت با دنیا در حال انجام. علیرضا پیمان پاک که اکنون رئیس سازمان توسعه تجارت کشور است می‌گوید با اقداماتی که در ماه‌های اخیر انجام دادیم وضع از گذشته خیلی بهتر شده و اوضاع با قبل قابل مقایسه نیست. او که از مدیران جوان دولت سیزدهم محسوب می‌شود به اذعان بسیاری از فعالان اقتصادی کشور، عملکرد موفقی داشته و توانسته در این مدت کوتاه، تجارت خارجی کشور را متحول کند. گفت و گوی روزنامه ایران با او را بخوانید.

■ دولت آقای رئیسی در خصوص تجارت خارجی چه هدفی را مدنظر قرار داد؟

اولین برنامه‌ای که دولت سیزدهم در حوزه رونق تجارت خارجی به آن توجه داشت و آقای رئیسی نیز در مناظره‌ها و بحث‌های انتخاباتی به آن اشاره داشتند این بود که بتوانیم صادرات غیرنفتی کشور را دوبرابر کنیم. یعنی اینکه درآمد ۳۵ میلیارد دلاری را که سال ۹۹ از صادرات غیرنفتی به دست آمده بود به ۷۰ میلیارد دلار برسانیم. در تیر ماه امسال بیش از ۱۲۰ درصد رشد صادراتی نسبت به تیرماه سال گذشته را تجربه کردیم. اگر با همین روند کار را ادامه دهیم می‌توانیم حجم صادرات خود را افزایش دهیم.

■ دلیل کم توجهی دولت‌های گذشته به رونق صادرات غیر نفتی را، چه می‌دانید؟

یکی از مشکلاتی که سال‌ها است در حوزه تجارت وجود دارد مربوط به جنگ ستاد تنظیم بازار و توسعه صادرات می‌شود. علت اصلی این امر صادرات محور نبودن ایران است زیرا ما همیشه مازاد مصرف خود را صادر می‌کنیم. بنابراین زمانی که مصرف داخلی محصولات افزایش پیدا می‌کند یا دچار تنش قیمتی می‌شویم اولین اقدامی که در کشور صورت می‌گیرد توقف صادرات است. به عنوان نمونه، در حوزه متانول چنین نیست. ما از متانول تنها ۴ درصد مصرف داخل داریم و هیچ وقت با کمبود مواجه نمی‌شویم تا صادرات آن را متوقف کنیم. از سوی دیگر این محصول زنجیره ارزش دارد که به این بحث وارد نمی‌شویم.

■ روند ارزیابی کالاهای صادراتی تاکنون با چه مسائلی روبه‌رو بوده است؟

ابتدا باید این پرسش را مطرح کرد که آیا تاکنون یک کالای ویژه بازار صادراتی تولید شده؛ آیا شما شنیده‌اید که مثلاً بگویند محصول فلان فلان رنگی قیمتش رفته بالا و صادرات آن را متوقف کنیم؟ در گذشته که این‌گونه نبوده است. در حال حاضر بر اساس استاندارد و بازار هدف برنامه‌ریزی‌هایی برای صادرات صورت گرفته است. به عنوان نمونه اگر قیمت فلان دلمه‌ای رنگی حتی به کیلویی ۱۰۰ هزار تومان هم برسد، باز هم به نفع تولیدکننده است. چون در همه شرایط صادرات خود را به روسیه دارد. در روسیه فلان رنگی کالای استراتژیک محسوب می‌شود در حالی که در ایران چنین نیست. این نمونه نشان می‌دهد که هر زمان در حوزه بازار هدف صادراتی متمرکز شده، اقدامات ویژه‌ای انجام داده و تولید محصول صادراتی بر این اساس صورت گرفته، کمترین چالش را داشته‌ایم.

به عنوان نمونه، زمانی که گوجه فرنگی را صادر می‌کنیم قیمت آن در داخل کشور افزایش پیدا می‌کند و این افزایش قیمت بر فرآورده‌های آن نیز مشاهده می‌شود. در چنین شرایطی، تنها اقدامی که صورت می‌گیرد توقف صادرات این محصول است. این امر



تاکنون این مسائل در اولویت برنامه‌های رایزن‌های بازرگانی قرار نداشت؛ بر این اساس سعی بر آن داشته که برخی از این اولویت‌ها را فعال کنیم.

به عنوان نمونه در چین به موفقیت‌های خیلی خوبی رسیده و تاکنون چند پروژه موفق نیز داشته‌ایم. در روسیه نیز اقداماتی را انجام داده که در صادرات لوازم خانگی و خودرو به نتایج خیلی خوب در مقیاس بالا دست خواهیم یافت.

برای صادرات لوازم خانگی، بحث‌های چند صد میلیون دلاری داریم و در حال مذاکره هستیم که بخش قابل توجهی از مسیر را هم طی کرده‌ایم. به طوری که می‌توانیم یک کار مشترک صنعتی را تعریف کنیم.

از آنجا که در کشورهای حوزه خلیج فارس، منابع مالی خوبی وجود دارد، با استفاده از این منابع مالی در حال تجاری‌سازی فناوری و مشارکت‌های صنعتی هستیم و کارهای خوبی

نشان می‌دهد تولید ما، ویژه صادرات نیست و باید در این حوزه متمرکز شده و فعالیت کنیم. رعایت این موضوع واقعاً یک اصل قابل تأمل در خصوص رونق صادرات است. بر همین اساس می‌توانیم بر بازارهای هدف تمرکز کرده و آنها را توسعه دهیم.

■ برای بهره‌برداری از مشارکت‌های خارجی چه اقداماتی داشته‌اید؟

سازمان توسعه تجارت به عنوان بخش بین‌الملل وزارت صمت، باید فعالیت‌هایی روی حوزه‌های ارتباطات صنعتی انجام دهد. رایزن‌هایی که وجود داشتند فقط در فضای تجاری کار می‌کردند، در صورتی که اینها نمایندگان بین‌المللی وزارت صنعت، معدن و تجارت بوده‌اند.

این رایزن‌ها باید روی انتقال تکنولوژی، تأمین مالی اقداماتی انجام می‌دادند و کمک‌هایی در این عرصه‌ها می‌کردند، روی حوزه مشارکت‌ها و ارتباطات صنعتی نیز باید کار می‌کردند.

نیز در حال انجام است.

در اتحادیه اروپا یکی، دو مورد انتقال تکنولوژی انجام داده‌ایم که در همین شرایط سخت تحریم به نتیجه خواهیم رسید که آن را اعلام عمومی می‌کنیم.

با توجه به اینکه در حوزه ایجاد زنجیره تولید پیل سلول‌های خورشیدی، امکاناتش را در ایران داریم با مشارکت یکی از کشورهای منطقه که توانایی حدود یک میلیارد دلار تأمین مالی دارد آخرین تکنولوژی‌های جهانی را در این پروژه فراهم ساخته‌ایم.

فاز اول پروژه مذکور هفته دولت سال جاری به بهره‌برداری می‌رسد. طی شش ماه آینده ما یکی از اصلی‌ترین صادرکنندگان نقش‌آفرین سلول‌های خورشیدی و پیل‌های خورشیدی در منطقه خواهیم شد زیرا در حال حاضر در خصوص بازار آن نیز مذاکرات لازم را انجام داده‌ایم.

■ شرایط کنونی سفارتخانه‌ها در توسعه تجارت خارجی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بیشتر سفارتخانه‌ها خیلی درخصوص تجارت خارجی فعال نیستند یا اینکه اصلاً به فضای صادرات وارد نمی‌شوند. سفرایی که در برخی کشورهای هدف هستند عمدتاً در فضای فرهنگی، سیاسی فعالیت می‌کنند. این افراد به فضای سیاسی یا اشراف ندارد یا اگر اشراف هم داشته باشند، درخصوص توسعه تجارت خارجی فعالیتی ندارند. نیروهای فعال در این سفارتخانه تنها دو یا سه نفر است. یکی از دلایل کم کاری برخی سفارتخانه‌ها درخصوص مبادلات تجاری این است که معمولاً در سفرها بحث‌های مختلفی رخ می‌دهد، بنابراین هیأت‌هایی که حضور دارند زمان کافی برای طرح موضوعات اقتصادی و صادراتی ندارند. سعی ما براین است که از تمام ظرفیت‌های وزارت خارجه و اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران برای رونق صادرات کمک بگیریم.

■ در خصوص استفاده از رایزنان بازرگانی و ظرفیت‌های منطقه‌ای، به چه نتایجی دست یافته‌اید؟

به عنوان نمونه در خصوص کشور پاکستان اقدامات خوبی انجام شده است. در حال حاضر اولین رایزن بازرگانی در دولت سیزدهم به کشور پاکستان اعزام شد.

یکی از اقدامات سازمان توسعه تجارت پیگیری و پیش بردن مسأله تهاتر است که در مجلس پاکستان این امر مصوب و تبدیل به قانون شد. اقدامات اجرایی این موضوع را نیز برعهده اتاق کویت و اتاق زاهدان قرار داده‌ایم که موازی با هم در حال پیش بردن آن هستند. همچنین در سفری که آقای رستم قاسمی وزیر راه و شهرسازی به پاکستان داشتند، اعضای سازمان توسعه تجارت نیز حضور یافته و درخصوص مسائل مربوط به تضمین، توسعه بازار، رفت و آمد هیأت‌ها نیز اقدامات خوبی صورت گرفت. علاوه بر این موارد، برای فعال کردن موافقتنامه تعرفه ترجیحی هم که اهمیت ویژه‌ای داشته، اقداماتی انجام داده‌ایم. یکی دیگر از مباحث تجارت ایران و پاکستان، تهاتر سیب با انبه و نارنگی بود که با حضور مستقیم وزیر جهاد کشاورزی آقای ساداتی‌نژاد در همکاری با وزارت صمت و سازمان توسعه تجارت اهداف مربوطه محقق شد.

■ با توجه به تمرکز دولت بر افزایش تعامل با کشورهای حوزه دریای خزر، برای رونق تجارت خارجی با این کشورها چه اقداماتی داشته‌اید؟

در شرق دریای خزر، بیشترین تمرکز خود را روی قزاقستان گذاشته‌ایم و این کشور را به عنوان یک بازار خوب و فوق‌العاده مورد بررسی قرار داده‌ایم. در این راستا معاونت معدنی وزارت صمت سفر به این کشور داشتند. برای افزایش حضور در کشورهای CIS هم، سازمان صمت مشهد و اتاق مشهد را کاندیدا کرده و مسئولیت را به آن داده‌ایم. علاوه بر موارد مذکور در نمایشگاهی که قرار است در بیشکک برگزار شود، اقدامات خوبی با اتاق مشترک ایران و قزاقستان داشتیم. در ترکمنستان، مجموعه بزرگی داریم که مربوط به ایران خودرو است، قرار شده آن را به ما واگذار کند. قصد داریم آن را تبدیل به یک مرکز تجاری بزرگ کنیم. تاکنون رایزنی و مذاکرات خوبی با وزارت امور خارجه و دفتر رئیس جمهور داشتیم که در همین راستا مسیر ترانزیت از ترکمنستان فعال شد. با این امر فعالیت‌های خوبی صورت خواهد گرفت.

■ افزایش تعاملات تجاری با سایر کشورها چه وضعیتی دارد؟

آنچه در اولویت‌های ما قرار گرفته، این

در حال حاضر بزرگ‌ترین سیستم رایزنی را در عراق ایجاد کرده‌ایم، به طوری که تاکنون تقریباً سه مرکز تجاری که البته ممکن است بیشتر نیز شود در عراق فعال شده است. درخصوص سفیر جدید ایران در عراق که یک سفیر بسیار فعال و کاملاً اقتصادی است، به نظر می‌آید جهش خیلی خوبی را در همکاری با عراق در آینده داشته باشیم. کشور عراق با روسیه، هند و چین متفاوت است. زیرا این کشور برنامه‌هایی برای صنعتی شدن داشته و قصد دارد این شاخص را توسعه دهد

است که بیشتر روی کشورهای شرق آسیا متمرکز شده‌ایم. به عنوان نمونه تاکنون روی حوزه اوراسیا خیلی جدی فعالیت کرده‌ایم. زیرا مذاکرات تجارت آزاد اوراسیا را هم سازمان توسعه تجارت در دست دارد و در حال مدیریت کردن آن است. در حوزه آفریقا نیز فعالیت گسترده خوبی را شروع کرده‌ایم. کمی هم در حوزه شرق اروپا اقداماتی انجام داده و در حال گسترش آن هستیم. در واقع این مسائل بخشی از فعالیت‌هایی است که سازمان توسعه تجارت انجام می‌دهد. به همین دلیل در حال حاضر حجم کار سازمان، نسبت به گذشته افزایش یافته است.

در امریکای لاتین نیز پیگیری‌های لازم از سوی وزارت امور خارجه و وزارت دفاع در حال انجام است. با توجه به اینکه کمیسیون مشترک ونزوئلا در وزارت دفاع قرار دارد بخش اقتصادی وزارتخانه در حال پیگیری و انجام اقداماتی در این خصوص است که در همین راستا با

سازمان توسعه تجارت همکاری‌هایی را نیز دارند. در مجموع اولویت‌بندی‌هایی مشخص کرده‌ایم. اگر بخواهیم با همه کشورها در همه زمینه‌ها فعالیت کنیم، قطعاً موفق نخواهیم بود و نمی‌توانیم به نتیجه مثبت برسیم. تاکنون ظرفیت کشورها را برآورد کرده‌ایم و با مدیریت صحیح، اقداماتی هم صورت گرفته است.

■ با کشورهای محور مقاومت از جمله عراق، سوریه، لبنان و غیره، برای توسعه صادرات چه برنامه‌هایی انجام شده است؟

در حال حاضر بزرگ‌ترین سیستم رایزنی را در عراق ایجاد کرده‌ایم، به طوری که تاکنون تقریباً سه مرکز تجاری که البته ممکن است بیشتر نیز شود در عراق فعال شده است. درخصوص سفیر جدید ایران در عراق که یک سفیر بسیار فعال و کاملاً اقتصادی است، به نظر می‌آید جهش خیلی خوبی را در همکاری با عراق در آینده داشته باشیم. کشور عراق با روسیه، هند و چین متفاوت است. زیرا این کشور برنامه‌هایی برای صنعتی شدن داشته و قصد دارد این شاخص را توسعه دهد.

بنابراین وقتی عراق خود به سمت تولید محصولات کشاورزی برود روی محصولات کشاورزی ایران تأثیر خواهد داشت. به طور مثال احتمالاً برای محصولات کشاورزی ایران عوارض تعیین خواهد کرد و همانند همه کشورهای ممنوعیت‌هایی را نیز در نظر خواهد گرفت. اگر صنایع پایین دستی فلزات و مسائل ساختمانی را در کشور خود فعال کند، دیگر اجازه واردات محصولاتمانند میلگرد را نمی‌دهد و عوارض آنها را افزایش خواهد داد. حتی ممکن است به سمت واردات شمش و بیلت نیز حرکت کند، یا اینکه در حوزه سیمان اگر کارخانه سیمان راه‌اندازی کند، احتمالاً به سمت تولید کلینکر حرکت خواهد کرد. بنابراین باید توجه کنیم که عراق قطعاً برای سال‌های آینده نیازهای وارداتی خود را تغییر خواهد داد و ما نیز باید در رویکرد خود تغییراتی انجام دهیم. در حال حاضر برای صدور خدمات فنی-مهندسی، تجهیزات پزشکی و دارو به کشور عراق تمرکز کرده‌ایم و به صورت جدی در حرکت هستیم. البته طی چهار ماه اخیر، کاهش صادرات به عراق داشته‌ایم که علت اصلی آن هم جهش قیمت ارز بود. یعنی زمانی که ارز ۴۲۰۰ تومانی به ارز نیمایی تبدیل شد. اگرچه این حرکت منجر به بهبود شرایط اقتصادی کشور خواهد شد، اما با این تغییر قیمت ارز، نرخ روغن، شیرینی، شکلات و صنایع غذایی نیز همزمان دستخوش افزایش قیمت شد. علاوه بر آن محصولات لبنی نیز افزایش قیمت پیدا کردند و به همین دلیل طبیعی است که تولیدکنندگان این محصولات توان رقابت نداشته و با کاهش صادرات مواجه می‌شویم. تلاش کردیم اقلام مربوط به صادرات را تغییر دهیم به طوری که در حال حاضر متمرکز به حوزه لبنیات شده‌ایم. در لبنان هم بزودی رایزن اعزام خواهیم و فعالیت‌های خود را آغاز می‌کنیم. اتفاقاً در سال‌های گذشته سازمان توسعه تجارت دفتر و شعبه در لبنان داشته است که تعطیل شده بود و ما آن را فعال کردیم. در سوریه هم فعالیت‌های زیادی را تاکنون داشته‌ایم. به طوری که در حال حاضر دو مرکز تجاری در سوریه فعال بوده و انجام همکاری‌های مختلف دیگری را نیز در دستور کار خود قرار داده‌ایم. در واقع این کشور متولی مخصوص خود را دارد که از طرف دولت ایران، نماینده

معاون اول رئیس‌جمهور در این کشور فعالیت می‌کند. ما هم در همکاری با این متولی اگر کمکی نیاز باشد انجام خواهیم داد. از سوی دیگر سوریه، چالش‌ها و مشکلاتی دارد که مهم‌ترین مسأله آن در حال حاضر مربوط به بحث انتقال ارز می‌شود. این کشور به دلیل مشکلات اقتصادی، اجازه خروج ارز را نمی‌دهد. بنابراین تجار باید در رفت و آمد باشند. بر این اساس تلاش می‌کنیم تجار ایرانی کمترین مشکلات را در بازار سوریه داشته باشند. اهمیت برطرف کردن مشکلات بازار سوریه به اندازه‌ای است که اولین سفر خارجی وزیر صمت به کشور سوریه بود. سازمان توسعه تجارت هم یک هیأت تجاری همراه ایشان اعزام کرد.

تاکنون درسوریه جلسات مقدماتی برگزار کرده‌ایم و اعلام داشته‌ایم افرادی که می‌خواهند در سوریه وارد شوند، توجه کنند که ورود به بازار سوریه یک ورودی به نام سرمایه‌گذاری دارد. سوریه بزودی به اتحادیه عرب می‌پیوندد. شما با یک کار مشترک در سوریه می‌توانید به بازارهای شمال آفریقا، خاورمیانه و کشورهای عربی حوزه دریای مدیترانه نظیر اردن دست پیدا کنید، این موضوع یک فرصت بکر محسوب می‌شود. بنابراین ما باید به سوریه به‌عنوان یک بازار بلندمدت نگاه کنیم، به همین دلیل در تلاش هستیم بیشترین نمایشگاه‌ها را در سوریه و عراق برگزار کنیم. با توجه به شرایط کشورهای محور مقاومت از جمله عراق و سوریه توسعه تجارت خارجی با این کشورها، پشتیبانی‌های مالی را نیاز دارد که تحقق این موضوع را بانک مرکزی پیگیری می‌کند. به نظر می‌آید تلاش‌های این دوستان به نتیجه برسد و بتوانیم صادرات و تجارت با این کشورها را رشد دهیم. باید در عراق و سوریه به این نکته دقت کرد که آنها تولید چندان ندارند. همان نفت و فرآورده‌هایی که در عراق تولید می‌شود ما نیز آن را صادر می‌کنیم. بنابراین نمی‌توانیم بگویم فضای تهاتر با عراق داریم. اگرچه برای توسعه صادرات در کشورهای حوزه مقاومت با مشکلاتی روبه‌رو هستیم، اما به‌عنوان یکی از اولویت‌های استراتژیک دولت و کشور به آنها توجه داریم.

■ یکی از اتفاقات خوب یک سال گذشته، صادرات مرکبات برای اولین بار به چین بود، این موضوع چه مسائلی را به دنبال داشت؟

تحقق این موضوع مربوط به موافقتنامه‌ها و توافقی‌هایی است که انجام داده‌ایم. تا کنون مشکل قرنطینه‌ای گیاهی را در بعضی از کالاها با چین حل کرده‌ایم. پیگیری و زحمات فراوان وزارت امور خارجه، همراهی کارشناسان سازمان توسعه تجارت به همراه وزارت جهاد کشاورزی در این امر مؤثر بود و با اخذ تأییدیه‌های چین توانستیم صادرات عسل، مرکبات و برخی از محصولات دریایی را انجام دهیم.

اگرچه صادرات کالاهای ما باید طی یک بازه کوتاه‌مدتی ریجستر می‌شود، اما دولت قبل واقعاً به این امر توجه نداشت. ممنوعیت صادرات لفل‌دلماه‌ای که اتفاق افتاد، حاصل بی‌توجهی وزارت جهاد کشاورزی و دولت قبل به ۴۸ مورد گزارش اصلاحی بود. بی‌توجهی به درخواست مجموعه قرنطینه‌ای گیاهی و دامپزشکی روسیه یکی از موارد به شمار می‌آید.

شاهد بودیم دوباره در چین مدت زمانی، رجیستری شدن را الزامی کرده بودند که در گمرکات برای صنایع غذایی باید اتفاق بیفتد. همکاران ما شبانه‌روزی تلاش بسیاری کردند و

می‌بینید یک مورد برگشتی کالا از چین گزارش نشده است. در حال حاضر برخی اقدامات پیش‌دستانه نیز داریم که آنها را انجام خواهیم داد. اگر به مسأله قرنطینه‌ها، موافقتنامه‌ها، استانداردها، امور دامپزشکی و در رأس آن موافقتنامه‌های تجاری ویژه توجه کنیم، این مسائل عاملی می‌شود که بازارهای جدیدی برای ما ایجاد شود. البته در بازار اوراسیا و بازار آفریقا شما با اعداد و ارقام بالاتری می‌توانید کالای خود را به فروش برسانید. بنابراین باید سراغ بازارهای جدید و بکر حرکت کنیم که برای تولیدکنندگان ایرانی نیز شرایط رقابت قیمتی را ایجاد کند.

■ تجارت خارجی با کشورهای اوراسیا از جمله روسیه در چه وضعیتی قرار دارد؟

به علت اقتصاد کوچکی که قزاقستان، ارمنستان و بلاروس دارند، اگرچه آخر از همه کشورها آنها را پیگیری کردیم اما اتفاقات خیلی خوبی رخ داد. تیر ماه امسال ۱۲۰ درصد رشد تجارت خارجی نسبت به سال گذشته داشته‌ایم که به‌عنوان نمونه در تک تک کشورهای حوزه اوراسیا رشد مطلوب صادراتی انجام شد. البته در بعضی از کشورها مثل آذربایجان هم یک رشد ۱۰۰ درصدی را داشته‌ایم. در حوزه صادرات مصالح ساختمانی، صنایع غذایی، ماشین‌آلات و تجهیزات و دارو بازارهای خوبی در منطقه اوراسیا داریم. در این خصوص توافقی‌های خوبی نیز صورت گرفته که به نظر می‌آید یک بازار چند میلیارد دلاری را بزودی در این منطقه خواهیم داشت. هدف این است که در سال ۱۴۰۴ رسیدن به یک بازار بیش از ۸ میلیارد دلار در اوراسیا داشته باشیم. یکی از مسائلی که به طور جدی پیگیری کرده‌ایم بحث تسریع در تجارت آزاد اوراسیا است تا تعرفه صادرات ۸۰ درصد کالاهای ما یا چهار درصد یا صفر شود. تحقق این امر به نظر مجلس شورای اسلامی بستگی دارد تا مصوبه قانونی در این خصوص ارائه دهد. اگر حرکت مذکور محقق شود، بازاری که حداقل ۴۰۰-۵۰۰ میلیارد دلار واردات دارد، حجمی از تقاضا را می‌تواند برای ما ایجاد کند. تقریباً چند دور مذاکرات در چند سال گذشته با کشورهای اوراسیا داشته‌ایم، در حال حاضر هم مذاکرات گسترده‌ای صورت گرفته که تقریباً می‌توان گفت فهرست کالاهای صادراتی خود را نهایی کرده‌ایم. تا آذرماه توافقی‌هایی داریم که باید در دولت‌ها و مجالس کشورهای مذکور تصویب شود. بنابراین بزودی یک تجارت آزاد موفق با منطقه اوراسیا خواهیم داشت.

در هر سفری به روسیه، با وزیر اقتصاد اتحادیه اوراسیا مذاکراتی داشته و خط به خط موارد توافق را مرور کرده‌ایم؛ آنها هم از سرعت ایران در این حوزه تقدیر کردند و ما هم از پیگیری‌ها راضی هستیم. البته در این روند پنج کشور هستند که به طور یکجا باید توافقی‌هایی را پیگیری کنند که ما با این کشورها نیز مذاکرات خوبی داشته‌ایم.

از سوی دیگر توسعه تجارت آزاد را با کشورهای که نفس تجارت آزاد و اقتصادهای مکمل دارند را آغاز کرده‌ایم. البته این شرط را داریم که تجارت آزاد به نحوی اتفاق بیفتد که صنعت ما آسیب نبیند. تجارت آزاد، پالسی به تجارت دنیا و تجارت جهانی است که ایران علاقه‌مند شده به حضور نقش‌آفرین در بازارهای تجاری و بازارهای صادراتی دنیا که تحقق این راهبرد از اولویت‌های سازمان توسعه تجارت در دولت جدید به شمار می‌آید.

■ روند توسعه تجارت خارجی طی سال‌های

گذشته و جاری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ در حوزه صادرات افزایش ۳۹ درصدی ارزش صادرات را داشته‌ایم. در چهار ماهه اول ۱۴۰۱ هم حدود ۲۱ درصد رشد صادرات را تجربه کرده‌ایم. موضوعی که بسیار حائزاهمیت بوده و جزو اولویت‌ها قرار دارد افزایش رشد قابل توجه صادرات خدمات فنی و مهندسی است. در واقع میزان صادرات از ۴۹۹ میلیون دلار در سال ۱۳۹۹ به ۲/۳ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ رسید. علاوه بر آن در چهار ماهه اول سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ یک رشد ۳۱ درصدی در توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی داشته‌ایم. اگرچه در دولت نهم و دهم یک فرایند خوبی طی شد و حدود ۶/۷ میلیارد دلار صادرات خدمات فنی و مهندسی صورت گرفت، اما در دولت قبلی این رقم بسیار کاهش یافت.

از ابتدای شروع به کار دولت سیزدهم، در مذاکره با انجمن خدمات فنی - مهندسی مشکلاتشان را بررسی کرده و برای برطرف کردن آنها گام‌هایی به منظور توسعه برداشته‌ایم. واقعاً این ظرفیت را داریم که طی چهار سال دولت سیزدهم دوباره همان شش، هفت میلیارد دلار صادرات خدمات فنی و مهندسی محقق شود. البته برآورد فعالان خدمات فنی و مهندسی این است که یک پتانسیل ۲۰ میلیارد دلاری در سال برای صادرات این بخش داریم. توسعه این صادرات چند ویژگی مثبت هم دارد که شامل افزایش صادرات کالای ایرانی، ایجاد اشتغال برای نیروهای متخصص از جمله تکنسین تا مهندس می‌شود.

■ برای توسعه رایزن بازگانی و ایجاد مراکز تجاری، به‌عنوان اولویت‌های کنونی سازمان توسعه تجارت، چه برنامه‌هایی اجرایی شده یا در نظر دارید؟

دولت گذشته حدود ۶ نفر رایزن داشته که تاکنون در دولت سیزدهم به ۱۲ نفر افزایش یافته است. این تعداد در سه ماه آینده به ۲۰ رایزن خواهد رسید. تاکنون استعلام‌ها، گزینش و تأمین مالی صورت گرفته است و برای برخی نیز منتظر ویزای سیاسی از طرف کشورهای هدف هستیم. برخی‌ها نیز در حال آماده شدن حضور هم‌ترازی‌شان هستند.

همچنین تعداد مراکز تجاری ما به ۱۸ مرکز تجاری افزایش پیدا کرده است. در واقع مراکز تجاری ما همان استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای حوزه رایزنی است. بر این اساس، بیش از ۶۰ محور خدماتی از جمله بازاریابی، پشتیبانی‌های حقوقی، مسائل ثبت شرکت، همراهی، راهنمایی و مشاوره در حوزه‌های لجستیک و موارد مختلف را به‌عنوان دستور کار مراکز تجاری قرار دادیم و هر سه ماه یک بار آنها را پایش می‌کنیم.

حتی در این دوره چندین مرکز تجاری را سلب امتیاز کردیم. ما فقط مرکز تجاری را فعال نمی‌کنیم، پایش و رصد هم داریم و در صورت لزوم مجوز فعالیت آن مرکز تجاری را باطل می‌کنیم. حتی تاکنون چند رایزن را برگردانده‌ایم. اگر رایزن در آن مسیری که مدنظر سازمان توسعه تجارت بوده فعالیت نکند، پایش می‌کنیم و رایزن را برمی‌گردانیم.

در بررسی‌ها متوجه شدیم تنها دو مرکز تجاری به صورت دائم فعالیت می‌کردند. ۱۰ مرکز مجوز موقت داشتند که این ۱۰ مرکز پالایش شده‌اند و تقریباً اغلب آنها بعد از بررسی لغو امتیاز شدند، چون اینها چند سال بود هیچ خدماتی ارائه نمی‌کردند.

پرونده صادرات کشور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم توسط روزنامه ایران بررسی شد

۱۰۰ میلیون تن کالایی که روحانی صادر نکرد



صادرات غیرنفتی کشور به ۳۵ میلیارد دلار رسید که این میزان صادرات حتی نسبت به سال ۹۰ که آغاز دهه ۹۰ بود نیز کمتر است. به طور کلی بررسی پرونده تجارت خارجی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم حاکی از اختلاف جدی در آمارها و رویکرد هاست به طوری که در ۵ ساله اول این دهه شاهد بهبود ارقام و اعداد تجاری و در ۵ سال دوم آن شاهد نزول آن بودیم. تحریم، کرونا و پاره شدن برجام همگی دلایلی برای توجیه افت تجاری کشور در دولت دوم حسن روحانی هستند اما دلایل کافی، خیر. در مجموع در چهار سال دولت دوازدهم مجموع صادرات کشورمان ۱۲۸ میلیارد دلار بوده که در چهار سال اول دولت روحانی و به عبارتی دولت یازدهم ارزش صادرات کشور تقریباً ۱۷۷/۵ میلیارد دلار بوده است لذا مقایسه این ارقام نشان می‌دهد طی چهار سال دوم دولت روحانی نسبت به چهار سال اول صادرات کشور حدود ۵۰ میلیارد دلار افت داشته است. متوسط ارزش صادرات کالا و خدمات کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۹ در حدود ۴۰ میلیارد تومان بوده و این مقدار افت صادراتی در دولت دوازدهم به اندازه این بوده که در یک سال هیچگونه فعالیت صادراتی در کشور انجام نشده باشد. همچنین متوسط وزنی کالاهای صادر شده در هر سال در بازه مذکور بیش از ۱۰۰ میلیون تن بوده و ارزش هر تن کالای صادراتی بیش از ۳۹۴ دلار برآورد می‌شود. بنابراین افت ۴۰ میلیارد دلاری در صادرات کالا دقیقاً به معنی عدم صادرات بیش از ۱۰۰ میلیون تن کالا و خدمات است. این اعداد در واقع مقایسه‌ای از دولت دوازدهم و دولت یازدهم است که اتفاقاً رویکردها و محورهای دیپلماسی اقتصادی در طول این سال‌ها یکی بوده و این حجم از تفاوت در عملکرد

پرونده تجارت خارجی در دولت روحانی همانند بسیاری دیگر از حوزه‌ها در این دولت پر افت‌وخیز بوده و صعودها و نزول‌های فراوانی را تجربه کرده است. در بررسی پرونده تجارت خارجی و بخصوص صادرات می‌بایست دولت روحانی را به دو برهه «نسبتاً موفق» و «دوره نزول» تقسیم کرد. در دوره اول که مقصود سال‌های ابتدایی دهه نود و دولت یازدهم است شاهد بهبود تراز تجاری و کاهش تراز تجاری منفی کشور از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ به مثبت ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۵ بودیم. در این سال‌ها اما دو نکته منفی نیز وجود داشت: اولاً، ارزش هر تن کالاهای صادراتی در سال‌های پایانی این دوره (۱۳۹۵-۱۳۹۶) با کاهش ۲۵ درصدی به رقمی حدود ۳۴۰ دلار و در مقابل ارزش هر تن کالای وارداتی، افزایش و به حدود ۱۵۰۰ دلار رسید که نشان از تشدید خام‌فروشی و تشدید واردات کالاهای نهایی دارد. همچنین ترکیب کالاهای وارداتی به کشور در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد، سهم واردات کالاهای سرمایه و واسطه‌ای (کالاهایی که نشان از رشد تولید دارد) در مقایسه با سال‌های گذشته رشد چشم‌گیری داشته و در مقابل واردات کالاهای مصرفی و... افت محسوسی را تجربه کرد اما این روند در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ تغییر کرد و سهم کالاهای واسطه‌ای از کل واردات به ۵۸ درصد تنزل پیدا کرد که پایین‌ترین رقم در یک دهه اخیر است. افت تجارت خارجی در سال‌های ۱۳۹۷ به بعد روند متفاوت‌تر و جدی‌تری به خود گرفت و ارزش صادراتی کشور در طی دو سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ بیش از ۲۵ درصد کاهش پیدا کرد. بعد از پایان سراب خوشبینی‌ها در سیاست خارجی در سال ۱۳۹۷ و روی کار آمدن ترامپ بار دیگر محدودیت‌های ارزی و منابع درآمدی گریبان کشور را گرفت و دولت دوازدهم برای مواجهه با این مسأله برنامه و راه حل جایگزینی وجود نداشت. در این گزارش ۵ دلیل اصلی افت جدی صادرات و تجارت در دولت دوازدهم بررسی شده که البته برخی موارد آن در دولت جدید در حال رفع شدن است. یکی از محورهای رویکردهای اصلی دولت سیزدهم احیای تجارت خارجی و صادرات کالا و خدمات بوده که بر اساس آمارها در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ موفقیت‌های نسبی بدست آمده است. به عنوان مثال رکورد صادرات ۴۸ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۰ حتی از سال ۹۶ که اوج خوشبینی‌ها و رفع محدودیت‌های بین‌المللی و برجامی بود در حدود ۲ میلیارد دلار بیشتر بوده است.

به بعد شرایط خوبی را نداشت و در حد فاصل سال‌های ۹۷ تا ۹۹ با افت شدید تجارت و کاهش صادرات مواجه بودیم. واقعیت این است که برنامه‌های بخش تجارت خارجی کشور در دولت دوازدهم یا دولت دوم حسن روحانی با دولت اول وی تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته است به طوری که در دولت دوازدهم افت شدیدی را در بخش تجارت خارجی کشور نسبت به دولت اول روحانی و به عبارتی دولت یازدهم شاهد بودیم، لذا در سال ۹۹ ارزش

۱۰۰ میلیون تن کالای صادر نشده در دولت روحانی

با روی کار آمدن دولت‌های جدید مردم و فعالان اقتصادی انتظاراتی از دولت جدید دارند و امیدوارند که مشکلاتی که در دولت‌های گذشته با آن مواجه بوده‌اند در دولت جدید رفع یا به حداقل برسد، بنابراین یکی از بخش‌هایی که فعالان اقتصادی انتظار بهبود وضعیت آن را دارند بخش تجارت خارجی کشور است که طی سال‌های اخیر بخصوص از سال ۹۷

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

یک دولت تماماً با متغیرهای برون‌زایی مثل تحریم توجیه نمی‌شود. به عنوان سال ۱۴۰۰ سالی بوده که محدودیت‌های تجاری و سیاسی بر مرادوات کشور یا برجا بوده اما در همین سال ارزش صادراتی از ۴۸ میلیارد دلار هم فراتر رفته که نشان از رشد ۴۰ درصدی در مقایسه با سال ۱۳۹۹ دارد. هر چند در این سال محدودیت‌های کرونایی کاهش پیدا کرده اما رکورد صادرات ۴۸ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۰ حتی از سال ۹۶ که اوج خوشبینی‌ها و رفع محدودیت‌های بین‌المللی و برجای بود در حدود ۲ میلیارد دلار بیشتر بوده است. در ادامه دو برهه متفاوت تجارت خارجی در دولت روحانی را بررسی می‌کنیم. اول دوره نسبتاً موفق ۹۲ تا ۹۶ و بعد از آن دوره نکول از اواخر ۹۶ به بعد.

نکته مثبت دولت یازدهم؛ بهبود ۱۸ میلیارد دلاری تراز تجاری

در بررسی مجموعه اطلاعات آماری از واردات و صادرات در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ یک نکته مثبت و دو نکته منفی به چشم می‌آید. مورد اول که جنبه مثبت عملکرد دولت یازدهم را نشان می‌دهد بهبود تراز تجاری کشور بوده است؛ تراز تجاری غیر نفتی (مقایسه واردات با صادرات کالاهای غیر نفتی) کشور است که از منفی ۳۳ میلیارد دلار در سال ۸۸ به منفی ۱۸ میلیارد دلار در سال ۹۲ که اولین سال دولت یازدهم نیز محسوب می‌شده، رسیده و در ادامه با کاهش جدی واردات در سال ۹۴ و ۹۵ به ترتیب به مثبت ۸۹ و ۴۰۰ میلیون دلار رسید که اتفاقی مبارک و موفق محسوب می‌شد. به طور کلی در سال‌های قبل از سال ۹۴ تراز تجاری همواره با چیرگی حجم واردات بر صادرات غیرنفتی مواجه بود به طوری که شرایط را برای تجارت ایران به نفع رقبای خارجی تغییر داده بود و نشان از وابستگی وسیع به بازارهای بین‌المللی داشت. بر این اساس رقم ثبت شده تراز تجاری در سال ۹۰، منفی ۱۳ میلیارد و ۴۲۸ میلیون دلار است یعنی تراز تجاری که نشان از توان تولیدی و بازرگانی کشور دارد در دولت یازدهم بیش از ۱۴ میلیارد دلار بهبود پیدا کرده است. البته هر چند در سال ۱۳۹۶ مجدداً تراز تجاری منفی و در حدود ۴ میلیارد دلار ثبت شد اما در همین سال نیز رکورد صادرات غیر نفتی شکسته شد.

نکته منفی دولت یازدهم؛ تشدید خام‌فروشی

در طی دولت یازدهم دو نکته منفی به وجود آمده بود که شاید همین مسائل پیرونده تجارت در دولت دوازدهم را منفی‌تر از پیش‌بینی‌ها کرد. مورد اول؛ طی دولت یازدهم همچنین ارزش هر تن کالای صادراتی در سال‌های ابتدایی ۹۳ و ۹۴ به رکوردهای جالبی دست پیدا کرد و به اعدادی در حدود ۴۵۰ نیز رسید. در این دو سال همچنین ارزش هر تن کالای وارداتی از ۱۴۰۰ دلار به ۱۲۰۰ دلار رسید که این مهم نیز موفقیت خوبی بود. کارشناسان معتقدند که صادرات و واردات کالاهای کشور از لحاظ ارزش‌افزوده بشدت نامتقارن هستند و کشور ما عمدتاً صادرکننده کالاهای خام یا کالاهای با یک پله ارزش‌افزوده است

سال ۹۱ دولت کالاهای وارداتی را به ۱۰ گروه تقسیم کرده بود، واردات گروه ۱۰ ممنوع شده بود. با همه اینها اما بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم، در سال ۹۳ ممنوعیت ثبت سفارش واردات کالاهای اولویت ۱۰ عملاً لغو شد و ورود این کالاها به کشور از سر گرفته شد. خوشبینی‌های سیاسی و آزاد شدن برخی منابع بلوکه شده ایران باعث رفع ممنوعیت در واردات عمده کالاها در حد فاصل سال‌های ۹۳ تا ۹۷ شد که بار دیگر ترکیب کالاهای وارد شده به کشور را به روال سابق برگرداند. براساس آمارها سهم ارزشی کالاهای واسطه‌ای از کل واردات از حدود ۷۳ درصد در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به حدود ۶۸ درصد در سال ۹۳ رسید. در سال ۹۶ شاهد افت این رقم به زیر ۶۰ درصد بودیم. در مقابل افت سهم ارزشی کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، واردات کالاهای مصرفی (عمده آنها غیر ضرور و دارای کالای مشابه تولید داخل یا دارای ظرفیت بالقوه داخلی بودند) افزایش پیدا کرد تا جایی که سهم این کالاها از کل ارزش واردات کشور از ۱۲ درصد در سال ۹۲ به ۱۸ درصد در سال ۹۶ رسید.

کاهش ۲۵ درصدی صادرات در سال ۱۳۹۹

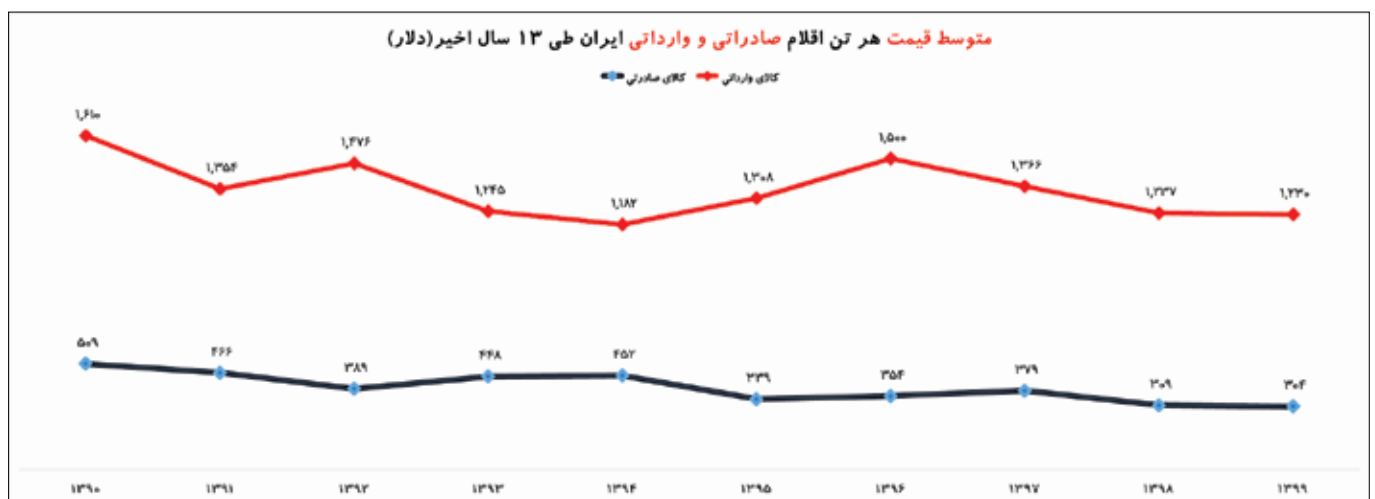
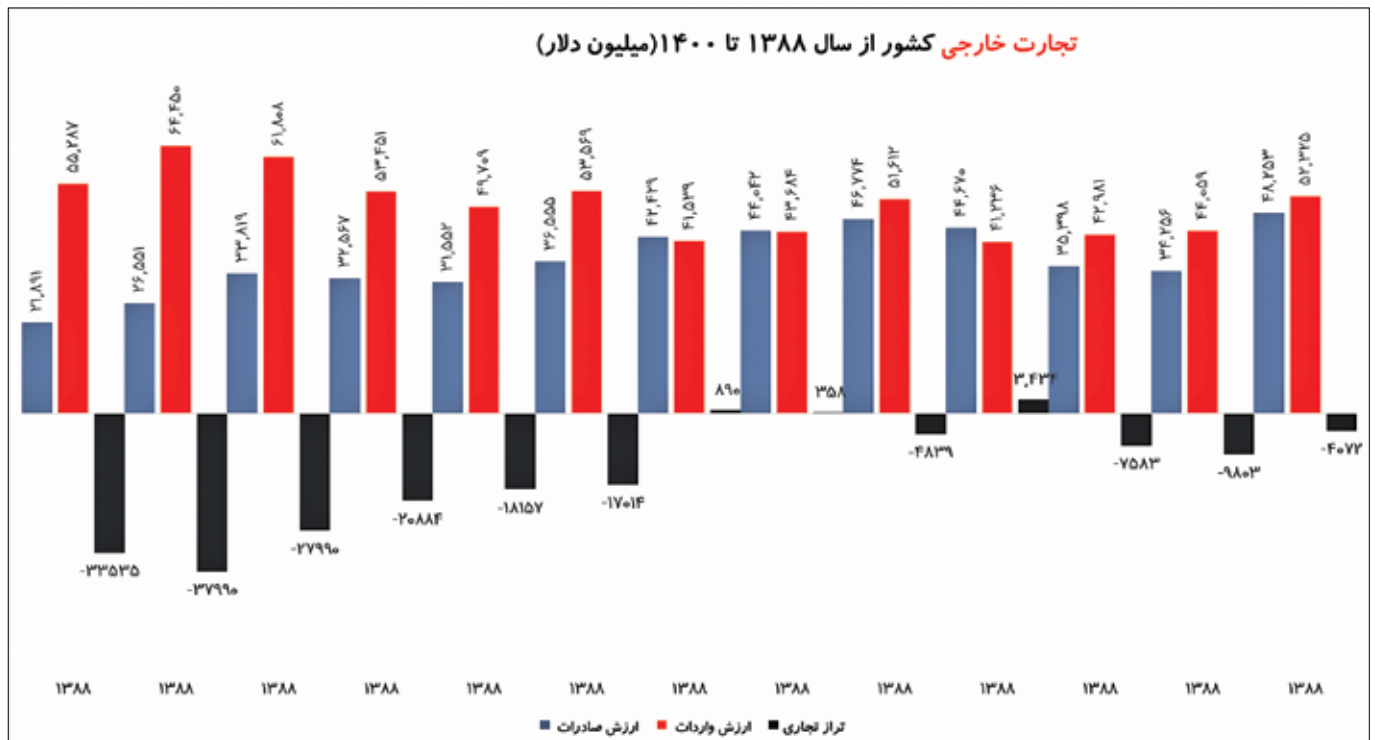
با خروج یکجانبه دولت امریکا از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و اجرایی شدن تحریم‌های مالی و اقتصادی طی سال ۱۳۹۷، فضای بازرگانی خارجی کشور شرایط متفاوتی را تجربه کرد، به خصوص اینکه دولت دوازدهم تمامی اهداف خود را به برجام و رابطه با غرب گره زده بود و علی‌الظاهر هیچ برنامه جایگزین و احتیاطی نداشت. در سال‌های ۹۷ و ۹۸ تحت تأثیر تحریم‌های ظالمانه امریکا، صادرات کشور در سه سال به ترتیب به ۴۵ و ۳۵ میلیارد دلار افت پیدا می‌کند که این میزان با تأثیر مضاعف کرونا در سال ۹۹ تا ۳۴ میلیارد دلار نیز پایین می‌آید. میزان صادرات در دولت دوازدهم با افت ۲۵ درصدی همراه بوده است. به طور کلی با بررسی سهم تجارت کشور از سهم تجارت جهانی، می‌توان دریافت که طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۶-۱۳۹۹) همواره سهم ایران از تجارت جهانی کمتر از ۵/۰ درصد بوده و علیرغم اینکه حجم تجارت جهانی از حدود ۳۲ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ به حدود ۳۵ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است، اما وضعیت تجارت خارجی کشور بدتر شده و سهم آن از تجارت جهانی از ۳/۰ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۲/۰ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است.

۵ عامل افت تجارت خارجی در سال ۱۳۹۹

اعداد و ارقام در قسمت قبل بیانگر روند ضد ادواری تجارت خارجی کشور در دولت دوازدهم در مقایسه با تجارت جهانی بوده و از ۵ مورد نشأت می‌گیرد؛ الف) ضعف زیرساخت‌های بازرگانی (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و...)، فقدان استراتژی توسعه تجاری، ضعف دیپلماسی فعال اقتصادی و تجاری و همچنین توجه ناکافی به اهمیت بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران است. ب) یکی از دلایل اصلی افت جایگاه تجارت خارجی طی سال‌های مورد بررسی علاوه

رقم ثبت شده تراز تجاری در سال ۹۰، منفی ۱۳ میلیارد و ۴۲۸ میلیون دلار است یعنی تراز تجاری که نشان از توان تولیدی و بازرگانی کشور دارد در دولت یازدهم بیش از ۱۴ میلیارد دلار بهبود پیدا کرده است. البته هر چند در سال ۱۳۹۶ مجدداً تراز تجاری منفی و در حدود ۴ میلیارد دلار ثبت شد اما در همین سال نیز رکورد صادرات غیر نفتی شکسته شد

اما در مقابل محصولات وارداتی ارزش‌افزوده بسیار بالایی داشته و عمدتاً نهایی هستند. نامتقارن بودن کالاهای صادراتی و وارداتی در سال ۹۳ و ۹۴ افت پیدا کرده بود اما در ادامه و در سال ۹۵ و ۹۶ به روال سابق و چه بسا سیاه‌تر خود بازگشت. در این دو سال ارزش هر تن کالای صادراتی با کاهش ۲۵ درصدی به رقمی حدود ۳۴۰ دلار و در مقابل ارزش هر تن کالای وارداتی، افزایش و به حدود ۱۵۰۰ دلار رسید. مورد دوم؛ بررسی تفکیکی کالاهای وارداتی نشان می‌دهد که در اواخر دهه ۸۰ میزان واردات کالاهای مصرفی (کالاهای نهایی که آماده مصرف هستند) بالا و در واقع ۲۵ درصد از کل کالاهای وارداتی را تشکیل می‌داد و در مقابل سهم کالاهای واسطه‌ای (کالاهایی که وارد مراحل و زنجیره تولید می‌شوند) بیشتر از ۴۰ درصد از کل واردات نبود. کالاهای واسطه‌ای در تولید سایر کالاها استفاده می‌شود و جزئی از کالاهای دیگر می‌شوند و کالاهای سرمایه‌ای نیز برای تولید سایر کالاها استفاده می‌شوند. به‌طور کلی نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه میزان قابل توجهی واردات کالاهای مصرفی دارند اما نظرات کارشناسان و مطالعات مختلف تأکید می‌کند که این واردات کالا و اقلام سرمایه‌ای و واسطه‌ای است که می‌تواند تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. ترکیب کالاهای وارداتی به کشور در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد، سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در مقایسه با سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته و در مقابل واردات کالاهای مصرفی و... افت محسوسی را تجربه کرد. این تغییرات به ممنوعیت واردات برخی کالاها در اواخر دولت دهم، محدودیت منابع ارزی، افزایش تولید کالاهای مصرفی در داخل و... برمی‌گردد. در



بر مشکلات تحریم، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به دلیل استفاده از نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش‌های ارزی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۰ و ادامه آن تا پایان نیمه اول سال ۱۳۹۹ و همچنین تأثیر سیاست‌های بازار داخلی بر بازار خارجی، بدهی بنگاه‌ها به بانک‌ها و... بوده است. (ج) شایان ذکر است جهش‌های نرخ ارز از طرفی موجب افزایش فزاینده هزینه مبادله و افزایش هزینه تأمین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده و با توجه به وابستگی بالای تولید داخلی کشور به واردات، قدرت رقابت تولید داخلی بیشتر کاهش یافته و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی نیز شده است. از طرف دیگر جهش‌های ارزی با ایجاد نااطمینانی در وضعیت بازارها موجب بی‌نظمی در واردات نیز شده است. این امر در بلندمدت منجر به بدتر شدن رابطه مبادله و تضعیف بازرگانی خارجی ایران در سطح منطقه و بین‌المللی شده است. (د) همچنین صاحبان سرمایه در دوره مورد بررسی، ترجیح داده‌اند بخشی از دارایی و درآمد خود را، با هدف حفظ و انباشت سرمایه در جایی سرمایه‌گذاری یا پس‌انداز کنند که ثبات و امنیت حاکم باشد و چشم‌انداز روشنی از فضای رشد و سرمایه‌گذاری پیش‌رو باشد. در واقع آمار ورود یا خروج سرمایه ارزی به کشور، نه فقط یک متغیر اقتصادی، بلکه

انعکاسی از ارزیابی فعالان اقتصادی در مورد ظرفیت رشد و توسعه سرمایه‌گذاری در کشور نیز هست. به عنوان مثال بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مجموع ۴ سال دولت دهم در حدود ۱۸ میلیارد و ۶۲۰ میلیون دلار سرمایه خارجی جذب شده و این رقم در کل دولت یازدهم با وجود داشتن برجام ۶ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد. بعد از خروج امریکا از برجام یعنی از ابتدای سال ۹۷ و آغاز سری جدید تحریم‌های بی‌رحمانه، وضعیت سرمایه‌های جذب شده حتی به مراتب بدتر از سال‌های ۹۱ و ۹۲ شد که در آن سال‌ها نیز تحریم بودیم. سرمایه جذب شده در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب ۳ میلیارد دلار و ۶۶۲ میلیون دلار بوده و این رقم در سال‌های ۹۷ و ۹۸ به ترتیب به ۲/۳ میلیارد دلار و ۱/۵ میلیارد دلار رسید. متوسط سرمایه خارجی جذب شده در چهار سال دوم دولت روحانی حدوداً ۸ میلیارد دلار بوده که حاکی از کاهش ۲/۵ برابری این متغیر در مقایسه با دولت قبل از خود را دارد. (ز) بدون شک کرونا و اعمال محدودیت‌های کشورهای در مرزها و مراودات تجاری خود نیز بر کاهش تجارت خارجی و صادرات در سال ۱۳۹۹ بی‌تأثیر نبوده است.

همسایگان، کانون تمرکز دیپلماسی اقتصادی دولت سیزدهم؛

جهش ۲ برابری صادرات به ۱۵ کشور همسایه



مجموع تجارت انجام شده بین ایران و ۱۵ کشور همسایه در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با ۱۳۹۹ به لحاظ ارزشی حدود ۴۳ درصد رشد و در چهار ماهه سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته نیز ۱۸ درصد جهش داشته است

باید توجه داشت که رقم ۲۶ میلیارد دلاری صادرات به ۱۵ کشور همسایه بعد از سال ۱۳۹۷ بالاترین رقم صادرات به همسایگان در دهه ۹۰ است. حفظ روند رو به رشد صادرات به همسایگان در همین ۴ ماهه ابتدایی سال جاری نیز نشان می‌دهد که جهش رخ داده در سال گذشته اتفاقی نبوده و حاکی از توجه به همسایگان در دستگاه دیپلماسی اقتصادی کشور است. بر اساس آمارها مجموع صادرات انجام شده به ۱۵ کشور همسایه در چهار ماهه ابتدایی سال ۸ میلیارد و ۸۷۲ میلیون دلار بوده که جهش ۲۲ درصدی را در مقایسه با رقم ۷ میلیارد و ۲۵۴ میلیون دلار سال گذشته نشان می‌دهد. در همین مدت همچنین کالا و خدمات صادر شده ۲ درصد از سال گذشته سنگین‌تر بوده‌اند که حکایت از آن دارد که جهش صادراتی تنها محدود به افزایش برخی قیمت‌های جهانی نبوده و حجم کالاهای صادراتی نیز تغییر داشته است.

هدف دولت؛ بازار همسایگان

طی یک دهه اخیر توجه کمتری به ظرفیت‌های کشورهای همسایه شده است. این امر بعد از تشدید تحریم‌های سال‌های ۹۰ و ۹۱ به خوبی اهمیت خود را نشان داد. با این حال در پسابرجام نیز دولت قبل به تصور اینکه تحریم‌های آمریکا و غربی‌ها پایان خواهد یافت، توجه ویژه‌ای به توسعه تجارت با کشورهای همسایه نکرد. اما این روزها توسعه روابط با همسایگان و فعال کردن دیپلماسی اقتصادی سیاستی است که با کمرنگ شدن امیدها نسبت به احیای برجام، با قدرت و قوت بیشتری توسط دولت سیزدهم پیگیری می‌شود. رئیس‌جمهور بارها با تأکید بر پیشبرد سیاست خارجی متوازن و پویا بر این موضوع تأکید کرده که تعامل با همسایگان و گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با آنها در اولویت قرار دارد و به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای جدی دولت سیزدهم در موضوع خنثی کردن تحریم‌ها افزایش تعاملات اقتصادی و بازرگانی با همسایگان است که در این مسیر در مدت کوتاه اخیر موفقیت‌های خوبی بدست آمده است. بر اساس آمارهای گمرک مجموع تجارت انجام شده بین ایران و ۱۵ کشور همسایه در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با ۱۳۹۹ به لحاظ ارزشی حدود ۴۳ درصد رشد و در چهار ماهه سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته نیز ۱۸ درصد جهش داشته است. به

ایران به‌عنوان یک قدرت بالقوه اقتصادی در جهان در جایی واقع شده که حدود ۱۰ درصد ذخایر نفت جهان و ۱۷ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد و در حقیقت، دومین کشور دارای ذخایر نفت و گاز در جهان به‌شمار می‌رود. همچنین، دریای خزر و خلیج فارس را که دو منبع انرژی محسوب می‌شوند، به هم متصل می‌کند و توانایی صادرات گاز به بزرگ‌ترین بازارهای مصرف جهان یعنی هند، چین و اتحادیه اروپا و برق به همسایگان را دارد. بر همین اساس، توجه و تمرکز به ظرفیت بازار بزرگ منطقه، پیشران تحقق برون‌گرایی سیاست‌های اقتصادی و تجاری کشور خواهد بود. دستیابی به بازار کشورهای همسایه، در کنار نقش‌آفرینی همه نهادهای دولتی، تکالیف و وظایف سنگینی را متوجه وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، امور خارجه و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران می‌کند. گام اول در برون‌گرایی اقتصادی و توسعه صادرات غیرنفتی، حضور تولیدات و کالاهای ایرانی در بازار همسایگان است. بازار کشورهای منطقه اطراف ایران به دلایلی همچون سهولت دسترسی (وجود مرزهای زمینی و دریایی مشترک که باعث کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل می‌شود)، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران، وجود اشتراکات فرهنگی، مذهبی، زبانی و تمدنی، محوریت ترانزیتی ایران و امکان صادرات مجدد کالاهای تولید ملی به بازارهای فرامنطقه‌ای از طریق کشورهای همسایه (در نتیجه کاهش آثار تحریم‌ها بر تجارت خارجی)، دارای اهمیت راهبردی هستند و در هر برنامه‌ای برای توسعه تجارت خارجی و صادرات کالاهای ایرانی، باید در اولویت قرار گیرند. باید توجه داشته باشیم که در دنیا عمده کشورهایی که در حوزه تجارت خارجه کارنامه موفقی داشتند از همسایگان خود شروع کرده‌اند. اگر در محیط همسایگی صادرات و واردات انجام شود به دلایلی از قبیل بعد مسافت کم و هزینه‌های پایین رفت و آمد و ترانزیت صرفه اقتصادی خواهد داشت. توجه ویژه به منطقه‌ای که ایران در آن قرار دارد، یکی از مهم‌ترین اولویت‌هایی بود که دولت سیزدهم نه تنها در مواضع خود بلکه در عمل نیز بر آن تأکید کرد. رفت و آمدها و سفرهای خارجی رئیس‌جمهور و حضور رؤسای جمهور کشورهای منطقه در کشور نشان می‌دهد که این نگاه به ظرفیت‌های منطقه گسترده‌تر و پرنفوذتر شد. طبق آمارهای گمرک ایران در دولت جدید طی دوره ۹ ماهه شهریور ۱۴۰۰ تا مرداد ماه ۱۴۰۱ حجم صادرات غیرنفتی کشورمان به ۱۵ کشور همسایه حدود ۶۵ میلیون تن به ارزش ۲۴ میلیارد و ۱۲۶ میلیون دلار بوده است. این مقدار در دوره ۹ ماهه شهریور ۱۳۹۹ تا خرداد ۱۴۰۰ حدود ۳۷ میلیون تن به ارزش ۱۲ میلیارد و ۹۶ میلیون بوده است که به لحاظ وزنی رشد ۷۵ درصدی و به لحاظ ارزش رشد ۱۰۰ درصدی را نشان می‌دهد. در واقع این آمار مؤید آن است که در دولت جدید شاهد دو برابر شدن صادرات به ۱۵ کشور همسایه بوده‌ایم. همچنین ارزیابی‌ها از صادرات ایران به ۱۵ کشور همسایه نشان می‌دهد که در ۴ ماهه فروردین تا پایان خرداد ۱۴۰۱ در مقایسه با مدت مشابه یعنی از فروردین ۱۳۹۹ تا خرداد ۱۴۰۰ رشد ۳ درصدی در وزن و رشد ۲۲ درصدی در ارزش داشته است. ۵ کشور عمان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، بحرین و امارات بیشترین تغییرات ارزشی و ۵ کشور قزاقستان، ترکیه، کویت، ترکمنستان و عمان بیشترین تغییرات وزنی را در مدت مذکور (چهار ماهه ابتدایی سال) تجربه کرده‌اند.

جهش ۲۲ درصدی صادرات به همسایگان

بازار کشورهای همسایه ایران شامل ۱۵ کشور دارای مرز خاکی و دریایی به‌دلایلی همچون سهولت دسترسی (وجود مرزهای زمینی و دریایی مشترک که باعث کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل می‌شود)، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران، وجود اشتراکات فرهنگی، مذهبی، زبانی و تمدنی، محوریت ترانزیتی ایران و امکان صادرات مجدد کالاهای تولید ملی به بازارهای فرامنطقه‌ای از طریق کشورهای همسایه (در نتیجه کاهش آثار تحریم‌ها بر تجارت خارجی)، دارای اهمیت راهبردی است و در هر برنامه‌ای برای توسعه تجارت خارجی و صادرات کالاهای ایرانی، باید در اولویت قرار گیرند. با وجود این اما طی همه این سال‌ها، ایران سهم

شایسته‌ای در این بازار که اندازه آن بیش از ۱۰۵۰ میلیارد دلار بوده را به‌دست نیاورده است؛ به‌طوری که سهم کشورمان از بازار ۱۵ کشور همسایه، تنها در حدود ۲/۱ درصد بوده است. این روند منفی اما در سال ۱۴۰۰ و چهار ماهه ابتدایی ۱۴۰۱ تغییر پیدا کرد و پس از مدت‌ها شاهد رشد صادرات کشور به ۱۵ همسایه خاکی و دریایی خود بودیم. بر اساس آمارهای گمرک در سال ۱۴۰۰ ارزش صادرات ایران به ۱۵ کشور همسایه در حالی که ۲۶ میلیارد و ۲۰ میلیون دلار رسیده که این رقم برای سال قبل آن (۱۳۹۹) در حدود ۲۰ میلیارد و ۲۳۶ میلیون دلار بوده و در واقع رشد ۳۰ درصدی را نشان می‌دهد. هر چند به زعم عده‌ای، این رشد به دلیل عبور کشورها از شرایط کرونایی و گشودن مرزها بوده اما

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

طور کلی وقایعی همچون جنگ روسیه و اوکراین، تغییر حکومت در پاکستان و روی کار آمدن طالبان در افغانستان، تحولات سیاسی هستند که اثرگذاری مستقیمی بر متغیرهای اقتصادی دارند. بنابراین تغییر راهبرد و به روز کردن سیاست‌های تجاری و اقتصادی کشور متناسب با این تغییرات، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از همین رو، بیراه نیست که سیاست‌های اقتصادی کشور به سمت تنوع‌بخشی به صادرات، تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه با کشورهای همسایه، شکل‌دهی شبکه جدید ارزی با روسیه به جای سوئیفت و استفاده از اتحادیه اوراسیا برود.

جهش ۲ برابر صادرات به همسایگان در دولت سیزدهم

در کنار تقویت دیپلماسی اقتصادی و سیاسی، رشد قابل‌توجه صادرات به کشورهای همسایه نیز از جمله موضوعات قابل‌تأمل در دولت سیزدهم بوده است، به طوری که میزان صادرات ایران به ۱۵ کشور همسایه در ۴ ماهه فروردین تا پایان خرداد ۱۴۰۱ در مقایسه با مدت مشابه یعنی از فروردین ۱۳۹۹ تا خرداد ۱۴۰۰ رشد ۳ درصدی در وزن و رشد ۲۲ درصدی در ارزش داشته است. همچنین ارزیابی‌ها از صادرات ایران در سال ۱۴۰۰ به ۱۵ کشور همسایه نشان می‌دهد در مجموع طی این مدت ۲۶ میلیارد و ۲۰ میلیون دلار کالا با وزنی معادل ۷۵ میلیون و ۴۴۵ هزار تن به این کشورها صادر شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته از نظر وزنی رشد ۱۲ درصدی و از نظر ارزشی رشد ۲۹ درصدی داشته است. درخصوص رقم دقیق صادرات در دولت جدید نیز محاسبات نشان می‌دهد طبق آمارهای گمرک ایران طی دوره ۹ ماهه شهریور ۱۴۰۰ تا مرداد ماه ۱۴۰۱ حجم صادرات غیرنفتی کشورمان به ۱۵ کشور همسایه حدود ۶۵ میلیون تن به ارزش ۲۴ میلیارد و ۱۲۶ میلیون دلار بوده است. این مقدار در دوره ۹ ماهه شهریور ۱۳۹۹ تا خرداد ۱۴۰۰ حدود ۳۷ میلیون تن به ارزش ۱۲ میلیارد و ۹۶ میلیون بوده که به لحاظ وزنی رشد ۷۵ درصدی و به لحاظ ارزش رشد ۱۰۰ درصدی را نشان می‌دهد.

بررسی مقاصد صادراتی همسایگان

بررسی آمارها در سال‌های جاری نشان

می‌دهد که عراق با ۲ میلیارد و ۳۹۸ میلیون دلار نخستین و بزرگ‌ترین بازار هدف ایران بین همسایگان است که صادرات به این کشور در چهار ماهه امسال افت وزنی ۳۷ درصدی و کاهش ارزشی ۱۵ درصدی را تجربه کرده است. امارات دومین مقصد صادراتی ایران محسوب می‌شود. این کشور یکی از دو کشوری است که در لیست مقاصد صادراتی ایران، در چهار ماهه امسال بیشتر از مدت مشابه سال گذشته کالای ایرانی خریداری کرده است. صادرات به امارات از نظر وزنی بدون تغییر و از نظر ارزشی افزایش ۴۰ درصدی داشته است. وزن صادرات به افغانستان نیز گرچه نسبت به سال گذشته افت ۵۰ درصدی در وزن و از نظر ارزشی افت ۳۲ درصدی پیدا کرده اما همچنان سومین مقصد صادراتی کالاهای ایرانی بوده است. ترکیه هم بین مقاصد صادراتی ایران، چهارمین بازار است که در چهار ماه منتهی به خرداد امسال هم جهش وزنی قابل توجهی داشته و هم رشد ارزشی چشمگیری را تجربه کرده است. ارزش صادرات به این کشور همسایه در حدود ۲ میلیارد و ۶۰ میلیون دلار بوده که به لحاظ ارزشی ۱۲۳ درصد و به لحاظ وزنی ۲۳۲ درصد جهش داشته است. در این رتبه‌بندی و بر اساس ارزش صادراتی، عمان، پاکستان، روسیه، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ارمنستان، کویت، قزاقستان، قطر و بحرین به ترتیب در رتبه‌های بعدی صادرات کشور حضور دارند. نکته قابل بررسی دیگر میزان تغییرات وزنی و ارزشی صادرات ایران به این کشورهای همسایه در سال جاری است که نشان می‌دهد ۵ کشور عمان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، بحرین و امارات بیشترین تغییرات ارزشی را در جهش صادراتی به همسایگان داشته‌اند. همچنین میزان صادرات به ۵ کشور قزاقستان، ترکیه، کویت، ترکمنستان و عمان بیشترین تغییرات وزنی را در مدت مذکور تجربه کرده است. در ادامه گزارش منتخبی از کشورهای همسایه و تغییر و تحولات تجاری با آنها را بررسی می‌کنیم.

عمان؛ ایران و عمان رابطه سیاسی پایداری با یکدیگر دارند و روابط دو کشور قبل و بعد از انقلاب بدون تنش و دوستانه بوده اما ثبات روابط سیاسی موجب پایداری و گسترش روابط تجاری عمان با ایران نشده است و علی‌رغم رشد تجارت دو کشور در سال‌های اخیر، همچنان مجموع تجارت دو

کشور رقم قابل توجهی را شامل نمی‌شود. در سال‌های اخیر میزان صادرات به عمان توسط ایران روند روبه رشدی داشته اما سال در سال جاری رشد قابل توجه ۶۸ درصدی در وزن و ۱۳۵ درصدی در ارزش داشته است. بر اساس آمارها میزان صادرات ایران به عمان از ۱۷۷ میلیون دلار در چهار ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۹ به ۴۱۵ میلیون دلار در مدت مشابه سال جاری رسیده است. در حجم کالاهای صادر شده نیز از ۶۶۷ هزار تن در سال ۱۳۹۹ به ۱ میلیون و ۱۲۰ هزار تن در ابتدای سال جاری رسیده است. چند روز پیش نیز روبرتزر به تقویت روابط ایران و عمان اشاره داشته و در تحلیلی عنوان کرده بود «روابط تجاری ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس اخیراً متناقض بوده است. تجارت ایران با عمان در سال ۲۰۲۱ افزایش چشمگیری یافته که اعداد بی‌سابقه بوده است.»

ترکیه؛ رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در مراسم امضای ۸ سند و یادداشت تفاهم همکاری ایران و ترکیه اعلام کرد: «ما یک هدف یعنی رسیدن به حجم تجارت ۳۰ میلیارد دلاری را تعیین کردیم و متأسفانه به دلیل پاندمی کرونا این حجم تجارت به شکل معناداری کاهش پیدا کرد و هم‌اکنون به حجم تجارت ۷ میلیارد دلار رسیدیم. باور دارم با عزم راسخ دو کشور خواهیم توانست حجم تجارت ۳۰ میلیارد دلاری را رقم بزنیم.» حسین امیرعبداللّه‌یان، وزیر امور خارجه ایران نیز در مورد روابط دو کشور این عبارت را گفته بود: «هیچ سقفی برای ارتقای روابط با ترکیه در آن زمان وجود ندارد.» همه این موارد نشان می‌دهد که عزم دو کشور برای ارتقای تجارت بالا بوده و مرکز آمار ترکیه نیز در گزارشی که اخیراً منتشر کرده این مهم را گوشزد کرده است. مرکز آمار ترکیه معتقد است که بر خلاف عده‌ای که ایران و ترکیه را دشمنان یکدیگر قلمداد می‌کنند، صادرات ایران به ترکیه در ۶ ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۲ بیش از ۸۰ درصد رشد داشته است. بررسی آمارهای گمرک در ۴ ماهه ابتدایی سال نیز نشان می‌دهد که رشد صادرات ایران به ترکیه به لحاظ وزنی ۲۳۲ درصد و به لحاظ ارزشی ۱۲۳ درصد بوده. در سال ۱۴۰۰ نیز جهش صادراتی ۱۴۷ در وزن و ۱۴۰ در ارزش ثبت شده بود.

جمهوری آذربایجان؛ روابط ایران و

مقایسه صادرات ایران به کشورهای همسایه در چهار ماهه نخست سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰

کشور	سال ۱۳۹۹		سال ۱۴۰۰		تغییرات (درصد)	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزنی	دلاری
ترکمنستان	۷۳۳	۱۳۷	۱,۳۶۳	۳۳۵	۸۶	۱۴۴
ترکیه	۶,۳۸۳	۲,۵۳۴	۱۵,۷۳۸	۶,۰۸۷	۱۴۷	۱۴۰
عمان	۲,۰۰۸	۴۳۸	۲,۲۸۳	۷۱۶	۱۴	۶۳
پاکستان	۲,۵۷۱	۱,۰۱۶	۲,۹۰۶	۱,۲۶۱	۱۳	۲۴
عراق	۲۵,۶۱۵	۷,۴۳۱	۲۹,۸۸۲	۸,۹۱۶	۱۷	۲۰
بحرین	۱۱	۸	۱۴	۱۰	۳۷	۱۵
روسیه	۱,۰۵۰	۵۰۳	۱,۱۴۰	۵۷۹	۹	۱۵
قزاقستان	۳۳۸	۱۶۸	۵۱۲	۱۸۷	۵۱	۱۱
آذربایجان	۱,۰۰۳	۵۱۱	۸۲۹	۵۶۵	-۱۷	۱۱
امارات	۱۵,۰۸۳	۴,۵۶۷	۱۰,۷۶۳	۴,۹۲۹	-۲۹	۸
کویت	۳,۰۳۷	۱۵۵	۳,۵۹۳	۱۵۸	۱۸	۲
ارمنستان	۱,۲۴۶	۳۰۵	۱,۰۵۴	۳۰۴	-۱۵	-
افغانستان	۶,۹۹۷	۲,۲۹۶	۴,۱۸۷	۱,۸۳۹	-۴۰	-۲۰
قطر	۱,۳۵۷	۱۶۷	۱,۱۸۲	۱۳۴	-۱۳	-۲۰



جمهوری آذربایجان در یک سال اخیر علی‌رغم آنکه روزهای پر تنش را پشت سر گذاشته اما به مقاصد خوبی رسیده است. در سپتامبر ۲۰۲۱، ایران یک آزمایش نظامی در نزدیکی مرز خود بر سر مخالفت‌های جمهوری آذربایجان برگزار کرد و در اکتبر سال بعد، جمهوری آذربایجان ایران را به تسهیل قاچاق مواد مخدر متهم کرد. در همان ماه اما مقامات ایرانی بارها به جمهوری آذربایجان در مورد رابطه این کشور با اسرائیل هشدار دادند و در نهایت دو طرف متعهد شدند که مسائل خود را از طریق گفت‌وگو حل کنند. بر اساس بررسی‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران مجموع تجارت دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان در حدود ۲۵۰ میلیون دلار بوده که ۲۳۵ میلیون دلار آن را صادرات به جمهوری آذربایجان در ۴ ماهه ابتدایی سال جاری تشکیل می‌دهد. این میزان از صادرات رشد ۷۸ درصدی در مدت مقایسه با مدت مشابه سال گذشته را نشان می‌دهد. این رشد در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال قبل‌تر از آن در حدود ۱۱ درصد بوده است. امارات؛ امارات متحده عربی از دیرباز یکی از حلقه‌های اصلی ایران با جهان خارج بوده است، اما بر اساس داده‌های بانک جهانی، اعمال مجدد تحریم‌ها توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سال ۲۰۱۸، تجارت دوجانبه را به نصف و به ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رساند. با وجود این اما داده‌های آماری از رشد صادرات در سال ۱۴۰۰ حکایت دارد. در این سال مجموع تجارت دو کشور متجاوز از ۲۱ میلیارد دلار بوده که قاعدتاً و به رسم همیشه سهم امارات در صادرات به ایران عمده این رقم را شامل می‌شود. رضا فاطمی امین، وزیر صمت در بهمن سال گذشته و دقیقاً همزمان با نرفت پراکنی‌های امریکایی بین ایران و امارات در سفری سه روزه به این کشور رفت و گفت‌وگوها و اسناد اقتصادی را در راستای برنامه‌های دولت برای توسعه دیپلماسی اقتصادی و تجاری با این کشور به انجام رساند. بر اساس آمارها در سال جاری ارزش صادراتی ایران به امارات با رشد ۳۹ درصدی از ۱ میلیارد و ۶۲۷ میلیون دلار به ۲ میلیارد و ۳۹۸ میلیون دلار رسید که در عین حال وزن کالاهای صادر شده با افت ۸ درصدی همراه بود.

ترکمنستان؛ ترکمنستان همسایه شمالی ایران، در خشکی محصور است و ۴ مرز با

ایران دارد و در این ۲۵ ساله که از استقلال آن می‌گذرد همواره روابط پایدار با ما داشته است. سردار بردی محمداف رئیس‌جمهور ترکمنستان ماه گذشته برای اولین بار در این سمت در قالب هیأتی به ایران آمد که ظاهراً عمده گفت‌وگوها نیز حول دو مسأله ترانزیت و تجارت دو کشور بوده است. ترکمنستان از طریق خط ریلی سرخس و بندرعباس از شمال شرق ایران به جنوب و بعد از آن از طریق چابهار، پا در اقیانوس هند خواهد گذاشت، از همین رو افزایش ترانزیت کالا به نفع طرفین خواهد بود. از طرف دیگر با وجود روند کاهشی که سال ۱۳۹۵ به بعد در تجارت و صادرات ایران با این کشور به وجود آمده، در سال ۱۴۰۰ و سال جاری شاهد افزایش ۱۴۴ و ۳۷ درصدی در صادرات بوده‌ایم. ایران سال‌ها دومین صادرکننده بزرگ به ترکمنستان بوده و این جایگاه در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به پنج‌م تنزل پیدا کرده، از همین رو نگاه دولت مبنی بر افزایش روابط با همسایگان در قالب توافقنامه‌ها و همکاری‌های توسعه می‌تواند سهم ما را از بازار ترکمنستان افزایش دهد؛ سهمی که در سال‌های اخیر به ترکیه و روسیه واگذار کرده‌ایم. بر اساس آمارهای گمرک، میزان صادرات در سال جاری علاوه بر رشد ۳۷ درصدی در ارزش به لحاظ وزنی نیز رشد ۷۶ درصدی داشته است. مجموع صادرات ایران به کشور از ابتدای فروردین تا پایان خرداد ۱۴۰۱ بیش از ۱۳۲ میلیون دلار بوده و مجموع

مقایسه صادرات ایران به کشورهای همسایه در چهار ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰						
کشور	چهار ماهه سال ۱۴۰۰		چهار ماهه سال ۱۴۰۱		تغییرات (درصد)	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزنی	دلاری
عمان	۶۶۷	۱۷۷	۱,۱۲۰	۴۱۵	۶۸	۱۳۵
ترکیه	۱,۰۱۳	۹۲۳	۳,۳۶۳	۲,۰۶۰	۲۳۲	۱۲۳
آذربایجان	۲۵۷	۱۳۰	۲۵۰	۲۳۲	-۳	۷۸
بحرین	۴	۲	۴	۳	۷	۴۳
امارات	۴,۲۷۳	۱,۶۲۷	۳,۹۵۲	۲,۲۶۴	-۸	۳۹
ترکمنستان	۵۳۳	۹۶	۹۳۸	۱۳۲	۷۶	۳۷
ارمنستان	۲۷۹	۸۳	۲۷۹	۱۱۳	-	۳۶
کویت	۷۴۸	۴۳	۱,۶۶۰	۵۸	۱۲۲	۳۵
روسیه	۳۶۸	۱۸۶	۴۲۷	۲۳۲	۱۶	۲۵
پاکستان	۹۱۱	۳۴۱	۸۵۵	۳۷۷	-۶	۱۰
قزاقستان	۱۵	۵۳	۲۰۷	۴۹	۱,۲۸۹	-۷
قطر	۳۴۴	۴۵	۲۸۷	۴۰	-۱۷	-۱۲
عراق	۱۰,۹۴۲	۲,۸۱۷	۶,۹۳۲	۲,۳۹۸	-۳۷	-۱۵
افغانستان	۱,۸۰۱	۷۲۸	۹۳۸	۴۹۷	-۴۸	-۳۲



ایران

انرژی

- ◆ رکوردشکنی صادرات پس از ۳ سال
- ◆ ایست به خاموشی‌های ۲ ساله
- ◆ خداحافظی شهرها و روستاهای ایران با تنش آبی



هنوز هیچ تحریمی لغو و یا کاهش نیافته
اما صادرات نفت ۴۵ درصد افزایش یافته است

رکوردشکنی صادرات پس از ۳ سال

از زمان روی کار آمدن دولت رئیسی، چین روزانه از ایران چیزی حدود
۷۰۰ تا یک میلیون بشکه نفت می‌خرد

هزار و ۱۱۷ درصدی داشته است. اگر افزایش درآمد های نفتی در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ نبود و دولت سیزدهم هم همچون دولت قبل برای رفع کسری بودجه خود ۱۹۰ هزار میلیارد تومان پایه پولی را افزایش می‌داد، با توجه به ضریب فزاینده ۷ برابری، در مجموع ۱۳۳۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی جدید به اقتصاد کشور اضافه می‌شد که آثار تورمی وحشتناکی ایجاد می‌کرد، ضمن آنکه تسویه ۵۴ هزار میلیارد تومان از استقراض دولت قبل از بانک مرکزی توسط دولت رئیسی، سبب کاهش همین مقدار از حجم پایه پولی شد که به دنبال آن بر کنترل نقدینگی و تورم تأثیر گذاشته است. یک مقام آگاه در وزارت نفت این رقم را تأیید می‌کند و به «ایران» می‌گوید: «صادرات نفت کشور اکنون فراتر از یک میلیون بشکه در روز است. اما ارائه ارقام دقیق امکانپذیر نیست. در این مدت افزایش درآمدهای نفتی ایران از افول بیشتر شاخص های اقتصادی ممانعت کرده است. توجه به این نکته ضروری است.» اخیراً وزارت نفت در گزارشی نوشت: «در چند ماه اخیر افزایش فروش نفت و میعانات در کنار افزایش قیمت، کسری سنگین بودجه ۱۴۰۰ را جبران کرده و دست دولت را در مدیریت بازار ملتهب ارز، بازتر کرده است. چنان که دولت برای اولین بار در سال های اخیر برای اداره خود در ماه های نخست سال از بانک مرکزی تنخواه نگرفته است.»

گروه اقتصادی / شکستن رکورد فروش نفت و میعانات گازی در ۳ سال اخیر و رشد ۴۰ درصدی صادرات نفت خام و میعانات گازی نسبت به ماه آخر دولت قبل، از اتفاقات مهم اقتصادی در سال نخست دولت سیزدهم به شمار می‌رود که در اوج تحریم های ظالمانه غرب رقم خورد. به این ترتیب که در ماه های نخست این دولت، صادرات نفت خام و میعانات گازی هر ماه بیشتر از ماه قبل بود و در نهایت از اواخر زمستان روی میانگین ۴۰ درصد افزایش نسبت به ابتدای دولت به ثبات رسید.

طی یک سال اخیر، اگرچه آمار صادرات نفت کشور محرمانه بود و به صورت رسمی از سوی وزارت نفت و سایر نهادها اعلام نشد اما با آمار منابع ثانویه و گزارش های سازمان هایی مانند اوپک و مؤسساتی مانند مؤسسه ردیابی نفتکش کپلر تأیید شد و در نهایت رسانه های بین المللی از جمله رویترز می‌گویند که در این دولت عملاً تحریم های امریکا اثرگذاری مورد انتظار این کشور را نداشته و حتی فراتر از آن، خودتحریمی بوده است. درباره این افزایش صادرات نفت با وجود تحریم ها خبرگزاری «رویترز» اواخر سال ۱۴۰۰ نوشت: «صادرات نفت ایران به بالاترین سطح از زمان تحریم رسیده است. منابع آگاه می‌گویند که صادرات نفت ایران در سال جاری میلادی برای اولین بار از زمان خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ بیش از یک میلیون بشکه در روز شده است.» این خبرگزاری چندی پیش نیز تأکید کرد: «ایران هنوز یک میلیون بشکه در روز نفت دیگر می‌تواند به عرضه خود به بازار بیفزاید. بازار برای حفظ تعادل و کاهش قیمت ها، به این بشکه های نفت نیاز دارد.»

چرا صادرات نفت افزایش یافت؟

این افزایش صادرات نفت خام و میعانات گازی در شرایطی که تحریم ها در اوج تاریخی خود قرار دارد، از طریق انعقاد قراردادهای جدید صادراتی و بهره‌گیری از روش های متنوع فروش از جمله تهاتر رقم خورده است. دولت با استفاده از تمام ظرفیت ها به گونه ای اقدام کرد که نه تنها صادرات نفت کشور صفر و هدف امریکا محقق نشد، بلکه حتی بهبود

برخی از شاخص ها اتفاق افتاد. بر همین اساس، آمارهای وزارت نفت نشان می‌دهد که این وزارتخانه در سال گذشته ۱۰ درصد بالاتر از تعدهای خود در بودجه را محقق کرده و از همین رو دولت کسری بودجه ای از محل درآمدهای نفتی در سال ۱۴۰۰ نداشته است. در این راستا بیش از ۱۹۰ هزار میلیارد تومان درآمدهای صادرات نفت خام و میعانات به خزانه در سال ۱۴۰۰ واریز شده که در مقایسه با رقم ۱۷ هزار میلیارد تومانی در سال ۱۳۹۹، رشد

ویژه نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



۲۰۲۱ میلادی از مرز ۹۰۰ هزار بشکه در روز فراتر رفت. به این ترتیب رسانه‌های غربی نیز از رکورد شکنی صادرات نفت ایران طی ماه‌های اخیر گزارش می‌دهند.

چین بزرگترین مشتری نفت ایران

چین اگرچه در تمام این سال‌ها مشتری نفت ایران بوده اما در دولت سیزدهم حجم خرید نفت از ایران را به بالاترین رقم در تحریم رساند. این کشور با وجود تحریم‌های امریکا در سال‌های اخیر محموله‌های نفتی متعددی از ایران وارد کرده است که در برخی از ماه‌های اخیر، میزان واردات آن از ایران به بیش از ۹۰۰ هزار بشکه در روز نیز رسید. از نگاه کارشناسان این اتفاق با بازسازی از سوی وزارت نفت دولت سیزدهم رقم خورده است. البته از میان تمام این محموله‌ها تنها مبدأ ۳ محموله به صورت رسمی ایران اعلام شده است.

در این رابطه، در ماه ژانویه ۲۰۲۲ گمرک چین آماری را در مورد واردات رسمی نفت از ایران منتشر کرد و به این ترتیب، رسماً نقض هرچند محدود تحریم‌های امریکا را تأیید کرد. این مسأله در رسانه‌های بین‌المللی به‌عنوان شکست تحریم‌های امریکا عنوان شد. اداره کل گمرک چین در اولین اطلاعیه رسمی واردات نفت ایران از دسامبر ۲۰۲۰، اعلام کرده بوده که این کشور در آخرین ماه سال گذشته میلادی ۲۶۰۳۱۲ تن نفت خام از ایران خریداری کرده‌است. در همین حال، آخرین محموله وارداتی متعلق به اردیبهشت ماه (مه ۲۰۲۲) است. این محموله شامل حدود دو میلیون بشکه نفت ایران می‌شد و سومین محموله بزرگ نفتی بود که چین اعلام کرد از ماه دسامبر از ایران خریداری کرده است.

اما به گزارش خبرگزاری رویترز، سهم واردات غیررسمی نفت ایران به چین حدود ۷ درصد از کل واردات نفت خام چین برآورد می‌شود. بر مبنای همان داده‌های اداره کل گمرک چین، در ماه ژوئن این کشور روزانه ۸/۸۳ میلیون بشکه در روز نفت وارد کرده است. ۷ درصد این عدد بیش از ۶۱۸ هزار بشکه می‌شود. این حداقل واردات نفت چین از ایران است و بر همین مبنای رویترز عنوان می‌کند که ایران روزانه حدود ۷۰۰ هزار تا ۹۰۰ هزار بشکه نفت به چین صادر می‌کند.

در مورد دیگر، مؤسسه کپلر، میانگین صادرات نفت ایران به چین در این دولت را ۶۱۷ هزار بشکه در روز عنوان و اذعان می‌کند «صادرات نفت ایران به چین از اول ژوئن تا ۱۹ ژوئن به طور متوسط به ۹۶۱ هزار بشکه در روز بوده است.»

محمدصادق جوکار، رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی وزارت نفت درباره این بازسازی نفت توضیح می‌دهد: «الگوی فروش نفت ایران در دولت یازدهم و دوازدهم همانند الگوی قرن بیستمی بود، با بازگشت تحریم‌ها با کاهش صادرات نفت مواجه شدیم، الگوی قرن بیستمی یعنی اینکه متولیان امر در وزارت نفت همچنان فکر می‌کردند دست برتر با عرضه‌کنندگان است درحالی که معادلات بازار نفت تغییر کرده بود. بازسازی برای فروش نفت ایران بدین معناست که

آمارهای وزارت نفت نشان می‌دهد که این وزارتخانه در سال گذشته ۱۰ درصد بالاتر از تعهدهای خود در بودجه را محقق کرده و از همین رو دولت کسری بودجه‌ای از محل درآمدهای نفتی در سال ۱۴۰۰ نداشته است. در این راستا بیش از ۱۹۰ هزار میلیارد تومان درآمدهای صادرات نفت خام و میعانات به خزانه در سال ۱۴۰۰ واریز شده که در مقایسه با رقم ۱۷ هزار میلیارد تومانی در سال ۱۳۹۹، رشد هزار و ۱۱۷ درصدی داشته است

محل فروش نفت در این سال نسبت به سال قبل از آن سه برابر شده است.

افزایش صادرات نفت در اخبار بین‌المللی

علاوه بر رویترز، «تانکرترکز» به‌عنوان شرکتی که تردد نفتکش‌ها را رصد می‌کند، در چند خبر مختلف تأکید کرده که ایران صادرات نفت خود را به بالای یک میلیون بشکه در روز رسانده است. این شرکت در بهمن ۱۴۰۰ گزارش داد که صادرات نفت ایران برای نخستین بار در سه سال گذشته، به بیش از یک میلیون بشکه در روز رسیده است.

«واشنگتن فری بیکن» نشریه محافظه‌کاران امریکا نیز در گزارشی با عنوان «ناوگان کشتی‌های ارواح» ایران، به افزایش قابل توجه صادرات نفت ایران و دو برابر شدن حمل نفت و فرآورده‌های نفتی ایران پرداخت.

اصطلاح «کشتی‌های ارواح» که پیش از این از سوی نشریات دیگری چون وال‌استریت ژورنال و رویترز نیز به‌کار رفته بود، واکنشی به اقدام‌های نفتکش‌های ایرانی برای دور زدن تحریم‌ها و حمل بار به اقصی نقاط جهان است، بدون اینکه شناسایی شوند.

«بلومبرگ» نیز در این رابطه با استناد به منابع ثانویه بازار از عبور صادرات نفت ایران از مرزهای شکست تحریم امریکا گزارش می‌دهد و عنوان می‌کند که صادرات نفت ایران نه تنها صفر نشد بلکه در اواخر سال

تأیید میزان صادرات نفت در گزارش اوپک

در تازه‌ترین گزارش سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام، یعنی گزارش ماه اوت اوپک آمده است که ایران در ماه ژوئیه ۲ میلیون و ۵۵۸ هزار بشکه نفت خام تولید کرده است و میزان برآوردها ۱۱ هزار بشکه کمتر از ماه ژوئن (خردادماه- تیرماه) است اما همچنان میزان تخمینی تولید نفت ایران نشان می‌دهد که صادرات نفت کشور بیش از یک میلیون بشکه در روز است.

در این گزارش رقم پلایش و مصرف داخلی نفت خام کشور یک میلیون و ۶۹۱ هزار بشکه برآورد شده است. با در نظر گرفتن این ارقام که البته توسط مقامات وزارت نفت نه رد و نه تأیید شده؛ می‌توان گفت که منابع ثانویه، صادرات روزانه نفت خام ایران را رقمی در حدود ۸۶۷ هزار بشکه تخمین می‌زنند. این رقم احتمالاً کمتر از تولید و صادرات ایران است زیرا نفت خام ایران به خاطر تحریم‌ها در بازار خاکستری به فروش می‌رسد، اما با احتساب این رقم و در نظر گرفتن اینکه صادرات میعانات گازی کشور در حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز است، می‌توان گفت که میزان صادرات نفت کشور (مجموع نفت خام و میعانات گازی) از یک میلیون بشکه در روز فراتر می‌رود.

در گزارش تیرماه این سازمان نیز اشاره شده است که ایران نیز از محل فروش نفت در سال ۲۰۲۱ افزون بر ۲۵ میلیارد و ۳۱۳ میلیون دلار درآمد کسب کرده است. درآمد ایران از

موضوع تحریم از موضوع دوجانبه امریکا و ایران به موضوع مورد دغدغه کشور طرف ثالث در تعاملات نفتی ایران تبدیل شود. بدین صورت بازار فروش نفت ایران اثرپذیری حداقلی از بازگشت تحریمها داشته و تداوم یابد.»

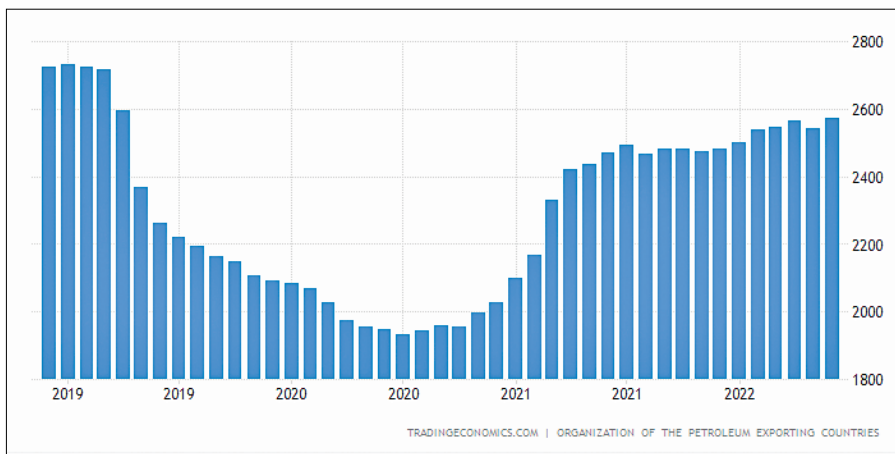
نفت ایران و هنر خنثی‌سازی تحریمها

فعالان بازار و همین‌طور کارشناسان بین‌المللی، افزایش سهم ایران از بازار جهانی نفت خام در دولت سیزدهم را یک اتفاق مهم می‌دانند. در این خصوص، ممدوح سلامه اقتصاددان بین‌المللی نفت و استاد اقتصاد انرژی دانشگاه تجارت اروپا، لندن به «ایران» می‌گوید: «گزارش‌های مختلفی از میزان صادرات نفت ایران در شرایط کنونی وجود دارد؛ مبنی بر اینکه ایران ممکن است تا ۱.۵ میلیون بشکه در روز نیز نفت صادر کند که دو سوم آن بر خلاف تحریم‌های امریکا به کشور چین می‌رود. در واقع، ایران هنر کاهش اثرات نامطلوب تحریمها و خنثی‌سازی آنها را به کمال رسانده است.»

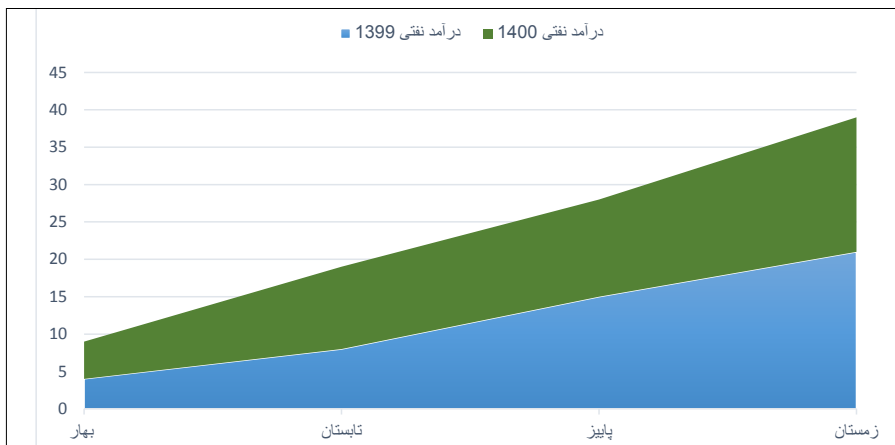
فریدون برکشلی، رئیس دفتر مطالعات انرژی وین، در این زمینه به «ایران» می‌گوید: «منابع ثانویه، اکنون میزان صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران را ۱۲ میلیون بشکه در روز اعلام می‌کنند.» در دولت سیزدهم نه تنها تولید و صادرات نفت افزایش داشته؛ بلکه درآمدهای نفتی نیز رشد داشته است. به طوری که وزیر نفت می‌گوید: «درآمد نفتی کشور در سال ۱۴۰۰ حدود ۲/۵ برابر درآمدهای نفتی سال ۱۳۹۹ بود.»

تداوم درآمدهای نفتی

پس از شروع بحران اوکراین و افزایش صادرات نفت روسیه به آسیا، این گمانه زنی‌ها پیش آمد که ممکن است چین بازار نفت ایران را گرفته باشد. اما مقامات آگاه در وزارت نفت میانگین ماهانه صادرات نفت کشور را همچنان ۴۰ درصد بالاتر از ابتدای دولت می‌دانند و می‌گویند که ایران بازار خود را در آسیا به ویژه چین از دست نداده است و اساساً بازار ایران و روسیه در چین چندین همپوشانی ندارد. پایداری افزایش ۴۰ درصدی صادرات نفت ایران از آذرماه پارسال رقم خورده است. سخنگوی انرژی مجلس شورای اسلامی نیز در این رابطه می‌گوید: «اگرچه آمارهای دقیق صادرات نفت و میزان درآمدهای نفتی در اختیار نهادهایی مانند وزارت نفت و بانک مرکزی است اما در جلساتی که خدمت آقایان وزارت نفت بوده‌ایم و گزارش‌هایی که دریافت کرده‌ایم نشان می‌دهد که در ماه‌های اخیر نه تنها کاهش درآمدهای نفتی رخ نداده بلکه افزایش درآمدهای نفتی را نیز داشته‌ایم. بخش قابل توجهی از این افزایش درآمدها مربوط به حجم صادرات نفت است، البته افزایش قیمت جهانی نفت نیز در ارزآوری این بخش بی‌تأثیر نبوده است اما گزارش‌ها نشان می‌دهد که در ماه‌های اخیر کاهش فروش نفت نیز رقم نخورده است و همچنان حجم فروش نفت کشور بالاتر از روزهای ابتدایی دولت است.» مصطفی نخعی در گفت‌وگو با «ایران» ادامه می‌دهد: «در این مدت شرایط فروش نفت تسهیل شده؛ تجربه فروش نفت در



تولید نفت خام ایران بر مبنای گزارش اوپک (هزار بشکه در روز)



درآمد نفتی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ - میلیارد دلار (منبع: بانک مرکزی)

را به می‌توان بازار عرضه کرد. در این راستا، با انجام اقدام‌های مؤثر در میدان‌های نفتی، خشکی و دریایی، حفاری چاه‌های جدید، تعمیر چاه‌ها و تعمیرات، بازسازی و نوسازی تأسیسات، مراکز جمع‌آوری نفت، ظرفیت کنونی تولید نفت به پیش از تحریم‌ها یعنی به رقم روزانه بیش از ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت رسیده است و اکنون حتی برای تولید این مقدار نفت مشکلی وجود ندارد.

البته ظرفیت تولید با تولید فرق دارد و در اصل ظرفیت نشان‌دهنده توان تولید است اما بیش از ۱۸۰۰ اقدام عملیاتی در چاه‌های نفتی توسط متخصصان شرکت ملی نفت ایران و انجام بیش از ۲۵۰ کار مربوط به تعمیرات اساسی از جمله تأسیسات سرچاهی و تعمیرات اساسی مربوط به تأسیسات سطح‌الارضی و هزینه کرد حدود ۵۰۰ میلیون دلار در این زمینه، این فرصت را فراهم کرده که در صورت نیاز افزایش تولید نفت اعمال شود. بخش قابل توجهی از این هزینه‌ها صرف نگهداشت تولید شد که در سند تحول دولت و برنامه‌های دستگاه بر آن تأکید شده است.

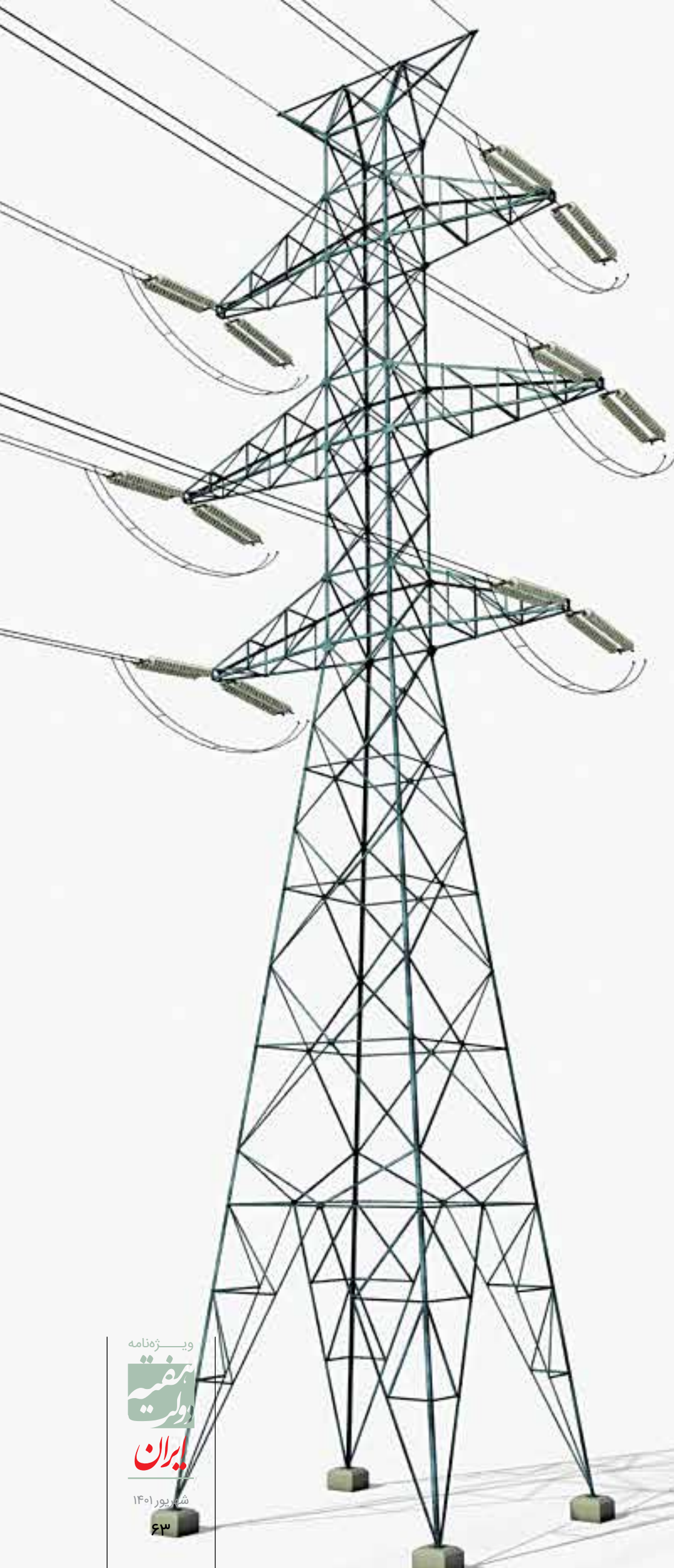
اکنون در پایان سال نخست دولت سیزدهم، صادرات نفت کشور از ابتدای آن و حتی از ۳ سال قبل از شروع دولت سیزدهم بالاتر، ظرفیت تولید نفت در اوج در یک دهه اخیر و درآمدهای نفتی نیز ۳ تا ۴ برابر سال ۲۰۲۰ میلادی است. در همین حال، برای جذب ۸۰ میلیارد دلار سرمایه در صنعت نفت تفاهنامه و قرارداد امضا شده است که به نتیجه رسیدن آنها تحویلی در این صنعت رقم خواهد زد. این رقم نیمی از منابع مالی مورد نیاز صنعت نفت است. این موارد به نوعی نتیجه فعال شدن دیپلماسی انرژی در این دولت نیز محسوب می‌شود.

دوران تحریم افزایش پیدا کرده است و ما تا اندازه‌ای راه‌های خنثی‌سازی تحریم‌ها را یاد گرفته‌ایم. از این رو سیاست صفر کردن صادرات نفت ایران نیز که دشمن بر آن تأکید می‌کرد، نه تنها شکست خورد، بلکه در بازار نفت رقابتی امروز با وجود شدیدترین تحریم‌ها باز هم می‌توانیم نفت بفروشیم.» او با اشاره به تسهیل فروش نفت در این دور از تحریم‌های بی‌سابقه، عنوان می‌کند: «این امر دلایل متعددی از جمله شیوه بازاریابی شرکت ملی نفت دارد. ضمن آنکه ایران یکی از بازیگران مهم در بازار و جامعه‌ی مانند اوپک است و بسیاری از پالایشگاه‌های جهان ساختار خود را براساس مؤلفه‌های نفت ایران تعریف کرده‌اند.» این نماینده مجلس شورای اسلامی درباره تحقق بودجه نفتی ۱۴۰۱ نیز اذعان می‌کند: «فکر می‌کنم این اتفاق براحتی در سال جاری می‌افتد و اگر همین شرایط فروش و ارزآوری نفتی را داشته باشیم، بخش نفتی بودجه ۱۴۰۱ محقق می‌شود. با توجه به دیپلماسی فعال انرژی طی ماه‌های اخیر، اگر بتوانیم نقش فعال‌تری را در بازار نفت ایفا کنیم و بازارهای متنوع‌تری را به دست بیاوریم، حتی بیش از ارقام آمده در بودجه محقق خواهد شد.»

در همین حال براساس آمارهای منتشر شده سازمان برنامه و بودجه درآمدهای نفتی دولت در چهارماهه نخست امسال حدود ۴۸۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش پیدا کرده و به رقم ۶۵ هزار میلیارد تومان رسیده است.

احیای ظرفیت تولید نفت کشور

در همین حال، با توجه به اقدامات انجام شده می‌توان اذعان کرد هر زمان تقاضای بیشتری برای نفت کشور ایجاد شود و یا تحریم‌های ظالمانه لغو شد، نفت بیشتری



چرا در تابستان ۱۴۰۱ با اینکه رکورد تقاضای مصرف شکست اما برق مردم نرفت؟

ایست به خاموشی‌های ۲ ساله

متوسط دمای تابستان امسال ۱/۱ درجه بالاتر از تابستان سال گذشته بود

گروه اقتصادی / صنعت برق سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه بود. نخست، خاموشی‌های مکرر ۲ تابستان ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰؛ دوم، خاموشی زمستانی سال ۱۳۹۹؛ سوم، ناترازی میان تولید و مصرف که تا تابستان ۱۴۰۰ به حدود ۱۵ هزار مگاوات رسیده بود؛ چهارم، قهر سرمایه و سرمایه‌گذار با توسعه این صنعت که چشم‌انداز ناترازی تولید و مصرف را تیره‌تر می‌کرد. در نهایت دولت سیزدهم در چنین شرایطی صنعت برق را تحویل گرفت. صنعتی زیرساختی با ۸۰ هزار میلیارد تومان بدهی، در اوج ناترازی تاریخی خود و غیرجذاب برای ورود سرمایه‌گذار. در همین حال سالانه به تعداد مشترکان و تقاضا برای کالای تولیدی آن افزوده می‌شد. در چنین شرایطی تقریباً تمام جامعه منتظر بود که در زمستان ۱۴۰۰ و تابستان ۱۴۰۱ دوباره خاموشی‌ها تکرار شود؛ اما برخلاف انتظار این اتفاق نیفتاد، چراکه مجموعه اقدامات برای مدیریت شرایط سخت انجام گرفت. کارشناسان این صنعت با در نظر گرفتن اینکه سال گذشته حدود ۱۵ هزار مگاوات ناترازی داشتیم می‌گویند که اگر اقدامی مؤثر صورت نمی‌گرفت با رشد سالانه مصرف انرژی، این رقم ناترازی به ۲۰ هزار مگاوات می‌رسید و امسال نه تنها خاموشی‌های گسترده، بلکه حتی با فروپاشی شبکه برق کشور مواجه می‌شدیم اما این اقدامات چه بود؟

چهره صنعت برق در تابستان ۱۴۰۱

در حال حاضر با ورود ظرفیت جدید نیروگاهی به شبکه تولید برق کشور، ظرفیت اسمی تولید به رقمی در حدود ۸۸ هزار مگاوات رسیده است، البته ظرفیت واقعی تولید به خاطر عواملی مانند دمای محیطی و ارتفاع از سطح دریا، کمتر از این رقم و در حدود ۶۰ هزار مگاوات است.

در همین حال امسال رکورد تقاضای مصرف شکست و حد نصاب مصرف برق برای چندمین بار تغییر کرد. بیشترین میزان آن ۶۹ هزار و ۲۷۸ مگاوات بود، در حالی که این رقم سال گذشته ۶۷ هزار مگاوات را نشان می‌داد که بیانگر افزایش ۲۲۰۰ مگاواتی تقاضای انرژی است.

علاوه بر رشد تقاضا، متوسط دمای تابستان امسال ۱/۱ درجه بالاتر از تابستان سال گذشته بود و میانگین آن ۳۸ درجه سانتیگراد بود. در برخی از شهرها دمایی بالاتر از ۵۴ درجه نیز تجربه شد. این درحالی است که به ازای هر درجه افزایش دما ۱۵۰۰ مگاوات به مصرف برق کشور اضافه می‌شود.

اما مشکلات صنعت برق در تابستان بسیار سخت امسال فقط به ناترازی جمعی تولید و مصرف که یادگار سال‌های قبل بود، خلاصه نمی‌شد. امسال با وقوع سیل تابستانی، صنعت برق در دو جبهه «تأمین و توزیع برق کشور» و «اقدامات عملیاتی در مناطق سیلزده» فعالیت داشت. حدود ۲۱ استان کشور امسال درگیر سیل شدند و صنعت برق همزمان مشغول خدمات‌رسانی به مناطق سیلزده نیز بود. در چنین شرایطی مجموعه اقدامات وزارت نیرو موجب شد که در تابستان بسیار

ویژه‌نامه



ایران

شماره یور ۱۴۰۱



چرا تابستان پارسال دیگر تکرار نشد؟

- تأمین سوخت زمستان ۱۴۰۰**
- ۱- تعامل سازنده بین دستگاهی با وزارت نفت و کشور، شورای عالی امنیت ملی و... در خصوص تأمین سوخت پایدار و مورد نیاز نیروگاهها و مدیریت سوخت دوم نیروگاهها
 - ۲- تأمین سوخت نیروگاهی با اولویت نیروگاههای دارای راندمان بالا
 - ۳- استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان
 - ۴- اقدامات فرهنگ‌سازی گسترده در راستای مدیریت مصرف انرژی (برق و گاز)

- توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر**
- ۱- اخذ مجوز شورای اقتصاد برای ایجاد ۴ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی
 - ۲- اخذ مجوز شورای اقتصاد برای ایجاد ۲ هزار مگاوات نیروگاه بادی
 - ۳- احداث ۵ هزار نیروگاه خانگی با همکاری نهادهای حمایتی

- تقویت زیرساخت‌های صنعت برق**
- ۱- بهره‌برداری از ۱۳ نیروگاه حرارتی به ظرفیت ۲۳۲۴ مگاوات
 - ۲- ارتقای توان نیروگاه‌های موجود به ظرفیت ۱۰۱۳ مگاوات
 - ۳- تعمیرات دوره‌ای نیروگاهی (دوره‌ای و اساسی) جمعاً به میزان ۱۱۱ هزار مگاوات تا پایان اردیبهشت ماه با پیگیری مستمر و بدون وقفه حتی در تعطیلات نوروزی
 - ۴- تعمیر اساسی واحدهای نیروگاه گازی ری: این نیروگاه به دلیل اشکالات فنی حدود ۵ سال از مدار خارج بود و به دلیل اعمال تحریم‌ها امکان تعمیر آن وجود نداشت، در عین حال برای اولین بار با استفاده از توان فنی داخلی تعمیر و در مدار قرار گرفت.
 - ۵- اتمام عملیات بازسازی نیروگاه‌های دارای آسیب جدی از جمله واحدهای گازی ۳ و ۴ یزد و واحد ۳ نیروگاه شهید عباسپور
 - ۶- بهره‌برداری از مولدهای تولید پراکنده با حداکثر ظرفیت از طریق نوسازی و تعمیرات
 - ۷- افزایش تعداد و ظرفیت پست‌ها و طول خطوط انتقال برق

- روستایی و عشایری توسعه برق**
- ۱- بهسازی برق ۶۷۴۰ روستا
 - ۲- تأمین برق عشایری با ۹ هزار سامانه قابل حمل
 - ۳- تجهیز ۹۷۲۱ حلقه چاه کشاورزی به کنتورهای هوشمند

سخت ۱۴۰۱ خاموشی رخ ندهد. یکی از اقدامات ایجاد اتاق فکر با حضور متخصصان، کارشناسان، شرکت‌های دانش‌بنیان و غیره از اواخر شهریور ۱۴۰۰ بود که در نهایت خروجی آن یک برنامه ۱۰۰ اقدامی بود. این برنامه به دقت نقاط ضعف صنعت را به تصویر می‌کشید، تا با اصلاح آن تجربه تلخ دو سال قبل دوباره تکرار نشود.

ایجاد ۴۲۰۰ مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی

اگرچه استفاده از ظرفیت‌های موجود در نیروگاه‌ها و مدیریت مصرف از مهم‌ترین محورهای برنامه ۱۰۰ اقدامی وزارت نیرو بود اما در عین حال، افزایش ظرفیت تولید نیز در برنامه قرار داشت. به این ترتیب که از برنامه دولت سیزدهم برای ایجاد ۳۵ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی، برای سال اول حدود ۶ هزار مگاوات در نظر گرفته شد و تا امروز ۴ هزار و ۲۰۰ مگاوات آن محقق شده است. این درحالی است که متوسط عملکرد افزایش تولید برق در دولت‌های یازدهم و دوازدهم ۲۰۶۷ مگاوات بود. حدود ۱۸۰۰ مگاوات نیز قرار است طی هفته‌های آتی و تا پایان مدت یک‌ساله به شبکه برق متصل شود.

اقدامات دیگری نیز در زمینه استفاده حداکثری از ظرفیت موجود نیروگاهی و شبکه‌ای انجام شد. از جمله اینکه با توجه به عمر بالای شبکه انتقال برق کشور، اقدامات اصلاحی صورت گرفت. یا در موردی دیگر، تعدادی از واحدهای نیروگاهی کشور مانند نیروگاه یزد که به خاطر برخی مشکلات تأمین قطعات و تجهیزات تعطیل شده بودند با اعتماد به شرکت‌های داخلی تأمین قطعه شدند و دوباره به مدار تولید برگشتند. در نهایت تولید برق کشور به اوج خود رسید و اکنون تمام نیروگاه‌های کشور با حداکثر توان خود در حال تولید و عرضه برق هستند.

در بخش نیروگاه‌های حرارتی، افزایش ظرفیت نیروگاهی از طریق احداث ۱۷ واحد نیروگاهی به ظرفیت سه هزار و ۲۷ مگاوات و اجرای طرح‌های ارتقای توان عملی واحدهای گازی و سیکل ترکیبی و همچنین رفع محدودیت نیروگاه‌های بخاری به ظرفیت یک‌هزار و ۳۵ مگاوات به دست آمده است. پروژه‌های سنکرون شده در این بازه زمانی شامل: واحدهای گازی نیروگاه‌های هنگام، پاسارگاد قشم، میانرود، آریان زنگان (دو واحد)، ایران‌الان‌جی (سه واحد)، مهتاب کویر (دو واحد) و شهید باکری بوده است. همچنین در این مدت واحد بخار نیروگاه‌های جهرم، هریس، ارومیه، چابهار، بعثت پارس جنوبی و غرب‌کارون نیز به بهره‌برداری رسیده است.

همچنین در این میان پروژه ارتقای توان تولید نیروگاه‌های موجود نیز جزو برنامه‌هایی بود که برای افزایش پایداری شبکه برق کشور در دستور کار قرار گرفت و در پی انجام این طرح حدود ۹۳۵ مگاوات از طریق ارتقای توان عملی واحدهای گازی و سیکل ترکیبی و ۱۰۰ مگاوات از طریق رفع محدودیت نیروگاه‌های بخاری به ظرفیت تولید برق حرارتی کشور افزوده شد. در نهایت اقدامات صورت گرفته در این

بخش موجب شده است تا ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی کشورمان از مرز ۷۲ هزار مگاوات عبور کرده و ایران در جمع ۱۰ کشور برتر دنیا در زمینه ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی قرار بگیرد. تقویت زیرساخت‌های صنعت برق نیز البته عامل دیگری در مدیریت خاموشی‌ها بود. شرکت مادر تخصصی تولید نیروی

بخش موجب شده است تا ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی کشورمان از مرز ۷۲ هزار مگاوات عبور کرده و ایران در جمع ۱۰ کشور برتر دنیا در زمینه ظرفیت نیروگاه‌های



نیروگاه‌های حرارتی کشور از مرز ۹۸ درصد عبور کرده و این واحدها در روزهای اوج مصرف برق کشور با تمام ظرفیت خود در حال تولید برق پایدار برای مشترکان سراسر کشور باشند.

براساس آمارهای جهانی بین دو تا پنج درصد نیروگاه‌ها ممکن است در زمان اوج مصرف برق به دلیل حوادث پیش‌بینی نشده دچار خروج اضطراری شوند که با فعالیت‌های انجام شده در فصل تعمیراتی این دوره، نرخ خروج اضطراری نیروگاه‌ها از مرز سه درصد عبور نکرد. افزایش ظرفیت و آمادگی تولید برق نیروگاه‌های حرارتی موجب شده است که طی پنج ماهه نخست امسال میزان تولید برق نیروگاه‌های حرارتی کشور با رشد ۲/۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته از مرز ۱۲۹ میلیارد کیلووات ساعت عبور کرده و در این بازه زمانی بیش از ۹۲ درصد برق مورد نیاز کشور توسط واحدهای تولید برق حرارتی تأمین شود.

مدیریت مصرف در بخش‌های مختلف

مدیریت مصرف برق امسال از چند بخش مهم تشکیل می‌شود. یکی از موارد مهم، مصرف ادارات بود. کنترل مصرف برق ادارات با انجام اقدامات مختلف از جمله تغییر ساعت کاری دستگاه‌های دولتی، استفاده از مولدهای برق در کشور و تنظیم درجه حرارت صورت گرفت و حدود ۳۰ درصد در مصرف برق این حوزه صرفه‌جویی شد. در بخش خانگی، با مشوق‌های تعرفه‌ای اتفاقات شگرفی رقم خورد، به طوری که حدود ۴۰ درصد مشترکان به عبارتی حدود ۱۱ میلیون نفر مصرف برق خود را نسبت به سال گذشته کاهش داده و صرفه‌جویی کردند.

در صنعت نیز همکاری‌هایی شکل گرفت که در نتیجه آن میزان خاموشی صنعت صفر و همکاری‌ها به گونه‌ای رقم خورد که به تولید لطمه‌ای وارد نشود. به این ترتیب که در کشور حدود ۶۳۰ هزار واحد صنعتی وجود دارد و برق ۵۸۰ هزار واحد صنعتی کاملاً تأمین شده است. حدود ۵۰ هزار واحد تولیدی در شهرک‌های صنعتی مختلف کشور تنها ۱۲ ساعت در شبانه روز محدودیت داشتند که این برنامه محدودیت نیز با نظم و انضباط مناسبی همراه بود تا به تولید واحدها لطمه‌ای وارد نشود. در همین حال حدود ۴۰۰ واحد صنایع انرژی‌بر نیز طبق الگویی که خودشان تعیین کردند، تأمین برق شدند تا تولیدشان در مجموع کمتر از گذشته نشود.

با همکاری این سه بخش موضوع مدیریت مصرف رقم خورد و در نهایت در کنار افزایش تولید، مدیریت مصرف نیز بال دیگر عبور بدون خاموشی از تابستان امسال شد.

تأمین سوخت زمستان ۱۴۰۰ و عبور بدون خاموشی

علاوه بر تابستان امسال، ذخیره‌سازی مناسب سوخت مایع در نیروگاه‌های حرارتی به‌عنوان واحدهای اصلی تولید برق کشور و استفاده بهینه از سوخت مصرفی در این واحدها موجب شد تا زمستان سال گذشته بدون قطعی برق سپری شود.

- ۱- ارتقای ظرفیت نیروگاهی با احداث نیروگاه‌های جدید و تکمیل طرح‌های نیمه تمام نیروگاهی
- ۲- انجام ۱۱۰ درصدی تعمیرات اساسی همه نیروگاه‌ها (حرارتی و برقی...)
- پیش از اوج بار ۱۴۰۱
- ۳- اخذ مصوبه هیأت محترم وزیران در راستای همکاری همه جانبه ارکان دولت و سازمان‌های عمومی و نظامی در مدیریت مصرف انرژی (جلب مشارکت صنایع برای مدیریت بار شبکه تعامل و جلب مشارکت بخش کشاورزی مدیریت میزان مصرف برق حوزه عمومی و اداری)
- ۴- تدوین بسته تشویقی برای مشترکان (پاداش صرفه‌جویی طرح ۵=۱)
- ۵- اقدامات گسترده فرهنگ‌سازی و مدیریت مصرف برق با جلب همکاری سازمان صدا و سیما و...
- ۶- اصلاح تعرفه‌ها و اتخاذ تدابیر بازدارنده برای مشترکان پرمصرف
- ۷- مقابله جدی با رمز ارز غیرمجاز
- ۸- تبادل انرژی با کشورهای همسایه با تراز مثبت واردات
- ۹- استفاده از ظرفیت خود تأمین صنایع (وارد مدار شدن اولین نیروگاه صنایع بزرگ در استان سمنان)
- ۱۰- بهره‌گیری از سامانه‌های کنترل و پایش هوشمند مصرف مشترکان پرمصرف
- ۱۱- رؤیت پذیر کردن میزان مصرف برق صنایع
- ۱۲- استفاده بهینه از منابع نیروگاه برقی
- ۱۳- استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان
- ۱۴- استفاده حداکثری از ظرفیت نیروگاه‌های تولید پراکنده DG
- ۱۵- ارتقای توان ترانزیت شبکه و رفع حبس تولید
- ۱۶- بازسازی نیروگاه‌های آسیب دیده
- ۱۷- کنترل توان اکتیو و فرکانس شبکه

تأمین برق پایدار تابستان ۱۴۰۱

۵

۶ بازسازی شبکه‌های آسیب دیده برق در بلایای طبیعی

۷ تکمیل و راه‌اندازی پروژه‌های نیمه تمام

۸ اصلاح و تسهیل رویه‌ها و قوانین اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

۹ گفت‌وگوهای ساز و تعامل دو سویه مردم و حاکمیت

به پایان رساند تا رکورد جدیدی را در زمینه تعمیرات نیروگاهی به ثبت برساند. انجام بموقع برنامه‌های تعمیراتی و آماده‌سازی این واحدها موجب شد تا ضریب آمادگی

برق حرارتی امسال برای نخستین بار بیش از ۹۴ هزار مگاوات برنامه تعمیرات و آماده‌سازی نیروگاه‌های حرارتی را پیش از شروع خردادماه و پیک مصرف برق تابستان

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

در فصول سرد سال همزمان با کاهش دما در نقاط مختلف کشور اولویت تأمین گاز با مشترکان خانگی و تجاری است؛ بدین منظور در این بازه زمانی برای تأمین مصارف مشترکان این بخش میزان گاز تحویلی به نیروگاه‌های حرارتی به‌عنوان اصلی‌ترین واحدهای تولید کننده برق کشور دچار محدودیت می‌شود.

همین مسأله موجب شده بود تا طی چند سال اخیر محدودیت در تأمین گاز نیروگاه‌ها و کسری مخازن سوخت مایع این واحدها در فصول سرد سال باعث شود تا تعدادی از واحدهای نیروگاهی به‌دلیل کمبود سوخت در زمستان از مدار خارج شده و شاهد قطعی برق در برخی از مناطق کشور باشیم.

خوشبختانه سال گذشته با همکاری و هماهنگی مناسب میان وزارتخانه‌های نفت، نیرو، راه و شهرسازی، سازمان محیط زیست، دادستانی و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی سوخت مایع زمستانی تمام نیروگاه‌های کشور بخوبی ذخیره‌سازی و تأمین شد تا در شرایط محدودیت تأمین گاز نیروگاه‌ها روند تولید برق کشور با استفاده از سوخت جایگزین در جریان باشد.

یکی از اقدامات مؤثر صنعت برق حرارتی در زمستان سال گذشته مسأله استفاده از ترکیب مناسب نیروگاه‌ها برای به حداقل رساندن سوخت مصرفی این واحدها بود؛ به طوری که تلاش شد در این مدت اولویت اول با نیروگاه‌های سیکل ترکیبی باشد تا این واحدها از طریق راندمان بالای خود بتوانند با حداقل سوخت، بیشترین برق تولیدی را داشته باشند.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر سرعت گرفت

علاوه‌بر آنچه اشاره شد، در راستای برنامه وزارت نیرو در دولت سیزدهم برای احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه‌های تجدیدپذیر و برنامه‌ریزی به منظور ۱۰ هزار مگاوات مدیریت مصرف و بهره‌وری نیز اقداماتی در این مدت صورت گرفت. از این جمله موارد می‌توان به برگزاری مناقصه عمومی سرمایه‌گذاری، بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی اشاره کرد. در این راستا، اعلام فراخوان عمومی احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر با استفاده از منابع مالی ناشی از سوخت صرفه‌جویی شده؛ دریافت آمادگی بخش خصوصی به ظرفیت بیش از ۹۰ هزار مگاوات؛ صلاحیت‌سنجی شرکت‌های متقاضی و مبادله تفاهمنامه‌های همکاری با ظرفیت بیش از ۶۰ هزار مگاوات؛ اخذ مجوز برای احداث ۴ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی از شورای عالی اقتصاد و ارائه برنامه برای احداث ۳ هزار مگاوات نیروگاه بادی از آن شورا و اجرای فرآیند مناقصه برای عقد قرارداد احداث نیروگاه‌های خورشیدی

مشکلات صنعت برق در تابستان بسیار سخت امسال فقط به ناترازی جمعی تولید و مصرف که یادگار سال‌های قبل بود، خلاصه نمی‌شد. امسال با وقوع سیل تابستانی، صنعت برق در دو جبهه «تأمین و توزیع برق کشور» و «اقدامات عملیاتی در مناطق سیلزده» فعالیت داشت. حدود ۲۱ استان کشور امسال درگیر سیل شدند و صنعت برق همزمان مشغول خدمات‌رسانی به مناطق سیلزده نیز بود



در فاز اول انجام شد.

مورد دوم، احداث ۵۵۰ هزار سامانه خورشیدی خانگی، با اولویت مناطق کم‌تر برخوردار و خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی است که در این خصوص مقدمات اولیه فراهم شده و طی هماهنگی با نهادهای حمایتی از جمله کمیته امداد امام(ره)، سازمان بهزیستی و سازمان بسیج مستضعفین، فرآیند اجرایی برای احداث ۱۱۰ هزار سامانه خورشیدی خانگی در سال ۱۴۰۱ نهایی شده و تفاهمنامه مرتبط مابین ارگان‌های متولی منعقد شده است.

مورد سوم، احداث ۵۰۰ مگاوات نیروگاه‌های تجدیدپذیر جدید تا زمان اوج بار مصرف برق در سال ۱۴۰۱ است که در قالب همان ۶ هزار مگاوات ظرفیت جدید برای سال جاری تعریف می‌شود. در این زمینه، سازمان ساتبا به‌عنوان متولی امر می‌گوید: «بر اساس پیگیری، هماهنگی و مساعدت‌های به عمل آمده از سوی سازمان ساتبا با شرکت‌های بخش خصوصی به نحوی برنامه‌ریزی شده که از طریق شرکت‌هایی که در حال احداث نیروگاه بوده و همچنین تفاهم با شرکت‌های بخش خصوصی توانمند که متقاضی مشارکت برای احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه‌های تجدیدپذیر هستند، به منظور مشارکت در تأمین برق مورد نیاز در زمان اوج مصرف برق کشور در سال ۱۴۰۱، ظرفیت ۵۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر جدید را به بهره‌برداری برسانند. این روند با جدیت در حال پیگیری است تا بخشی از افزایش تولید برق سنواتی، از طریق منابع تجدیدپذیر تأمین شود.»

مورد چهارم، دستورالعمل تولید رمز ارزها از طریق احداث نیروگاه تجدیدپذیر است.

با توجه به مصوبه ۱۴۰۰/۱/۱۶ وزیر نیرو، مراکز استخراج رمز ارز دارای مجوز از وزارت صمت مجاز هستند برق مورد نیاز خود را از طریق نیروگاه‌های تجدیدپذیر موجود و جدیدالاحداث تأمین کنند. به منظور اجرایی‌شدن این مصوبه دستورالعملی تهیه و در آذرماه سال جاری ابلاغ شد و بر اساس آن نیروگاه‌های تجدیدپذیر می‌توانند برق تولیدی خود را به مراکز استخراج رمز ارز دارای مجوز از وزارت صمت اختصاص دهند. برای متقاضیان احداث مراکز استخراج رمز ارز جدید با هماهنگی به عمل آمده مابین وزارت نیرو و صمت مقرر شد در صورت تأمین کل انرژی مورد نیاز مرکز استخراج رمز ارز از طریق نیروگاه تجدیدپذیر جدیدالاحداث، جواز تأسیس توسط صمت صادر شود. تأیید محل تأمین برق مرکز استخراج رمز ارز از طریق استعلام وزارت صمت از ساتبا صورت می‌گیرد. اکنون فرآیند اجرایی این مورد با هماهنگی دفتر صنایع نرم افزاری وزارت صمت در دست تهیه است.

مورد پنجم، برنامه‌ریزی برای تأمین بخشی از برق مورد نیاز صنایع پر مصرف از طریق احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر است. به منظور رفع مشکلات ناشی از قطع برق صنایع در ساعات اوج مصرف، پیش‌نویس تفاهمنامه‌ای بین ساتبا، معاونت برق و انرژی وزارت نیرو و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی (ایمیدرو) تهیه شده است. بر اساس متن پیشنهادی که به تأیید وزیر نیرو نیز رسیده، معادل انرژی تولیدی نیروگاه تجدیدپذیر با توان ثابت به صنایع احداث کننده نیروگاه تحویل می‌شود و تداوم تحویل در شرایط اوج مصرف تعهد می‌شود و در صورتی که مجموع توان نیروگاه‌های تجدیدپذیر احداث شده تا قبل از یک ۱۴۰۱ بیش از ۴۰۰ مگاوات باشد، معادل انرژی تحویل شده به صنایع احداث کننده ۳۰ درصد بالاتر از توان یکنواخت مربوطه خواهد بود. در این رابطه نیز پیگیری‌ها برای اخذ تأیید طرفین به میزان ۲۰۰۰ مگاوات در دست انجام است.

مورد ششم، تفاهمنامه با شهرک‌های صنعتی است. تفاهمنامه همکاری مابین وزارت نیرو و وزارت صمت با هدف واگذاری زمین برای احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر به ظرفیت ۴۰۰۰ مگاوات طی ۴ سال در شهرک‌ها/نواحی صنعتی تخصصی انرژی تجدیدپذیر، شهرک‌ها/نواحی موجود و همچنین شهرک‌ها و نواحی صنعتی در دست احداث است و همچنین احداث ۱۰۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر به منظور تأمین برق مورد نیاز در شهرک‌ها/نواحی صنعتی موجود تنظیم شده است. بر اساس این تفاهمنامه که به تأیید معاونان هر دو وزارتخانه رسیده است، ضمن ارائه فرصت به بخش خصوصی برای احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر از طریق زیرساخت‌های موجود، با احداث نیروگاه‌های خودتأمین، مشکل کمبود برق

ردیف	طرح/برنامه/اقدام/فعالیت/هدف/شاخص	نتایج عملکرد در یک سال دولت ۱۳	نتایج عملکرد مدت مشابه سال گذشته
۱	تعداد روستاهای برق‌رسانی به روستاهای بدون برق *	۲۰۰	۲۴۵
۲	تعداد خانوارهای تأمین برق عشایر	۱۱۰۰۰	۳۰۰۰
۳	تعداد روستاهای طرح بهسازی شبکه برق روستاها (طرح بهارستان) **	۶۸۴۰	۵۶۰



درباره چشم‌انداز صنعت برق وزیر نیرو با اشاره به برنامه این دولت برای «رفع ناترازی برق می‌گوید: و مصرف برق در کشور در یک بازه زمانی کمتر از یک سال به صورت کامل امکان‌پذیر نیست و از طرفی جامعه، دیگر انتظار خاموشی گسترده ندارد. در این شرایط ما تکلیف برای رفع موانع داریم و به همین دلیل رویکرد برنامه‌های وزارت نیرو از فعالیت‌های ستادی به اقدامات جهادی تبدیل شده است. برنامه‌های دقیق و همه جانبه در بخش‌های تولید، انتقال، توزیع، تجدیدپذیر و بخش‌های پشتیبان و تأمین منابع تدوین شده و در حال پیگیری و اجراست»

هوشمندی، تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری شبکه بالاتر خواهد رفت و با نصب کنتورهای هوشمند برای مابقی مشترکان، شاهد تعامل دوسویه و پویا بین صنعت برق و مشترکان برق خواهیم بود. در نهایت با توجه به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، ظرفیت تولید انرژی برق، شبکه انتقال و توزیع افزایش خواهد یافت و همچنین با افزایش راندمان نیروگاه‌های حرارتی و کاهش تلفات شبکه، مصرف سوخت نیروگاهی بهینه‌تر شده و باعث بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی خواهد شد.»

پیگیری و اجراست. وزارت نیرو برنامه‌های مدونی در حوزه‌های اقتصادی دارد. در این بخش یکی از برنامه‌های کلان و راهبردی وزارت نیرو، تلاش برای توسعه قراردادهای مستقیم عرضه و تقاضاست به نحوی که در بازارهای رقابتی بخصوص در بخش صنعت، وزارت نیرو فقط نقش تنظیم‌گری و نظارت داشته باشد. ضمن اینکه تعامل خوبی بین وزارت نیرو و سایر وزارتخانه‌ها برای مشارکت در رفع مشکلات خرد و کلان برقرار است. قطعاً رعایت استانداردها و الزامات مصرف انرژی و استفاده از مصالح و تجهیزات جدید در آینده و همچنین بهینه‌سازی صنایع انرژی‌بر کمک بزرگی در کنترل مصرف در آینده خواهد بود. لذا مشارکت همه بخش‌های کشور در استفاده بهینه از انرژی ضروری است. در صورت نبود مشارکت و بهبود در این بخش، قطعاً چالش‌ها در کوتاه مدت برطرف نمی‌شود و نیازمند عزم جدی و همه جانبه و نقش‌آفرینی تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور است.»

علی‌اکبر محرابیان به «ایران» توضیح می‌دهد: «من در یک نگاه آینده صنعت برق و کشور را روشن و پرامید می‌بینم. کشور سربلند ایران در حال توسعه است و برق نیز انرژی زیرساختی برای توسعه است. ما به‌عنوان خادمان مردم ایران تمامی عزم و تلاش خود را به کار می‌گیریم تا سال به سال کیفیت عرضه برق در ایران ارتقا یافته و کشور ضمن برخورداری از برق اقتصادی، پاک و بدون خاموشی، اطمینان قابل‌اتکایی برای رشد و توسعه و شکوفایی و بالندگی در همه عرصه‌ها هم داشته باشد. با توجه به تمهیدات پیش‌بینی شده، امید می‌رود سالانه از میزان ناترازی کاسته شده و تا انتهای این دولت مشکل ناترازی نیز برطرف می‌شود. البته لازم است نظارت دقیقی بر اجرای برنامه‌های ارائه شده انجام شود و همه بخش‌های ذیربط با هماهنگی کامل و همسو با هم در این جهت تلاش کنند.» او در پایان بیان می‌کند: «ان‌شاءالله در پایان دولت بخصوص سهم انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در سبد تولید برق کشور افزایش چشمگیری خواهد داشت و

شهرک‌های صنعتی، با امکان تخصیص معادل انرژی تولیدشده توسط نیروگاه‌های تجدیدپذیر احداث شده در هر شهرک / ناحیه صنعتی یا منطقه ویژه اقتصادی، با توان یکنواخت (ثابت) در زمان پیک مصرف برق حل خواهد شد.

مجموع آنچه اشاره شد، در قالب ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر تا پایان دولت به نتیجه خواهد رسید که با توجه به اینکه در حال حاضر کمتر از هزار مگاوات ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر در کشور داریم، اتفاق مهمی در این صنعت رقم خواهد خورد. در حوزه بهره‌وری انرژی نیز اقدامات مهمی از جمله: زمینه‌سازی برای اجرای پروژه‌های بهره‌وری انرژی از طریق ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، توسعه بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط زیست، زمینه‌سازی برای اجرای پروژه‌های بهره‌وری انرژی از طریق بند «ط» تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۱/ طرح یارانه سود تسهیلات و وجوه اداره شده، طرح مشارکت صنایع (بند «ی» ماده واحده ۸ قانون بودجه)، تنظیم و بازنگری قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها، بازنگری و ارتقای استانداردهای انرژی تجهیزات برقی، توسعه شرکت‌های خدمات انرژی و فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی در یک سال اخیر کلید خورده و در سال‌های آتی نیز دنبال می‌شود.

برنامه سال‌های آتی صنعت برق

صنعت برق در دولت سیزدهم روزهای سخت اما پرامیدی در پیش دارد. درباره چشم‌انداز صنعت برق وزیر نیرو با اشاره به برنامه این دولت برای رفع ناترازی برق می‌گوید: «رفع کامل ناترازی تولید و مصرف برق در کشور در یک بازه زمانی کمتر از یک سال به صورت کامل امکان‌پذیر نیست و از طرفی جامعه، دیگر انتظار خاموشی گسترده ندارد. در این شرایط ما تکلیف برای رفع موانع داریم و به همین دلیل رویکرد برنامه‌های وزارت نیرو از فعالیت‌های ستادی به اقدامات جهادی تبدیل شده است. برنامه‌های دقیق و همه جانبه در بخش‌های تولید، انتقال، توزیع، تجدیدپذیر و بخش‌های پشتیبان و تأمین منابع تدوین شده و در حال



«ایران» اولویت آبی دولت سیزدهم و اقدامات یک سال اخیر
در جهت تحقق این هدف را بررسی می‌کند

خداحافظی شهرها و روستاهای ایران با تنش آبی

متعددی در زمینه آب داریم که برخی از آنها پروژه‌های موقت مانند احداث چاه، مخازن، تصفیه‌خانه‌ها و خطوط انتقال با سرعت خوبی در حال پیشرفت هستند و برخی پروژه‌های کلان نیز مانند طرح آبرسانی به آبیگ قزوین، طرح غدیر و پروژه آبرسانی به همدان در حال انجام است. در این راستا در روزهای اخیر وزیر نیرو در راستا با حل این مسأله تنش آبی، چند پروژه آبرسانی به آبیگ قزوین را بهره‌برداری کرد.

طرح انتقال آبرسانی از سد طالقان به شهر آبیگ شامل ۱۷/۵ کیلومتر مسیر لوله‌گذاری است که ۹ کیلومتر آن با طرح اصلی استان که آبرسانی به ۱۴ شهر و ۱۹۴ روستای استان است؛ مشترک بوده و ۸/۵ کیلومتر آن نیز اختصاصی و ویژه شهر آبیگ است. بر این اساس، کانال کنی و اجرای خطوط لوله در ۹ کیلومتر مسیر با بستر کاملاً سنگی، اجرای سه مرحله آتشباری در مسیره‌های سنگی برای فراهم کردن بستر لوله‌گذاری، اجرای یک کیلومتر لوله‌گذاری ۵۰۰ میلی‌متری در

تأمین آب شرب پایدار برای همه شهرها و روستاهای دارای تنش مهم‌ترین برنامه دولت سیزدهم است و از این رو وزارت نیروی دولت سیزدهم به دنبال این است که پرونده شهرهای دارای تنش آبی را در دولت ببندد. شاید بتوان گفت که این مهم‌ترین محور فعالیت‌های آبی یک سال اخیر و همین‌طور سال‌های بعدی فعالیت دولت سیزدهم است. در ابتدای فعالیت دولت سیزدهم به دلیل انجام نشدن به‌موقع پروژه‌های زیرساختی آب شرب و همچنین تخلیه بسیاری از سدهای کشور، ۳۰۰ شهر ایران در شرایط تنش آبی به سر می‌بردند، به عبارت دیگر میزان منابع تأمین آب این تعداد شهر از میزان مصارف آب شرب کمتر بود. بر این اساس وزارت نیرو در قالب دو برنامه طراحی پروژه‌های ویژه و همچنین پروژه‌های آبرسانی، توسعه زیرساخت آب شرب کشور را در دستور کار قرار داد. در کنار این موضوع، مدیریت مصرف آب با استفاده از به‌روزترین تکنیک‌های مدیریت تقاضا در دستور کار قرار گرفت تا منابع موجود به بهترین نحو به دست مردم برسد.

جزئیات پروژه‌های طراحی شده در راستای تأمین منابع آب شرب

به منظور رفع تنش آبی ۳۰۰ شهر در کشور، وزارت نیرو با طراحی ۵۶۰ پروژه تنش آبی و ۲۸۰ پروژه ویژه مجموعاً ۸۴۰ پروژه در ۳۱ استان سراسر کشور در دستور کار قرار گرفت تا به واسطه این پروژه‌ها منابع آب شرب با کیفیت تصفیه شده با نیاز مردم برابر شده و مسأله تنش آبی در

این شهرها مرتفع شود. با به ثمر رسیدن این ۵۶۰ پروژه تنش آبی مسأله تأمین آب شرب شهرهای کشور در بلندمدت حل خواهد شد. پیشرفت فیزیکی مجموع این پروژه‌ها در یک سال فعالیت دولت به بیش از ۸۶ درصد رسیده است.

به این ترتیب در سال جاری حدود ۵۶۰ پروژه حوضه آب اجرا شده یا در حال اجرا است و در اقصی نقاط کشور پروژه‌های

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

مجاورت رودخانه زیاران و اجرای سه مورد لوله‌رانی به قطر ۱۴۰۰ و ۵۰۰ میلی‌متر از زیر جاده زیاران- طالقان مجموعاً به طول ۸۲ متر از جمله اقدامات این پروژه است. همچنین ساخت دو دستگاه پل فلزی به طول ۴۷ و ۳۱ متر با ارتفاع ۳۸ متر از بستر رودخانه زیاران جهت عبور لوله ۱۴۰۰ میلی‌متری با استفاده از یک دستگاه جرثقیل ۱۲۰ تنی و دو دستگاه جرثقیل ۵۰ تنی، از دیگر اقدامات فنی این پروژه است. به منظور تصفیه آب انتقالی به شهرستان آبیگ نیز تصفیه خانه موقت آب شرب با ظرفیت ۲۰۰ لیتر بر ثانیه توسط شرکت آب و فاضلاب استان در منطقه خوزستان اجرا شده است. با اجرای این طرح نیاز آب شرب شهر آبیگ، زیاران و خوزستان تا افق ۱۴۲۵ از محل آب انتقالی از سد طالقان به طور کامل تأمین شده و برای اجرای آن بیش از ۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال از طریق منابع عمومی دولت هزینه شده است.

آن مشکلات طرح بلندمدت کاهش یابد؛ در طرح غدیر مقرر است برای ۲۶ شهر و ۱۶۰۸ روستای استان خوزستان آبرسانی صورت بگیرد. این طرح حداکثر ۲۴ مترمکعب بر ثانیه می‌تواند آبرسانی داشته باشد که در عمل ۴۶۵ میلیون مترمکعب ظرفیت آبرسانی اتفاق خواهد افتاد. ویژگی این طرح آن است که برای ۴.۷ میلیون نفر از جمعیت استان خوزستان تأمین آب خواهد داشت. همچنین با این تنوع‌سازی اگر حوضه‌های آبریز کرخه، دز و کارون با شرایط تغییر اقلیم دچار خشکسالی شوند، تأمین آب مشکلی با تنوع لحاظ شده نخواهد داشت. در طرح میان‌مدت غدیر بخشی از آب با کیفیت از سد دز تأمین خواهد شد. این طرح حدود ۵۰ درصد ارتقای کیفیت تأمین آب را به همراه خواهد داشت. افق در نظر گرفته‌شده برای طرح اولیه سال ۱۴۲۵ بود که باهدف زودتر اجرا شدن طرح

آب شرب به پایان نمی‌رسد و از این رو وزارت نیرو در شرق و جنوب شرق استان نیز طرح‌هایی را در دست اجرا دارد که جزو طرح‌های اولویت‌دار این وزارتخانه به حساب می‌آید. محمد جوانبخت- معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا- در مورد این طرح غدیر می‌گوید: در تابستان امسال شرایط کمی و کیفی آب شهر اهواز، شهرهای پایین دست استان و روستاهای حاشیه کرخه با بهره‌برداری از طرح میان‌مدت غدیر بهبود پیدا خواهد کرد. طرح میان‌مدت آبرسانی غدیر در راستای سیاست‌های دولت جدید و جهت تأمین کمی و کیفی آب شرب مردم خوزستان، از ماه‌های گذشته آغاز شده است. وی با بیان اینکه سال‌هاست بحث طرح آبرسانی غدیر در خوزستان مطرح است، افزود: طرح میان‌مدت آبرسانی غدیر از ماه‌های گذشته آغاز شده و خوشبختانه



تکمیل طرح آبرسانی غدیر

آبرسانی غدیر برای تأمین آب خوزستان به ۸۳ درصد پیشرفت فیزیکی رسیده است؛ اجرای طرح میان‌مدت غدیر سبب خواهد شد مردم خوزستان برای همیشه با خشکسالی و کم‌آبی خداحافظی کنند و آن طور که وزیر نیرو اعلام کرده این طرح در آستانه بهره‌برداری است و سه ویژگی دارد: اول اینکه کمیت آب منطقه برای ۲۵ سال تضمین می‌شود، دوم کیفیت آب به بالاترین سطح کیفیت که نمونه آن آب سد دز است، می‌رسید و سوم؛ طرح در حداقل زمان ممکن اجرایی شده و به بهره‌برداری می‌رسید.

طرح آبرسانی غدیر خوزستان از سال ۱۳۸۸ با هدف اولیه تأمین آب برای شهرهای آبادان، خرمشهر و شادگان مطرح شد، اما بعد از مدتی مقرر شد چند شهر دیگر به مجموع شهرهای برخوردار از طرح غدیر افزوده شود، اما در طول این سال‌ها به پایان نرسید. با روی کار آمدن دولت سیزدهم طرح میان‌مدت برای غدیر از سوی وزیر نیرو مطرح شد تا با اجرای

میان‌مدت از سوی وزیر نیرو مطرح شد. مشاوران طرح زمانی را برای اجرا در نظر گرفتند که با موافقت وزیر روبه‌رو نشد و در نهایت برنامه زمانبندی ۳۶ ماهه مطرح شد.

در استان خوزستان چند طرح آبرسانی وجود دارد که یکی از این طرح‌ها غدیر است؛ این استان با دو مشکل اساسی، کمیت و کیفیت آب روبه‌رو بود. در شهرهای جنوبی آب کافی نمی‌رسد که در این سال‌ها نیز شاهد آن بودیم. به همین دلیل دولت تلاش کرد که با طرح‌های اضطراری مسأله را حل کند. موضوع دوم تأمین آب از کرخه یا کارون بود که باعث می‌شد آب با کیفیت وجود نداشته باشد. در این سال‌ها طرح‌هایی مطرح شد؛ دولت طرحی را مصوب کرد که موجب می‌شود کمیت آب تا ۲۵ سال تضمین شود و کیفیت آب نیز به سد دز برسد که بالاترین کیفیت آب سدهای کشور است. همچنین در حداقل زمان ممکن اجرا خواهد شد. این طرح در مراحل پایانی قرار دارد و ۴.۷ میلیون نفر را پاس‌خگو خواهد بود. البته با اجرای این طرح در خوزستان موضوع

پیشرفت بسیار خوبی دارد. اکنون در ایستگاه پمپاژ W۲ از کانال دز و خطوط انتقال آب از بخش آبیگر W۲ به اهواز اقدامات خوبی انجام شده است. همچنین در ایستگاه ام‌الذبیس نیز اقدامات خوبی شده و کار در مراحل نهایی است. با بهره‌برداری از خط غدیر شاهد شرایط خوب کمی و کیفی در آب شهرهای مورد نظر خواهیم بود. متأسفانه مشکلاتی در بحث آب شرب خوزستان وجود داشت که با رویکرد جدید در دولت سیزدهم تحت عنوان پروژه‌های طرح میان‌مدت آبرسانی غدیر، این مشکلات در حال حل شدن است.

افتتاح فاز نخست ابرپروژه انتقال آب همدان

همدان یکی از مهمترین شهرهایی بود که با ناترازی منابع و مصارف مواجه شده بود. بر این اساس میزان ناترازی در ابتدای دولت به ۶۰۰ لیتر در ثانیه معادل ۵۰ درصد نیاز این شهر رسیده بود. با توجه به این مسأله پروژه‌های احداث مخزن ذخیره ۱۵ هزار مترمکعبی، افزایش ظرفیت تصفیه‌خانه عباس آباد و اکباتان و حفر و

تجهیز شش حلقه چاه، تکمیل خط انتقال از دره مراد بیک به تصفیه خانه، ارتقای کمی و کیفی تصفیه خانه شهید بهشتی و آبرسانی از آق حصار در دستور کار قرار گرفت. در همین حال، افتتاح فاز نخست ابرپروژه انتقال آب به همدان طی هفته های آتی نیز یکی از اقدامات مهمی خواهد بود که برای بهره برداری از آن در یک سال اخیر تلاش زیادی شد تا شاهد تأمین آب کامل شهر همدان باشیم. هم اکنون بخشی از آب شهر همدان از سد اکباتان تأمین می شود که به دلیل کاهش بارش ها وضعیت این سد بسیار نگران کننده بوده، به طوری که دبی خروجی آن بسیار کم است. پروژه انتقال آب همدان، یک ابرپروژه است که از ۱۷ سال پیش عملیات اجرایی آن آغاز شده و در سال گذشته با توجه به وضعیت تأمین آب شرب همدان و خشکسالی ممتدی که در این استان وجود داشت، تصمیم بر این شد که این پروژه جزو پروژه های مهم و

پایدار و بلندمدت حل خواهد کرد.

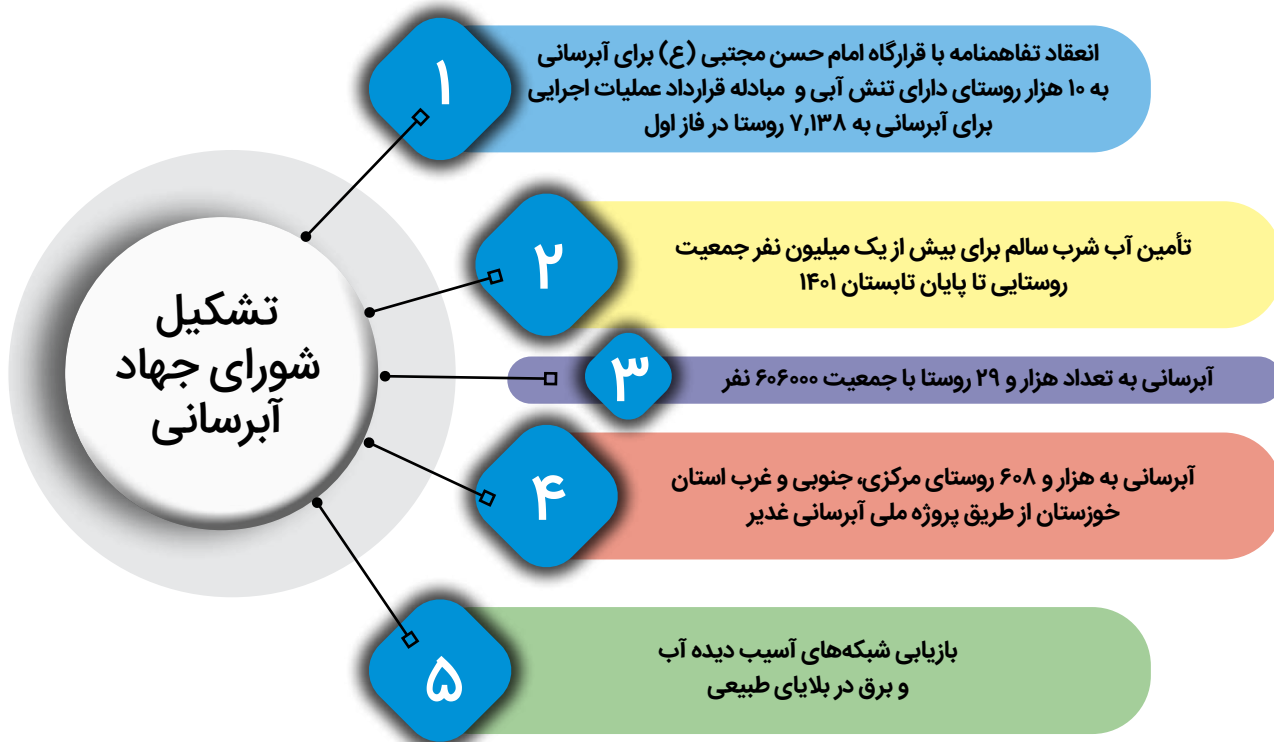
حل مسأله شهرکرد

در ماجرای شهرکرد، پس از سیلاب اتفاق افتاده در منطقه کوهرنگ، چشمه این شهر گل آلود شد و با توجه به تأمین ۶۰ درصدی آب مرکز چهارمحال و بختیاری از این چشمه، شاهد ایجاد مسأله در تأمین آب شرب بودیم. بلافاصله پس از گل آلود شدن چشمه، آبفای چهارمحال و بختیاری برای جلوگیری از ایجاد مشکل برای مردم، ۴۰۰ لیتر در ثانیه آب چشمه را کنار گذاشت. پس از اطلاع وزیر نیرو از مشکل چهارمحال و بختیاری، با دستور علی اکبر محرابیان، ستاد واکنش سریع در محل وزارتخانه تشکیل شد و تیم اعزامی به فرماندهی مدیرعامل آبفای کشور به منطقه رفت. بر این اساس مقرر شد جایگزینی منابع آب کوهرنگ از تمام خطوط ممکن در دستور کار قرار گیرد.

دولت در دستور کار قرار گرفت. در قالب این طرح جهادی که با حضور خیرین آبرسان، نهادهای انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و غیره با محوریت وزارت نیرو در حال اجراست، حدود ۱۰ هزار روستا در اقصی نقاط کشور در برنامه تأمین آب شرب قرار دارند. این پروژه در ۳۱ استان از سرعت خوبی برخوردار بوده که با تخصیص اعتبارات سرعت آبرسانی بیش از پیش افزایش پیدا می کند.

فعال کردن دیپلماسی آبی

دیپلماسی آبی کشور طی یک سال اخیر فعال شد و با اغلب کشورهای همجوار از جمله افغانستان و ترکیه نیز در زمینه منابع مشترک آب مذاکراتی صورت گرفت. چراکه سیاست های دولت سیزدهم، توسعه مبادلات با کشورهای همسایه بوده و طی این مدت اقدامات بسیار خوبی در این زمینه صورت گرفته است.



اولویت دار قرار گیرد. این پروژه تا قبل از سال ۱۴۰۰، تنها ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت، در دولت سیزدهم با کار جهادی پیگیری شده و بر اساس آخرین اخبار کمتر از ۱۰ کیلومتر لوله گذاری باقیمانده دارد.

این پروژه با ۱۴۰ کیلومتر خط انتقال دارای سه ایستگاه پمپاژ است که آب با طی یک مسیر بسیار سخت به محل تصفیه خانه رسیده و از این نقطه به شهر همدان وارد می شود. در این راستا، با بسیج امکانات و تأمین اعتبارات در کشور سعی خواهد شد ابرپروژه آبرسانی به شهر همدان در اسرع وقت به بهره برداری برسد.

در حال حاضر نیمی از خروجی سد اکباتان از دست رفته اما با افتتاح فاز نخست این ابرپروژه، آب پایدار و مطمئن به کمک دیگر منابع موجود همدان به مدار می آید و مشکل رفع خواهد شد. در نهایت، در ماه های آینده نیز شاهد بهره برداری از فازهای بعدی این پروژه و تکمیل ظرفیت آن خواهیم بود که این موضوع مشکل آب شرب همدان را برای همیشه برطرف می کند. بر این اساس افتتاح این پروژه تا نیمه شهریورماه مسأله همدان را به طور

با توجه به تکمیل نشدن پروژه های آبرسانی پدافندی در دولت قبل، تلاش برای تأمین منابع آب در چهار جبهه، تأمین آب از منابع آب زیرزمینی مورد تأیید بهداشت، تکمیل خط اضطراری عمان سامانی، تکمیل خط اضطراری فدک و تجهیز خط پدافندی تصفیه خانه سامان در دستور کار قرار گرفت. از سوی دیگر تلاش برای ساخت ایجاد حوضچه آرامش و ایجاد تصفیه خانه موقت نیز آغاز شد.

در شرایط عادی تکمیل این پروژه ها به بیش از شش ماه زمان نیاز دارد اما با بسیج امکانات از ۲۲ استان کشور با ارسال نیروهای عملیاتی، تجهیزات سنگین و ... این پروژه ها در کمتر از شش روز نتیجه داد و در حال حاضر خروجی مخازن آب شهرکرد به ۷۴۰ لیتر در ثانیه مطابق نیاز مردم رسیده و تا کاهش کدورت چشمه، تأمین آب از خطوط اضطراری ادامه دارد.

آبرسانی جهادی به روستاها

طرح جهاد آبرسانی برای تأمین آب روستاهای محروم به عنوان بزرگترین طرح عملیاتی و عمرانی کشور، نیز در این

یکی از مهم ترین دستاوردهای این مدت نیز این بود که افغانستان برای آزادسازی حقایق ایران قول رسمی داد. در ماه مرداد ۱۴۰۱، وزیر نیرو به افغانستان سفر کرد و پس از این سفر اعلام کرد که افغان ها قول داده اند که از این پس حقایق ایران را به سمت شوره زار گودزره منحرف نمی کنند و اجازه می دهند که به سمت ایران بیاید. علی اکبر محرابیان در این خصوص توضیح داد که این کار براساس معاهده سال ۱۳۵۱ خواهد بود و براساس آن معاهده در سال نرمال، حقایق ایران ۸۲۰ میلیون مترمکعب است. در حالی که تنها در پاییز و زمستان گذشته ۹۰۰ میلیون مترمکعب آب به سمت منطقه بیابانی گودزره رهاسازی شده است. بر این اساس طرف افغان می گوید که این یک جریان استکباری برای برهم زدن رابطه ایران و افغانستان بوده است و بزودی حقایق ایران در مسیر طبیعی خود به سمت ایران جریان می یابد. با سفر وزیر نیرو و فعال کردن دیپلماسی آبی، هیأت حاکمه افغانستان غلط بودن احداث سازه را پذیرفت و قول رسمی داد که به رهاسازی حقایق ایران پایبند باشد.

ایران

راه و شهرسازی

◆ توقف ۹۶ ماهه خانه سازی!

◆ رشد ۳۰۰ درصدی توسعه فیبر نوری
در دولت سیزدهم

◆ عبور ترانزیت از خط توقف

کارشناسان می‌گویند آنچه امروز در بازار مسکن و اجاره مشاهده می‌شود ناشی از تعطیلی و رکود ۸ ساله در ساخت و ساز است

توقف ۹۶ ماهه خانه‌سازی!

- میانگین ساخت مسکن در ۸ سال گذشته به‌طور متوسط ۱۵۰ هزار واحد در سال است در حالی که این عدد در ۸ سال پیش از آن به‌طور متوسط ۵۰۰ هزار واحد در سال بوده است
- دولت قبل حتی واحدهای باقی‌مانده مسکن را نیز تکمیل نکرد

و سیاست‌گذاری نامناسب با شرایط است. کاهش تولید مسکن، موجب برهم خوردن تعادل میان عرضه و تقاضا شده است. این عدم تعادل بیشتر در بازار مسکن متقاضیان مصرفی و دهک‌های درآمدی پایین دیده می‌شود. مهم‌ترین پیامد کاهش ساخت مسکن، در کنار عوامل اقتصادی و نرخ تورم، موجب شده قیمت مسکن از سطح درآمد متقاضیان فاصله زیادی بگیرد، بطوری که دسترسی خانوار به مسکن را دشوار و طولانی کرده است.

قانون اساسی دولت‌ها را به تأمین مسکن برای مردم مکلف کرده است. در طرح جامع مسکن نیز به عنوان سند بالادستی در بخش مسکن، تأکید شده که باید سالانه حدود ۹۰۰ هزار واحد مسکونی (در ۵ سال گذشته) تولید می‌شد. اما آمار پروانه‌های ساختمانی مؤید کاهش ۵۰ درصدی ساخت واحد مسکونی در سال‌های پایانی دهه ۹۰ است. مهم‌ترین ویژگی بخش مسکن در دولت قبل، بی‌برنامگی، بازاری رها شده، مدیریت ضعیف بازار



قانون بازدارنده سوداگری در بازار مسکن است که در سال ۹۵ تصویب شد اما دولت وقت آن را اجرا نکرد.

احداث ساختمان در کما

کاهش ساخت و عرضه مسکن در سال‌های اخیر منجر به جهش بی‌سابقه قیمت مسکن شده است. آمارهای صدور پروانه، افت ساختمان سازی را بطور مشهودی نمایان کرده است. میانگین ساخت مسکن در ۸ سال گذشته به‌طور متوسط ۱۵۰ هزار واحد در سال است در حالی که این عدد در ۸ سال پیش از آن به‌طور متوسط ۵۰۰ هزار واحد در سال بوده است. در دولت قبل از سال ۹۲ تا ۱۴۰۰ تعداد کل پروانه ساختمانی صادر شده برابر یک میلیون و ۲۵۰ هزار فقره بوده است در حالی که براساس برنامه جامع و نیاز بازار، باید هر سال ۹۰۰ تا یک میلیون مسکن ساخته می‌شد. در ماه‌های پایانی دولت قبل

متر زمین در شهر تهران بیش از ۴۹ میلیون تومان و متوسط اجاره بهای یک متر واحد مسکونی نیز حدود ۸۷ هزار تومان است، میانگین قیمت یک متر زمین در کل کشور در تابستان سال گذشته ۱۰ میلیون تومان و متوسط قیمت اجاره بها نیز برای هر متر آپارتمان ۳۰ هزار تومان است. مجموعه این شرایط، خانوار بخصوص در دهک‌های متوسط و پایین درآمدی را در تأمین مسکن با مشکل مواجه کرده است و با توجه به افزایش چند برابری قیمت اجاره، مستاجران از دسترسی به مسکن اجاره‌ای مناسب هم محروم مانده‌اند.

مهم‌ترین اقدام دولت سیزدهم برای ساماندهی بازار مسکن، برنامه‌ریزی برای جبران کمبود مسکن و در کنار آن ساماندهی بازار اجاره و همچنین اجرای قوانینی است که معطل ماند دولت قبل آن را اجرا نکرد. قانون دریافت مالیات از خانه‌های خالی و لوکس، مهم‌ترین

آمار منتشر شده از منابع رسمی، نشان می‌دهد طول دوره انتظار خانه‌دار شدن در سه دهک اول به بیش از ۱۲۰ سال و سهم مسکن در سبد هزینه خانوار در این سه دهک به حدود ۴۳ درصد افزایش یافته است. متوسط قیمت یک متر مسکن در کشور در سال ۹۵ برابر با یک میلیون و ۴۹۰ هزار بوده که در تابستان ۱۴۰۰ به ۱۱ میلیون و ۳۶۰ هزار تومان رسیده است. قیمت یک متر مسکن در ۵ سال در کشور ۶۶۰ درصد افزایش یافته و تقریباً ۷ برابر شده است. قیمت زمین و اجاره‌ها نیز در این مدت‌ها چندین برابر شده است. متوسط قیمت اجاره یک متر آپارتمان در کشور در تابستان ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۵، ۳ برابر و قیمت یک متر زمین ۱۰ برابر شده است. آمارهای مربوط به بازار مسکن شهر تهران در ۵ سال گذشته، افزایش قیمت‌هایی به مراتب بیش از کل کشور را نشان می‌دهد. در پاییز سال گذشته متوسط قیمت یک

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

تعداد پروانه‌های صادر شده کاهش یافته بود اما در فصل زمستان ۱۴۰۰ شاهد رشد صدور پروانه نسبت به بهار همین سال هستیم. در بهار ۱۴۰۰ تعداد پروانه صادر شده ۳۷۷۵۵، تابستان ۳۲۱۳۶، پاییز ۲۸۷۰۸ و در زمستان ۳۹۹۲۳ فقره بوده است. در بهار ۱۴۰۰ پروانه صادر شده نسبت به زمستان قبل (سال ۹۹) منفی ۷/۶ درصد و در تابستان ۱۴۰۰ نسبت به بهار منفی ۳۹/۳ درصد کاهش دارد. اما در پاییز صدور پروانه از منفی ۳۹ درصد به منفی ۲۸ درصد و در زمستان نسبت به زمستان سال ۱۴۰۰ به منفی ۲۳ درصد کاهش و نسبت به پاییز قبل (۱۴۰۰) ۳۰/۱ درصد

کاهش در سال‌های ۹۴ و ۹۵ نیز تکرار شد و در سال‌های ۹۶ تا ۹۹ با افزایش قیمت مسکن و روی آوردن سازندگان به ساخت و ساز، تعداد پروانه‌های ساختمانی نیز افزایش یافته که افزایش آن قابل توجه نیست.

کاهش صدور پروانه ساختمانی در سال‌های گذشته منجر به کاهش تولید مسکن شده است. براساس آمار، در سال ۹۳ برای تعداد ۴۰۰ هزار و ۱۶۴ واحد مسکونی پروانه صادر شده که نسبت به سال قبل از آن، یعنی سال ۹۲، کاهش بیش از ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد. افت تولید مسکن در سال‌های پس

از آن هم ادامه پیدا کرد و در سال ۹۶ به حدود ۳۳۷ هزار واحد رسید. صدور پروانه ساختمانی در شهر تهران در ۸ سال گذشته کمتر از متوسط کشوری است. در بهار سال ۹۲ تعداد ۷۱۲۰ پروانه ساختمانی در شهر تهران صادر شده است که ساخت ۵۶۶۹۰ واحد براساس این تعداد پروانه پیش‌بینی شده بود اما در بهار ۱۴۰۰ تعداد پروانه ساختمانی صادر شده توسط شهرداری تهران معادل ۱۳۹۹ پروانه است که کاهش ۸۰ درصدی صدور پروانه‌های ساختمانی را در ۸ سال نشان می‌دهد. مقایسه تولید مسکن در دولت‌های



رشد را نشان می‌دهد. به این ترتیب سرعت کاهش صدور پروانه ساختمانی از زمان شروع به کار دولت سیزدهم کمتر شده است.

صدور پروانه‌های ساختمانی از سال ۹۲ تا ۹۹ نیز حاکی از روند کاهش صدور پروانه ساختمانی است. این ۸ سال فقط در برخی دوره‌ها پروانه ساختمانی نسبت به سال قبل رشد اندکی دارد. آمار به خوبی مشخص می‌کند که از سال ۹۲ ساخت و ساز روند نزولی به خود گرفته تا اینکه در سال ۹۷ همزمان با آغاز برنامه‌ریزی برای طرح اقدام ملی و همچنین جهش قیمت‌ها در بازار مسکن، صدور پروانه ساختمانی در این سال حدود ۲۲ هزار فقره بیشتر از سال قبل، یعنی سال ۹۶ است. با توجه به رکود بازار مسکن از سال ۹۲، در سال ۹۳، افت شدید ۴۲ درصدی نسبت به سال قبل در صدور پروانه‌های ساختمانی اتفاق افتاد که از این سال به بعد همین

آمار به خوبی مشخص می‌کند که از سال ۹۲ ساخت و ساز روند نزولی به خود گرفته تا اینکه در سال ۹۷ همزمان با آغاز برنامه‌ریزی برای طرح اقدام ملی و همچنین جهش قیمت‌ها در بازار مسکن، صدور پروانه ساختمانی در این سال حدود ۲۲ هزار فقره بیشتر از سال قبل، یعنی سال ۹۶ است

مختلف نشان می‌دهد در دولت سازندگی یک میلیون، در دولت اصلاحات ۲ میلیون، در دولت مهر ۴ میلیون و در دولت تدبیر و امید کمترین میزان و ۷۹۰ هزار واحد مسکونی ساخته شده است. به این ترتیب با توجه به برنامه نهضت ملی مسکن و ساخت ۴ میلیون مسکن تا پایان ۱۴۰۴، اگر این تعداد مسکن در کشور ساخته شود، در یک دوره دولت سیزدهم ساخت مسکن بیشتر از دولت‌های قبل است.

افزایش بی‌سابقه قیمت

کاهش ساخت و عرضه مسکن در ۸ سال گذشته منجر به جهش بی‌سابقه قیمت مسکن شده است. رشد تورم توأم با کاهش تولید و عرضه مسکن، افزایش قیمت مسکن را بخصوص از سال ۹۶ به بعد تشدید کرد. با اینکه قانون، دولت‌ها را به تأمین «مسکن مناسب» برای شهروندان ملزم کرده است اما

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



بی‌برنامگی در این بخش مهم اقتصادی در دولت قبل دیده می‌شود که باعث کاهش ساخت و افزایش قیمت شد. دولت قبل حتی نتوانست واحدهای باقیمانده مسکن مهر را تکمیل کند. تنها برنامه ۸ سال قبل در بخش مسکن، ساخت ۴۰۰ هزار مسکن در قالب طرحی به نام «مسکن ملی» بود که در سال ۹۷، سالهای پایانی دولت دوازدهم، طرح ریزی شد اما به اجرا نرسید طوری که برحسب گزارش دیوان محاسبات، فقط ۸ درصد این برنامه در پایان دولت دوازدهم به اجرا درآمد. در دولت یازدهم، وزیر وقت راه و شهرسازی، عملاً برنامه‌ای مشخص برای بازار مسکن ارائه نکرد حتی تعهد دولت برای تکمیل واحدهای باقیمانده مسکن مهر نیز در آن دوره ناموفق بود. عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی در آن زمان اعلام کرد اعتقادی به مسکن مهر ندارد اما عملاً هیچ برنامه جایگزینی هم برای تولید مسکن ارائه نکرد. کاهش شدید تولید و عرضه مسکن در چند سال، عملاً موجب انباشت تقاضا در بازار مسکن شد. کمبود ساخت و عرضه، افزایش انباشت تقاضا در کنار افزایش نرخ تورم عمومی، شرایطی سخت و ویژه را بر بازار مسکن تحمیل کرد که پیامدهای آن دامن اقشار جامعه را گرفت. بازار مسکن در هر دوره نیاز به برنامه بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت دارد. برنامه بلند مدت، برای ثبات در بازار نیاز به سیاست‌های پایدار دارد. برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت نیز معمولاً برای ساماندهی و کنترل بازار مسکن در دوره‌های مشخص ارائه می‌شود.

اما آنچه در واكوی بازار مسکن در ۸ سال دولت قبل نادیده گرفته شده عدم برنامه‌ریزی است یعنی برای ساماندهی بازار مسکن هیچ برنامه بلند مدت، میان مدت یا کوتاه مدتی نوشته نشد و در این دولت سندی مدون برای بخش مسکن وجود ندارد. با اینکه دولت سیزدهم برنامه ساخت یک میلیون مسکن در سال را برای جبران کاهش عرضه مسکن در دست اجرا دارد اما با توجه به اینکه سیاست‌های اجرایی در بخش مسکن در بلند مدت اثرگذاری دارد، جهش قیمت همزمان با کاهش ساخت، تا چند سال بازار مسکن را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

با وجود کند شدن آهنگ رشد قیمت مسکن در یک سال اخیر نسبت به سال‌های قبل، اما بخاطر عملکرد ضعیف چندساله، براساس آمار بانک مرکزی در شهر تهران متوسط قیمت مسکن در تهران در تیر امسال به متری ۴۱٫۷ میلیون تومان رسیده است. اطلاعات آماری بازار مسکن در شهر تهران نشان می‌دهد قیمت مسکن، از سال ۹۵ رشدی مداوم دارد، متوسط قیمت یک مترمربع واحد مسکونی در شهر تهران در سال ۱۳۹۵ معادل ۴ میلیون و ۳۷۲ هزار تومان، در سال ۱۳۹۶ معادل ۴ میلیون و ۸۲۲ هزار تومان، در سال ۱۳۹۷ معادل ۸ میلیون و ۲۴۱ هزار تومان، در سال ۱۳۹۸ معادل ۱۳ میلیون و ۳۳۰ هزار تومان، در سال ۱۳۹۹

معادل ۲۴ میلیون و ۲۹ هزار تومان و در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۱ میلیون و ۲۹۶ هزار تومان ثبت شده است. به این ترتیب قیمت هر متر آپارتمان در شهر تهران از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰، ۶۱۵ درصد افزایش داشته و ۷ برابر شده است. مهم ترین پیامد سیاست‌های اجرایی بخش مسکن در دولت قبل، طولانی‌تر شدن زمان خرید مسکن برای متقاضیان در این بازار است. با افزایش قیمت و کاهش توان مالی خریداران، انتظار خرید مسکن از ۱۳٫۸ سال در سال ۹۵ به ۳۲٫۲ سال در سال ۹۹ رسیده است. اخیراً شهردار تهران اعلام کرده در شهر تهران زمان خانه دار شدن به ۶۶ سال رسیده است.

بازار اجاره نیز در این چند ساله در تیررس بی‌برنامگی‌ها در بخش مسکن بوده و از رشد قیمتی مصون نمانده است. اجاره‌بها برای یک مترمربع واحد مسکونی در شهر تهران در سال ۱۳۹۵ معادل ۲۳ هزار و ۴۰۰ تومان، در سال ۱۳۹۶ معادل ۲۸ هزار و ۲۰۰ تومان، در سال ۱۳۹۷ معادل ۳۶ هزار و ۴۰۰ تومان، در سال ۱۳۹۸ معادل ۴۷ هزار و ۵۰۰ تومان، در سال ۱۳۹۹ معادل ۶۲ هزار و ۹۰۰ تومان و در سال ۱۴۰۰ معادل ۸۴ هزار و ۸۰۰ تومان گزارش شده است. این بررسی نشان می‌دهد نرخ اجاره بها در ۵ سال در شهر تهران ۲۶۲ درصد رشد داشته باشد. این در حالی

شرح برخی شاخص‌های بخش مسکن		
وضعیت	توضیح	شاخص
۲۶۲	درصد	افزایش نرخ اجاره بها در شهر تهران از سال ۹۵ تا ۹۹
افزایش از ۱۳ سال به ۳۲ سال	از سال ۹۵ تا ۹۹	انتظار برای خانه دار شدن
۶۱۵	درصد	افزایش قیمت هر متر آپارتمان در شهر تهران از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰
۶۰۰	درصد	افزایش قیمت مسکن در کل کشور از سال ۱۳۹۵ تا تابستان ۱۴۰۰
۵۰	درصد	کاهش صدور پروانه ساختمانی از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



کاهش صدور پروانه ساختمانی در سال‌های گذشته منجر به کاهش تولید مسکن شده است. براساس آمار، در سال ۹۳ برای تعداد ۴۰۰ هزار و ۱۶۴ واحد مسکونی پروانه صادر شده که نسبت به سال قبل از آن، یعنی سال ۹۲، کاهش بیش از ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد.

خالی می‌ماند. به این ترتیب اهمیت اجرای قوانین مالیاتی بصورت «سفت و سخت» بتدریج ساماندهی بازار را پیش می‌برد. خرید و فروش مسکن به قصد سرمایه‌داری هیچ سودی برای ساماندهی این بازار ندارد و فقط موجب افزایش قیمت بصورت نامتعارف می‌شود. طوری که در سال‌های اخیر در مواقعی، تورم بخش مسکن بیشتر از نرخ تورم عمومی است. برنامه مالیاتی مهم ترین ابزار تنظیم‌گری بازارها و همچنین در بازار مسکن است. قوانین مالیاتی بخش مسکن، در کشور ما نیز با هدف ساماندهی بازار، کاهش احتکار املاک، افزایش عرضه به بازار و کاهش خریدهای سرمایه‌ای تدوین شده است. به نظر می‌رسد سیاستگذاران باید با رفع مشکلات زیرساختی و نرم‌افزاری، موانع اجرای قانون‌های مالیاتی را برطرف کنند تا بازار مسکن بیش از این معطل اجرای قانون نماند. اگر دریافت مالیات از خانه‌های خالی مطابق با قانون اجرا شود، می‌توان امیدوار بود سوداگری و معاملات مکرر مسکن برای کسب سود بیشتر تا حدودی کنترل شود و قیمت مسکن براساس نیاز واقعی و نه براساس کسب سود و افزایش سرمایه تعیین شود.

نهضت ملی

هزینه ساخت مسکن و قیمت نهایی آن تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف است. مهم ترین مؤلفه در تعیین قیمت مسکن، هزینه زمین است. قیمت زمین در سالهای اخیر رشدی بیش از قیمت مسکن دارد. با توجه به این موضوع، در طرح دولت موسوم به نهضت ملی مسکن (ساخت ۴ میلیون مسکن در ۴ سال) زمین بصورت رایگان و از سوی دولت تأمین می‌شود. تأمین مصالح به نرخ عمده، کاهش یا رایگان کردن مجوزها مانند پروانه ساخت، مجوزهای آب، برق و گاز، تعدیل نرخ نظارت، مالیات، بیمه و

موفق نبوده است. اکنون که دولت برنامه ساخت و عرضه یک میلیون مسکن در سال را در حال اجرا دارد در کنار آن اجرای برنامه مالیاتی به ثبات قیمتی در بازار مسکن و چشم‌انداز مثبت این بازار در سال‌های آینده کمک خواهد کرد.

طبق آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵، حدود ۲/۵ میلیون واحد مسکونی خالی از سکنه در کشور وجود دارد که در صورت ورود این تعداد واحد مسکونی به بازار، بخشی از کمبود مسکن در بازار از بین می‌رود. اخذ مالیات از واحدهای لوکس نیز در قانون بودجه سال ۹۹ به عنوان پایه مالیاتی آورده شد. پس از اهمال دولت قبل از دریافت مالیات خانه‌های لوکس در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰، دولت سیزدهم آن را تصویب کرد. مالیات بر خانه‌های لوکس در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ عملاً عملکرد درآمدی نداشته است. براساس گزارش بانک مرکزی، تنها در شهر تهران و در اردیبهشت ماه امسال بیش از ۵۰۰ واحد مسکونی با ارزش ریالی بیشتر از ۱۰ میلیارد تومان معامله شده است که طبق قانون خانه لوکس محسوب می‌شود. بر طبق قانون بودجه واحدهای آپارتمانی با ارزش بالای ۱۰ میلیارد تومان باید مالیات بر خانه‌های گرانتقیمت را بپردازند. اما وصولی مالیاتی از خانه‌های خالی و لوکس، براساس آمار سازمان امور مالیاتی ناچیز است.

این در حالی است که دولت با اجرای دقیق قانون، می‌تواند معضل بزرگ بازار مسکن، معاملات سوداگرانه و دلالی را کاهش دهد. افزایش تعداد مستأجران (بیش از ۸ میلیون خانوار و ۲۴ میلیون شهروند) نشان می‌دهد متقاضیان مصرفی نتوانسته‌اند صاحب مسکن شوند و این نشان می‌دهد معاملات مسکن با قیمت بالا، به قصد سرمایه‌داری است. بیشتر خانه‌های معامله شده با مترارز بالا، عملاً به بازار مصرفی مسکن راه پیدا نمی‌کنند و

مالیات ایزاری بازدارنده که اجرا نشد

با توجه به اهمیت مسکن در تأمین آسایش و امنیت خانوار، در جوامع پیشرفته و در حال توسعه، بازار مسکن از برنامه‌ای مدون برخوردار است که دولت‌ها حامی و مجری این برنامه هستند. مهم ترین اقدام کشورها برای ساماندهی بازار مسکن، جلوگیری از تبدیل شدن آن به کالایی سرمایه‌ای است. به همین دلیل، مالیات‌های سنگین از مالکان بیش از یک مسکن یا معاملات و خرید و فروش مسکن اخذ می‌شود. در ایران نیز دو پایه مالیاتی در بخش مسکن برای ساماندهی این بازار مصوب شده است. اخذ مالیات از خانه‌های خالی با اصلاح ماده ۵۴ قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۹۵ تصویب شد و قانون اخذ مالیات از خانه‌های لوکس نیز در سال ۹۹ مصوب شد، اما هیچ کدام از این دو قانون در دولت قبل اجرا نشد. به نوعی دولت قبل، در اجرای قانون مالیاتی بخش مسکن ترک فعل کرده است. اجرای قانون مالیات خانه‌های خالی مستلزم راه‌اندازی سامانه «املاک و اسکان» بود تا اطلاعات ملکی شهروندان در این سامانه ثبت و نحوه بهره‌برداری از ملک (واحد مسکونی) مشخص شود. سامانه املاک با تأخیر ۳ ساله (از سال ۹۵ تا ۹۸) راه‌اندازی شد. به این ترتیب پس از ۵ سال (سال ۹۵ تا ۱۴۰۰)، اجرای قانون و دریافت مالیات از مالکان حدود ۲/۵ میلیون خانه خالی به سرانجام نرسید.

تعلل در اجرای قانون در حالی بود که بازار مسکن دچار آشفتگی در کنترل قیمت‌ها بود. خارج شدن مسکن از کالایی سرمایه‌ای و تبدیل آن به کالای مصرفی، نیاز به برنامه مدون اقتصادی دارد. برنامه مالیاتی، بخشی از این برنامه مدون است، با اینکه دو برنامه مالیاتی به عنوان دریافت مالیات از خانه‌های خالی و خانه‌های لوکس در قانون بودجه گنجانده شده اما اجرای این قوانین

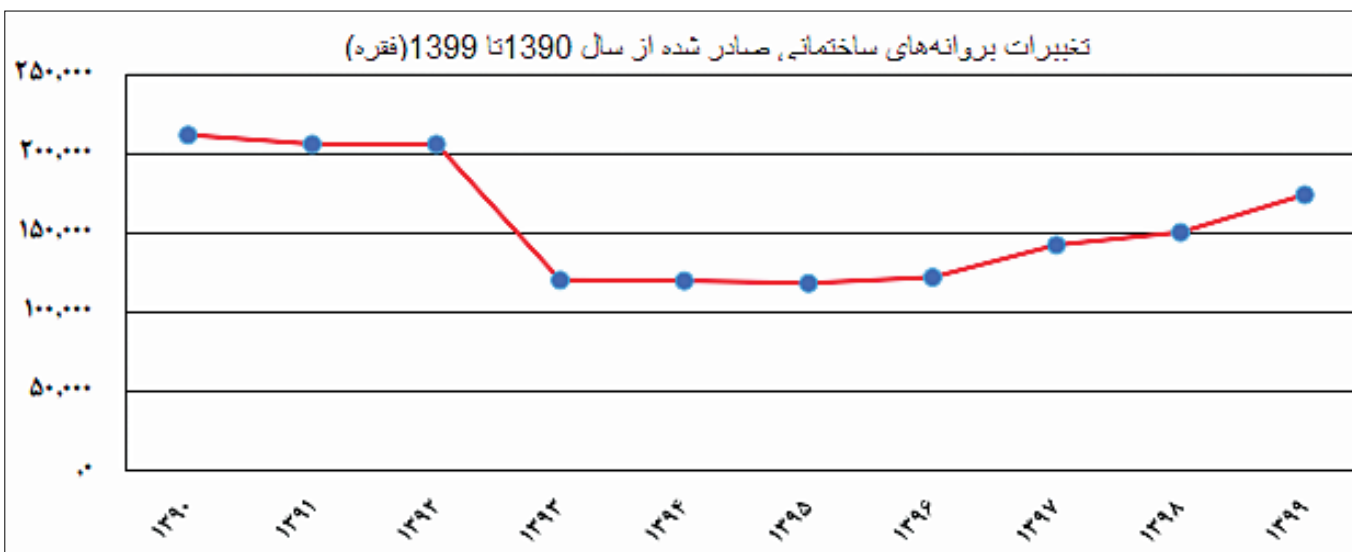
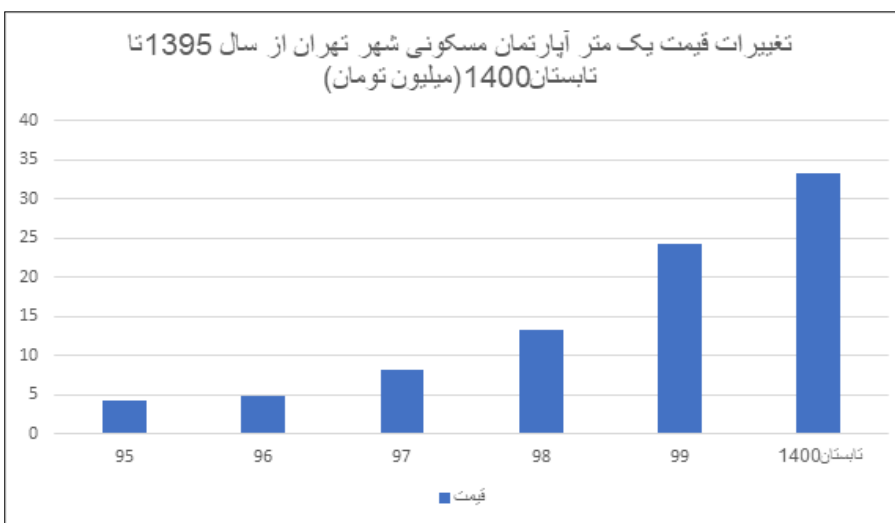
... بخشی از حمایت‌های دولت در برنامه نهضت ملی مسکن است. همچنین در این طرح بنا بر این گذاشته شده که بیشتر هزینه برای متقاضیان، با پرداخت تسهیلات باشد. به همین منظور قانون جهش تولید، بانک‌ها را موظف کرده است تا سالانه بطور متوسط ۳۶۰ هزار میلیارد تومان از منابع خود را بصورت تسهیلات ساخت، به واحدهای نهضت ملی مسکن اختصاص دهند.

در کشور تجربه ساخت مسکن انبوه را داریم که مسکن مهر، آخرین برنامه انبوه سازی مسکن و تجربه‌ای از این دست است. طولانی شدن ساخت واحدها، مهم ترین مشکل ساخت مسکن‌های انبوه است که در مسکن مهر نیز به وضوح دیده شد. زمان طولانی ساخت، هزینه‌های اضافه را به برنامه اولیه ساخت تحمیل می‌کند. بنابراین در نهضت ملی مسکن با بهره گیری از تجربه گذشته، باید زمان ساخت را کاهش داد. دستیابی به این هدف با برنامه‌ریزی دقیق مهیا می‌شود. برنامه‌ریزی و تأمین منابع دو مؤلفه مهم است که اگر در ساخت واحدهای نهضت ملی فراهم شود، برنامه براساس اهداف تعیین شده پیش می‌رود. کاهش سرعت زمان عرضه، بار مالی اضافه به دولت و متقاضیان تحمیل می‌کند در حالی که هدف مهم و مشخص ساخت مسکن حمایتی، عرضه مسکن با قیمت نهایی متناسب با درآمد خانوار هدف است. خانوار هدف در طرح نهضت ملی مسکن دهک یک تا ۳ و همچنین دهک‌های میانی است.

حمایت دولت از دهک یک تا ۳ در این طرح متفاوت است و تلاش دولت این است که خانوار متقاضی در این ۳ دهک کمترین آورده مالی را ارائه کنند.

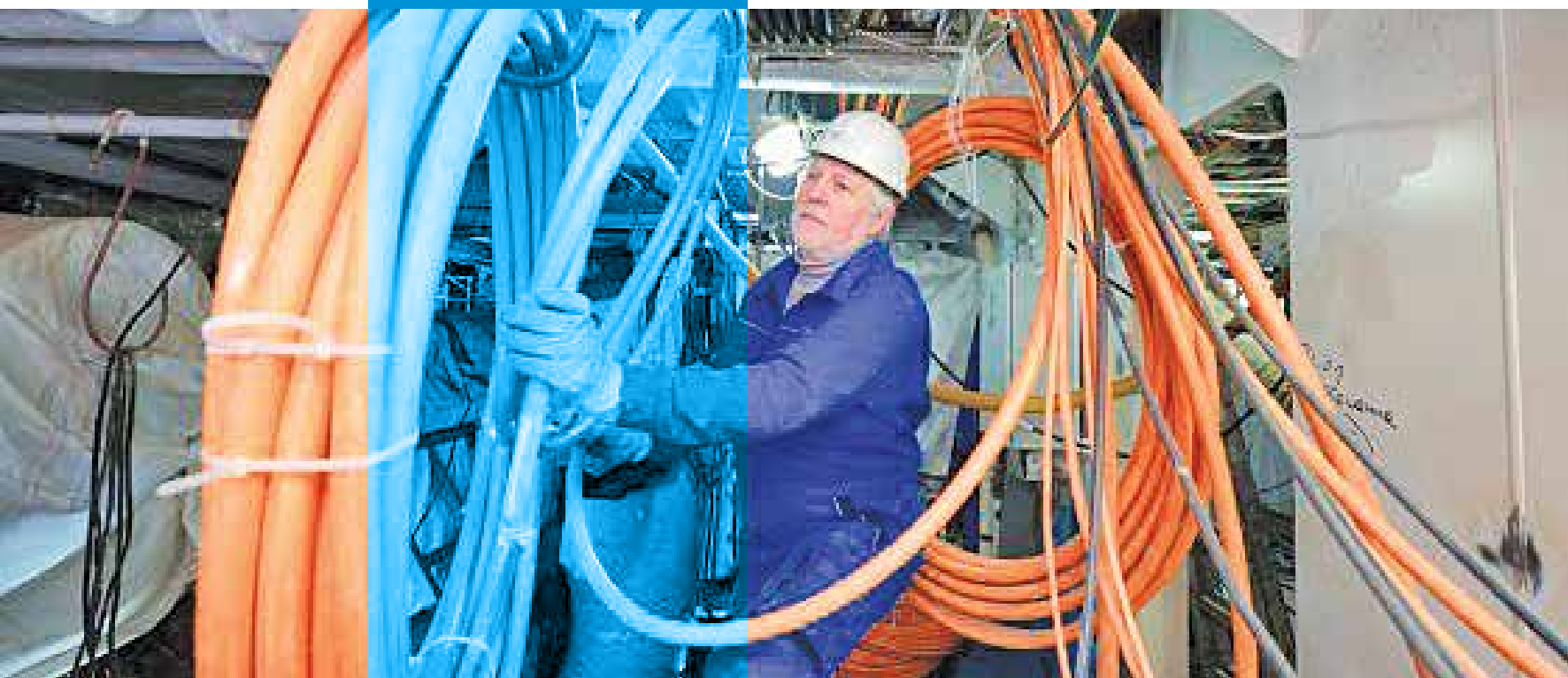
بازار مسکن، به عنوان یک بازار اقتصادی، از شرایط حاکم بر اقتصاد تأثیر می‌پذیرد اما اقدامی که کشورهای موفق در کنترل این بازار داشته‌اند، کاهش تأثیرپذیری مسکن از تغییر شرایط اقتصادی است.

مالیات ابزار مهم کاهش تأثیرپذیری بازار از بازارهای موازی و تلاطم‌های اقتصادی است. این برنامه در کنار مهم ترین برنامه دولت که تولید و عرضه ۴ میلیون مسکن است، به ساماندهی بازار مسکن کمک می‌کند.



عملکرد یکساله وزارت ارتباطات به روایت آمار و ارقام؛

رشد ۳۰۰ درصدی توسعه فیبر نوری در دولت سیزدهم



که از حدود ۱۰ سال قبل روی زمین مانده را آغاز کرد و موفقیت‌های مناسبی هم در این زمینه کسب کرده است. درحالی که تعداد خانوارهای زیر پوشش فیبر نوری در ابتدای دولت سیزدهم رقمی کمتر از ۵۰۰ هزار خانوار بود، این رقم تا پایان مردادماه به حدود ۲ میلیون خانوار در کشور می‌رسد که نشان از رشد ۳۰۰ درصدی دارد و دستاوردی مناسب برای وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات محسوب می‌شود.

گفتنی است وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از بهمن ماه سال گذشته این پروژه را به‌عنوان یک طرح راهبردی و ملی تحت نام پروژه «فیبرنوری منازل و کسب‌وکارها» مطرح کرد. از آنجا که این طرح جزو مصوبات شورای عالی فضای مجازی قرار دارد و لازم‌الاجراست، از همان زمان این پروژه کلید خورد. به این ترتیب اواخر بهمن‌ماه سال گذشته «عیسی زارع‌پور» وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مراسمی، ۵۰۰ هزار پورت فیبرنوری پرسرعت را در شهرهای قم و مشهد افتتاح کرد.

بر اساس مصوبه شورای عالی فضای مجازی، باید تا سال ۱۴۰۴ حدود ۸۰ درصد خانوارها و ۱۰۰ درصد کسب‌وکارها با متوسط سرعت ۲۵ مگابیت بر ثانیه به پهن‌بند ثابت دسترسی داشته باشند و دسترسی ۲۰ میلیون خانوار و ۵ میلیون کسب‌وکار نیز تا سال ۱۴۰۴ به اینترنت پهن‌بند ثابت باید بر بستر فیبر نوری شکل بگیرد.

دولت سیزدهم عزم خود را برای حل مشکلات کشور جزم کرده و همه تلاش خود را به کار گرفته است تا در حوزه‌های مختلف علاوه بر رفع نابسامانی‌های قبلی، گام‌های بلندی برای توسعه کشور بردارد. یکی از این حوزه‌ها فناوری اطلاعات و ارتباطات است که با زندگی روزمره مردم گره خورده و عجین شده است. وزیر ارتباطات در دولت سیزدهم، نوید اینترنت با سرعت چند صد مگابیت را داده و هدفگذاری کرده است که سرعت اینترنت همراه، ۲۰ رتبه و اینترنت ثابت نیز ۳۰ پله ارتقا یابد و در نهایت با تکمیل پروژه فیبرنوری، ایران به جمع ۵۰ کشور بالای جدول پیوندد. اما همزمان با یکسالگی دولت سیزدهم، عملکرد وزارت ارتباطات و فناوری چگونه بوده و چه پیشرفت‌هایی در بخش‌های مختلف فناوری داشته است؟

فیبر نوری؛ شاهراه توسعه زیرساخت‌های ارتباطی کشور

با توسعه کسب و کارهای اینترنتی، رونق آموزش آنلاین و... حالا دیگر اینترنت به یکی از نیازهای اصلی مردم تبدیل شده و توسعه آن در کانون توجه دولت سیزدهم قرار گرفته است. با توجه به کیفیت نه‌چندان مطلوب وضعیت و کیفیت اینترنت، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، نسخه شفابخش حل مشکلات اینترنت در کشور را رساندن فیبرنوری به منازل و کسب و کارها می‌داند و معتقد است که شبکه‌های مبتنی بر فیبرنوری یکی از شاهراه‌های عصر جدید هستند؛ شاهراهی که می‌تواند زیرساختی مناسب برای توسعه همه بخش‌های کشور فراهم و به توسعه دیجیتال کشور کمک شایان توجهی کند.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، توسعه فیبر نوری را به‌عنوان راهکاری بلندمدت برای

حل مشکلات اینترنت در دستور کار قرار داده است تا بتواند در قالب «نهضت فیبرکشی»، دسترسی عموم مردم را به شبکه امن، پایدار، پرسرعت و ارزان رقم بزند.

در یک سال گذشته، وزارت ارتباطات در دولت سیزدهم گام‌های بزرگی در حوزه فناوری برداشته که یکی از مهم‌ترین آنها، تحقق و پیشرفت پروژه فیبرنوری منازل و کسب‌وکارهاست. این وزارتخانه البته هدفگذاری گسترده‌ای دارد به گونه‌ای که قرار است تا پایان دولت سیزدهم، ۲۰ میلیون خانوار و کسب و کار در کشور تحت پوشش فیبرنوری قرار بگیرند.

توسعه فیبر نوری، البته موضوع تازه‌ای نیست و پیش از این نیز مورد توجه دولت‌ها بوده است اما به دلایل مختلف از جمله انحصار مخابرات در زمینه فیبر نوری، پیش از این موفقیت‌های چندانی در این زمینه حاصل نشده بود ولی دولت سیزدهم با کنار زدن بسیاری از این موانع، عملاً کاری

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

دولت از حق خود صرفنظر کرد

اما دولت سیزدهم چگونه «نهضت توسعه فیبر نوری» که دستیابی به آن، به منابع مالی زیادی نیاز دارد را به مرحله اجرا رساند؟ با توجه به اینکه برآورد می‌شود اجرای کامل پروژه فیبر نوری به بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد موضوع به طور ویژه مورد بررسی قرار گرفت. وزارت ارتباطات تلاش داشت با ارائه مشوق به اپراتورهای همراه و ثابت کمک کند تا آماده ورود به این بازار شوند و مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه توسعه فیبر نوری هموار شود. هرچند اجرای این نهضت و شتاب دادن به آن، چندان ساده به نظر نمی‌رسید ولی در نهایت با تصویب مصوبه‌ای راهگشا در هیأت دولت، عملاً وزارت ارتباطات با صرفنظر کردن از حق خود، یک گام به پیشبرد یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ارتباطی ملی کشور نزدیک شد.

بر اساس این مصوبه، ۸ واحد درصد از حق‌السهم دولت از درآمد اپراتورهای تلفن همراه در اختیار این اپراتورها قرار می‌گیرد تا صرف توسعه شبکه ثابت مبتنی بر فیبر نوری شود و سرعت و کیفیت ارتباطات ثابت را افزایش دهند. با این مصوبه، اپراتورهای همراه پس از اخذ «پروانه همگرای خدمات ارتباطی» می‌توانند با بهره‌گیری از این تسهیلات، عملاً در حوزه ارتباطات ثابت هم ورود پیدا کرده و نسبت به راه‌اندازی پورت‌های پرسرعت فیبر نوری برای منازل و کسب‌وکارها اقدام کنند. البته این رقم قبلاً ۳ درصد و در مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، ۵ درصد پیش‌بینی شده بود که هیأت دولت، آن را به ۸ درصد افزایش داد تا به پیشبرد این پروژه ملی کمک شود.

به بیان ساده‌تر، در دولت سیزدهم برای نخستین بار از محل درآمدهای وزارت ارتباطات، برای ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی مورد نیاز بخش خصوصی هزینه می‌شود تا این طرح بزرگ و ملی به سرانجام برسد و تعداد بیشتری از کاربران بتوانند به اینترنت پرسرعت و باکیفیت دسترسی پیدا کنند. به دنبال این مصوبه و پس از انتشار یک فراخوان، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی خبر داد که در فاز نخست از میان ۲۱ ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی، ۱۲ اپراتور اعلام آمادگی کرده و با ۹ اپراتور تفاهمنامه توسعه دسترسی مبتنی بر فیبر نوری امضا شد.

پس از راه‌اندازی ۵۰۰ هزار پورت فیبر نوری پرسرعت در شهرهای قم و مشهد در اواخر بهمن‌ماه سال گذشته، در نخستین گام از اجرای این تفاهمنامه، پوشش فیبر نوری در شهرهای قزوین، کرمانشاه، رشت، بوشهر، سمنان، شهر قدس، ایلام و یزد به اپراتورهای متعهد ابلاغ شد. در تیرماه سال جاری نیز پوشش ۸ شهر جدید به اپراتورهای متعهد ابلاغ شد تا برای توسعه فیبر نوری و دسترسی کاربران در فردیس، ساوه، رامسر، بندر امام خمینی، بابل، گرگان، بندر چارک و قرچک به فیبر نوری اقدام کنند.

افزایش ترانزیت دیتا از خاک ایران

یکی دیگر از وعده‌های وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مجلس شورای اسلامی، این بوده که ظرفیت ترانزیت دیتا از خاک ایران را به ۵ ترابایت بر ثانیه برساند.

با توجه به افزایش میزان حملات سایبری در جهان، ارتقای امنیت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی کشور به‌عنوان یکی از دغدغه‌های دولت سیزدهم مطرح بود. در این راستا راه‌اندازی سامانه هوشمند کشف کلاهبرداری فیشینگ پیامکی در دستور کار قرار گرفت. اقدامات انجام شده توسط این سامانه از اردیبهشت ۱۴۰۱ تاکنون، منتج به شناسایی و مسدودسازی بیش از ۶۴۷۰ دامنه جعلی و مسدودسازی حدود ۲۱۰۰۰ شماره تلفن شد

موضوعی که از مصوبات شورای عالی فضای مجازی است و با توجه به عملکرد یکساله وزارت ارتباطات، انتظار می‌رود به سرانجام برسد. وزیر ارتباطات، استفاده حداکثری از ظرفیت خدادادی کشور برای ترانزیت ترافیک اینترنت از خاک کشورمان را یکی از طرح‌های مهم می‌داند که در گذشته مورد غفلت واقع شده بود اما از ابتدای دولت سیزدهم تاکنون میزان ترافیک عبوری از کشور از ۱.۳ ترابایت بر ثانیه به ۲.۵ ترابایت بر ثانیه رسیده، یعنی تقریباً دوبرابر شده و افزایش صد درصدی داشته است که پیشرفت مناسبی به شمار می‌رود.

دستیابی به این پیشرفت و دستاورد، علاوه بر توانمندی فنی جوانان ایرانی، نیازمند رایزنی، مذاکره و تعامل با کشورهای دیگر بود که با اعمال سیاست‌های درست، تحقق یافت و وزارت ارتباطات انتظار دارد در پایان دولت سیزدهم، ایران به هاب منطقه‌ای ترانزیت دیتا تبدیل شود. به گفته وزیر ارتباطات تحقق این هدف علاوه بر درآمدزایی می‌تواند ضمانتی برای تأمین اینترنت مورد نیاز کشور ایجاد کند. یکی دیگر از موضوعاتی که در وزارت ارتباطات مورد توجه قرار گرفته، تنوع بخشیدن به مسیرها و منابع تأمین اینترنت بوده است تا به این ترتیب اگر هم در بخشی از کشور به هر دلیلی قطعی اینترنت رخ داد، بتوان از مسیرهای فیزیکی دیگر مشکل را حل کرد و اختلالی در اینترنت ایجاد نشود.

اتصال دو سامانه اصلی وزارت راه و شهرسازی به پنجره واحد خدمات هوشمند

یکی دیگر از تعهدات وزارت ارتباطات در ابتدای دولت سیزدهم، تحقق دولت هوشمند بود به گونه‌ای که وزیر ارتباطات تنها راه حذف امضاهای طلایی را در تحقق این امر می‌داند و اعتقاد دارد که تنها راهکار چابک‌سازی دولت و مقابله با فساد، استقرار دولت الکترونیکی است.

در همین راستا به منظور بسترسازی برای تحقق دولت هوشمند، از اردیبهشت ۱۴۰۱ نسخه آزمایشی سامانه پنجره واحد خدمات دولت هوشمند با اتصال به بیش از ۲۰ سامانه پنجره واحد دستگاه‌های اجرایی راه‌اندازی شد و تاکنون ثبت درخواست مشمولان یارانه و نیز ثبت‌نام اینترنت اقصا آسیب‌پذیر از طریق این سامانه انجام شده است. در حال حاضر ۲۱ دستگاه اجرایی و ۲۶ سامانه به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند متصل شده‌اند که به‌زودی تعداد آنها افزایش خواهد یافت. در همین راستا، ۶۹ خدمت الکترونیکی نیز به‌صورت مستقیم در این پنجره مورد پیاده‌سازی قرار گرفته‌اند. همچنین انجام بیش از ۲.۵ میلیارد تراکنش طی سال ۱۴۰۰ روی مرکز ملی تبادل اطلاعات کشور به‌عنوان یک رکورد جدید از تعامل الکترونیکی سازمان‌ها با یکدیگر نشان از توسعه و تکمیل مرکز ملی تبادل اطلاعات و ارائه استعلامات جدید روی این بستر جهت استفاده دستگاه‌های اجرایی دارد.

به‌تازگی نیز مدیرکل دفتر پایش و نظارت بر پیاده‌سازی دولت الکترونیک با بیان اینکه دستگاه‌ها و نهادهای عمومی مکلفند در تعامل با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، پنجره واحد خدمات هوشمند خود را به پنجره ملی خدمات هوشمند دولت متصل کنند، از اتصال دو سامانه اصلی وزارت راه و شهرسازی شامل سامانه جامع طرح‌های حمایتی مسکن و سامانه ملی املاک و اسکان کشور به این پنجره خبر داد و آن را جدیدترین گام تکمیل پنجره واحد خدمات دولت هوشمند عنوان کرد.

به این ترتیب متقاضیان تنها با یک بار احراز هویت، می‌توانند با ورود به پنجره ملی خدمات هوشمند دولت از خدمات آنها استفاده کنند. سامانه جامع طرح‌های حمایتی مسکن به نشانی saman.mrud.ir ارائه‌دهنده خدماتی اعم از ثبت‌نام نهضت ملی مسکن، ثبت‌نام کمک ودیعه، تسهیلات ساخت بافت فرسوده و تسهیلات ساخت خارج از بافت فرسوده است. سامانه ملی املاک و اسکان کشور نیز که به نشانی amlak.mrud.ir در دسترس عموم قرار دارد با هدف دریافت خوداظهاری اطلاعات مالکیت و سکونت شهروندان به فعالیت می‌پردازد.

ارتقای امنیت زیرساخت‌های ارتباطی کشور

با توجه به افزایش میزان حملات سایبری در جهان، ارتقای امنیت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی کشور به‌عنوان یکی از دغدغه‌های دولت سیزدهم مطرح بود. در این راستا راه‌اندازی سامانه هوشمند کشف کلاهبرداری فیشینگ پیامکی در دستور کار قرار گرفت. اقدامات انجام شده توسط این سامانه از اردیبهشت ۱۴۰۱ تاکنون، منتج به شناسایی و مسدودسازی بیش از ۶۴۷۰ دامنه جعلی و مسدودسازی حدود ۲۱۰۰۰ شماره تلفن شد. عدم ارسال بیش از ۳۲ میلیون پیامک کلاهبرداری و کاهش پرونده‌های مربوط به کلاهبرداری در فضای مجازی نیز از دیگر دستاوردهای دولت سیزدهم در یک سال گذشته به شمار می‌رود. استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان در هوشمندسازی پست و ارتقای خدمات پستی را نیز می‌توان از دیگر دستاوردها و عملکرد دولت سیزدهم در یک سال گذشته برشمرد.

جهش اقتصاد برای رسیدن به قله رشد هشت درصدی

با وجود میانگین نزدیک به صفر نرخ رشد اقتصاد ایران در دولت قبل در ۹ ماه سال ۱۴۰۰ به ۵/۱ درصد و بدون لحاظ فروش نفت به ۳/۸ درصد رسید. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص که سال ها منفی شده بود به ۴/۹ درصد افزایش پیدا کرد.



رشد ۳۶ درصدی تجارت خارجی در دولت سیزدهم



میلیون دلار



حجم تجارت جمهوری اسلامی ایران از شهریور ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ بیش از ۳۶ درصد و میزان صادرات ۳۱ درصد افزایش پیدا کرد؛ در دو ماه متوالی منتهی به اردیبهشت هم تراز تجاری کشور مثبت شد.



با بازگشت ایران به صحنه رقابت‌های منطقه‌ای، رکورد جذب بار عبوری در کشور شکست

عبور ترانزیت از خط توقف

از زمان استقرار دولت سیزدهم در ۱۱ ماهه اخیر، ۲ میلیون و ۸۷۵ هزار تن کالای خارجی از مسیر ایران عبور کرده که نسبت به مدت مشابه ۵۸ درصد افزایش داشته است

■ سهیلا یادگاری

توسعه ترانزیت را نمی‌توان فقط از بعد حمل کالا بررسی کرد. هرچه مسیرهای ترانزیتی گسترده شود، نقش راهبردی کشور در منطقه افزایش می‌یابد و وابستگی همسایگان به همکاری اقتصادی با ایران بیشتر می‌شود. اهمیت این موضوع در زمان تحریم تا آنجا است که کشورها نمی‌توانند به بهانه تحریم، از مزایای ایران برای عبور کالاهای وارداتی و صادراتی خود چشم‌پوشند. در کنار این، نمی‌توان درآمدهای ارزی، اشتغالزایی، افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی را که ترانزیت برای کشور به همراه می‌آورد نادیده گرفت. توسعه پایدار، افزایش امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اصلی‌ترین پیامدهای تبدیل شدن ایران به هاب ترانزیتی منطقه است. دولت سیزدهم با درک این اهمیت، رشد ترانزیت را یکی از اولویت‌های اقتصادی خود قرار داده است.

دولت قبل با عملکرد ضعیف در دو حوزه گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه و تکمیل و راه‌اندازی شریان‌های مهم، موجب شد تا ترانزیت کشور، که در سال ۹۳ به ۱۳ میلیون تن رسیده بود در سال ۹۹ به ۵۵ میلیون تن، کمترین میزان سال‌های اخیر کاهش یابد. براساس برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، هر ساله می‌بایست رشد ۱۰ درصدی در ترانزیت کشور ثبت می‌شد که بعد از رشد سال ۹۳ در سال‌های بعد، ترانزیت روند کاهشی داشته است.

رویکرد دولت سیزدهم در مناسبات خارجی، رونق دیپلماسی اقتصادی با کشورهای

منطقه است. همین رویکرد موجب رشد تجارت ایران شده است. از شهرپور ماه سال ۱۴۰۰ تا پایان تیرماه امسال، ۱۵۱ میلیون تن کالا به ارزش ۲ میلیارد دلار، بین ایران و سایر کشورها تبادل شد که نسبت به مدت مشابه ۳۱ درصد در ارزش افزایش داشته است. از محورهای مهم افزایش مبادلات تجاری، گشودن کریدورهای ترانزیتی برای عبور کالاهای خارجی از کشور به مقاصد مختلف بویژه کشورهای همسایه و کشورهای منطقه است. از زمان استقرار دولت سیزدهم در ۱۱ ماهه اخیر، ۲ میلیون و ۸۷۵ هزار تن کالای خارجی از مسیر ایران عبور کرده که نسبت به مدت مشابه

۵۸ درصد افزایش داشته است. ایران با ۱۵ کشور از مرز آبی و خشکی همسایه است و از این حیث از جمله کشورهای است که بیشترین تعداد همسایه را دارد. سیاستگذاران در ماه‌های اخیر با تکیه بر این مزیت، برنامه‌ای ویژه برای رشد ترانزیت تدارک دیده‌اند.

کریدورها باز شد

مهم‌ترین راهبرد برنامه جدید ترانزیتی کشور که شورای عالی ترابری مصوب کرده هدف‌گذاری افزایش ترانزیت به ۲۰ میلیون تن تا پایان امسال است. میزان ترانزیت در سال گذشته ۱۱/۵ میلیون تن بود، به عبارتی ترانزیت امسال حدود ۹ میلیون تن از سال گذشته بیشتر خواهد بود. جذب این میزان بار عبوری البته با امضای تفاهمنامه با روسیه برای انتقال ۱۰ میلیون تن بار این کشور از کریدورهای ایران، قابل تحقق است. با تحریم روسیه بعد از شروع جنگ اوکراین، این کشور مسیرهای جنوبی خود (کریدور شمال-جنوب) را برای انتقال کالاهای خود جایگزین کرده است تا بتواند بخشی از مراودات خود را بدون نیاز به کریدورهای اروپایی انجام دهد. پیش‌بینی می‌شود ۱۰ میلیون تن بار ترانزیتی روسیه در مسیر کریدور شمال-جنوب امسال جذب شود که اگر این پیش‌بینی محقق شود، ترانزیت کشور به ۲۰ میلیون تن در سال می‌رسد. چین کشور دیگری است که با ایران برای انتقال بار خود در حال رایزنی است. به همین منظور، چند کریدور که در سال‌های اخیر غیرفعال بود، در مسیرهای شمال-جنوب و شرق-غرب

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



دوباره فعال شده است. در شورای عالی ترابری به منظور طرح ریزی برنامه‌های جدید ترانزیتی، کارگروه «روانسازی و توسعه ترانزیت» تشکیل شده است. اهمیت و نقش مؤثر تدوین سیاست راهبردی اقتصاد، پایش وضعیت زیرساخت‌ها، فعال شدن ترانزیت از کریدورهای شرقی- غربی و شمالی- جنوبی، تدوین و شفاف‌سازی فرایندها، رفع موانع ترانزیت و هماهنگی میان دستگاه‌های متولی، در اولویت برنامه‌ها برای افزایش ترانزیت کشور قرار دارد.

بر اساس برنامه دولت در اولویت تبادلات تجاری با کشورهای منطقه، فعال شدن محورهای ترانزیتی میان ایران، کشورهای همسایه و کشورهای منطقه در دستور کار قرار گرفته است. در همین راستا کریدور موسوم به «عشق‌آباد» که سال ۲۰۱۱ میان دو کشور ایران و ترکمنستان برقرار شد، اما هیچ گاه فعال نشد، به صورت آزمایشی راه‌اندازی شد. این کریدور ترانزیتی بین‌المللی کشورهای آسیای میانه را به بنادر خلیج فارس و دریای عمان مرتبط می‌سازد. کریدور عشق‌آباد، بخشی از کریدور شمال- جنوب در منطقه شرق است. کریدور دیگری که در همین مسیر فعال شد، از چین- قزاقستان- ترکمنستان- ایران به سمت ترکیه و اروپا می‌رود. این محور که شرقی- غربی است برای انتقال بار از چین به اروپا اهمیت زیادی دارد. از این کریدورها بار آزمایشی برای نخستین بار به صورت مستقیم از روسیه از شبکه ریلی وارد ایران شد و به بندرعباس برای ترانزیت به هند منتقل شد، همچنین از مرز سرخس، قطار باری چین وارد ایران شد تا به سمت ترکیه و اروپا برود.

در سال‌های قبل به ترانزیت از کریدور شرقی- غربی کمتر اهمیت داده شده است، در حالی که ماهیت ترانزیتی ایران وابسته به عملکرد محور شرقی- غربی است. به منظور ایجاد مسیر و رد و بدل کالا بین قطب‌های تولیدی در شرق آسیا و اروپا، بر اساس برنامه رشد ترانزیت، ظرفیت و توانایی کشور برای انتقال بارهای ترانزیتی در مسیر شرق به غرب تقویت خواهد شد.

دو مسیر بین‌المللی دیگر شامل کریدور ایران- عراق- سوریه و کریدور افغانستان- ایران- ترکیه در راستای برنامه‌های جدید ترانزیتی کشور، فعال‌سازی می‌شود. راه‌اندازی کریدور ایران- عراق- سوریه تأثیر قابل توجهی بر ارتقای عملکرد مرزهای زمینی (جاده‌ای و ریلی) با عراق و سوریه خواهد داشت و این کریدور امکان دسترسی به دریای مدیترانه از طریق عراق- سوریه را برای کشورمان فراهم می‌کند. کریدور افغانستان- ایران- ترکیه نیز احیای جاده ابریشم ایران از مسیری غیر از این است که اقدامی استراتژیک در حوزه ترانزیتی کشور است.

یک مسیر تازه حمل و نقل از امارات متحده آغاز شده و با گذر از بندر شارجه به بندرعباس ایران می‌رسد و پس از آن به سمت شمال غربی و ترکیه می‌رود تا به دریای مدیترانه برسد. در این مسیر تازه، کشورهای منطقه ای می‌توانند روابط تجاری را توسعه دهند. طبق اعلام سازمان

جهانی حمل و نقل جاده ای، مسیری که از ایران می‌گذرد، منطقی و مقرون به صرفه است. حرکت از عربستان و رسیدن به دریای مدیترانه با این مسیر تازه تنها ۶ روز زمان می‌برد که بسیار کمتر از بیست و یک روزی است که لازم بود تا از گذر کانال سوئز از خلیج فارس به دریای مدیترانه برسد.

پاکستان نیز از مسیر تازه ای که از ایران به سمت ترکیه می‌رود استقبال کرده است. در این مسیر زمان حمل کالاهای از آسیای جنوبی و اروپا از ۴۰ روز به یک هفته کاهش می‌یابد. کشورهای آسیای میانه نیز با توجه به جنگ اوکراین و ترافیک مسیر دریای خزر، حالا چشم به مسیر ترانزیتی ایران دارند.

راه‌های ارتباطی ایران، فرصتی استثنایی از منظر اقتصادی و تجاری برای کشور به حساب می‌آید. ایران در مسیرهای ترانزیتی مختلف از جمله کریدور شمال- جنوب، کریدور چین- آسیای میانه- آسیای غربی، کریدورهای حمل و نقلی تعریف شده میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) مانند کریدور اسلام آباد- تهران- استانبول و کریدور ایران- عراق- سوریه قرار گرفته است. اهمیت فعال‌سازی کریدورهای ترانزیتی در این است که با غفلت از آن، کشورهای همسایه و منطقه با ایجاد فعال‌سازی کریدورهای دیگر، سهم ایران را از بهره‌برداری از کریدورهای مشترک کاهش می‌دهند.



برای افزایش سهم ایران از کریدورهای تجاری منطقه، مدیریت کریدورهای موجود عبوری از کشور شامل کریدور شمال- جنوب، کریدور سه‌جانبه هند- ایران- افغانستان (موافقتنامه چابهار)، کریدور سه‌جانبه ایران- افغانستان- ازبکستان، کریدور اروپا- قفقاز- آسیا (تراسیکا)، کریدور خلیج فارس- دریای سیاه، شبکه کریدورهای اگو (ECO)، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و موافقتنامه ترانزیتی عشق‌آباد، با هدف ایجاد مسیرهای ترانزیتی جدید با همکاری کشورهای منطقه در دولت پیگیری می‌شود.

تکمیل مسیرها

مسیرهای ترانزیتی از شمال به جنوب و شرق به غرب، مسیرهای ترکیبی آبی، جاده‌ای و ریلی است. این مسیرهای

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



انتقال بار از شمال به جنوب و بالعکس و همچنین از شرق به غرب از مسیر ایران به نصف کاهش می‌دهد (در مقایسه با مسیر کانال سوئز، مسیر ایران انتقال بار را به طور متوسط از ۴۰ روز به ۱۷ تا ۲۰ روز کاهش می‌دهد). کرایه کمتر و کوتاه بودن زمان حمل، از عوامل تأثیرگذار در تجارت است، انتخاب کریدورهای کوتاه و مقرون به صرفه مانند مسیر ایران که انتقال زمینی بار بین آسیا و اروپا را کاهش داده، از مواردی است که موجب استقبال صاحبان کالا، برای عبور بار خود از ایران شده است. هرچه زمان انتقال بار کاهش یابد هزینه جابه جایی کالاها نیز کمتر خواهد شد از این رو با توسعه زیرساخت ها در کشور، با توجه به پایداری سیاسی و امنیتی در ایران، ترانزیت از ایران رونق می‌گیرد. مهمترین حلقه مفقوده ترانزیتی کشور، در بخش ریلی است که قطعاتی از مسیر هنوز تکمیل نشده است. بخش انتهایی کریدور شمال-جنوب با اتصال راه آهن رشت به آستارا تکمیل می‌شود. این در حالی است که از سال ۹۷ که قطار به رشت رسید قرار بود انتهای مسیر هم ساخته شود اما در تکمیل این کریدور کم کاری شده است. اگر این قطعه تکمیل شود باری که از شمال (روسیه) از این منطقه وارد کشور می‌شود با حمل یکسره ریلی تا بنادر جنوبی (بندرعباس) حمل می‌شود. حمل یکسره مهمترین مزیت یک کریدور در کاهش زمان و هزینه است. مسیر ریلی باقیمانده کریدور شمال-جنوب ۱۶۱ کیلومتر است که حدود ۲۰ کیلومتر آن احداث شده و برای تکمیل بقیه مسیر ۲۰ هزار میلیارد تومان نیاز است. ایران با استفاده از منابع داخلی، فاینانس و همچنین احتمالاً وام روسیه، قصد دارد این مسیر را در ۴ سال آینده به بهره برداری کامل برساند. انتقال کالا میان روسیه و هند از کریدور شمال-جنوب، بیشترین بار عبوری از این مسیر است. با توجه به تحریم غرب علیه روسیه، استفاده از این کریدور برای

روسیه دارای اهمیت ویژه‌ای است از این جهت، روسیه برای سرمایه گذاری در احداث قطعه پایانی کریدور شمال-جنوب اعلام آمادگی کرده است.

در شاخه شرقی مسیر ریلی کریدور شمال-جنوب، راه آهن ۶۰۰ کیلومتری چابهار-زاهدان در دست احداث است. بخشی از این مسیر از زاهدان تا خاش ساخته شده و برای تکمیل مابقی مسیر ۳۰۰ میلیون یورو هزینه نیاز است. منابع این طرح از محل صندوق ملی تأمین می‌شود. با توجه به اینکه بندر چابهار از این مسیر با ریل به کریدورهای بین‌المللی متصل می‌شود این اتصال، بار را از جنوب به کشورهای آسیای میانه، شمال اروپا و افغانستان به صورت مستقیم انتقال می‌دهد. تکمیل دو مسیر ریلی رشت-آستارا و چابهار-زاهدان، ظرفیت ترانزیت ایران را ۱۵ میلیون تن در سال افزایش می‌دهد.

بخشی دیگر از مسیر ریلی ترانزیتی کشور در محور جنوبی کریدور شمال-جنوب و شرق-غرب، مسیر ریلی اتصال ایران به عراق از شلمچه تا بصره به طول ۳۲ کیلومتر است. با توجه به عبور مسیر از رودخانه اروند ساخت پل، لایروبی مسیر و تأمین زمین باعث شده هزینه ساخت این مسیر کوتاه بالا باشد، البته دلیل دیگر افزایش هزینه ساخت پروژه، تأخیر ۱۰ ساله در ساخت مسیر ترانزیتی کوتاه ایران و عراق است. این تأخیر علاوه بر اینکه موجب از دست رفتن میلیاردها دلار درآمد ارزی ترانزیتی برای کشور شده، هزینه ساخت پروژه را نیز چندین برابر کرده است. برآورد اولیه از هزینه ساخت راه آهن شلمچه و بصره از جهت ساخت، ۱۰۰ میلیون دلار (۳ هزار میلیارد تومان) است در حالی که هزینه احداث آن در سال ۹۸، ۹۰۰ میلیارد تومان بوده است.

منافع اقتصادی

ضرورت بهره گیری از ظرفیت‌های از دست رفته ترانزیتی کشور به عنوان

راهکاری برای ایجاد درآمدهای کلان ارزی و رفع اثر تحریم‌ها، بیش از پیش در دولت سیزدهم احساس و اکنون به این مهم توجه شده است. در این شرایط، سیاست بخش حمل و نقل، سرمایه گذاری در توسعه کریدورهای ترانزیتی و برنامه‌ریزی برای توسعه مبادلات تجاری و اقتصادی با همسایگان و کشورهای منطقه است تا ایران در بازار رقابتی ترانزیتی، سهم بیشتری از ترانزیت منطقه را به خود اختصاص دهد و درآمد بیشتری به دست آورد.

چشم‌انداز برنامه جدید رشد ترانزیت، رسیدن به ترانزیت حداکثر ۲۰ و حداقل ۱۵ میلیون تن تا آخر امسال است. براساس پژوهش‌های موجود، ظرفیت بالقوه ترانزیتی کشور سالانه ۸۰ میلیون تن است. برآورد دولت این است که ۲۰ میلیون تن ترانزیت، ۲۰ میلیارد دلار درآمدهای ارزی (درآمد مستقیم و غیر مستقیم) را برای کشور به همراه دارد. این درآمد ترانزیتی از آنجا اهمیت دارد که درآمدهای نفتی سال گذشته برابر ۳۸ میلیارد دلار بوده است (آمار بانک مرکزی). بیشترین ترانزیت کشور جاده‌ای است و بیشترین درآمدهای ترانزیتی نیز از حمل‌ونقل جاده‌ای کسب می‌شود. در بخش جاده‌ای علاوه بر درآمد مستقیم، درآمدهای حاشیه‌ای که عمدتاً ارزی است به دست می‌آید. هر ۱۰۰ تن بار ۱۰ شغل مستقیم و حدود ۵۰ شغل غیرمستقیم ایجاد می‌کند بنابراین افزایش ترانزیت علاوه بر رشد درآمدهای ارزی، مزایای زیادی برای بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد داشت.

براساس آمار دفتر ترانزیت سازمان راهداری، تردد هر کامیون ترانزیتی ایرانی به کشورهای همسایه به طور متوسط ۳ هزار دلار درآمد دارد و کمترین آن ۲ هزار دلار است. اگر تردد کامیون ترانزیتی به کشورهای منطقه مانند روسیه یا کشورهای اروپایی باشد، متوسط درآمد تردد هر کامیون ۴ تا ۵ هزار دلار یا بیشتر است. بنابراین افزایش هر تن ترانزیت،

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

درآمدهای بیشتری را نصیب کشور می‌کند. بیشترین ترانزیت ۴ ماهه امسال در بخش جاده‌ای و به میزان ۳۲ درصد است. ایران ۲۶ مرز زمینی برای تردد کامیون‌های باری دارد. تردد کامیون‌های ترانزیتی از مرزهای جاده‌ای کشور در سال گذشته نسبت به سال ۹۹، ۹۸ درصد افزایش یافته است. میانگین تردد کامیون‌های ترانزیتی در سال گذشته (ماهانه) ۳۳ هزار و ۶۵۰ دستگاه بوده است.

از عدد ۲۰ میلیون تنی ترانزیت، ۱۵ تا ۲۰ درصد (۶ میلیون تن) مربوط به سهم حمل و نقل ریلی و مابقی (۴ میلیون تن) سهم حمل و نقل جاده‌ای است. پس از شیوع کرونا نرخ کرایه حمل دریایی حدود ۳ برابر شد. پیش از کرونا حمل و نقل دریایی به‌عنوان حمل و نقل عمده دنیا در حوزه دریایی بود اما با افزایش قیمت حمل دریایی، استفاده از مسیرهای جاده‌ای توجیه اقتصادی بیشتری دارد و با توجه به اینکه در ماه‌های اخیر مسیرهای ترانزیتی در کشور فعالیت خود را از سر گرفته است، اقبال به ایران برای عبور کالا از مسیرهای زمینی افزایش یافته است.

سال گذشته ۱۱/۵ میلیون تن کالا از ایران ترانزیت شده که سهم بخش جاده‌ای ۹/۳ و بخش ریلی حدود ۱/۵ میلیون تن و مابقی سهم بخش‌های دیگر است. پس از یک دوره ۷ ساله کاهش ترانزیت کالای خارجی از کشور، سال گذشته ترانزیت با رشد ۶۸ درصدی همراه بوده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد با توجه به رشد ترانزیت در ماه‌های ابتدایی امسال، دست یافتن به ترانزیت ۱۵ میلیون تنی تا پایان امسال قابل پیش‌بینی است. کالاهای عبوری خارجی از مسیر کشور در ۴ ماه نخست امسال، به ۴ میلیون و ۹۲۱ هزار تن رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۱ درصد افزایش داشته است. ترانزیت در ۱۰ سال گذشته تنها یک بار به ۱۳ میلیون تن رسیده (سال ۹۳) و در سال‌های ۹۸ و ۹۹ ترانزیت کاهش ۵۰ درصدی داشته است. به این ترتیب در یک سال و ۴ ماه اخیر ترانزیت ۱۰۰ درصد افزایش داشته و به تبع آن درآمدهای ارزی نیز افزایش دارد. رشد ۱۰۰ درصدی ترانزیت در یک سال و ۴ ماه یک رکورد در ایران به شمار می‌رود و این رکوردشکنی از آنجا بیشتر اهمیت دارد که در زمان تحریم اتفاق افتاده است. افزایش ۱۰۰ درصدی ترانزیت در زمان تحریم در ۱۶ ماه، دستاورد اقتصادی مهم برای کشور تلقی می‌شود.

یکی از برنامه‌های مهم برای رشد ترانزیت، توسعه زیرساخت و ناوگان ریلی برای جذب بار عبوری از این بخش است. حمل بار ریلی، کم هزینه‌ترین نوع انتقال است که مورد توجه صاحبان بار قرار گرفته است. همانطور که اشاره شد ترانزیت ریلی سال گذشته حدود ۱/۵ میلیون تن بود و در سال‌های ۹۸ و ۹۹ این عدد کمتر از یک میلیون تن است. در ۳ ماهه اول امسال ۴۳۵ هزار تن بار ترانزیتی از ریل حمل شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل (۵۴۲ هزار تن) حدود ۱۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد. افت حمل بار ترانزیتی ریلی در اوایل سال

به علت کمبود لکوموتیو در کشور عنوان می‌شود. با تأمین لکوموتیوهای مورد نیاز و رفع ضعف‌های سیاستگذاری در بخش حمل و نقل ریلی، امسال ترانزیت ریلی ظرفیتی افزایشی را از ۱/۵ میلیون تن به ۴ میلیون تن دارد. به این ترتیب همان برنامه‌ای که دولت برای رشد ترانزیت در نظر گرفته است محقق خواهد شد.

فعالیت‌های منطقه‌ای

فعالیت‌های ایران برای عضویت در پیمان‌های بین‌المللی و همچنین امضای قراردادهای جدید، مسیر روشنی را پیش روی ترانزیت قرار داده است. اخیراً تفاهمنامه‌ای میان ایران و روسیه امضا شده تا حمل کالا از این کشور از مسیر ایران به ۱۰ میلیون تن افزایش یابد. رقابت راهبردی چین و هند بر سر دسترسی به مسیر تجاری و انرژی منطقه آسیای مرکزی و غربی، جایگاه ایران را هم به جهت ترانزیت کالا و هم تأمین انرژی در مرکز بازی بزرگ ژئوپلیتیک قرار داده است. ایران دسترسی روسیه به بنادر موجود در آب‌های خلیج فارس و اقیانوس هند را فراهم می‌کند. پیمان مهم دیگر، امضای قرارداد ۲۵ ساله

ایران و چین در جهت همکاری‌های توسعه ای و سیاسی است. در این قرارداد تکمیل راه‌آهن شرق و غرب ایران و ایجاد راه‌آهن پاکستان، ایران، عراق، سوریه و تکمیل راه‌آهن شمال به جنوب مورد توجه قرار گرفته است.

عضویت ایران در پیمان‌های، بستری دیگر برای پررنگ شدن نقش ایران در مبادلات بین‌المللی است. برای چین، هم سازمان همکاری‌های شانگهای و هم برنامه ۲۵ ساله با ایران بخشی از طرح یک کمربند-یک جاده محسوب می‌شود. تلاش برای تحقق برنامه ۲۵ ساله بین دو کشور نشان دهنده جایگاه استراتژیک ایران برای چین است. طرح یک کمربند-یک راه و احیای جاده تاریخی ابریشم بدون ایران ناقص خواهد بود. این عضویت راهبردی تأثیر مهمی بر روند همکاری‌های همه‌جانبه ایران در راستای سیاست همسایگی و آسیا محور دارد. این پیمان برای اکثر کشورهای سازمان و بویژه چین و روسیه مهم و استراتژیک است.

ایران همچنین برای عضویت در گروه اقتصادهای نوظهور موسوم به «بریکس» نیز درخواست رسمی داده است و چین و روسیه با عضویت ایران در آن موافقت کرده‌اند. کشورهای عضو بریکس، کشورهای در حال توسعه و البته با بالاترین سرعت توسعه در جهان هستند. عضویت ایران در پیمان‌های پس از ۱۵ سال، انعقاد معاهده تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و موافقت با عضویت ایران در بریکس، نقش ایران را در آینده در تجارت و محور ترانزیتی منطقه

پس از یک دوره ۷ ساله کاهش ترانزیت کالای خارجی از کشور، سال گذشته ترانزیت با رشد ۶۸ درصدی همراه بوده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد با توجه به رشد ترانزیت در ماه‌های ابتدایی امسال، دست یافتن به ترانزیت ۱۵ میلیون تنی تا پایان امسال قابل پیش‌بینی است

بیشتر از پیش خواهد شد.

تحقق رشد

موانع فراوانی در مسیر ارتقای ترانزیت از کشور وجود دارد که باعث شده سهم ایران با وجود مزیت‌های انتقال بار، ناچیز باشد و سایر کشورهای منطقه از این مشکلات به نفع خود بهره گرفته‌اند. یکی از دلایل مهم این امر، عدم هماهنگی میان دستگاه‌های متولی صنعت ترانزیت است. مشکلات نرم افزاری مانند بالا بودن زمان انجام تشریفات مرزی ورودی و خروجی کالا از ایران، کمبود شرکت‌های حمل و نقلی حرفه‌ای برای عبور دادن کالا با استفاده از مدهای حمل و نقل ترکیبی، از موانع رشد ترانزیت کشور است. سازمان‌های مختلفی در امر ترانزیت مسئولیت دارند و مشکل آنجا است که هر سازمان وظایف و مسئولیت‌ها را از نگاه بخشی خود می‌بیند. برای رشد ترانزیت باید نگاه بخشی به نگاه ملی تغییر یابد. برای افزایش ترانزیت مهم‌ترین راهکار استفاده از حمل و نقل ترکیبی است. برای مثال، شبکه ریلی مهم‌ترین کریدور ترانزیتی کشور، تا رشت کامل است اما از رشت تا آستارا ریل تکمیل نشده است پس در این منطقه با استفاده از حمل جاده‌ای یا دریایی باید انتقال بار انجام گیرد. مدهای مختلف حمل و نقل می‌تواند به ترانزیت کالا کمک کند. به این ترتیب هدف ۲۰ میلیون تن بار ترانزیتی برای سال جاری به تفکیک شیوه حمل (ریلی و جاده‌ای)، با مشارکت همه ذینفعان بویژه سازمان‌های بنادر و دریانوردی، راهداری و

رشد ترانزیت ریلی و جاده‌ای سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۹۹

شرح	درصد رشد
ترانزیت جاده‌ای	۱۰۰
ترانزیت ریلی	۱۷۷



آمارها گواه آن است که در نخستین سال دولت سیزدهم، تحولی در بخش ترانزیت ایجاد شده و بعد از چند سال کاهش حمل بار عبوری از خاک ایران و کاهش درآمدهای ترانزیتی در یک سال گذشته، شاهد رشد ترانزیت بوده‌ایم. برنامه‌ای مستمر برای حفظ رشد ترانزیت نیاز است تا این دستاوردها از دست نرود.

حمل و نقل جاده‌ای، شرکت راه‌آهن، گمرک و بخش خصوصی محقق خواهد شد. ارتباط مؤثر بین شیوه‌های حمل و نقلی با ایجاد و حمایت از فعالیت شرکت‌های حمل و نقل ترکیبی و ایجاد پیوستگی لازم در زیرساخت‌ها گره گشای حل مشکلات ترانزیت است. یکی از استراتژی‌های مهم در رشد ترانزیت، جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی است که موجب توسعه و تکمیل زیرساخت‌های لجستیکی و نوسازی ناوگان حمل و نقل و در نتیجه تبع آن افزایش تقاضا برای ترانزیت از ایران خواهد بود. افزایش ترانزیت، توسعه اقتصادی پایدار را تضمین می‌کند. لازم است تا متولیان بخش حمل و نقل نقشه راه و برنامه ملی برای تداوم رشد ترانزیت تدوین کنند. این برنامه باید ابعاد مختلف و دخیل در ورود و خروج کالا از کشور را در برگیرد تا هماهنگی قوانین در مبادی ورودی و خروجی کشور ایجاد شود.

تعامل و همکاری با کشورهای منطقه و با کشورهای با آنها مراودات تجاری داریم باید در راستای افزایش حمل بار از کشور باشد، البته استفاده بهینه از موقعیت جغرافیایی کشور، حمل و نقل بین‌المللی کالا و انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه و چند جانبه بین‌المللی با کشورهای همسایه، منطقه و اروپایی به منظور توسعه ترانزیت از ایران، در دستور کار دولت قرار دارد که این اقدامات نوید بخش توسعه ترانزیت از کشور طی سال‌های آینده است. آمارها گواه آن است که در نخستین سال دولت سیزدهم، تحولی در بخش ترانزیت ایجاد شده و بعد از چند سال کاهش حمل بار عبوری از خاک ایران و کاهش درآمدهای ترانزیتی در یک سال گذشته، شاهد رشد ترانزیت بوده‌ایم. برنامه‌ای مستمر برای حفظ رشد ترانزیت نیاز است تا این دستاوردها از دست نرود.

سهم بخش‌های مختلف حمل و نقل در ترانزیت کالا



عملکرد ترانزیتی کشور از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ (میلیون تن)



ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

ایران

بازار سرمایه

◆ بحران سال ۱۳۹۹ نمونه‌ای از ناکارآمدی سیاسی دولت بود

◆ افزایش ۳۲ درصدی شاخص کل بورس در یکسال

◆ تبعات اقدامات دولت قبل در بورس همچنان ادامه دارد

دولت قبل چه بلایی بر سر بازار و سهامداران بورس آورد؟

بحران سال ۱۳۹۹ نمونه‌ای از ناکارآمدی سیاسی دولت بود

در شرایطی که بازار سهام در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، یک بازار ناکارآمد و پرنقص به حساب می‌آمد، دولت دوازدهم در تصمیمی عجولانه، جاهلانه و به دور از منطق؛ سرمایه‌های مردم را به این بازار روانه کرد. امری که نه تنها به گسترش پایه‌های بازار و نصب نهادهای تقویت کننده این رکن عدالت‌ساز نینجامید، بلکه با گسترش بی اعتمادی به ساز و کار بازار در بین آحاد جامعه، قوت گرفتن آن را در ایران برای چندین سال به عقب انداخت تا جامعه ایرانی برای رسیدن به یک ساختار پویا و کارآمد اقتصادی با رنج و محنت‌های فراوانی روبه‌رو شود. در گسترش بحران بازار سهام سال ۱۳۹۹، دولت به عنوان مسئول کنترل بحران، نه تنها در این مورد موفق نبود بلکه خود به مرکز اصلی انتشار بحران به دیگر ارکان جامعه تبدیل شد. موضوعی که در این گزارش به آن خواهیم پرداخت، چگونگی نقش‌آفرینی دولت در جریان بحران ۱۳۹۹ است.



عظیمی از تقاضای تازه‌واردان را به دنبال آورد و در ادامه دولت با هموار ساختن مسیر دریافت کد معاملاتی شخصی برای افراد، در حالی که خیل عظیم تازه‌واردان فاقد هرگونه شناخت و آموزش کافی در مورد سرمایه‌گذاری در این بازار بودند، در به وجود آمدن فشار تقاضای کاذب سهم بسزایی ایفا کرد. براساس اعلام روابط عمومی سمات (شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه) از اول فروردین تا پایان تیرسال ۱۳۹۹ بیش از ۱/۲ میلیون کد معاملاتی جدید برای متقاضیان صادر شد.

لازم به ذکر است، در نیمه دوم سال ۱۳۹۸، مدیران وقت سازمان بورس اقدام به ایجاد محدودیت‌هایی در صدور کد معاملاتی کردند. در این دوران سازمان بورس اعلام کرد که متقاضیان دریافت کد معاملاتی باید حتماً آموزش‌های مقدماتی را بگذرانند و پس از آن با طی زمان ۳۰ روزه می‌توانند به فعالیت بپردازند اما با تغییر یک شبه مدیریت این سازمان، تمام محدودیت‌ها به تعلیق درآمد. این رفع محدودیت‌ها یکی از عوامل مهم در به وجود آمدن رفتار هیجانی در بازار و شکل‌گیری موج تقاضا برای سهام در قیمت‌هایی غیرمنطقی و بدون توجیه اقتصادی شد. با ورود مردم به بازار، شاخص با شدت زیادی شروع به رشد کرد و تا اواسط مردادماه ۱۳۹۹ از حدود ۵۰۰ هزار واحد به بالای دو میلیون واحد رسید.

از طرفی، صدا و سیما نیز با پخش برنامه‌های مختلف، پیوسته مردم را به ورود به بازار ترغیب می‌کرد. رسانه‌ها از نشر اخبار منفی و هشدارهای صاحب‌نظران خودداری می‌کردند. که این موضوع نیز در درجه اول در رشد بیش از حد شاخص و در درجه بعدی در بی اعتمادی جامعه به بازار، تأثیر بسیار زیادی داشت. عامل دیگر آزادسازی سهام عدالت بود؛ دولت در همین بازه اعلام کرد خرید و

در بازار سهام ایران، روند صعودی شاخص‌ها که از اوایل سال ۹۷ شروع شده بود، با وجود شرایط بد اقتصادی ناشی از ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی، تشدید تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا، در سال ۱۳۹۹، آهنگی شتابان به خود گرفت. رشد شاخص قیمت سهام در ماه‌های ابتدایی این سال به قدری سریع بود که برخی صاحب‌نظران از حبابی بودن قیمت‌ها و ریزش قریب‌الوقوع ارزش بازار خبر می‌دادند. این رشد افسار گسیخته در ادامه به بروز یک شرایط بحرانی منجر شد. بحرانی که دولت در ردیف اول متهمان به وجود آمدن آن قرار داشت. در آن سال‌ها، دولت و بانک مرکزی با اعمال محدودیت‌های مختلف (نظیر دریافت مالیات از معاملات طلا و ارز، دستگیری فعالان عمده در بازارها و کاهش نرخ سود بانکی برای سپرده‌های بلندمدت و کوتاه مدت) بر هزینه سرمایه‌گذاری در این بازارها افزودند و بدون توجه به زیرساخت‌ها و سنجش پتانسیل‌های بازار سهام، نقدینگی را به سمت این بازار روانه کردند.

با افزایش شکاف میان نرخ سود سپرده‌های بانکی یکساله و نرخ تورم سالانه، خانوارها و شرکت‌ها به دنبال صیانت از ارزش منابع نقد خود برآمدند. در این دوران و با توجه به منفی شدن نرخ حقیقی سپرده‌های بانکی و تشدید انتظارات تورمی، حرکت سپرده‌ها به بازارهای دیگر شکل گرفت که در این بین بازار سهام از اقبال بیشتری برخوردار بوده است.

سیاست‌های غلطی که بحران را منتشر کرد

دولت، مردم را به سرمایه‌گذاری در بازار سهام تشویق کرد. تبلیغات و تضمین‌های دولت نسبت به بازدهی مناسب سرمایه‌گذاری در بورس، موج

فروش سهام عدالت را آزاد خواهد کرد و کسانی که می‌خواهند به‌طور مستقیم به خرید و فروش بپردازند باید کد معاملاتی دریافت کنند. هرچند بحث آزادسازی از قبل در دستور کار قرار داشت اما قطعاً در زمان مناسبی اجرایی نشد، زیرا نه بازار ظرفیت و زیرساخت لازم را داشت و نه جامعه در شرایطی قرار داشت که بتواند سنجیده عمل کند. ساختارهای بازار که برای چنین استقبالی آمادگی نداشت، نتوانست نظم

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

مجموع تأمین مالی شرکت‌های دولتی و غیردولتی از بازار سرمایه در سال ۹۸ بالغ بر هزار و ۴۷۶ هزار میلیارد ریال بوده است که کمتر از ۳۲ درصد ارزش سهام و حق تقدم معامله شده در بورس اوراق بهادار و ۱۶ درصد از ارزش کل معاملات در بازارهای بورس، فرابورس و کالا را شامل می‌شود

میلیون و ۲۰۰ هزار واحد و تا دی‌ماه به یک میلیون و ۱۰۰ هزار واحد رسید. در این زمان و با شروع بحران، دولت در ابتدای شهریور اعلام کرد که با تزریق یک درصد از منابع صندوق توسعه ملی از بازار حمایت خواهد کرد. این موضوع در ادبیات سیاسی به سیاست حمل بازوکا معروف است؛ این سیاست که در بحران مالی سال ۲۰۰۸ توسط خزانه‌داری و وزارت اقتصاد آمریکا به کار گرفته شد، به این صورت است که دولت با اعلام انجام حمایت از بازار سهام در عمل چنین توان و قصدی ندارد. اگر بازار وعده حمایت را قبول کند، متناسب با آن تغییر رفتار خواهد داد و اگر بازار دست سیاستگذار را بخواند، دیگر به او اعتماد نخواهد کرد. همان‌طور که در امریکای سال ۲۰۰۸ این سیاست شکست خورد، در ایران سال ۱۳۹۹، با اطلاع سهامداران از توخالی بودن این وعده، عمل دولت نه تنها بی‌نتیجه ماند، بلکه موجبات نارضایتی و بی‌اعتمادی بیشتر را در بازار فراهم کرد. موج هیجانات با پشتوانه افراد

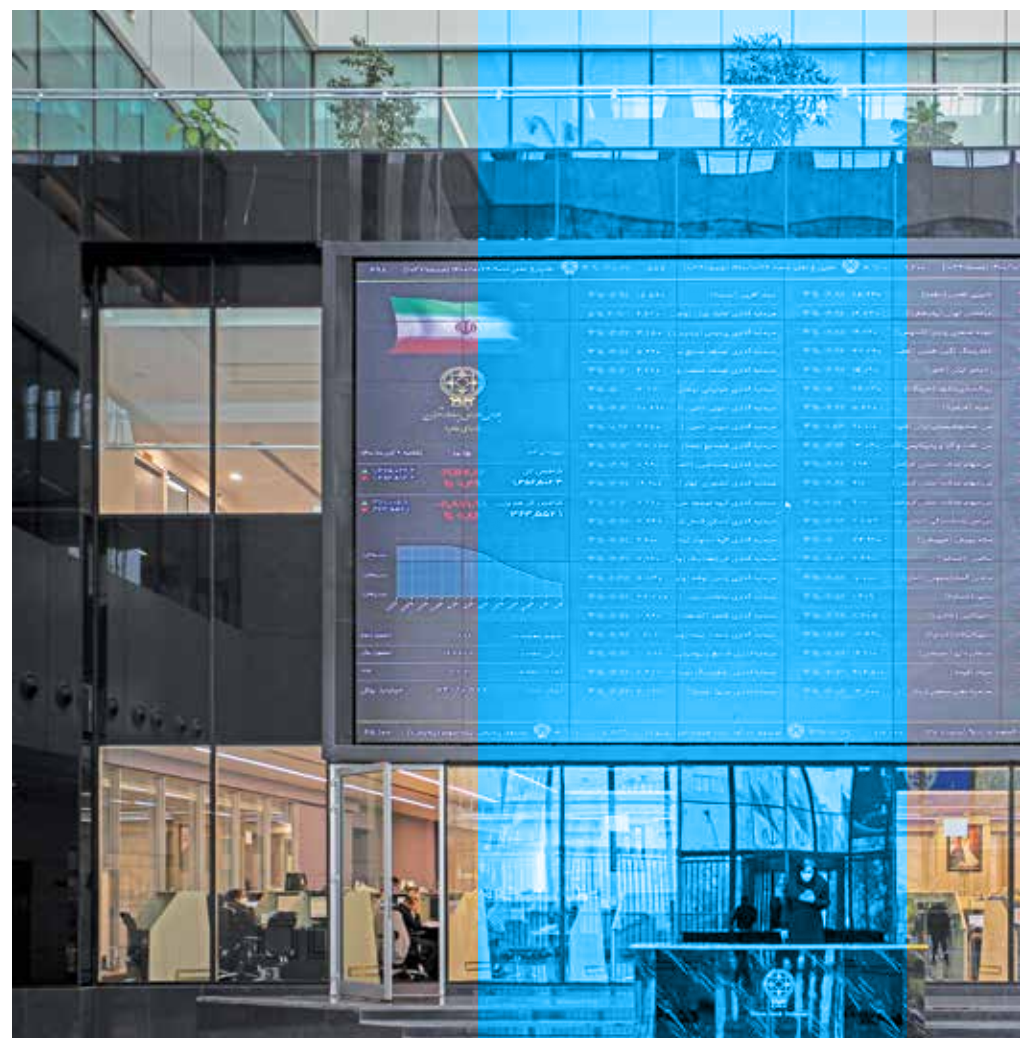
در بورس ایران، باید به سراغ سیاست انبساطی دولت و سیاست پولی غیرمسئولانه بانک مرکزی رفت. دولت و بانک مرکزی که از نیمه دوم سال ۱۳۹۷ با بازگشت مجدد تحریم‌ها در وضعیت دشوار قرار گرفته بودند، ناگزیر شدند هدف کنترل تورم و برقراری ثبات اقتصاد کلان را لااقل در این دوره به دست فراموشی بسپارند. آنها در این دوره ضمن توسل به پول پرقدردت، هم مشکل کسری بودجه دولت را موقتاً حل کردند و هم از حادثه شدن بحران بانکی که در چند سال گذشته دامنگیر اقتصاد کشور بود جلوگیری کردند. «به نظر می‌رسید سیاستگذاران مالی و پولی ایران تصمیم گرفته‌اند اگر نه به اختیار بلکه از روی اجبار یکبار دیگر این راه رفته را بپیمایند.» (بهرروز هادی زنوز)

در این بین تلاش بانک مرکزی برای تأمین مالی کسری بودجه دولت که امید می‌رفت از طریق فروش اوراق مشارکت دولتی در بازار قابل حصول باشد، ناکام ماند و بانک مرکزی نتوانست این سیاست را به طور مؤثری به اجرا درآورد. در آن زمان از مجموع ۳۸۴ هزار و ۵۹۷ میلیارد ریال اوراق منتشر شده طی سال‌های ۱۳۹۵ تا پایان سال ۹۸ کمتر از ۴۰ درصد آن فروش رفته است. این ناکامی بانک مرکزی در تأمین هزینه‌های دولت منجر به افزایش نیاز دولت به تأمین مالی از محل فروش سهام در دست خود در بازار شد. از دیگر انگیزه‌های دولت برای ایجاد رونق بازار سهام، تأمین مالی از طریق اخذ مالیات از معاملات جاری سهام بود. معامله‌گران در بازار سهام به ازای هر تراکنش ۵ درصد از ارزش معامله را به عنوان مالیات پرداخت می‌کنند. در نتیجه تعداد معاملات بیشتر در بازار درآمد مالیاتی بیشتر برای دولت را نتیجه خواهد داد.

سرمایه‌ها به سمت بخش مولد اقتصاد نرفت

بخش بسیار زیادی از سرمایه‌های وارده به بازار سهام در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ صرف معاملات ثانویه سهام شده است که در تأمین سرمایه شرکت‌ها تأثیری ندارد. در جدول ۴ نسبت تأمین مالی بخش خصوصی و دولتی به ارزش سهام معامله شده از سال ۹۶ تا پایان سال ۹۸ شرح داده شده است.

مجموع تأمین مالی شرکت‌های دولتی و غیردولتی از بازار سرمایه در سال ۹۸ بالغ بر هزار و ۴۷۶ میلیارد ریال بوده است که کمتر از ۳۲ درصد ارزش سهام و حق تقدم معامله شده در بورس اوراق بهادار و ۱۶ درصد از ارزش کل معاملات در بازارهای بورس، فرابورس و کالا را شامل می‌شود. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، مجموع تأمین مالی از بازار سهام بین سال‌های ۹۶ تا ۹۸ به یک سوم و نسبت تأمین مالی به ارزش معاملات انجام گرفته در بورس به یک پنجم کاهش یافته است.



کم‌اطلاع در بازار به سرعت بلند شد و صف‌های فروش در بازار بزرگ‌تر شدند. سهامداران عمده و شخصیت‌های حقوقی از جمله صندوق‌های سرمایه‌گذاری از حمایت بیشتر از بازار سر باز زدند و سازمان بورس با تغییر مکرر قوانین به صورت شبانه بر نارضایتی‌ها افزود.

سیاست‌های دولت و بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی منجر به ورود سرمایه به سهام شد در تبیین شکل‌گیری حباب قیمتی

بازار را حفظ کند. قوانین مکرراً نقض می‌شد و کارگزاری‌ها در ثبت سفارش‌ها دچار خطا می‌شدند، نهادهای ناظر نیز سکوت اختیار کردند و از هشدار به مردم سر باز زدند.

آغاز سقوط بزرگ و اسلحه خالی دولت

بالاخره در ۱۹ مرداد ۱۳۹۹ حباب بازار ترکید و بازار سقوط کرد. شاخص که تا آن زمان به حدود ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار واحد رسیده بود، تا آبان ماه به یک



چگونه بحران بازار سهام به سایر بخش‌ها نفوذ کرد؟

افزایش قیمت سهام (بالا تر از ارزش ذاتی تولید)، از طریق تأثیر بر ثروت و انتظارات در جامعه منجر به افزایش قیمت در سایر کالاها و خدمات می‌شود و بر افزایش حجم نقدینگی نیز اثرگذار است. امروزه بسیاری از صاحبان بر این عقیده‌اند که افزایش ارزش ریالی سهام، (بالا تر از ارزش ذاتی)، منجر به رشد درونزای تورم در تمامی بخش‌های اقتصادی خواهد شد.

هنگامی که ارزش یک دارایی (مانند سهام) افزایش می‌یابد از طریق اثرگذاری بر ثروت خانوارها، بر تقاضای افراد برای دیگر کالاها اثرگذار خواهد بود. در واقع افراد پس از افزایش ارزش سهام خود، با فروش بخشی از آن اقدام به تهیه دیگر مایحتاج مورد نیاز خود خواهند کرد. همچنین افراد در پی انتقال بخشی از ثروت به وجود آمده به دیگر دارایی‌ها خواهند رفت.

این امر منجر به ایجاد تقاضا در بازارهای موازی و افزایش قیمت در این بازارها خواهد شد.

از طرفی، بازدهی به وجود آمده در بازار سهام به وسیله ایجاد انتظارات، افراد را به اخذ وام و سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش از اقتصاد ترغیب می‌کند که خود باعث ورود نقدینگی به این بازار و افزایش تقاضا و در نهایت ایجاد اثر تورمی ثانویه خواهد شد.

با توجه به توضیحات ذکر شده، افزایش قیمت سهام (بالا تر از ارزش ذاتی تولید) می‌تواند از طریق ایجاد تقاضا در دیگر بازارها، به افزایش قیمت تولیدات و دارایی شرکت‌ها، (و در نهایت به افزایش ارزش کل شرکت‌ها) منجر شود. افزایش قیمت سهام همچنین از طریق ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری در قیمت (ونه بازدهی) سهام، به ایجاد تقاضای کاذب در خود بازار سهام و ایجاد چرخه تورمی در اقتصاد کشور منجر خواهد شد.

نکته قابل توجه در مورد اثرات به وجود آمده از منشأ حباب قیمتی در بازار سهام، تأثیر افزایش قیمت سهام بر

خریده‌های اعتباری و اعطای تسهیلات ممکن می‌شود.

در ساز و کار خرید اعتباری، کارگزاری‌ها با وثیقه گذاشتن سهام افراد، به اعطای اعتبار به آنها برای خرید مجدد سهام اقدام می‌کنند. در سال ۹۱ در نتیجه اعطای مبالغ بالای اعتبارات از طرف کارگزاری‌ها، سازمان بورس برای کاهش ریسک اعتباری شرکت‌های کارگزاری، قوانینی را در جهت کنترل اعتباردهی تنظیم نمود. این قوانین که در ۱۸ ماده و ۱۰ تبصره ابلاغ شده بود سقف اعتبار دهی کارگزاری‌ها به هر کد معاملاتی را کاهش داد.

هیأت مدیره بورس اوراق بهادار در توجیه ایجاد محدودیت‌های جدید برای پرداخت‌های اعتباری به رشد چشمگیر خرید و فروش‌های اعتباری اشاره کرد که نشان از درجه اهمیت این موضوع در معاملات آن زمان دارد. متأسفانه به دلیل عدم ارائه عمومی صورت‌های مالی کارگزاری‌ها، اطلاع دقیقی در مورد میزان تقاضای به وجود آمده از طرف خریدهای اعتباری (در سال‌های ۹۸ و ۹۹) در دسترس نیست؛ اما به نظر می‌رسد امروزه با افزایش تعداد کدهای معاملاتی موجود در بازار، مجموع اعتبارات اعطا شده به ارقام قابل توجهی رسیده باشد.

از این منظر، افزایش ارزش سهام به معنای افزایش منابع موجود برای اخذ اعتبارات، به منظور معاملات آتی در بازار می‌باشد. به این صورت که افراد با افزایش قیمت سهام‌شان می‌توانند با به وثیقه گذاشتن آنها، اعتبارات بیشتر از کارگزاری‌ها دریافت کنند.

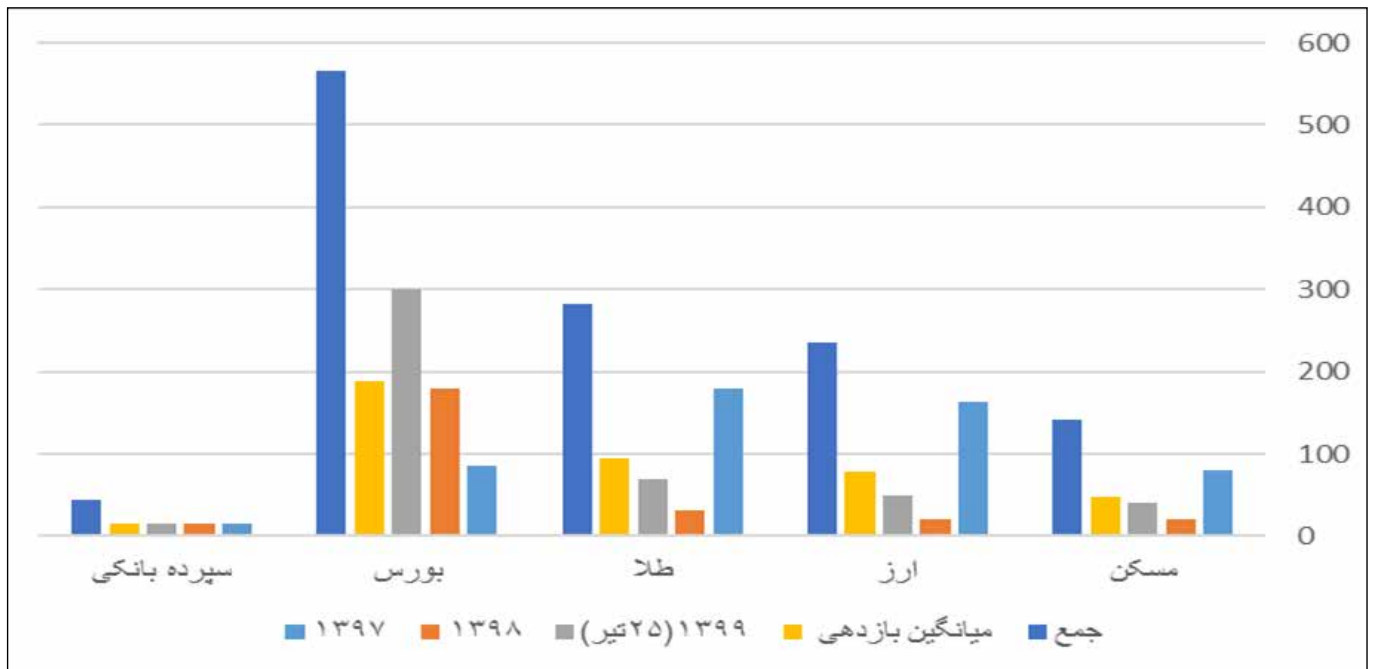
همان‌طور که در جدول توضیح داده شد، ارزش جاری بازار سهام به بالاتر از تولید ناخالص داخلی کشور رسیده بود که این امر اقتصاد کشور را به سمت بن‌بست کشاند. به این صورت که فروش سهام توسط صاحبان سهام به طور مستقیم بر نقدینگی و تورم اثرگذار خواهد بود و کاهش قیمت سهام نیز از طرق مختلف، از جمله عدم بازپرداخت وام‌های دریافتی منجر به ایجاد مشکلات جدی در اقتصاد

دولت در ۱۳۹۹ در اجرای سیاست‌ها عجولانه رفتار کرد. دعوت به سرمایه‌گذاری از طریق بازار سهام در شرایطی که حباب قیمتی در حال افزایش بود، دولت را در جایگاه متهم اصلی بحران قرار داد. بحث دیگر مشروعیت دولت بود، دولت دوازدهم پیش از این با شکست برجام و عدم توانایی در تحقق وعده‌های خود اعتبارش را در میان مردم از دست داده بود و مردم در توانایی این دولت در حل مشکلات تردید داشتند

حجم پول است.

باورها در مورد معاملات سهام به این صورت است که در هنگام فروش سهام، افراد دیگری برای خرید سهام پرداخت وجه انجام می‌دهند، در نتیجه خرید و فروش در بازار سهام نمی‌تواند عاملی برای افزایش حجم پول باشد. در پاسخ باید در نظر داشت که همه خریدها در بازار توسط آورده نقدی افراد صورت نمی‌گیرد.

بلکه بخشی از تقاضای موجود ناشی از خریدهای اعتباری و وام‌های اعطایی از طرف کارگزاری‌ها است. افزایش حجم پول در بازار اوراق بهادار از دو طریق



خواهد شد. با توجه به توضیحات بالا، می‌توان نتیجه گرفت اقتصاد کشور برای برون رفت از ناهنجاری ایجاد شده راهی جز متناسب نمودن ارزش سهام با ظرفیت‌های تولیدی و پتانسیل‌های موجود در تولید آتی، ندارد. این امر از طریق افزایش ظرفیت بخش واقعی اقتصاد یا کاهش قیمت سهام، متناسب با ظرفیت‌های موجود، قابل حصول خواهد بود.

عدم موفقیت دولت در عدم درست شرایط ریشه داشت شاید بتوان ریشه‌های عدم موفقیت دولت در اجرای سیاست‌هایش را در عدم درک درست از شرایط و ناتوانی در شناسایی تمام عوامل بحران‌زا جست‌وجو کرد. دولت در ۱۳۹۹ در اجرای سیاست‌ها عجولانه رفتار کرد. دعوت به سرمایه‌گذاری از طریق بازار سهام در شرایطی که حباب قیمتی در حال افزایش

بود، دولت را در جایگاه متهم اصلی بحران قرار داد. بحث دیگر مشروعیت دولت بود، دولت دوازدهم پیش از این با شکست برجام و عدم توانایی در تحقق وعده‌های خود اعتبارش را در میان مردم از دست داده بود و مردم در توانایی این دولت در حل مشکلات تردید داشتند. به این خاطر دولت نتوانست در تحقق اهداف خود همکاری طیف‌های مختلف جامعه را به دست آورد.

سال	تولید ناخالص داخلی (به قیمت جاری)	ارزش جاری بازار سهام	نسبت (درصد)
۹۵	۱۲۷۲۳	۳۲۲۰۴	۲۵٫۳
۹۶	۱۴۸۰۷	۳۸۲۴۲	۲۵٫۸
۹۷	۱۸۶۱۹	۶۸۲۸٫۸	۳۶٫۷
۹۸	۲۳۸۵۳	۱۸۷۳۱٫۷	۷۸٫۵
۹۹	*۳۳۳۹۴٫۲	۷۳۴۱۲٫۴	۲۱۹٫۸

سال	۹۶	۹۷	۹۸
مجموع تأمین مالی دولت، شرکت‌های خصوصی و دولتی، حقوق صاحبان سهام	۸۱۳	۱۱۵۴	۱۴۷۶
ارزش سهام و حق تقدم معامله شده در بورس	۵۳۹٫۱	۱۴۰۷٫۴	۴۶۷۳٫۷
نسبت (درصد)	۱۵۰	۸۲	۳۱٫۵
ارزش کل معاملات در بازار بورس، فرابورس و کالا	۱۶۳۳٫۴	۳۳۰۸٫۸	۹۲۸۲٫۱
نسبت (درصد)	۴۹٫۸	۳۴٫۸	۱۵٫۹

توجه دولت سیزدهم به تمامی ارکان بازار سهام بوده است

افزایش ۳۲ درصدی شاخص کل بورس در یکسال

شاخص کل بورس از عدد یک میلیون و ۱۶۳ هزار و ۷۵۷ واحد در ۲۹ خرداد ۱۴۰۰ به عدد یک میلیون و ۵۳۳ هزار و ۳۹۴ هزار واحد در ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ رسیده است

زمان افشای اطلاعات از طرف شرکت‌ها، برگزاری بموقع مجامع و کاهش زمان پرداخت سودهای مصوب سالانه به زیر سه ماه اشاره کرد. در این موارد نیز تیم اقتصادی دولت با درک درستی که از این ساختار عدالت‌گستر داشتند، در جهت تقویت هر چه بیشتر تقارن اطلاعاتی با اجرای طرح‌هایی چون افزایش هزینه عدم افشای اطلاعات برای مسئولان شرکت‌ها و ارتقای کیفیت گزارشگری، طرح‌هایی را در دستور کار قرار دادند.

به هر حال با شروع فعالیت دولت سیزدهم و با همکاری قوای مقننه و قضائیه در کنار تقویت زیرساخت‌ها، بازار بتدریج از هیجانات فاصله گرفت و دوباره به سمت رونق بازگشت.

شاخص کل بورس از زمان اعلام نتایج انتخابات ۳۲ درصد رشد داشته است

فعالان بازار می‌دانند که نوسانات در بازار امری طبیعی بوده و حرکت قیمت‌ها در یک «روند نوسانی معقول» در تمامی بازارهای سرمایه جهان وجود دارد، اما اگر به روند نوسانات بازار در یک سال گذشته بنگریم، خواهیم دید که این نوسانات در یک کانال صعودی قرار گرفته و به اصطلاح کف‌ها و سقف‌های بالاتری را نسبت به کف و سقف‌های تاریخی خود ایجاد کرده است. باید توجه داشت که خاصیت بازار سهام به همین شکل بوده و تمامی کارشناسان بر این باورند که نوسانات اینچنینی که از واکنش‌های هیجانی در بازار خالی شده است می‌تواند بسیار سازنده‌تر و کاراتر از بازاری باشد که به یکباره از وضعیت عقلایی خارج می‌شود و با فاصله گرفتن از عوامل بنیادی، به ارزشی چند برابری تنها ظرف چند ماه می‌رسد. امروزه همگان باور دارند که اوجگیری یک شبه شاخص‌ها می‌تواند چه بحران‌هایی را برای جامعه به دنبال داشته باشد و دولت سیزدهم نیز با توجه به این موضوع صبورانه در حال بهبود ساختارها و پتانسیل‌های بازار است.

با این همه، بررسی روند شاخص‌ها از زمان قطعی شدن آرا و معرفی آیت‌الله رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب در ۲۹ خردادماه ۱۴۰۰ تا ابتدای تیرماه ۱۴۰۱ با افزایش ۳۱/۷ درصدی روبه‌رو شده است و در این بازه، شاخص کل بورس از عدد یک میلیون و ۱۶۳ هزار و ۷۵۷ واحد در ۲۹ خرداد ۱۴۰۰ به عدد یک میلیون و ۵۳۳ هزار و ۳۹۴ هزار واحد در ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ رسیده است.

درمورد بازه زمانی در نظر گرفته شده برای محاسبه عدد رشد شاخص، ذکر این نکته ضروری است که از نظر علمی، اخبار تأثیرگذار همواره از طریق تعدیل انتظارات،



بازار سهام در ابتدای روی کار آمدن دولت سیزدهم با چالش‌های بسیار زیادی روبه‌رو شده بود. نقایص فراوان رگولاتور بازار و عدم توانایی شرکت و سازمان بورس در ایجاد یک بستر شفاف و منظم برای سرمایه‌گذاری و درصد بسیار پایین تأمین مالی بخش مولد از بازار سرمایه از جمله مهم‌ترین مواردی بود که از نظر کارشناسان ناکارآمدی بازار را تشدید می‌کرد. همچنین سیاست‌های دولت دوازدهم در مواجهه با ورود بخش زیادی از سرمایه‌های خرد سبب شده بود تا نه تنها سرمایه‌گذاری‌ها در جهت تعمیق بازار عمل نکنند بلکه تقریباً تمام این سرمایه‌ها در تله سوداگری گرفتار شود که در این دوران بزرگ‌ترین چالش دولت سیزدهم نیز مواجهه با چنین ایراداتی بود.

دولت سیزدهم اما در مواجهه با بحران بازار سرمایه ضمن آواربرداری از خرابه‌هایی که روحانی و مدیران وقت بر جای گذاشته بودند، باید طرحی مدون و اساسی را برای توسعه این نهاد مهم تنظیم و اجرایی می‌کرد؛ طرح‌هایی که هرچند با نتایج زودگذر و مقطعی همراه نبودند و از نظر سیاسی عایدی‌هایی برای دولتمردان و تیم اقتصادی دولت نداشتند اما می‌توانستند رکن بازار را در آینده ایران تقویت کنند و از این طریق شفافیت را در فعالیت‌های اقتصادی با شدت مناسبی افزایش دهند.

موضوع مهم دیگری که دولت سیزدهم به آن توجه بسیاری داشت تقویت سایر ارکان بازار سرمایه بود. باید توجه داشت که بازار سرمایه تنها به معاملات سهام خلاصه نمی‌شود و تشکیل و توسعه ابزارهای نوین مالی در کنار تقویت تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق این بازار، مواردی هستند که نسبت به معاملات سهام در بازار ثانویه از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار هستند. مورد دیگر تقویت معاملات از طریق سامانه‌های شفاف بورس انرژی و کالا است که در این خصوص نیز مسئولان اقتصادی دولت سیزدهم با توجه درست و بجایی که به مسأله داشته‌اند اقدام به تقویت زیرساخت‌های این بازارها کرده‌اند؛ مواردی که هرچند نتایج واقعی آنها برای اقتصاد ایران در بلندمدت مشخص خواهد شد اما در کوتاه‌مدت نیز آثار مثبتی از خود به جای می‌گذارد.

ارتقای شفافیت و تقارن اطلاعاتی از جمله دیگر ستون‌های فروریخته‌ای بود که در دولت سیزدهم ضمن بازسازی آنچه از دست رفته بود، اقداماتی در جهت مقاوم‌سازی هرچه بیشتر آن در دستور کار قرار گرفت. در این راستا می‌توان به پیگیری سازمان بورس برای کاهش

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱



■ آمار نشان می‌دهد در طول یک سال گذشته ۵۰ درصد از نمادهایی که در بازار سهام مورد معامله قرار گرفته‌اند با افزایش قیمت روبه‌رو شدند که از این مقدار ۲۰ درصد از نمادها بیش از ۵۰ درصد افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند

سپرده سکه طلا و تقویت زیرساخت‌ها برای ترویج معاملات گواهی‌های سپرده کالایی در بورس‌ها، در راستای تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری‌ها گام برداشت و زیرساختی را فراهم کرد تا از طریق آن از خروج سرمایه از سامانه‌های شفاف بورس‌ها جلوگیری شود.

همچنین با پیگیری‌های وزیر امور اقتصادی و دارایی، سازمان امور مالیاتی، معاملات گواهی‌های سپرده‌های کالایی را مشمول نرخ مالیات صفر قرار داد تا با جذابیت بیشتر این ابزارها، گام مهمی در جهت ترویج سرمایه‌گذاری از طریق بازار سهام برداشته شود.

از دیگر مواردی که تیم اقتصادی دولت به آن توجه بسیار زیادی نشان داد، تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی، بخصوص SMEها از بازار بود. همچنین دولت با ایجاد و نصب ابزارهای نوین مالی، تنوع در صندوق‌های سرمایه‌گذاری را در دستور کار قرار داد.

ترویج فرهنگ سهامداری مورد توجه دولت سیزدهم

یکی از مهم‌ترین ابعادی که در مورد بازار تخصصی سهام در دولت روحانی به آن توجه کافی نشد، فرهنگ‌سازی مناسب و فراهم نمودن بسترهای قوی برای هدایت سرمایه‌های کوچک به بخش‌های واقعی بازار بود؛ موضوعی که در نهایت منجر به هجوم خیل عظیم مردم ناآگاه به بازار شد. ناآگاهی و تحلیل اشتباه در دولت دوازدهم به حدی بود که حتی زمانی که مسئولان وقت سازمان برای جلوگیری از ورود افراد ناآگاه به بازار اقدام به تنظیم قوانینی درخصوص صدور کدهای معاملاتی کردند، دولت تمامی قوانین سازمان را یک‌شبه لغو نمود و عامدانه به اشاعه بحران به این بازار کمک کرد.

در دولت جدید اما مدیران بورس‌های

آمارهای منتشر شده از طرف بورس کالا نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ ارزش معاملات بورس کالا نسبت به سال ۱۳۹۹ به میزان ۹۷ درصد و حجم معاملات نیز ۱۱۹ درصد افزایش یافته است. این رقم در سال ۱۴۰۱ نیز نسبت به مدت مشابه سال قبل آمارهای به مراتب بهتری را نشان می‌دهد به طوری که طی چهار ماهه اول سال ۱۴۰۱ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حجم و ارزش معاملات بازار فیزیکی به ترتیب با ۱۶۲ و ۷۲ درصد افزایش روبه‌رو شده است

۱۳۹۹ و سیاست‌های بعدی دولت دوازدهم جست‌وجو کرد، سبب شده بود با ورود سرمایه به دیگر بازارها، تقاضا افزایش یابد و یک حرکت دومینووار تورمی در بازارها صورت پذیرد. تیم اقتصادی دولت با توجه به این موضوع درصدد انجام طرح‌هایی برآمد تا از خروج هرچه بیشتر سرمایه از بازار سرمایه به سمت سایر بازارهای موازی جلوگیری کند. در این راستا شورای عالی بورس با تصویب طرح‌هایی همچون طرح گواهی‌های

بر روند قیمت‌ها و نوسانات شاخص تأثیرگذار است. از این‌رو در زمان قطعی شدن انتخاب رئیس‌جمهور، بازار به طور قطع از این موضوع تأثیر خواهد پذیرفت. از این‌رو آمارها نشان می‌دهد با انتخاب آیت‌الله رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب دولت سیزدهم، بازار یک روند صعودی را آغاز کرده؛ روندی که تدریجی، منطقی و به دور از هیجان بوده است.

طرح‌هایی که سرمایه‌ها را به سمت بازار سرمایه و معاملات را به سمت شفافیت هدایت می‌کند

طی یک سال گذشته تیم اقتصادی دولت همواره سعی داشته بازار سرمایه را نسبت به بازارهای غیرشفاف سنتی جذاب‌تر کند تا نه از طریق دستور بلکه از طریق نسب و تقویت سازوکار بازار در کشور، بتواند زمین بازی را برای تمامی معامله‌گران و سهامداران تراز کند.

از جمله طرح‌هایی که در این دوره به اجرا درآمد، سامانه توثیق سهام برای اخذ تسهیلات از سیستم بانکی بود. این سامانه که امکان به توثیق درآمد سهام را برای سهامداران خرد فراهم می‌کند، گامی مهم در جهت افزایش جذابیت بازار سهام در مقابل سایر بازارها است. این سامانه که فاز اول آن به همت سازمان بورس و اوراق بهادار و وزارت امور اقتصادی و دارایی به اجرا درآمده است این قابلیت را دارد که در مراحل بعدی برای توثیق سایر دارایی‌ها در سایر ارگان‌ها از جمله قوه قضائیه نیز عمل کند و ضمن افزایش سرعت خدمات و کاهش هزینه مبادله، به افزایش درجه پیچیدگی اقتصادی در کشور و همچنین رونق بازار سهام درآینده منجر شود.

از دیگر مواردی که تیم اقتصادی دولت در طول یک سال گذشته با آن مواجه شد، خروج شدید سرمایه‌ها از بازار بود. این روند که ریشه‌های آن را باید در بحران سال

تغییرات ارزش معاملات در بورس کالا به تفکیک بازارها

بازار	تاریخ	چهارماهه نخست ۱۴۰۰ (میلیارد ریال)	چهارماهه نخست ۱۴۰۱ (میلیارد ریال)	اختلاف
بازار فیزیکی		۱۵۷۳۳۷۲	۲۷۰۲۲۴۸	٪۷۲
بازار مشتقه		۳۹۷۰۴	۴۹۳۶۱	٪۲۴
بازار ابزارهای مالی		۳۲۰۰۳	۱۲۲۸۸۳	٪۲۸۴
جمع کل معاملات شرکت بورس کالای ایران		۱۶۴۵۳۳۵	۲۸۷۴۴۹۴	٪۷۵

عملکرد شاخص‌های بازار سهام

شاخص	تغییرات شش ماهه	شاخص در ۲۹ خرداد ۱۴۰۰	شاخص در ۳۱ خرداد ۱۴۰۱	تغییرات
کل بورس	٪۱۷،۰۱	۱۱۶۳۷۵۷	۱۵۳۳۳۹۴	٪۳۱،۷
کل فرابورس	٪۱۰،۴۸	۱۷۳۲۷	۲۰۶۷۱	٪۱۹،۳
شاخص کل بورس (هم وزن)	٪۱۱،۷	۳۶۹۸۸۹	۴۲۲۲۹۳	٪۱۴،۱
شاخص کل (وزنی - ارزشی)	٪-۷،۱	۳۰۰۷۰۵	۳۷۳۲۲۴	٪۲۴،۱

برش

در ابتدای تابستان ۱۴۰۰، انحراف سرمایه‌ها به سمت سوداگری به موجب سیاست‌های دولت دوازدهم، در کنار عدم موفقیت در انتشار فرهنگ سهامداری و ارتقای سطح دانش مالی جامعه و ایجاد بزرگ‌ترین حباب تاریخی بازار سهام در مردادماه ۱۳۹۹، منجر به بزرگ‌ترین سقوط بازار و همچنین رویگردانی سهامداران از بازار شده بود. در مواجهه با این ابرچالش‌ها و دیگر مواردی همچون بی‌اعتمادی مردم به

سیاست‌گذار، بروز تخلفات گسترده در معاملات، عدم توانایی هسته معاملات در ساماندهی تراکنش‌ها، بروز مشکلات عدیده در سامانه‌های برخط کارگزاری‌ها، اشتباهات بسیار زیاد آنها در ثبت سفارش‌ها، عدم توجه به گسترش ابزارهای نوین مالی و اتخاذ سیاست‌هایی که کالاها را از عرضه در بورس‌های کالایی دور می‌کرد، بازار با یک آشفتگی و فروریختگی کامل روبه‌رو شد تا به مثابه یک خانه ویران به دولت سیزدهم واگذار شود.

چهارگانه موظف شدند در زمینه ارتقای سطح دانش عمومی جامعه طرح‌هایی را تنظیم و اجرا کنند. این روند با برگزاری ساعت‌ها کلاس آموزشی در بورس انرژی و کالا پیگیری شده و در کنار آنها کارگزاری‌ها و رسانه‌ها نیز برای ترویج فرهنگ سرمایه‌گذاری برنامه‌هایی را در دست اقدام قرار داده‌اند تا در افق زمانی میان‌مدت و بلندمدت بتوان بر درجه کارآمدی بازار سهام افزود و از این طریق قیمت‌ها در چهارچوب یک بازار عقلایی تعیین شود.

افزایش دامنه نوسان در کنار تقویت صندوق‌های تثبیت و توسعه بازار
از جمله اقدامات بنیادی دیگری که توسط دولت سیزدهم پیگیری شد، افزایش دامنه نوسان در بازار بود. این امر که از نظر بسیاری از کارشناسان بازار به‌عنوان یک رویه مناسب برای کاهش ریسک در بازار شناخته می‌شود در ماه‌های انتهایی سال ۱۴۰۰ به اجرا درآمد و به‌صورت تدریجی و طی برنامه‌ریزی مشخص ادامه یافت. افزایش دامنه نوسان و برداشتن حجم مینا برای سهام در بازار، مورد تأیید بسیاری از کارشناسان قرار گرفت.

همچنین سازمان بورس در این بازه با پیگیری پرداخت‌های معوق صندوق توسعه ملی به صندوق تثبیت بازار موفق شد به میزان قابل‌توجهی از مبالغ موردنظر را به این صندوق واریز کند تا منابع لازم برای بازگردانی در بازار فراهم شود. تقویت صندوق تثبیت بازار در کنار انجام عملیات بازگردانی در اکثر سهام موجود در بازار باعث شد بتدریج از نوسانات با بسامد بالا در سهام کاسته شود و قدرت نقدشوندگی سهام نیز به میزان قابل‌توجهی افزایش یابد.

افزایش عمق مظنه در معاملات سهام، گامی در جهت شفافیت
از دیگر اقداماتی که دولت سیزدهم

با همکاری قوه قضائیه به اجرا درآمد، افزایش عمق مظنه‌های معاملات سهام به بیش از ۳۰ مظنه در کارگزاری‌ها بود. با این اقدام که در جهت افزایش شفافیت صورت گرفت، سهامداران می‌توانند مظنه‌های بیشتری را در سامانه‌های معاملاتی رصد کنند و نسبت به سفارشات ثبت شده، با اطمینان بیشتری اقدام به خرید و فروش در بازار کنند. این موضوع همچنین امکان بروز تقلب در معاملات را تا حدود بسیار زیادی کاهش داد.

ارزش معاملات بورس کالا و انرژی با افزایش قابل توجهی روبه‌رو شده است
دولت سیزدهم در راستای تحقق یکی از مهم‌ترین شعارهای خود همواره در تلاش بوده تا ارکان شفافیت را در اقتصاد و مبادلات تجاری ایران تقویت کند. از این‌رو بورس کالا و انرژی به‌عنوان دو بستر مناسب برای تقویت شاخص‌های شفافیت و افزایش سلامت اقتصادی، مورد توجه مدیران قرار گرفته و تیم اقتصادی دولت سعی کرده با تبیین قوانین و برداشتن موانعی که بر سر راه ورود کالاها و تداوم عرضه‌ها در این بازارها وجود دارد، این دو بازار را نیز اعتلا بخشد. تداوم عرضه سیمن در بورس کالا و همچنین افزایش حجم و ارزش کالاهای عرضه شده در بورس انرژی و تالارهای مختلف بورس کالا نشان می‌دهد هرچند این راه طولانی و نیازمند همت فراوانی برای رسیدن به مقاصد اصلی است اما در حال حاضر نتایج مثبتی را برای تولیدکنندگان، متقاضیان و سهامداران در پی داشته است. ضمن اینکه این رویه به غیر از بازارهای فیزیکی در بازارهای مشتقه نیز دنبال شده و بورس کالا و انرژی با معرفی ابزارهای نوین مالی برای تنوع‌بخشی به سبد دارایی سرمایه‌گذاران سعی کردند امکان کاهش یا انتقال ریسک را برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند.

آمارهای منتشر شده از طرف بورس کالا نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ ارزش معاملات بورس کالا نسبت به سال ۱۳۹۹ به میزان ۹۷ درصد و حجم معاملات نیز ۱۱۹ درصد افزایش یافته است. این رقم در سال ۱۴۰۱ نیز نسبت به مدت مشابه سال قبل آمارهای به مراتب بهتری را نشان می‌دهد به طوری که طی چهار ماهه اول سال ۱۴۰۱ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حجم و ارزش معاملات بازار فیزیکی به ترتیب با ۱۶۲ و ۷۲ درصد افزایش روبه‌رو شده است. در بازار مشتقه نیز ارزش معاملات ۲۴ درصد و در بازار مالی نیز ارزش معاملات ۲۸۴ درصد افزایش یافته که این ارقام در مجموع نشان می‌دهد حجم کل معاملات بورس کالا با ۷۵ درصد افزایش، عملکرد بسیار خوبی را از خود به جای گذاشته است.

بورس انرژی نیز توانست در این مدت با معرفی ابزار نوین و ایجاد امکان برای معاملات برق مازاد و همچنین پیگیری برای تداوم عرضه‌های مشتقات نفتی در تالار فیزیکی خود عملکرد شایانی را از خود به جای بگذارد. با این حال عملکرد و آمارها در مورد بازار مشتقه بخصوص قراردادهای آتی و سلف در بورس انرژی همچنان ناموفق بوده که با پیگیری شورای عالی بورس و رایزنی‌هایی که در سطح وزیران در حال انجام است، امید است در این مورد نیز بزودی خبرهای خوبی به گوش برسد. در بازار هیدروکربوری بورس انرژی ایران در مجموع بیش از ۳ میلیون و ۱۴۸ هزارتن انواع فرآورده مورد معامله قرار گرفته که ارزش آن به ۵۷ هزارمیلیارد تومان می‌رسد. حدود ۲ میلیون و ۲۵۶ هزار تن از این میزان در رینگ بین‌المللی و حدود ۸۹۲ هزار تن در رینگ داخلی مورد معامله قرار گرفته است. تا روز ۲۷ مردادماه، ارزش معاملات نسبت به سال قبل ۶۳ درصد افزایش داشته است.

آینده فروشی ممنوع کاهش ۱۲ درصدی انتشار اوراق

انتشار سنگین اوراق مالی در دولت قبل عملاً موجب تعهد بازپرداخت بین ۱۰ تا ۱۲ هزار میلیارد تومان در ماه بود و دولت باید ۵۳۵ هزار میلیارد تومان اوراق قبلی را بازپرداخت می‌کرد. دولت علاوه بر انجام به‌موقع تعهدات فروش انتشار اوراق اسلامی را ۱۲ درصد کاهش داد.

رشد شش ماهه
نسبت به
شش ماهه ۱۳۹۹ -۱۲٪



ارزدهشت ۱۴۰۰



۳۹

هزار میلیارد تومان

ارزدهشت ۱۴۰۱



صفر

دولت استقراض از بانک مرکزی را به صفر رساند

دولت سیزدهم زمانی روی کار آمد که در پنج ماه اول سال ۵۴ هزار میلیارد تومان تن خواه بانک مرکزی هزینه شده بود؛ این تن خواه البته در پایان سال ۱۴۰۰ تسویه شده و در دو ماه ابتدایی سال ۱۴۰۱ دولت برای تأمین هزینه‌های خود حتی یک ریال از منابع بانک مرکزی استفاده نکرده است.





رئیس سازمان بورس در گفت‌وگو با «ایران»: تبعات اقدامات دولت قبل در بورس همچنان ادامه دارد

عملکرد ضعیف دولت قبل به اعتماد سهامداران بازار سرمایه لطمه زد

■ مجید میرزاحیدری

نظر را انجام داد. با انجام اقدامات مهم، یک اطمینان نسبی در بازار سرمایه از اسفندماه سال گذشته ایجاد شد که در ماه‌های بعد این روند ادامه داشت و همین آرامش نسبی، باعث شد تا ورود پول حقیقی به بازار سرمایه هم افزایش یابد. ناگفته نماند که عوامل متعددی در بازار سرمایه تأثیرگذار بوده که یکی از این موارد مهم، بازارهای جهانی و جنگ اوکراین و روسیه بود که باعث شد تا رکود جهانی در جهان ایجاد شود. این اتفاق منجر به ریزش قیمت جهانی از جمله در فلزات اساسی، نفت و پتروشیمی شد و بر روند شرکت‌های بورسی در داخل کشور هم اثرات خود را گذاشت و بخشی از رشد بازار هم از دست رفت.

هرچند که آمارهای سه ماهه اول امسال نشان داد که شرکت‌ها سودآوری خوبی داشته و از لحاظ بنیادین، شرکت‌ها و بازار سرمایه در شرایط خوبی قرار دارد. گزارش‌ها نشان می‌دهند که بازار سرمایه از لحاظ روانی در یک ثبات نسبی قرار گرفته و در این مدت کوتاه حضور دولت سیزدهم، انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری راه‌اندازی شده از جمله صندوق‌های اهرمی و تضمین اصل سرمایه. پرداخت سود شرکت‌ها از طریق سامانه

بازار سرمایه در آرامش، معاملات بدور از هیجانات کاذب و معامله‌گران، در قامت خریدارانی حرفه‌ای همراه با تحلیل و در نهایت سهم‌های جذاب و در مرز ارزندگی، این مهم‌ترین شاخصه امروز بازار سرمایه است در یکسالگی دولت سیزدهم. کمتر کسی است که نداند سازمان بورس و اوراق بهادار در دولت سیزدهم، بازار سرمایه را در روزهای بسیار سخت و شرایطی ملتهب تحویل گرفت. روزهایی که بازار سرمایه، یک چالش بزرگ را تازه از سر گذرانده و سقوط بزرگ شاخص کل، خاطره‌ای تلخ و بی‌اعتمادی بزرگی را برای بسیاری از سهامداران بازار سرمایه برجای گذاشته بود. فراز و فرود، به طور معمول در ذات بازار سرمایه بوده و این افت و خیزها گهگاه در حافظه معامله‌گران بازار سهام تکرار می‌شود اما ریزش سنگین شاخص بازار سرمایه در سال ۹۹ یکی از اتفاقات نادری بود که عمق این فاجعه به دلیل دعوت دولت وقت از مردم عادی برای حضور در بورس، هرگز قابل تصور نیست. واقعیت این است که دولت وقت با هدف جبران کسری بودجه و بدون گوشزد کردن ریسک‌های موجود سرمایه‌گذاری، مردم را به آمدن در بازار تشویق کرد. مردم عادی نیز در ابتدای امر و با مشاهده بازدهی‌های بازار سرمایه، به صورت توده‌وار وارد بازار سرمایه شدند، اما دست آخر، ریزش سنگین شاخص بازار، اهالی بازار سرمایه را در کمال ناباوری، به طرز عجیبی نقره داغ کرد. اکنون و با گذشت بیش از یکسال از آغاز به کار دولت سیزدهم، روزنامه ایران به بهانه فرا رسیدن هفته دولت، گفت‌وگویی هر چند مختصر با دکتر مجید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار انجام داده که از نظر می‌گذرد:

■ با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از حضور جنابعالی در مسند ریاست سازمان بورس، مهم‌ترین اقدامات دولت در حمایت از بازار سرمایه چه بوده است؟

از سهامداران در سال‌های گذشته رخ داد. بنابراین، اولین اولویت دولت سیزدهم، کاستن از میزان التهابات در بازار سرمایه بود.

دولت سیزدهم بازار سرمایه را در شرایط بسیار سختی تحویل گرفت، شرایطی که تبعات آن کماکان دامن بازار سرمایه را گرفته است. ایجاد اعتماد در بازار سرمایه همواره به صورت آهسته آهسته اتفاق می‌افتد اما از بین رفتن آن به صورت یکباره است، اتفاقی که به دلیل عملکرد ضعیف دولت قبل در مورد بازار سرمایه و تعداد زیادی

در این زمینه، اقدامات کوتاه، میان و بلندمدت برای توسعه زیرساخت‌ها و ابزارهای مورد نیاز بازار سرمایه پیگیری شد.

اولین مسأله در بودجه و لحاظ کردن دغدغه جدی صنایع در بودجه ۱۴۰۱ بود زیرا تصورات بودجه‌نویسان اولیه در مورد صنایع چندان دقیق نبود که با انتقال دغدغه اهالی بازار، دولت، اصلاحات مورد

بنابراین، اولین اولویت دولت سیزدهم، کاستن از میزان التهابات در بازار سرمایه بود.

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱

سجام پیگیری شده و در حال حاضر سود سهامداران به صورت الکترونیکی پرداخت می‌شود.

راه‌اندازی سامانه توثیق سهام به عنوان یک طرح دیگر در مدت زمان کوتاه، اقدام بعدی بوده که یک انقلابی ایجاد خواهد کرد و مطالبه سازمان بورس و اوراق بهادار از بانک‌ها این است که در این زمینه به صورت جدی وارد شوند.

■ یکی از اقدامات مهم دیگر سازمان بورس برای اولین بار، پیگیری دریافت اطلاعات دارندگان اطلاعات نهانی سازمان‌ها و شرکت‌های تأثیرگذار در بورس است، پیگیری‌ها به کجا رسید؟

در حال حاضر بخشی از دارندگان اطلاعات نهانی در مجموعه خود ناشران حضور دارند، از جمله نهادهای مالی، حسابرسان، بازرسان قانونی و دستگاه‌های ذیربط سیاستگذار در امر قیمت گذاری بخصوص در مورد مواد اولیه شرکت‌ها یا حتی هر نوع عاملی که بر روند سود و زیان شرکت‌ها تأثیرگذار هستند.

همه این سازمان‌ها باید لیست دارندگان اطلاعات نهانی خود را در اختیار سازمان بورس قرار دهند زیرا سازمان بورس سامانه‌ای را در این راستا تعریف کرده تا اطلاعات دارندگان اطلاعات نهانی، به همراه افراد تحت تکلف خود در این سامانه ثبت خواهد شد.

■ در این پیوست، حتی هر نوع معاملاتی که توسط آنها انجام می‌شود در سامانه مذکور ثبت و رصد خواهد شد که آیا معاملات آنها، ارتباطی با افراد و دارندگان اطلاعات نهانی دارد یا خیر؟

از طرف دیگر، دارندگان اطلاعات نهانی سازمان‌ها و نهادهای مختلف مالی باید آمار معاملات خود را از طریق سامانه کدال برای سازمان بورس ارسال کنند که این آمار در بخش نظارتی سازمان بورس بایگانی و رصد می‌شود که افرادی که ملزم بوده‌اند آمار اطلاعات خود را ارائه داده‌اند یا خیر؟

در حال حاضر بالای ۲۰ سازمان و نهاد، به اطلاعات نهانی دسترسی دارند که سازمان بورس و اوراق بهادار با آنها مکاتبه کرده که تا اکنون ۸ سازمان، لیست دارندگان اطلاعات نهانی خود را در اختیار سازمان بورس قرار داده‌اند هر چند که بخشی از این ارگان‌ها هنوز هم لیست درخواستی را در این خصوص ارائه نکرده‌اند.

در حال حاضر سازمان بورس از طرق مختلف در حال پیگیری بوده تا این سازمان‌ها فهرست دارندگان اطلاعات نهانی را به سازمان بورس اعلام کنند تا بعد از قرار دادن اطلاعات مذکور در سامانه، امکان نظارت بر آنها نیز مهیا شود.

■ سازمان بورس به دنبال کاستن از مدت زمان پرداخت سود سهامداران از ۸ به سه ماه است، پیگیری سازمان بورس به نتیجه مطلوب رسیده است؟

یکی از دغدغه‌های اصلی سهامداران در بازار سرمایه دریافت سود ناشی از سرمایه‌گذاری بود.

به نحوی که اگر یک فرد سهامدار چندین شرکت بود، گرفتن سود سهام برای این دسته از افراد، مستلزم صرف هزینه و وقت زیادی بود که گاهی اوقات

حتی دریافت سود سهام برای سهامداران مقرون به صرفه هم نبود.

با پیگیری جدی سازمان بورس، اکنون پرداخت سود سهام به صورت الکترونیکی شده و از طریق سامانه سجام انجام می‌شود.

مسئله دیگر که در حال حاضر در حال پیگیری بوده پرداخت سود سهامداران حقیقی در مدت زمانی کوتاه‌تر بوده که در این صورت، این امر منجر به کمک مجدد به خود بازار سهام است.

چون سود نقدی سهامداران به صورت مجدد در بازار بورس سرمایه‌گذاری می‌شود.

بنابراین در پیگیری سازمان بورس قرار شده که پرداخت سود سهامداران که طبق قانون تجارت که در حال حاضر ۸ ماه بوده به سه ماه، کاهش یابد.

البته اجرایی شدن این امر، منوط به تصویب قانون اصلاح بازار سرمایه در مجلس شورای اسلامی بوده که هر زمان مصوب شد، اجرایی هم خواهد شد.

یکی از اقدامات مهم این دولت، بهبود جدی شاخص افشای اطلاعات ناشران بورسی بوده به نحوی که گفته می‌شود این شاخص از عدد ۲۹ روز به نصف روز

رسیده، سازمان بورس با چه مکانیسمی توانست، شاخص مذکور را بهبود بخشد؟ در سال‌های قبل، یکی از مشکلات بازار سرمایه، انتشار توأم با تأخیر زیاد اطلاعات ناشران بورسی بوده که این تأخیرها دلایل زیادی داشت که یکی از این دلایل، تخلف ناشران بورسی بود. دلیل دیگر این تأخیرها در انتشار اطلاعات ناشران، ناشی از ابهاماتی بود که در این مسیر وجود داشت و ناشر نمی‌توانست صورت‌های مالی خود را بموقع منتشر کند.

سازمان بورس و اوراق بهادار تسریع در افشای اطلاعات ناشران بورسی را از چند جنبه پیگیری شد، ابتدا، پیگیری پرونده‌های ناشران متخلف در دادگاه بود، زیرا عدم افشای بموقع اطلاعات ناشران بورسی وصف مجرمانه دارد که با پیگیری سازمان بورس، در این راستا احکام خوبی هم صادر شد.

بخش دیگر این ماجرا، مربوط به پیگیری از مراجع، دستگاه‌های حاکمیتی و دولتی بود تا تکلیف شرکت‌های بورسی زودتر روشن شود، مانند صدور سریع‌تر دستورالعمل قیمت‌گذاری، بنابراین همه پیگیری‌ها و نظارت‌های دقیق باعث شد که اکنون میزان عدم افشای اطلاعات ناشران بورسی، تقریباً به صفر رسیده، البته افشای توأم با تأخیر اطلاعات ناشران هم به کمترین میزان خود رسیده است.

■ به نظر می‌رسد که سازمان بورس بعد از بهبود شاخص افشای اطلاعات ناشران بورسی، به سراغ افشای آرای تخلفات ناشران خواهد رفت، این اقدام مهم از چه زمانی اجرایی می‌شود؟

باتوجه به اینکه در حال حاضر تأخیر در افشای اطلاعات ناشران بورسی و همچنین موارد تخلف بسیار کاهش یافته، بنابراین نظارت‌های مستمر سازمان بورس همچنان تشدید شده است.

یکی از موارد و اقدامات مهم برای اولین بار در بازار سرمایه که سازمان بورس به تازگی دنبال کرده، انتشار آرای تخلفات است که بر این اساس، به فعالان بازار سرمایه اعلام خواهد شد که چه ناشرانی در سازمان بورس آرای تخلفات دارند.

به عبارت بهتر، قرار است اسامی افراد یا ناشرانی که آرای منجر به جریمه نقدی، سلب صلاحیت و امثال این موارد دارند، در بازار سرمایه افشا شود.

پرداخت سود سنواتی یکی از اقدامات مهم دولت در حمایت از سهامداران بود، در این خصوص، توضیح کامل‌تری ارائه فرمایید.

بررسی‌ها نشان داد که سود سنواتی بیش از ۷/۵ میلیون نفر در شرکت‌ها باقی مانده بود که بسیاری از این افراد فراموش کرده بودند که حتی سودی دارند.

برای مثال یک فرد در ۵ شرکت سهامدار بوده که مربوط به سال‌ها قبل بود که با پیگیری‌ها در حال حاضر ۷/۵ میلیون سهامدار سود خود را دریافت کرده‌اند و همچنان پیگیری‌ها تا حصول نتیجه نهایی ادامه دارد.

■ تکلیف سهامداران ناشران ورشکسته و

ایجاد اعتماد در بازار سرمایه

همواره به صورت آهسته

آهسته اتفاق می‌افتد اما

از بین رفتن آن به صورت

یکباره است، اتفاقی که به

دلیل عملکرد ضعیف دولت

قبل در مورد بازار سرمایه و

تعداد زیادی از سهامداران

در سال‌های گذشته رخ داد.

بنابراین، اولین اولویت دولت

سیزدهم، کاستن از میزان

التهابات در بازار سرمایه بود



یا نمادهای اخراج شده از بازار سرمایه چه زمانی روشن می‌شود؟

واقعیت این است که وضعیت شرکت‌های اخراجی از بازار سرمایه با شرکت‌های ورشکسته متفاوت است. روند فعالیت در شرکت‌های ورشکسته متوقف بوده و مدیر تسویه باید با سهامداران تسویه کند، اما با توجه به اینکه شرکت‌های اخراج شده از بازار سرمایه سهامی عام هستند، در بازار پایه با یک محدودیت‌ها و سطح ریسک‌های متفاوت مورد معامله قرار می‌گیرند. در حال حاضر تمام ابزارها در بازار سرمایه دارای یک سطحی از ریسک هستند، بنابراین معامله‌گران دقت داشته باشند که برخی از ابزارها در بازار سرمایه دارای ریسک کمتر و برخی هم دارای ریسک بیشتر هستند. واقعیت این است که بازار پایه در قیاس با بازار اصلی، دارای ریسک به مراتب بیشتری است.

ناگفته نماند که یکی از معضلات در بازار سرمایه سال ۹۹ افرادی بودند که بدون شناخت از مختصات بازار، سهام شرکت‌های حاضر در بازار پایه را خریداری و زیان هم کردند. فراموش نکنیم که شرکت‌های ورشکسته هم در بازار پایه در قالب تابلوی‌های نارنجی و قرمز معامله شدند که سرمایه‌گذاران باید در معاملات در این سهم‌ها هم دقت بیشتری کنند.

■ برخی رسانه‌ها مدعی شدند که در یکسال اخیر ارقام سنگینی از بازار سرمایه خارج شد، در حالی که برخلاف این اظهارات، بخش مهمی از این منابع جذب صندوق‌های با درآمد ثابت شد، بررسی سازمان بورس حاکی از چیست؟

سرمایه‌گذاران در شرایط مختلف، متناسب با شرایط خود تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند، شکی نیست که نیمی از منابعی که گفته می‌شود از بازار خارج شده جذب صندوق‌های سرمایه‌گذاری شده و یا در صندوق‌های سرمایه‌گذاری پارک شده و مترصد مشخص شدن تکلیف برای بازگشت مجدد در بازار سرمایه است.

بنابراین بخش مهمی از این منابع که گفته می‌شود از بازار خارج شده در خود بازار بوده هرچند که بخشی از این منابع هم جذب بازارهای رقیب شده است.

در بازار سهام، مواردی چون ماده و تبصره و محدودیت‌ها و نظارت‌هایی وجود دارد که این موارد در بازارهای رقیب وجود ندارد، بنابراین برخی معامله‌گران با خروج از بازار و حضور در بازار رقیب بدون نظارت ناظران، معاملاتی انجام داده و بازدهی‌هایی هم کسب کرده‌اند اما در کل، همین پول‌های سیار که از بازار سرمایه جذب بازار رقیب شده هم به محض بروز یک اتفاق، مجدداً به بازار سرمایه برمی‌گردد.

نکته مهم دیگر اینکه حقوقی‌های بازار هم در همین بین، منابعی وارد بازار سرمایه کردند، بنابراین پولی از بازار خارج نشد چون حقوقی‌ها خروج حقیقی‌ها را جبران کردند.

البته رفتار حقوقی‌ها را در قبال بازار

سرمایه نمی‌توان به صورت مطلق قضاوت کرد.

در مقطعی در بازار حقوقی‌ها بخوبی به کمک بازار آمده و تا اکنون هم پای کار ایستاده‌اند و منابع خوبی هم وارد بازار کرده‌اند.

با این حال، از دید سازمان بورس نمره حمایت حقوقی‌ها متوسط به بالا است، هرچند که در مقطعی هم کم‌کاری‌هایی کردند.

ذکر این نکته هم بسیار اهمیت دارد که شخص رئیس جمهوری پیگیر وضعیت بازار و سهامداران بوده و بعد از دستور شخص رئیس جمهوری، وزرا نسبت به وضعیت بازار حساس‌تر شده و به صورت دائم وضعیت بازار در حال پیگیری است.

■ با توجه به اقدام مهم دولت در مورد ورود دو باشگاه پرسپولیس و استقلال و شفاف‌سازی در مورد این دو باشگاه در بازار سرمایه، اما چرا جزئیات قراردادهای نقل و انتقال بازیکنان همچنان شفاف نیست؟

سازمان بورس نه تنها در مورد این دو باشگاه بلکه در مورد همه ناشران بورسی، شفافیت بیشتر را دنبال می‌کند.

با توجه به وضعیت نماد این دو باشگاه در بورس، احکامی که برای این دو شرکت وجود دارد همانند سایر شرکت‌های پذیرش شده در بورس نیست چون ریسک سرمایه‌گذاری در این دو باشگاه، همچنان بالا است.

دو باشگاه مذکور برای اولین بار وارد بازار سرمایه شده‌اند، بنابراین سرمایه‌گذاران در سرمایه‌گذاری در مورد این دو باشگاه باید دقت کنند و شفافیت در این دو باشگاه باید به صورت پلکانی صورت بگیرد.

کنترل داخلی و حسابرسی در این دو باشگاه تا اکنون چندان دقیق نبوده و برای این دو باشگاه باید یک مسیری طی بشود تا به مرز شفافیت برسند و درآمدزایی خوبی داشته باشند که ممکن است این روند سه سال هم طول بکشد.

حقوقی‌های بازار هم در همین بین، منابعی وارد بازار سرمایه کردند، بنابراین پولی از بازار خارج نشد چون حقوقی‌ها خروج حقیقی‌ها را جبران کردند. با این حال، از دید سازمان بورس نمره حمایت حقوقی‌ها متوسط به بالا است، هرچند که در مقطعی هم کم‌کاری‌هایی کردند.



شاهین و کوئیک محصولات
گروه خودروسازی سایپا

آریا

محصول جدید گروه خودروسازی سایپا

